

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه پدافند غیرعامل و امنیت

شماره سی و سوم / زمستان ۱۳۹۹

علمی - ترویجی / سال نهم

صاحب امتیاز: دانشکده علوم و فنون فارابی
مدیر مسئول: دکتر مصطفی ساوه درودی
سر دبیر: دکتر محمدباقر خرمشاد
مدیر اجرایی: محمدحسین پناهی
ویراستار ادبی: آرش علوی فر
صفحه آرایی: علی رودگر صفاری
مترجم: مهدی رسولی
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

اعضای شورای نویسندگان

دکتر محمدباقر خرمشاد: استاد علوم سیاسی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
دکتر حبیب الله سیاری: استاد مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی
دکتر فراهاد جاویدراد: استاد مهندسی هوافضا دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری
دکتر مصطفی شاهرزایی: استاد طب نظامی دانشگاه علوم پزشکی آجا
دکتر علیرضا استعلاجی: استاد جغرافیا دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی
دکتر فتح الله رشیدزاده: دانشیار امنیت ملی دانشکده علوم و فنون فارابی
دکتر حبیب الله ابوالحسن شیرازی: دانشیار علوم سیاسی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی

مشاوران و همکاران علمی

مهدی اسمعیلی، پژهان، دانیال حیدری، حسین ربیعی، مصطفی ساوه درودی، جمشید شریفیان،
رہبر طالعی حور، کاویانی راد، افشین متقی، محسن مرادیان، عباس ملکی، حمیدرضا نامی، احسان یاری.

نشانی: تهران / بزرگراه ارتش / چهارراه مینی سیتی / بلوار نیروی زمینی / دانشکده علوم و فنون فارابی /
معاونت پژوهش / فصلنامه پدافند غیرعامل و امنیت

صندوق پستی: ۱۶۹۵۸۳۵۶۸۳ / تلفن: ۲۹۹۴۲۶۷۸ / دورنگار: ۲۹۹۴۲۶۷۸

تارنمای فصلنامه: www.fstc.ac.ir / رایانامه: Farabiun@yahoo.com - Padafandmag@yahoo.com
شماره استاندارد بین المللی: ۱۷۳۵-۸۶۷۱

شرایط تدوین مقاله برای چاپ در فصلنامه پژوهشی پدافند غیرعامل و امنیت

الف) ملاحظه‌های کلی

- ۱- مقاله‌ها مربوط به حوزه‌های پدافند غیرعامل با گرایش به ابعاد مختلف امنیت و امور پدافندی باشند.
- ۲- مقاله نباید قبلاً یا هم‌زمان برای چاپ یا ارائه به نشریات یا همایش‌های دیگر ارسال شود.
- ۳- نام نویسنده یا نویسندگان با رشته و رتبه علمی، آدرس رایانامه در شناسه پژوهش (زیر موضوع) نوشته شود.

ب) ساختار و شکل ارائه پژوهش

- ۱- رعایت ساختار پیشنهادی الزامی است؛ عنوان، چکیده (حداکثر ۸ سطر)، کلیدواژه (حداکثر ۵ واژه)، مقدمه (دربرگیرنده بیان مسئله و ضرورت، سؤال، فرضیه، روش پژوهش و پیشینه)، مفاهیم و مبانی نظری، داده‌ها و تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش، نتیجه‌گیری و منابع. (توجه شود فقط موارد **bold** شده می‌بایست به عنوان سرخط مقالات مشخص شده باشند و سایر موارد با فونت معمولی و زیرگروه این عناوین قرار گیرد).
- ۲- مقاله حداکثر ۲۴ صفحه A4 با نرم افزار Word 2010 و قلم Traditional Arabic، فونت ۱۴ و چکیده لاتین با فونت Calibri 11 تنظیم گردد.
- ۳- نمودارها، جدول‌ها و شکل‌ها با یکی از نرم‌افزارهای Office به زبان فارسی طراحی و اختصارات آن‌ها در پی‌نوشت توضیح داده شود. نمودارها، جدول‌ها و شکل‌ها باید شماره‌های متوالی داشته باشند و بدون نیاز به مراجعه به توضیحات متن گویا و خوانا باشند.

ج) روش ارجاع به منابع

- ۱- در متن مقاله
 - ۱-۱- مأخذ در متن مقاله داخل کمانه به صورت (نام خانوادگی، سال انتشار: شماره صفحه)؛ مانند (محمدی، ۱۳۹۰: ۲۵)، (Mohammadi, 2011: 25).
 - ۱-۲- اشاره به منابع با چند نویسنده به صورت (نویسنده و همکاران، سال انتشار: شماره صفحه)؛ مانند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۷)، (Mohammadi, etal, 2011: 67).
 - ۱-۳- اشاره به آدرس‌های اینترنتی به صورت (نام خانوادگی نویسنده / نام مرجع تدوین کننده، سال)
 - ۲- در پایان پژوهش
 - ۱-۲- فهرست منابع در پایان پژوهش به ترتیب حروف الفبا نوشته شود.
 - ۲-۲- در ابتدا کتاب تألیفی: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب، محل نشر: نام ناشر.
 - ۲-۳- کتاب ترجمه: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم، محل نشر: نام ناشر.
 - ۲-۴- پژوهش: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان پژوهش»، نام فصلنامه، دوره، شماره، شماره صفحات (ابتدا و انتهای مقاله).
 - ۲-۵- آدرس اینترنتی: نام خانوادگی، نام نویسنده و نویسندگان / مرجع تدوین کننده، عنوان مطلب، آدرس صفحه اینترنتی، تاریخ بارگذاری، تاریخ مشاهده.

د) یادآوری

- ۱- دیدگاه‌های ارائه شده در مقاله‌ها بیانگر نظر و دیدگاه فصلنامه نیست.
- ۲- مسئولیت ناشی از درستی علمی دیدگاه‌ها و ارجاعات مندرج در مقاله به عهده نویسنده یا نویسندگان است.
- ۳- فصلنامه در رد، پذیرش، اصلاح، تلخیص و ویراستاری مقاله‌ها آزاد بوده و در بازگرداندن مقاله‌ها الزامی ندارد.
- ۴- دریافت مقاله از سوی فصلنامه الزاماً به معنای پذیرش قطعی برای چاپ و انتشار نیست.
- ۵- نقل مطالب فصلنامه با ذکر منبع آزاد است.



ایالات متحده آمریکا و بر ساخت تهدید از برنامه دفاع موشکی ایران

ابراهیم باقری، محمد قیصری..... ۵

بررسی نقش تحریم های اقتصادی بر امنیت ملی ایران

نرجس سادات مسینی..... ۳۳

پیشران های انقلابی مبتنی بر عدالت در بیانیه گام دوم انقلاب و نقش آن در مدیریت بحران

امسان (هام)..... ۵۷

تأثیر عوامل ژئواکونومی کشور پاکستان بر سیاست های دفاعی جمهوری اسلامی ایران

مهدی مهدوی زاده، علی اصغر اسماعیل پور روشن..... ۷۵

تبیین رابطه جغرافیا و هویت ملی، از منظر روایت جغرافیایی

مریم (همانی)، یدالله کریمی پور، عطاءالله عبدی، مراد کاویانی راد..... ۱۰۵

تبیین عوامل کلیدی تأثیرگذار بر امنیت زیست محیطی ایران در افق زمانی ۱۴۰۸

یاشار ذکی، سجاد نمفی..... ۱۲۱



ایالات متحده آمریکا و بر ساخت تهدید از برنامه دفاع موشکی ایران

ابراهیم باقری^۱

محمد قیصری^۲

چکیده

برنامه دفاع موشکی، مهم‌ترین بخش راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات خارجی است. با وجود نبود ممنوعیت حقوقی و بین‌المللی در ارتباط با توسعه برنامه دفاع موشکی ایران، ایالات متحده آمریکا همواره به دنبال تهدیدسازی و بازنمایی آن به مثابه تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی با هدف بازیابی اجماع از دست‌رفته در تحریم‌ها علیه ایران می‌باشد. از منظر مکتب کپنهاگ، امنیتی‌سازی معادل و در تناظر با تهدیدانگاری از پدیده‌ای است که لزوماً ناظر به یک خطر واقعی نیست، بلکه ایجاد باور مشترک و جمعی مبنی بر تهدیدآمیز بودن آن پدیده، مقابله با آن را توجیه‌پذیر می‌کند. بازیگر امنیتی‌ساز (ایالات متحده آمریکا) با بازنمایی یک موضوع (برنامه دفاع موشکی ایران) به عنوان تهدید وجودی، اقدامات فوری و استثنایی برای مقابله با آن را توجیه می‌کند. مبتنی بر فرضیه پژوهش، استراتژی آمریکا برای اجرایی کردن این رویکرد، بر دو ستون «قابلیت برد» و «حمل کلاهک» موشک‌های ایران استوار است. در این راستا، ایالات متحده آمریکا با برجسته‌سازی برد موشک‌های ایران در صدد معرفی اقدامات ایران در راستای توسعه برد این موشک‌ها تا دستیابی به موشک‌های قاره‌پیما (ICBM) است و از طرف دیگر با تاکید بر قابلیت حمل کلاهک این موشک‌ها، درصد بازنمایی آنها به مثابه موشک‌ها بالستیک حامل کلاهک هسته‌ای است. روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیلی-تبیینی بوده و از ابزار کتابخانه‌ای، اسنادی، منابع الکترونیکی و پایگاه‌های اینترنتی و اظهارات مقامات مربوطه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

واژگان کلیدی: برنامه موشکی ایران، بر ساخت تهدید، مکتب کپنهاگ، برد موشکی، قابلیت حمل کلاهک

۱. دانشجوی دکتری رشته مطالعات منطقه ای (گرایش اروپا) - دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران - پژوهشگر ارشد مسائل اروپا. (نویسنده مسئول)
bagheri68@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد تهران، تهران: ایران. پژوهشگر ارشد مسائل خاورمیانه.
mosari83@gmail.com

جستار گشایی

تهدیدسازی از اقدامات ایران از مهم‌ترین رویکردهای ایالات متحده آمریکا در چارچوب استراتژی فشار حداکثری در دوره ترامپ، با هدف ایجاد اجماع بین‌المللی در اقدام علیه ایران است. این رویکرد بر چهار حوزه برنامه موشکی، برنامه فضایی، برنامه هسته‌ای و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران متمرکز است. پژوهش حاضر به بررسی و واکاوی اقدامات ایالات متحده آمریکا در حوزه تهدیدسازی از برنامه موشکی ایران می‌پردازد که از اولویت بیشتری نیز برای آمریکا برخوردار است، می‌پردازد. برنامه موشکی ایران اگرچه از همان ابتدا مورد توجه ایالات متحده آمریکا بوده است، اما پیشرفت‌های اخیر ایران در توسعه برنامه موشکی مبنی بر نقض موازین و قواعد بین‌المللی، به ویژه قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت مواجهه شده است. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران همواره اعلام کرده است که برنامه موشکی این کشور، در چارچوب راهبرد دفاعی و مبتنی بر الگوی بازدارندگی است و از مشروعیت حقوقی و بین‌المللی لازم برخوردار است. بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که در صورت مشروعیت برنامه موشکی ایران یا دست کم نبود ممنوعیت بین‌المللی، ایالات متحده آمریکا چگونه و بر اساس چه مولفه‌ها یا سازوکارهایی درصدد تهدیدسازی از برنامه موشکی ایران و بازنمایی آن به مثابه تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است که قابلیت پذیرش و همراهی عام در جامعه بین‌المللی را داشته باشد؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه پژوهش این است که رویکرد آمریکا در پیشبرد این هدف، بر دو مولفه «برد» و «قابلیت حمل کلاهک» موشک‌های ایران استوار است. در این چارچوب ایالات متحده آمریکا با برجسته‌سازی برد موشک‌های ایران درصدد معرفی اقدامات ایران به منظور دستیابی به موشک‌های قاره‌پیماست و از طرف دیگر با تاکید بر قابلیت حمل کلاهک، درصدد بازنمایی آنها به مثابه موشک‌های بالستیک حامل کلاهک هسته‌ای است. هدف اصلی از این پژوهش، تبیین اهداف ایالات متحده آمریکا در چارچوب استراتژی فشار حداکثری، شناسایی عرصه‌های عملیاتی کردن و پیاده‌سازی این استراتژی (در این مقاله: برنامه موشکی ایران) و سازوکارها و مولفه‌های مورد استفاده در گفتمان امنیتی‌سازی و برساخت تهدید می‌باشد.

در راستای آزمون فرضیه، مقاله حاضر در چهار بخش به بررسی موضوع می‌پردازد. در بخش اول و به منظور ارائه تبیین نظری متناسب با موضوع پژوهش، از نظریه «امنیتی‌سازی»^۱ و برساخت تهدید^۲ که از انگاره‌های اصلی مکتب کپنهاگ^۳ است، استفاده شده است. از منظر مکتب کپنهاگ، امنیتی‌سازی معادل و در تناظر با تهدیدانگاری از یک پدیده واقع می‌شود که لزوماً ناظر به یک خطر واقعی نیست، بلکه ایجاد باور مشترک و جمعی مبنی بر تهدیدآمیز بودن پدیده‌ای، مقابله با آن و تأمین امنیت را توجیه‌پذیر می‌کند. در این چارچوب بازیگر امنیتی ساز (ایالات متحده آمریکا) با بازنمایی یک موضوع (برنامه دفاع موشکی ایران)

1. Securitizing
2. Treat Construction
3. Copenhagen School

به‌عنوان منبع تهدید، اقدامات فوری برای مقابله با آن را توجیه می‌کند. با توجه به روش مورد استفاده در این پژوهش (روش توصیفی-تحلیلی) در بخش دوم، توصیفی از تاریخچه، تحولات و وضعیت کنونی برنامه موشکی ایران ارائه و در بخش سوم به مشروعیت حقوقی آن پرداخته شده است. هدف از طرح بحث حقوقی برنامه موشکی ایران کمک به تبیین و پیشبرد بهتر این موضوع است که با وجود مشروعیت حقوقی برنامه موشکی ایران یا دست کم نبود ممنوعیت بین‌المللی برای توسعه آن، ایالات متحده آمریکا درصدد بازنمایی آن به مثابه تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است که موضوع اصلی پژوهش حاضر در بخش چهارم است. یافته‌های پژوهش در بخش چهارم که بدنه تحلیلی و اصلی پژوهش است، نشان می‌دهد که آمریکا با تمرکز بر دو مولفه «برد» و «قابلیت حمل کلاهک»، درصدد امنیتی کردن و تهدیدسازی از برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران است.

در حوزه چارچوب تفوریک پژوهش حاضر (مکتب کپنهاگ)، کتاب «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت» (بوزان و دیگران: ۱۳۸۶) نخستین و از مهم‌ترین آثار مربوط به موضوع امنیتی سازی است که به فارسی نیز ترجمه شده است. در این راستا، اثر مذکور در تبیین موضوع امنیتی سازی به عنوان مفهوم محوری مقاله حاضر، سهم به سزایی داشته است. همچنین پژوهش‌های دیگری همچون «نظریه و روش در مطالعات امنیتی کردن» (دهقانی فیروزآبادی و قرشی: ۱۳۹۱)، «نگاه کپنهاگی به امنیتی سازی: مبانی و چالش‌ها» (زارع‌زاده ابرقویی: ۱۳۹۶) و «امنیت بین‌الملل» (شیهان: ۱۳۸۸) انجام گرفته است که اگرچه به تقویت چارچوب نظری پژوهش حاضر کمک می‌نمایند، اما به لحاظ موضوعی به حوزه‌های نظری روابط بین‌الملل تعلق دارند و با موضوع پژوهش که بررسی رویکرد ایالات متحده در امنیتی سازی از برنامه موشکی ایران است، متفاوت است.

ارغوانی پیرسلامی و پیراخو (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحول فناوری موشکی و راهبرد دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، به برنامه موشکی ایران پرداخته‌اند. نویسندگان اگرچه برنامه موشکی را موضوع پژوهش خود قرار داده‌اند، اما همانگونه که از عنوان آن پیداست، هدف اصلی نگارندگان این مقاله بررسی تاثیر تحول برنامه موشکی بر راهبرد دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران است و از این منظر با مسئله اصلی پژوهش حاضر که بررسی رویکرد ایالات متحده آمریکا در تهدیدسازی از برنامه موشکی ایران است، متفاوت می‌باشد. در پژوهش دیگری با عنوان «برسازی امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران» (مرادی‌فر و امیدی: ۱۳۹۳)، امنیتی سازی برنامه هسته‌ای ایران مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله به تبیین و بررسی کنش کلامی رسانه‌ها و نهادهای غربی و ازجمله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در امنیتی ساختن و بزرگنمایی از برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۳۸۰ پرداخته است. این پژوهش از این جهت که امنیتی سازی را رویکرد اصلی پژوهش قرار داده، با پژوهش حاضر مشابه است، اما مورد بررسی^۱ آن (برنامه هسته‌ای) با

پژوهش حاضر (برنامه موشکی) متفاوت است و از طرفی به جهت زمانی نیز مقاله مربوط به یک دهه پیش است.

علاوه بر این، آثار متعددی درخصوص برنامه موشکی ایران به لاتین موجود است که در این پژوهش نیز بر حسب نیاز برخی از این آثار مورد بررسی و استفاده قرار گرفته است. باگات (Bahgat: 2019) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی برنامه موشکی بالستیک ایران و برنامه فضایی»^۱ به بررسی برنامه فضایی ایران در بستر برنامه موشکی می‌پردازد. از منظر باگات، برنامه فضایی به مثابه پوششی برای توسعه برنامه موشکی بالستیک ایران است؛ چنین برداشت و خوانشی از برنامه موشکی ایران، رویکرد مسلط تحلیلی در اغلب آثاری است که به زبان لاتین در مورد توسعه برنامه موشکی ایران نوشته شده است. در همین راستا، هیلدرث (Hildreth: 2012, 2020) در گزارشی با عنوان «برنامه موشکی بالستیک و برنامه فضایی ایران»^۲، کوردشمن (Cordesman: 2019) در «تهدید برنامه موشکی ایران»^۳، کاراکو و ویلیامز (Karako and Wiliams: 2017) در «دفاع موشکی ۲۰۲۰»^۴ و کاراکو (Karako: 2019) در «بازنگری دفاع موشکی»^۵ نیز در همان مسیر تحلیلی جریان غالب، برنامه موشکی ایران را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی و در پیوند با برنامه هسته‌ای مورد بررسی قرار داده‌اند.

ضرورت و اهمیت پژوهش

بعد از توافق هسته‌ای (برجام)، تهدیدسازی از برنامه دفاع موشکی ایران به مهم‌ترین رهیافت ایالات متحده آمریکا با هدف بازیابی اجماع جهانی علیه ایران تبدیل شد. در این راستا ایالات متحده با پیوند زدن برنامه موشکی ایران به موضوع هسته‌ای درصدد حفظ و تداوم گفتمان امنیتی‌سازی پیرامون جمهوری اسلامی ایران است. اهمیت پژوهش حاضر در این است که ضمن طرح فرضیه مذکور، به بررسی این موضوع می‌پردازد که ایالات متحده آمریکا چگونه و مبتنی بر چه سازوکارها و توجیهاتی درصدد پیشبرد این رویکرد است. از طرفی با توجه بدیع و به روز بودن موضوع پژوهش و نوع نگاه آن در بازنمایی اهداف ایالات متحده در تهدیدسازی از برنامه موشکی ایران و کمبود ادبیات پژوهشی در این حوزه به ویژه در زبان فارسی، تولید ادبیات علمی و پژوهشی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به حجم عظیم ادبیاتی که به زبان لاتین و عمدتاً با رویکرد انتقادی از برنامه دفاع موشکی ایران که توجیه‌کننده گفتمان تهدیدسازی و امنیتی‌سازی ایالات متحده آمریکاست، پژوهش‌هایی از این دست ضمن شالوده‌شکنی از این گفتمان و آشکارسازی اهداف آمریکا، می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاران دستگاه دیپلماسی و امنیتی کشور باشد.

1. Iran's Ballistic Missile and Space Program: An Assessment

2. Iran's Ballistic Missile and Space Launch Programs

3. The Iranian Missile Threat

4. Missile defense 2020: next steps for defending the homeland

5. The Missile Defense Review

۱- چارچوب نظری پژوهش

امنیتی سازی از انگاره‌های اصلی مکتب کپنهاگ است که از اواسط ۱۹۹۰ و به‌ویژه با انتشار کتاب «چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت»^۱ توسط بری بوزان، الی ویور و جاپ دووید^۲ وارد ادبیات روابط بین‌الملل شد (McDonald, 2008: 5). از منظر مکتب کپنهاگ، امنیتی سازی کنشی کلامی است که به‌صورت بیناذهنی^۳ شکل گرفته و در آن بازیگر امنیتی ساز^۴ با جلوه دادن یک موضوع (مرجع امنیت) به‌عنوان تهدید وجودی، اقدامات فوری و استثنایی برای مقابله با آن را توجیه می‌کند (Stritzel, 2007: 358). امنیتی سازی معادل و در تناظر با تهدیدانگاری یک پدیده واقع می‌شود که خود، محصول درک بیناذهنی اعضای جامعه اعم از داخلی و بین‌المللی است. این مسئله از یک سو نشان دهنده این است که تهدیدها با اتکا به اذهان شکل می‌گیرند و از سوی دیگر تهدیدها لزوماً ناظر به یک خطر واقعی نیستند، بلکه ایجاد باور مشترک و جمعی مبنی بر تهدیدآمیز بودن پدیده‌ای، مقابله با آن را توجیه‌پذیر می‌کند. لذا می‌توان گفت امنیتی سازی، به خارج ساختن یک مسئله از حوزه سیاست عادی و واردسازی آن به قلمرو سیاست اضطراری از طریق بازنمایی آن به مثابه تهدید وجودی اشاره دارد (زارع‌زاده ابرقویی، ۱۳۹۶: ۹۳). ویور امور امنیتی را در تناظر با تهدید ارزیابی می‌کند و معتقد است هر موضوعی زمانی در دایره موضوعات امنیتی قرار می‌گیرد که به‌صورت «تهدید وجودی»^۵ جلوه‌گر شود. به‌عبارتی دیگر امنیتی سازی نمونه شدیدتری از سیاسی کردن است (شیهان، ۱۳۸۸: ۷۵).

از نظر مکتب کپنهاگ، هر کسی می‌تواند پدیده‌ای را امنیتی کند؛ پدیده‌هایی که صرفاً نظامی نبوده بلکه پدیده‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی هم قابلیت امنیتی شدن دارند. بازیگر امنیتی ساز ممکن است فرد، گروه یا دولتی باشد که موضوعات را با اظهار این مسئله که چیزی از لحاظ وجودی در معرض تهدید است، امنیتی می‌سازد (امیدی و مرادی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۲۷). تهدید وجودی به حدی از تهدید اشاره دارد که موجودیت را به خطر می‌اندازد و به همین دلیل رسیدگی به آن در اولویت قرار می‌گیرد. از این رو، در طیف مورد نظر ویور، هر چه از موضوعات غیرسیاسی به سمت موضوعات امنیتی حرکت می‌کنیم، تهدید ایجاد شده و فوریت اقدام برای دفع آن بیشتر است. از نظر ویور با استناد به تهدید وجودی، کنشگر قادر است قواعد عادی بازی سیاسی را بشکند (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۵۰). از نظر ویور هرچند در امور امنیتی شده به تهدید وجودی اشاره می‌شود، ولی لزوماً تهدیدی وجود ندارد؛ بلکه یک موضوع یا مرجع امنیتی^۶ از طرف بازیگر یا بازیگران امنیتی کننده‌ای^۷ به‌صورت یک تهدید جلوه می‌کند. از منظر مکتب

1. Security: A New Framework for Analysis
2. Barry Buzan, Ole Waver & Jaap de Wilde
3. Inter Subjective
4. Securitizing Actor
5. Existential Threats
6. Referent object
7. Securitizing actors

کپنهاگ موضوعات از طریق زبان (از طرف بازیگر امنیتی ساز) به مثابه موضوعات امنیتی و متعاقباً تهدید جلوه گر می شوند و زبان به تفسیر و امنیت سازی و تهدید سازی دست می زند (McDonald, 2008: 9). از نظر ویور برای اقناع مخاطب خود به منظور تهدید نشان دادن موضوعی به مثابه تهدید وجودی، کنشگر یا بازیگر امنیتی ساز باید بتواند استدلال ارائه کند. در حقیقت قدرت استدلال علاوه بر ایجاد قطعیت در وجودی بودن تهدید، پذیرش مخاطبان برای انجام اقدامات غیرعادی فوق العاده جهت دفع آن را حتمی می کند. ویور بر این مسئله تأکید می کند که استدلال بازیگر امنیتی کننده علاوه بر نشان دادن تجلی تهدید، باید ارائه دهنده راه چاره و خلاصی از این تهدید باشد. همچنین بازیگر امنیتی ساز هنگامی می تواند مدعی وجود تهدید امنیتی باشد که اشیاء خاصی وجود داشته باشند که از طریق آن ها بتواند تهدید را برای مخاطب (یا متحد خود) مجسم سازد (Waever, 1993: 48). بازیگر امنیتی ساز به مدد جایگاه قدرت خود بر زبان مسلط شده و موفق به متجلی ساختن تهدید می شود. وقتی موضوعی امنیتی و تهدیدزا نشان داده شود، لزوماً ارتباطی به وجود تهدید واقعی ندارد، بلکه می تواند از معرفی آن به عنوان تهدید سرچشمه بگیرد. از این رو، ارتقای جنبه های امنیتی یک موضوع یا قالب بندی یک مسئله به لحاظ امنیتی یک راه برای تعیین اولویت موضوعات است. در نتیجه، باتوجه به تأثیر منطق امنیتی، بسیاری از بازیگران، از اصطلاحات امنیتی برای به تصویر کشیدن یک موضوع سیاست اعلی که در حالت عادی به عنوان موضوع مرتبط با سیاست سفلی شناخته می شود، استفاده می کنند (Fischhendler & Katz, 2013: 322). مکتب کپنهاگ امنیت را مقوله ای بیناذهنی تلقی می کند که در اجتماع شکل می گیرد. توفیق در امنیتی کردن موضوعات علاوه بر تلاش های موثر بازیگر امنیتی ساز، به مخاطبان کنش گفتاری امنیتی بستگی دارد که موضوع را به عنوان تهدیدی وجودی برای منافع و ارزش های مشترک می پذیرند. بر این اساس زمانی یک پدیده تبدیل به پدیده های امنیتی می شود که طی فرآیندی بازیگر امنیتی ساز پدیده ای را امنیتی کند و مخاطبان نیز آن را بپذیرند. بنابراین اعتقاد به «تجلی تهدید» و «پذیرش عمومی» دو رکن اصلی «منطق امنیتی کردن» را شکل می دهند (فیروزآبادی و قرشی، ۱۳۹۱: ۱۶).

امنیتی کردن و تهدید سازی از برنامه موشکی ایران از طرف ایالات متحده آمریکا یکی از ستون های اصلی رویکرد فشار حداکثری دولت ترامپ علیه ایران است که از زمان خروج ایالات متحده از برجام وارد فاز جدیدی شده است. در واقع ایالات متحده با مشاهده جدایی رویکرد جامعه بین المللی در موضوع هسته ای و ناکامی در همراهی بین المللی با تحریم های یک جانبه علیه ایران، با برجسته سازی و تهدید جلوه دادن برنامه موشکی ایران سعی در بازیابی اجماع بین المللی در همراهی با رویکرد فشار و تهدید این کشور علیه ایران دارد. این تهدید سازی با هدف بازنگاری آن به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی و ثبات منطقه ای به منظور همراهی جامعه و نهادهای بین المللی (شورای امنیت سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا یا دست

کم برخی از اعضای موثر آن) با تحریم‌ها و اقدامات یک‌جانبه ایالات متحده علیه ایران انجام می‌شود. به واقع بر اساس چارچوب نظری پژوهش، برنامه دفاع موشکی ایران را می‌توان به عنوان یک متغیر خنثی در نظر گرفت که ایالات متحده آمریکا با برجسته سازی، بزرگنمایی و نیت‌خوانی از برخی ابعاد آن درصدد معرفی و بازنمایی کلیت برنامه موشکی ایران به مثابه یک تهدید واقعی و فوری علیه صلح و امنیت بین‌الملل به منظور اقناع مخاطبان امنیتی سازی (به ویژه متحدان اروپایی آمریکا) است. از طرفی، ارتقای جنبه‌های امنیتی یک موضوع یا قالب‌بندی یک مسئله به لحاظ امنیتی راهی برای تعیین اولویت موضوعات است. در این راستا آمریکا برنامه موشکی ایران را در اولویت نخست رویکرد تهدیدسازی خود با هدف ایجاد اجماع برای اقدام فوری قرار داده است.

۲- برنامه دفاع موشکی ایران

برنامه دفاع موشکی ایران، مهم‌ترین راهبرد دفاعی- نظامی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات به شمار می‌رود و در این راستا در چهار دهه گذشته پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. تلاش‌های ایران برای ساخت و توسعه برنامه موشکی را می‌توان به دو دوره زمانی تقسیم کرد. دوره اول: دوران جنگ تحمیلی (سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۷) که ضرورت دستیابی برای ایجاد راهبرد دفاعی و بازدارندگی و حفظ کشور از تهاجمات بی‌امان موشک‌های وارداتی صدام، مهم‌ترین مشخصات این دوره محسوب می‌شود. دوره دوم: دوران بعد از جنگ تحمیلی (از سال ۱۳۶۸ به بعد) که با توسعه، پیشرفت و بومی‌سازی برنامه موشکی ایران همراه بود و می‌توان آن را دوران بلوغ راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران نام‌گذاری کرد (Rezaei, 2016: 185-186). پایان جنگ عراق علیه ایران و تمرکز بیشتر برای توسعه این توانمندی با بومی‌سازی تکنولوژی موشکی تحقق یافت و با توجه به انتخاب بازدارندگی به عنوان راهبرد دفاعی اصلی ایران در فرایند نوسازی صنایع نظامی، کسب و ارتقای تکنولوژی موشکی به ویژه موشک‌های بالستیک با اولویت بالایی در دستور کار راهبرد نظامی ایران قرار گرفت (طارمی، ۱۳۸۲: ۱۸۳؛ Izewicz, 2017: 1-2).

درواقع جنگ عراق علیه ایران و هجوم گسترده موشک‌های وارداتی عراق علیه شهرها، مناطق مسکونی و مواضع حساس ایران، نقش محوری موشک‌ها را در نبردهای آینده و نقش بازدارندگی متقابل آن را برای ایران آشکار کرد. حملات عراق به شهرهای ایران و عدم واکنش جامعه بین‌المللی به رژیم صدام سبب شد ایران به منظور بازدارندگی متقابل به سمت دستیابی به تکنولوژی موشکی حرکت کند (۱). جدای از ضرورت بازدارندگی متقابل در برابر عراق، شرایط منطقه‌ای ایران بعد از فروپاشی شوروی و حضور گسترده ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس و کشورهای همسایه ایران و تهدیدات رژیم صهیونیستی، اتخاذ رویکرد خوداتکایی دفاعی و موشکی را در مقابل تهدیدات خارجی برای جمهوری اسلامی ایران گزینه اجتناب‌ناپذیر کرده بود (Biswas, 2016: 23).

متعاقب تهاجم پی در پی موشکی عراق، ایران توانست اولین دسته از موشک‌ها با نام اسکاد بی را ابتدا از لیبی و سپس سوریه وارد کند. بعد از کارشکنی‌های لیبی در ارائه کمک و تجهیزات موشکی به ایران و تداوم حملات موشکی عراق به شهرهای ایران، در تیرماه سال ۱۳۶۶ ایران توانست تعدادی از این موشک‌ها را از کره شمالی خریداری کند (Katzman: 1998). همزمان ایران تحقیقات گسترده‌ای را برای بومی‌سازی برنامه موشکی خود آغاز کرد. متعاقب این تلاش‌ها، ایران با کمک کره شمالی کارخانه اسکاد مود-بی را راه اندازی کرد که نهایتاً در اواخر سال ۱۳۶۶ و در اوج جنگ شهرها این کارخانه بعد عملیاتی به خود گرفت. هر چند به دلایل مختلفی همچون تحریم‌های بین‌المللی، فشارهای ناشی از جنگ و مسائل اقتصادی متعاقب آن این برنامه موفقیت زیادی حاصل نکرد، با این حال پایه‌گذار توسعه برنامه موشکی ایران شد (Bermudez, 1992: 6-7).

اولین تولید موشک بومی ایران با نام «مشک» که «ایران ۱۳۰» هم نامیده می‌شد با برد ۱۳۰ کیلومتر در سال ۱۳۶۷ مورد آزمایش قرار گرفت. در ادامه ایران توانست موشک مشک را با برد ۱۶۰ کیلومتر با موفقیت آزمایش کرده و در همان سال علیه عراق استفاده کند. با پایان جنگ تحمیلی، ایران به تلاش‌های خود برای توسعه برنامه دفاعی موشکی خود ادامه داد تا اینکه در اوایل دهه ۷۰ نخستین موشک ساخت ایران به نام شهاب ۱، با برد بیش از ۳۰۰ کیلومتر رونمایی و آزمایش شد. در ادامه این روند، نسل دوم موشک شهاب (شهاب ۲) با برد ۵۰۰ کیلومتر به مرحله طراحی و تولید رسید. هدف‌گذاری جمهوری اسلامی ایران از توسعه برنامه موشکی در دهه ۷۰، دستیابی به موشک‌هایی با برد بالا بود. در سال ۱۳۷۷ ایران توانست به نسل اول موشک شهاب ۳ دست یابد، این اولین موشک دور برد ایران با برد بالای ۱۰۰۰ کیلومتر بود. هم‌زمان با تولید و آزمایش موشک شهاب ۳، حساسیت بر روی برنامه موشکی ایران آغاز شد.

برنامه موشکی ایران در دهه ۱۳۸۰ با دستیابی به موشک‌های بالستیک از جمله موشک‌های «سجیل»، قدر، شهاب-۳ با برد ۲۰۰۰ کیلومتر توسعه یافت. در دهه ۱۳۹۰ بالا بردن دقت این موشک‌ها در دستور کار قرار گرفت. علاوه بر این ایران موفق شد در دهه ۹۰ موشک‌های «شهاب-دی ۳» یا قدر-۱۱۰ با برد بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر (بین ۲۴۰۰ تا ۳۰۰۰ کیلومتر) را طراحی و تولید کند. به طور کلی امروزه توانمندی برنامه دفاع موشکی ایران به حدی است که به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران نظامی، در زمره کشورهای برتر در حوزه فناوری موشکی قرار دارد (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۰۷-۱۰۸).

موشک‌های بالستیک (۲) که مهم‌ترین و پرکاربردترین نوع موشک‌های جنگی هستند، مبنای رویکرد تهدیدسازی ایالات متحده آمریکا از برنامه موشکی ایران می‌باشد. این موشک اغلب بر مبنای برد به شش

دسته به شرح زیر تقسیم می‌شوند (۵):

- ۱) موشک بالستیک نزدیک برد^۱ (برد کمتر از ۳۰۰ کیلومتر)؛
- ۲) موشک بالستیک برد کوتاه^۲ (برد ۳۰۰ کیلومتر تا کمتر از ۱۰۰۰ کیلومتر)؛
- ۳) موشک بالستیک برد متوسط^۳ (برد ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتر)؛
- ۴) موشک بالستیک میان‌برد^۴ (شامل ۲۵۰۰ تا ۳۵۰۰ کیلومتر)؛
- ۵) موشک بالستیک زیر قاره‌پیما^۵ (برد بیش از ۳۵۰۰ و کمتر از ۵۵۰۰ کیلومتر)؛
- ۶) موشک بالستیک قاره‌پیما^۶ (با برد بیشتر از ۵۵۰۰ کیلومتر که تا ۱۲۰۰۰ کیلومتر را شامل می‌شود) (MDAA, 2018 and FAS, 2000).

متناسب با تقسیم بندی که براساس برد موشک‌های بالستیک ارائه شده است، انواع موشک‌های ایرانی به لحاظ برد عبارتند از:

۷) موشک‌های با برد نزدیک (CRBM): موشک‌های فجر، زلزال (۱، ۲ و ۳)، آرش (۱، ۲، ۳ و ۴)، فلق (۱ و ۲)، موشک‌های خانواده صیاد، ظفر، صاعقه، شفق، زوبین، عقاب، مرصاد و چهارگانه ستار از موشک‌های با برد نزدیک ج. ا ایران محسوب می‌شوند.

۸) موشک‌های کوتاه‌برد (SRBM): معروف‌ترین موشک‌های کوتاه‌برد ایران، موشک‌های خانواده فاتح (فاتح ۱۱۰، فاتح ۳۱۳، ذوالفقار و راد ۵۰۰) و موشک‌های خانواده شهاب (شهاب ۱ و ۲ و قیام ۱) با برد ۳۰۰ تا ۸۰۰ کیلومتر هستند.

۹) موشک‌های با برد متوسط (MRBM): مهم‌ترین موشک‌های برد متوسط ایران شهاب ۳، سجیل، خرمشهر، عماد ۱، قدر و عاشورا هستند. همچنین موشک‌های کروز هوپزه با برد ۱۳۵۰ و خانواده سومار با برد بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتر جزء موشک‌های با برد متوسط ایران محسوب می‌شوند (Hildreth, 2020: 2).

1. Close Range Ballistic Missile (CRBM)
2. Short Range Ballistic Missile (SRBM)
3. Medium Range Ballistic Missile (MRBM)
4. Intermediate Range Ballistic Missile (IRBM)
5. Sub Continental Ballistic Missile (SCBM)
6. Intercontinental Ballistic Missile (ICBM)

شکل شماره ۱) دسته‌بندی موشک‌های ایران به لحاظ برد آنها



(تدوین توسط نویسندگان؛ داده‌ها برگرفته از پایگاه اینترنتی منابع نظامی ایران)

به‌طور کلی همان‌گونه که اشاره شد، برنامه موشکی ایران در پاسخ به موشک‌باران شهرها و مناطق مسکونی ایران توسط صدام در دوران جنگ تحمیلی و عدم واکنش جامعه بین‌المللی به این اقدامات شکل گرفت و در چارچوب راهبرد دفاعی - بازدارندگی متقابل ادامه یافت. بعد از جنگ نیز با توجه به تجربه دوران دفاع مقدس و ظهور متغیرهای جدیدی در عرصه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی همچون فروپاشی شوروی، حضور همه جانبه ایالات متحده آمریکا در منطقه و رویکرد تهاجمی اسرائیل و سایر متحدان آمریکا، برنامه دفاع موشکی ایران به عنوان محور استراتژی بازدارندگی متقابل در چارچوب یک برنامه نظامی متعارف تداوم یافت.

۳- مشروعیت برنامه دفاع موشکی ایران

اصل مسلم در سیاست بین‌الملل این است که هیچ کشور مستقلی موضوع امنیت و توان دفاعی خودش را به قوانین، موازین و منابع بین‌المللی موکول و مشروط نمی‌کند. بنابراین جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور مستقل نمی‌تواند توان دفاعی خودش را به منابع بیرونی و رژیم‌های بین‌المللی که عموماً حافظ منافع واضعان این رژیم‌ها و قدرتمندان در عرصه بین‌الملل است، وابسته کند. جمهوری اسلامی ایران با توجه به تجربه‌های گرانمایه هشت سال دفاع مقدس تلاش خود را بر استقرار نظام دفاعی - امنیتی مستقل، بومی و اتکال‌پذیر قرار داده است. در این راستا ارتقای دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در زمینه تکنولوژی موشکی، از اهداف راهبردی کشور برای بازدارندگی و حفظ امنیت آن است و ایران نیز به عنوان یکی از اعضای جامعه بین‌المللی، همانند دیگر کشورها، برای رشد و ارتقای سطح تکنولوژی و دانش موشکی به منظور حفظ موجودیت و امنیت خود در مقابل تهدیدات به توسعه برنامه موشکی خود تداوم خواهد داد (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۵۴). در همین راستا سخنگوی نیروهای

مسلح جمهوری اسلامی ایران می‌کند: «موشک‌ها و توان دفاعی جمهوری اسلامی برای دفاع و در راستای بازدارندگی کشور ما است. این کار ادامه خواهد یافت. ما هم تست و هم توسعه موشکی را ادامه خواهیم داد» (شکارچی: ۱۳۹۷).

۳-۱. نبود ممنوعیت حقوقی بین‌المللی

اساساً رژیم حقوقی یا معاهداتی الزام‌آوری برای مشروعیت بخشی به اقدامات کشورها در حوزه موشکی که جمهوری اسلامی ایران را نیز متعهد به آن نموده باشد، وجود ندارد. اگرچه تلاش‌های گسترده‌ای از طرف قدرت‌های بین‌المللی دارای فناوری موشکی برای کنترل توان موشکی سایر کشورها انجام شده و آنها کوشیده‌اند با وضع قوانین و توافقنامه‌هایی به منظور تاسیس و استقرار رژیم بین‌المللی قدرتمند و الزام‌آور (همچون رژیم کنترل سلاح‌های کشتار جمعی شامل معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای (CTBT)، کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی (CWC)، کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیک (BWC))، نوعی اصول و قواعد رفتاری لازم‌الاجرا در صحنه بین‌المللی ایجاد کنند تا توانمندی‌ها در عرصه موشکی را تحت کنترل خود قرار دهند، تخلف از آن را با تبعات گسترده‌ای روبه رو کنند و از این راه انحصار و برتری خود را تضمین کنند (امینیان و ضمیری جیرسرای، ۱۳۹۵: ۴۷). اما تاکنون معاهده بین‌المللی مورد مذاکره و توافق سازمان ملل متحد درباره فعالیت‌های موشکی وجود ندارد. لذا از نظر قوانین بین‌المللی هیچ محدودیت الزام‌آوری در مورد فعالیت‌های موشکی ایجاد نشده است.

جدی‌ترین سازوکار موجود در این زمینه «رژیم کنترل تکنولوژی موشکی» به عنوان یک مجمع سیاسی غیررسمی است که در سال ۱۹۸۷ توسط کشورهای گروه هفت شامل ایالات متحده، کانادا، آلمان، فرانسه، انگلستان، ژاپن و ایتالیا تشکیل شد. این رژیم به صورت غیررسمی و داوطلبانه نوعی از موافقتنامه‌های چندجانبه کنترل صادرات را نشان می‌دهد که طی نگرانی‌های امنیتی آمریکا و دیگر کشورهای دارای تکنولوژی پیشرفته موشکی برای مقابله با انتقال تکنولوژی موشکی به کشورهای جهان سوم تشکیل شده است و می‌توان گفت عامل اصلی در اعمال و تغییر آن تصمیمات کشور امریکاست. نکته جالب اینکه موسسان این رژیم، هفت قدرت بزرگ بین‌المللی و اعضای کنونی آن همگی از تولیدکنندگان و صادرکنندگان (۴) قطعات مهم موشکی هستند (Ozga, 1994: 68). نهایتاً اینکه رژیم کنترل فناوری موشکی، از لحاظ حقوقی، هیچ تعهد الزام‌آوری را نه تنها برای جمهوری اسلامی ایران، بلکه برای اعضا نیز ایجاد نمی‌کند. درواقع، این رژیم اگرچه به صورت غیررسمی سعی در ایجاد رویه‌ها و نرم‌های بین‌المللی در زمینه کنترل تکنولوژی موشکی دارد، ولی هیچ ارتباط و پیوستگی رسمی با سازمان ملل متحد ندارد (بشری: ۱۳۹۴).

۳-۲. قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد

قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد اصولاً ارتباطی به برنامه موشکی ایران ندارد و در اصل به منظور تأیید بین‌المللی و حقوقی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و در راستای اجرای آن صادر شده

است. با این وجود در مواردی از ضمایم قطعنامه ۲۲۳۱ از جمهوری اسلامی ایران خواسته شده است از فعالیت‌های مرتبط با توسعه و طراحی موشک‌های بالستیک «با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای» خودداری کند. در این راستا پاراگراف ۳ ضمیمه «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ بیان می‌کند: «شورای امنیت سازمان ملل متحد از جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد تا هیچ گونه فعالیتی در رابطه با طراحی موشک‌های بالستیک با هدف حمل تسلیحات هسته‌ای، از جمله پرتاب‌هایی که از چنین تکنولوژی در موشک بالستیک استفاده می‌کنند، انجام ندهد». همچنین بر پایه پاراگراف ۴ همین ضمیمه، انتقال و فروش هر گونه مواد، تجهیزات، کالا و فناوری‌های آمده در «رژیم کنترل فناوری موشکی»^۱ که بتوان از آنها برای تولید تسلیحات هسته‌ای استفاده کرد، به جمهوری اسلامی ایران ممنوع است (قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، ۲۰۱۵، پیوست «ب»: پاراگراف ۳ و ۴). البته زمان محدودیت‌های شورای امنیت در حوزه موشکی محدود است و هشت سال بعد از پذیرش برجام یعنی در ۲۶ مهر ۱۴۰۲ (۱۸ اکتبر ۲۰۲۳) محدودیت‌های مذکور به پایان می‌رسد. پاراگراف ۳ پیوست ب در این زمینه بیان می‌کند: «این محدودیت تا اکتبر ۲۰۲۳ یا تا زمانی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش نتیجه‌گیری کلی خود را ارائه دهد، هر کدام که مقدم‌تر باشد، اعمال خواهد شد» (قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، ۲۰۱۵، پیوست «ب»: پاراگراف ۳). موارد بالا نشان می‌دهد که مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ تنها به کلاهک هسته‌ای موشک‌ها اشاره دارد و لذا بازدارنده آزمایش موشکی نیست. این قطعنامه از ایران می‌خواهد تا از دنبال کردن برنامه موشکی بالستیکی که قادر به حمل کلاهک هسته‌ای است خودداری ورزد، اما به صراحت این برنامه را ممنوع نکرده است. بنابراین از آنجایی که ایران در صدد ساخت و طراحی موشک‌هایی با هدف حمل کلاهک هسته‌ای نیست، به توصیه شورای امنیت عمل کرده و بنابراین می‌توان گفت که برنامه موشکی ایران نه در تضاد با قطعنامه ۲۲۳۱ است و نه منع بین‌المللی دارد؛ چرا که این قطعنامه بازدارندگی متعارف را منع نمی‌کند و از آنجایی که ایران کلاهک هسته‌ای ندارد، لذا این ایده که موشک‌های بالستیک ایران «قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای» دارند، سالبه به انتفاع موضوع است.

۴- تهدیدسازی از برنامه دفاع موشکی ایران

مبتنی بر فرضیه پژوهش، ایالات متحده آمریکا در راستای رویکرد کلان فشار حداکثری به دنبال امنیتی کردن و تهدیدسازی از برنامه دفاع موشکی می‌باشد. در این چارچوب برنامه دفاع موشکی ایران همواره با انتقادات شدید ایالات متحده آمریکا مبنی بر نقض قواعد و موازین بین‌المللی در حوزه صلح و امنیت بین‌المللی مواجه شده است. این درحالی است که مطابق مباحث بالا، هیچ منع قانونی و بین‌المللی در ارتباط با برنامه موشکی ایران وجود ندارد. حال پرسش اساسی این است باوجود نبود ممنوعیت قانونی و بین‌المللی برای برنامه دفاع موشکی ایران، ایالات متحده آمریکا با چه توجیه یا دستورکاری درصدد بازتأمین آن به مثابه تهدیدی عیله

1. Missile Technology Control Regime (MTCR)

صلح و امنیت بین‌المللی است که مبتنی بر چارچوب نظری پژوهش (تهدیدسازی) قابلیت پذیرش و همراهی عام در جامعه بین‌المللی را داشته باشد؟ نویسندگان پژوهش حاضر معتقدند که ایالات متحده آمریکا با تمرکز بر بخش قابلیت برد و حمل کلاهک، درصدد امنیتی کردن و تهدیدسازی از برنامه موشکی ایران است. این استراتژی بر دو مولفه نیت خوانی از برد موشک‌ها به منظور طراحی موشک‌های قاره‌پیما و قابلیت حمل و نصب کلاهک به منظور نصب کلاهک هسته‌ای مبتنی است. به بیان دیگر ایالات متحده با هدف قراردادن برد و قابلیت کلاهک موشک‌های ایران، سعی در امنیتی کردن و بازنمایی برنامه موشکی ایران به مثابه یک تهدید علیه صلح و امنیت در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است.

۴-۱. قابلیت برد موشک‌های ایران

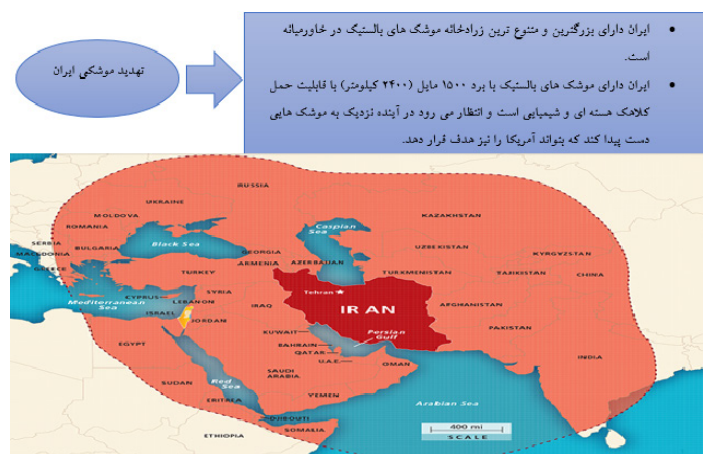
ایالات متحده آمریکا به ویژه پس از خروج از برجام در دوره ترامپ، با برجسته‌سازی تلاش‌های ایران در موضوع افزایش قابلیت برد موشک‌ها، درصدد بازنمایی برنامه موشکی ایران به مثابه تهدیدی مستقیم علیه صلح و امنیت بین‌المللی است. در این راستا آمریکا، آزمایش‌های موشکی ایران را ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل دانسته و با فشار به سایر کشورها (به ویژه قدرت‌های اروپایی) سعی در همسویی آنها با رویکرد خود در قبال ایران دارد. این در حالی است که ایران بارها اعلام کرده است که برنامه موشکی این کشور کاملاً در چارچوب راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران بوده و «قلب آن ایجاد بازدارندگی در برابر دشمنان بزرگی است که مدام تهدید می‌کنند» (سلامی: ۱۳۹۷). از طرفی، جمهوری اسلامی ایران معتقد است که هیچ قانون بین‌المللی در ممنوعیت برنامه موشکی ایران وجود ندارد و لذا مجاز است قابلیت‌های برنامه موشکی خود را به صورت تاکتیکی و بر اساس ملاحظات استراتژیک توسعه دهد؛ چرا که راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی می‌تواند به اقتضای شرایط و بر اساس تغییر رفتار بازیگران تغییر کند. چنانکه فرمانده کل سپاه بیان می‌کند: «این راهبرد ثابت نیست و کسانی که امروز صحبت‌های ما را می‌شنوند به این واقعیت برسند که برای افزایش برد و دقت موشک‌ها در بردهای بلند و قدرت تخریب و نیروی پیشران قوی هیچ‌گونه محدودیت فنی نداریم... توان موشکی جمهوری اسلامی ایران از نظر سازماندهی، گسترش، کمیت و کیفیت کاملاً فضایی باز و لایتناهی دارد و هیچ حدی برای توسعه آن قائل نیستیم» (سلامی: ۱۳۹۷).

به طور کلی استراتژی آمریکا در تهدیدسازی از برد موشک‌های ایران بر دو حوزه موشک‌های میان‌برد و موشک‌های بلندبرد متمرکز است. در حوزه موشک‌های میان‌برد ایالات متحده آمریکا معتقد است که ایران با داشتن انواع موشک‌های میان‌برد، به یک تهدید بالفعل علیه صلح و امنیت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. اما در حوزه موشک‌های بلندبرد آمریکا سعی دارد تا با نیت خوانی از برنامه فضایی ایران و آزمایش موشک‌های ماهواره‌بر، آن را به مثابه پوششی برای دستیابی به موشک‌های بلندبرد معرفی کند که می‌تواند تهدیدی بالقوه علیه صلح و امنیت بین‌المللی باشد.

۴-۱-۱. موشک‌های میان‌برد

۴-۱-۱-۱. بازمانی موشک‌های میان‌برد ایران به مثابه تهدید منطقه‌ای

موشک‌های میان‌برد مهم‌ترین بخش از برنامه موشکی ایران است که آمریکا در راستای پیشبرد رویکرد تهدیدسازی خود بر آن متمرکز است. در این چارچوب ایالات متحده آمریکا معتقد است که فعالیت‌های موشکی جمهوری اسلامی ایران در حوزه موشک‌های میان‌برد (با بردی کمتر یا معادل ۲۰۰۰ کیلومتر) تهدیدی جدی علیه کشورهای منطقه (متحدان آمریکا)، پایگاه‌های نظامی این کشور در منطقه و همچنین تنگه‌ها و آبراه‌های بین‌المللی مهمی همچون خلیج فارس و باب‌المندب معرفی می‌کند (Karako & Williams, 2017: 10). در این راستا ایالات متحده آمریکا با معرفی موشک‌های میان‌برد ایران به مثابه تهدید جدی و فوری علیه امنیت منطقه، سعی در همراهی کشورهای منطقه با رویکرد خود دارد. به نظر می‌رسد که ایالات متحده آمریکا با وجود متحدان منطقه‌ای همچون اسرائیل، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت و بحرین کار چندان دشواری در سطح منطقه‌ای نداشته باشد. اسرائیل هم راستا با این رویکرد آمریکا، توان موشکی ایران را تهدیدی مستقیم علیه اسرائیل و بخش‌هایی از اروپا معرفی می‌کند. آپیک^۱ در پایگاه اطلاع‌رسانی خود، نقشه‌ها و نمودارهایی با عنوان تهدید موشکی ایران ارائه کرده است که حوزه تهدیدات موشکی ایران علاوه بر خاورمیانه و اسرائیل، اروپای شرقی و جنوب اروپا را دربرمی‌گیرد (نگاه کنید به نقشه شماره ۲). علاوه بر این سران اسرائیل همسو با رویکرد آمریکا قصد اصلی ایران از برنامه فضایی خود و آزمایش موشک‌های ماهواره‌بر را دستیابی به تکنولوژی و آزمایش موشک‌های قاره‌پیما معرفی می‌کنند که می‌تواند علاوه بر اسرائیل، مستقیماً خاک اروپا را نیز هدف قرار دهد (South et al, 2019).
نقشه شماره (۳): تهدیدات موشکی ایران از منظر آپیک



برگردان از سایت آپیک: (Source: AIPAC, 2018)

1. American Israel Public Affairs Committee AIPAC- (America's Pro-Israel Lobby)

عربستان سعودی نیز به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده انرژی، به ویژه بعد از جنگ یمن و حملات موشکی حوثی‌ها به مناطقی در داخل خاک عربستان سعی دارد همسو با آمریکا، حملات حوثی‌ها و جنبش انصارالله را وابسته به ایران معرفی کند و قابلیت موشکی ایران را تهدیدی جدی فراروی جریان انتقال انرژی از خاورمیانه به اروپا نشان دهد (Trainer: 2019).

ایالات متحده با توجه به این مساله که نه تحریم‌های ایالات متحده و نه تهدیدهای این کشور به اقدام نظامی، ایران را وادار نکرده است که در برنامه موشکی خود تجدیدنظر کرده یا محدودیت‌هایی را اعمال کند، به دنبال استفاده از ظرفیت حقوقی نهادهای منطقه‌ای (همچون سازمان همکاری‌های اسلامی، اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس) و به ویژه سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد، شورای امنیت و شورای حکام آژانس است. همچنان که ایالات متحده با تفسیر موسع و نیت خوانی از اهداف ایران، به دنبال اثبات نقض قطعنامه ۲۲۳۱ از طرف ایران می‌باشد. به عنوان مثال ایالات متحده تلاش کرد تا سلاح‌های مورد استفاده در حملات موشکی به عربستان و شرکت نفتی آرامکو را به ایران نسبت دهد. موضوعی که نهایتاً بر گزارش دوره‌ای دبیرکل سازمان ملل در مورد پایبندی به قطعنامه ۲۲۳۱ اثر گذاشت و جمهوری اسلامی ایران را به عنوان منشا این سلاح‌ها معرفی کرد (South et al, 2019).

۴-۱-۱-۲- بازنمایی موشک‌های میانبرد ایران به مثابه تهدید فرمانطقه‌ای

وجه دیگر تهدیدسازی از موشک‌های میان‌برد ایران، بازنمایی آن به مثابه تهدیدی مستقیم علیه خاک اروپا و پایگاه‌های ایالات متحده در این کشورهاست. این امر با توجه به نزدیکی جغرافیایی شرق و جنوب اروپا به ایران، ظرفیت تهدیدسازی از برنامه موشکی ایران برای اروپا را فراروی آمریکا نهاده است. ایالات متحده همچنین استدلال می‌کند که برخی از پایگاه‌های نظامی این کشور در اروپا در تیررس موشک‌های ایران هستند. از منظر ایالات متحده پایگاه‌های این کشور در ترکیه، ایتالیا و یونان در معرض موشک‌های با برد ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتری ایران هستند. شایان ذکر است که بخش بزرگی از هسته مرکزی ارتش اروپایی ایالات متحده آمریکا (یوکام) در ایتالیا مستقر می‌باشد (Karak & Williams, 2017: 10).

در همین راستا نقشه‌ها، نمودارها و جداولی که رسانه‌های همسو با آمریکا منتشر می‌کنند، بخش‌های قابل توجهی از شرق، جنوب و حتی مرکز اروپا را در تیررس موشک‌های بالستیک ایران ذکر می‌کنند. به عنوان مثال در نقشه شماره ۲ که بر روی سایت وزارت خارجه آمریکا قرار گرفته و توسط نشریه میلیتاری تایمز وابسته به پنتاگون نیز منتشر شده، بخش‌های زیادی از خاک اروپا تا لهستان و ایتالیا در معرض تهدید موشک‌های بالستیک ایران نشان داده شده است (نگاه کنید به نقشه شماره ۲).

نقشه شماره ۲) تهدیدسازی از برد برنامه موشکی ایران برای اروپا



برگردان متن نقشه از منبع: (Military Times, South et al, 2019)

اتحادیه اروپا و به ویژه تروئیکای اروپایی (بریتانیا، آلمان و فرانسه)، در این رویکرد با آمریکا همراه و همدل هستند؛ هرچند که در نحوه و کیفیت واکنش به آن اختلاف نظر دارند. به عنوان مثال کشورهای عضو اتحادیه اروپا با محوریت تروئیکا، با انتشار بیانیه‌ای رسمی ضمن ابراز نگرانی شدید نسبت به برنامه موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی ایران، خواستار توقف آن شدند (۴ فوریه ۲۰۱۹). این بیانیه تاکید کرده است که «ایران همچنان در تلاش است تا با انجام آزمایش‌ها و پیش برد فعالیت‌هایش دامنه برد و دقت موشک‌ها را افزایش دهد» (بند ۹) و در این زمینه از ایران خواسته است که «اقدامات لازم برای احترام به اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در زمینه فعالیت‌های موشکی» انجام دهد. مسئله مهم در بند ۹ این است که برای نخستین بار مسئله افزایش برد و دقت موشک‌های ایران و نگرانی عمیق اروپا از این موضوع بیان شده است؛ امری که تا پیش از این (در بیانیه‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷) در این سطح از حساسیت نبوده است. همچنین در این بند بدون اشاره به اسم بازیگران خاص غیردولتی، از ایران خواسته شده تا تدابیر لازم برای رعایت کامل تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت در زمینه ارسال موشک‌ها، مواد و فناوری‌های مرتبط با آن به بازیگران دولتی و غیردولتی در منطقه را به کار ببندد (Council of the European Union report, 2019).

اتحادیه اروپا با پیوند زدن برنامه موشکی ایران به مسائل و بحران‌های منطقه‌ای، سعی می‌کند برنامه موشکی ایران را به عنوان عامل برهم زننده ثبات و تهدیدی علیه صلح منطقه بازنمایی کند. در این زمینه فرانسه در همراهی با رویکرد آمریکا اعلام کرده است در صورتی که پیشرفتی در مذاکرات بر سر برنامه موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی ایران حاصل نشود، آماده است تحریم‌های جدیدی را علیه ایران اعمال کند (Reuters: 2019). پیش از این نیز ژان ایو لودریان^۱، وزیر خارجه این کشور برنامه موشکی ایران را منشا

1. Jean-Yves Le Drian

بی‌ثباتی منطقه دانسته و خواستار گفتگویی سازش‌ناپذیر درباره برنامه موشک‌های بالستیک ایران شده بود (Thenational: 2018). هایکو ماس^۱، وزیر امور خارجه آلمان نیز در همراهی با فرانسه در جریان دیدار وزیران امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا بیان کرد: «ما باید با ایران درباره اقداماتش در سوریه، برنامه موشک‌های بالستیک این کشور و نیز فعالیت سرویس‌های اطلاعاتی در اروپا صحبت کنیم» (Anadolu Agency: 2019). فرانسه و بریتانیا در نشست اخیر شورای امنیت نیز، آزمایش موشکی ایران (ماهواره بر ظفر) را ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل متحد دانستند؛ هرچند ایالات متحده موضع سخت‌تری گرفته و آن را یک نقض کامل می‌داند و خواهان تعدید تحریم تسلیحاتی و ایجاد محدودیت‌های بیشتر برنامه موشکی ایران شد. متاثر از آمریکا، سرویس پژوهشی پارلمان اروپا^۲ در گزارش ۲۰۲۰ خود اقدامات ایران برای ارسال ماهواره به فضا را پوششی برای توسعه موشک‌های بالستیک دور برد تلقی کرده و درصدد اعمال تحریم‌هایی علیه برنامه موشک‌های بالستیک ایران برآمد (European Parliamentary Research Service, 2020: 7-8)؛ هرچند که در نهایت اعضای اتحادیه بر سر این مساله به اجماع نرسیدند. جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به این تحرکات اروپا در همراهی با آمریکا، اعلام کرده است که: «اگر اروپایی‌ها یا دیگران بخواهند بر اساس یک توطئه، خلع سلاح موشکی جمهوری اسلامی ایران را دنبال کنند، مجبور می‌شویم به یک جهش استراتژیک روی آوریم» (سلامی: ۱۳۹۷).

به طور کلی ایالات متحده امیدوار است تا بتواند از این مساله برای تحت فشار قرار دادن اروپا برای اتخاذ رویکردی همسو در برابر ایران، استفاده کند. در این راستا برایان هوک رئیس کارگروه اقدام ایران، برنامه موشکی ایران را «تهدیدی جدی و فزاینده» معرفی می‌کند که «نه فقط اعضای اتحادیه اروپا، بلکه تمام کشورهای جهان باید با تمام توان برنامه موشکی ایران را هدف قرار دهند». به اعتقاد او پیوستن دیگر کشورها، به ویژه اتحادیه اروپا در اعمال فشار علیه برنامه موشکی ایران در موفقیت استراتژی فشار حداکثری ترامپ موثر خواهد بود (U.S. Virtual Embassy Iran, 2018).

۴-۱-۲. تلاش برای دستیابی به موشک‌های برد بلند (ICBM)

وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا در سند چشم انداز تهدیدات موشکی ۲۰۱۹، ایران را در کنار کره شمالی، روسیه و چین به عنوان یک تهدید بالقوه علیه خاک آمریکا و تهدید بالفعل علیه پایگاه‌های نظامی و غیرنظامی آمریکا در منطقه خاومیهانه، آسیای جنوبی و جنوب و شرق اروپا برآورد کرده است (Office of the Secretary of Defense, 2019: III). در این ارتباط، ایالات متحده آمریکا، تلاش‌های ایران برای ارسال ماهواره به فضا را که هر کشوری برای پیشبرد برنامه‌های فضایی و دانش مرتبط به آن نیاز دارد، با استفاده از ماهواره‌برهایی (SLVs) همچون سفیر، سیمرغ و قاصد را به مثابه

1. Heiko Maas

2. European Parliamentary Research Service (MEPS)

پوششی برای طراحی و توسعه موشک‌های دوربرد و قاره‌پیما معرفی می‌کند (Hildreth, 2020: 40-41)؛ چنانکه مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا، قصد اصلی ایران از ارسال ماهواره به فضا را «آزمایش موشک بالستیک بین‌قاره‌ای» به منظور تهدید مستقیم خاک آمریکا در آینده و «تهدیدی برای اروپا و خاورمیانه» در وضعیت کنونی دانسته است. پیش از او نیز، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، در مراسم اعلام راهبرد جدید دفاع موشکی آمریکا در پنتاگون با اشاره به مأموریت ناموفق ماهواره بر سیمرغ، گفت ایران در صورت موفقیت در این کار می‌توانست به توانایی لازم برای ساختن موشک‌های قاره‌پیما که حتی به آمریکا نیز برسد، دست یابد. همچنین راب لودویک، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا در واکنش به پرتاب موفقیت‌آمیز ماهواره نور مدعی شد: «اگرچه ایران در حال حاضر موشک‌های بالستیک قاره‌پیما در اختیار ندارد، اما تمایل آنها به مقابله نظامی راهبردی با ایالات متحده می‌تواند آنها را به سمت توسعه موشک‌های بالستیک قاره‌پیما سوق دهد». وزارت دفاع آمریکا در گزارش «بازبینی دفاع موشکی ۲۰۱۹»، موشک‌های ماهواره‌بر ایران، به‌ویژه سیمرغ را به لحاظ برد در ردیف موشک‌های نزدیک به موشک بالستیک قاره‌پیما (ICBM) و به عنوان تهدیدی علیه اروپا و حتی خاک آمریکا معرفی می‌کند (Missile Defense Review, 2019: 11).

استدلال مقامات آمریکا بر این فرضیه فنی مبتنی است که فعالیت موشک حامل پرتاب فضایی معادل همان فناوری موشک اتمی در خانواده موشک‌های بالستیک قاره‌پیما است و یک موشک قاره‌پیما با برد بالاتر از نه هزار کیلومتر، توانایی رسیدن به خاک ایالات متحده را دارد؛ چنانکه موشک حامل ماهواره نور با استفاده از فناوری‌هایی تولید شده است که در ساخت موشک‌های بالستیک، از جمله موشک‌های بین قاره‌ای، نیز استفاده می‌شوند (Elleman, 2019: 3). این درحالی است که تمامی موشک‌های حامل ماهواره در همه کشورها با استفاده از فناوری‌های مشابه ایجاد می‌شوند؛ چراکه موشک‌های ماهواره‌بر که به SLVs^۱ شناخته می‌شوند شامل فناوری مشابه موشک‌های بالستیک از جمله موشک‌های بالستیک بین‌قاره‌ای معروف به ICBM است. با این وجود و به اعتقاد کارشناسان ماهواره‌برهای ایران همچون سیمرغ، سفیر و قاصد، ICBM نیستند و حتی اگر به عنوان یک موشک بالستیک استفاده شوند، نمی‌توانند مستقیماً خاک ایالات متحده آمریکا را هدف بگیرند. علاوه بر این، سوابق توسعه تکنولوژی برای ساخت موشک‌های قاره‌پیما نیز نشان می‌دهد که در مواردی می‌توان موشک‌های قاره‌پیما را با تغییراتی به راکت‌های ماهواره‌بر تبدیل کرد، ولی عکس این کار اتفاق نیافتاده است.

در مجموع، هدف غایی ایالات متحده آمریکا در موضوع تهدیدسازی از برد برنامه موشکی ایران، کاهش برد این موشک‌ها به زیر ۳۰۰ کیلومتر است. این برد بر پایه «رژیم کنترل فناوری موشکی» تعیین شده

1. Intercontinental Ballistic Missile (ICBM)
 2. Satellite Launch Vehicle (SLVs)

است. طبق این رژیم غیرالزام‌آور، هر موشکی که برد آن بیش از ۳۰۰ کیلومتر باشد و بتواند بیش از ۵۰۰ کیلوگرم ماده منفجره حمل کند، سلاح کشتار جمعی محسوب می‌شود. به نحوی مشابه برخی از کشورهای اروپایی همچون فرانسه نیز برد موشک‌های ایران را فراتر از نیازهای امنیتی آن برای دفاع از مرزهایش برآورد می‌کنند. این در حالی است که برنامه موشکی ایران نه تنها تهدید نیست، بلکه جزئی از دینامیک‌های امنیت منطقه خاورمیانه می‌باشد و نمی‌توان به طور انتزاعی به آن نگاه کرد؛ چراکه برنامه دفاع موشکی ایران در غیاب یک نیروی هوایی کارآمد، مهم‌ترین عامل بازدارنده در مقابل اسرائیل و پایگاه‌های نظامی ایالات متحده آمریکا در کشورهای منطقه است که به تسلیحات پیشرفته غربی مجهزند.

۲-۴. تهدیدسازی از قابلیت حمل کلاهک توسط موشک‌ها
 وجه دیگر رویکرد تهدیدسازی ایالات متحده آمریکا از برنامه موشکی ایران، قابلیت حمل کلاهک و سر جنگی موشک‌های بالستیک ایران است. این بخش از رویکرد تهدیدسازی ایالات متحده آمریکا بیشتر بر موشک‌های ماهواره‌بر (SLVs) ایران که قابلیت حمل محموله به فضا را دارند، متمرکز است. آمریکا با دامن زدن به این فرضیه که اگر ایران بتواند با موشک‌های ماهواره‌برهای خود محموله (از جمله ماهواره) به فضا ارسال کند، بدان معنی است که قادر به نصب کلاهک هسته‌ای بر روی این ماهواره‌برها خواهد بود (Bahgat, 2019: 46-47)، درصدد است که نیت اصلی ایران از برنامه فضایی را ادامه برنامه موشکی به منظور دستیابی به کیفیت نصب کلاهک هسته‌ای معرفی کند و با گره زدن آن به موضوع هسته‌ای، آن را به مثابه تهدیدی جدی فراروی صلح و امنیت بین‌المللی بازنمایی کند. در همین چارچوب این کشور اقدامات ایران در زمینه آزمایش و پرتاب ماهواره‌برهای سیمرغ، سفیر، قاصد و ... را نشان‌دهنده «نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط ایران» بیان کرده و معتقد است از زمان تصویب این قطعنامه، ایران بارها دست به آزمایش موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای زده است (U.S. Department of State, September 3, 2019).

این رویکرد ایالات متحده آمریکا با توسل به استراتژی نیت‌خوانی از اقدامات دیگران (آنگونه که در مکتب کپنهاگ به عنوان رویکرد نظری پژوهش نیز گفته شد) به منظور بازنمایی آن به مثابه مطلوب است. در این چارچوب استدلال آمریکا مبتنی بر این پیش فرض است که فعالیت موشک حامل پرتاب فضایی معادل همان فناوری موشک اتمی در خانواده موشک‌های بالستیک قاره‌پیما است و از آنجایی که به لحاظ فنی این موشک‌های ایران قادرند ماهواره‌هایی تا وزن ۲۵۰ کیلوگرم را تا مدار ۵۰۰ کیلومتری زمین حمل کنند، می‌توانند به صورت مشابهی حامل کلاهک‌های هسته‌ای با وزن مشابهی باشند (Lewin: 2019). در راستای بسترسازی برای چنین رهیافتی ایالات متحده آمریکا مدعی شد که برنامه موشکی ایران، فناوری‌های مورد استفاده در سیستم‌های تسلیحات هسته‌ای را پیشرفت می‌دهد و از همین زاویه سعی می‌کند برنامه

موشکی ایران را با موضوع هسته‌ای و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به منظور نهادینه‌سازی این تهدیدات ساختاری مرتبط سازد؛ موضوعی که با ظرافت در بیانیه‌های وزارت خارجه آمریکا گنجانده شده است. به عنوان مثال بیانیه وزارت خارجه آمریکا با هدف پیوند زدن برنامه موشکی ایران با قطعنامه ۲۲۳۱ اشاره می‌کند: «موشک‌های ایران شامل فناوری‌هایی هستند که با فناوری موشک‌های بالستیک تقریباً یکسان است. ایران از قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد که از ایران می‌خواهد فعالیت‌های مربوط به موشک‌های بالستیک قادر به حمل سلاح‌های هسته‌ای را انجام ندهد، تخطی می‌کند» (U.S. Department of State, December 1, 2018).

بنابراین ایالات متحده آمریکا از طرفی با توجه به اینکه این موشک‌ها «قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای» دارند و از طرف دیگر ضمن القای تلوچی این موضوع که ایران در خفا برنامه‌ای برای دسترسی به کلاهک هسته‌ای دارد یا دستکم تحقیقات خود را ادامه می‌دهد تا بعد از انقضای بند غروب^۱ در برجام، بتواند موشک‌هایش را به کلاهک هسته‌ای مجهز کند، سعی در بازنگاری برنامه موشکی ایران به مثابه پوششی برای فعالیت‌های هسته‌ای دارد که در اثر برجام با محدودیت‌هایی مواجه شده است. در همین چارچوب آنتونی کوردشمن^۲ مدیر موسسه مطالعات بین‌الملل و استراتژیک بیان می‌کند: «ایران برنامه موشکی خود را به حدی توسعه داده است که این کشور را قادر می‌سازد هر نقطه از منطقه خاورمیانه و حتی بخش‌های بزرگی از اروپا (شرق، مرکز و جنوب) را با موشک‌هایی با قابلیت حمل کلاهک‌های هسته‌ای هدف قرار دهد؛ به ویژه که ایران توسعه موشک‌های بالستیک قاره‌پیما را نیز در دستور کار دارد» (Cordesman, 2019: 4). به طور کلی و در یک بیان فنی، این موضوع که فناوری مورد استفاده در ماهواره‌ها را می‌توان در تولید موشک‌های قاره‌پیما مجهز به کلاهک هسته‌ای به کار گرفت، قابل کتمان نیست. اما به رغم این تشابهات، تفاوت‌های اساسی در این دو وجود دارد؛ از جمله اینکه بار مفید موشک‌های بالستیک یعنی کلاهک هسته‌ای و سایر اجزایش باید در مقابل فشار فوق‌العاده و دشواری‌های ورود به جو مقاوم باشد که خود نیازمند سیستم‌های پیشرفته حرارتی و حفاظت‌های مکانیکی است. در مقابل موشک ماهواره‌بر، بار مفیدش را که همان ماهواره باشد در فضا رها می‌کند و با چالش‌های ورود به جو زمین روبه‌رو نیست (Elleman, 2019: 7-8). بنابراین موشک بالستیک دارای کلاهک هسته‌ای و موشک ماهواره‌بر مسیرهای کاملاً متفاوتی را پس از پرتاب برای اجرای مأموریت‌شان طی می‌کنند. نکته دیگر اینکه، برخلاف ادعای مقامات آمریکایی، به اعتقاد بسیاری از کارشناسان امور تسلیحات هسته‌ای طراحی و ویژگی‌های موشک‌های آزمایش شده از جمله نیروی بالابرنده، اندازه بخش‌های بار مفید مانند بخش ویژه برای ورود به اتمسفر زمین و دماغه مخروطی شکل نوک موشک‌ها نشان می‌دهد که اغلب گونه‌های موشک

1. Sunset Provisions

2. Anthony H. Cordesman

شهاب، قیام، سجیل و گونه‌های مختلف موشک قدر با دماغه‌های سه‌مخروطی قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای ندارند (Elleman, 2019: 9-10).

از طرفی فعالیت‌های هسته‌ای ایران به طور مداوم در چارچوب برجام تحت کنترل است. آژانس متعاقب بازرسی‌های دوره‌ای و مکرر از مراکز هسته‌ای، پایبندی ایران به مفاد برجام را تایید کرده است. حتی ارزیابی ۱۶ نهاد اطلاعاتی آمریکا در ژانویه ۲۰۲۰ (۹ بهمن ۱۳۹۸) نیز اذعان دارد که «ایران فعالیت‌های کلیدی مرتبط با توسعه سلاح هسته‌ای را دنبال نمی‌کند». مضاف بر این، جمهوری اسلامی ایران پادمان (مقررات نظارتی آژانس)، پروتکل الحاقی و ترتیبات فرعی کد ۱-۳ را پذیرفته است که بالاترین معیار برای پایش برنامه‌های هسته‌ای یک کشور محسوب می‌شود. بنابراین مطرح کردن این موضوع که ایران می‌خواهد در آینده موشک‌هایی با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای بسازد، نیت‌خوانی به منظور تهدیدسازی از برنامه دفاع موشکی ایران در چارچوب راهبرد فشار حداکثری و با هدف اجماع‌سازی و همراهی بین‌المللی برای اعمال تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

امنیتی‌سازی یا بر ساخت تهدید حاکی از این است که پدیده‌های امنیتی لزوماً ناظر به یک خطر واقعی نیستند؛ بلکه ایجاد باور مشترک مبنی بر تهدیدآمیز بودن پدیده‌ای، مقابله با آن و تأمین امنیت را توجیه‌پذیر می‌کند. بنابراین وقتی موضوعی امنیتی و تهدیدزا نشان داده شود، لزوماً ارتباطی به وجود تهدید واقعی ندارد، بلکه می‌تواند از معرفی آن به عنوان تهدید سرچشمه بگیرد. ایالات متحده آمریکا به عنوان بازیگر اصلی امنیتی‌سازی با بازنگاری برنامه دفاع موشکی جمهوری اسلامی ایران به مثابه تهدید جدی علیه صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی، درصد همراه کردن جامعه بین‌المللی (به ویژه کشورهای اروپایی) با اهداف خود است. استراتژی آمریکا برای اجرایی‌سازی این رویکرد، بر دو ستون قابلیت برد و حمل کلاهک موشک‌های ایران استوار است. بدین صورت که ایالات متحده آمریکا با برجسته‌سازی برد موشک‌های ایران درصد معرفی اقدامات ایران در راستای توسعه برد این موشک‌ها تا دستیابی به موشک قاره‌پیماست و از طرف دیگر با تاکید بر قابلیت حمل کلاهک این موشک‌ها، درصد بازنگاری آنها به مثابه موشک‌ها بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای است. در این راستا ایالات متحده با تهدیدآمیز نشان دادن اهداف برنامه موشکی ایران، پیوند آن با قطعنامه ۲۲۳۱ و نهایتاً نیت‌خوانی در خصوص برد و حمل کلاهک هسته‌ای به دنبال بازسازی اجماع از دست رفته تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

از طرفی مبتنی بر مفاهیم نظریه امنیتی‌سازی مکتب کپنهاگ، استدلال بازیگر امنیتی‌سازی، علاوه بر نشان دادن تجلی تهدید، باید ارائه‌دهنده راه‌چاره و خلاصی از تهدید نیز باشد. در این راستا ایالات متحده آمریکا به عنوان بازیگر امنیتی‌سازی، به دنبال القای این مسئله به مخاطبان تهدیدسازی (اتحادیه اروپا و متحدان

منطقه‌ای آمریکا) است که راه‌حل و چاره تهدیدات ایران، اتخاذ راهبردهای سخت همچون تهدید و تحریم تا تحمیل یک توافقنامه موشکی با هدف کنترل برنامه موشکی ایران ذیل «رژیم کنترل فناوری موشکی» است؛ موضوعی که به دلیل وابستگی‌های فراآتلانتیکی و تهدیدسازی‌های گسترده آمریکا از قابلیت برد و حمل کلاهک موشک‌های ایران مورد اتفاق و تایید اروپا نیز هست؛ هرچند که در نحوه و کیفیت مواجهه با آن با ایالات متحده آمریکا اختلاف نظر دارند. اروپا در چارچوب استراتژی متوازن ضمن حمایت از تداوم برجام، امیدوار است با مذاکره و دیپلماسی، رفتار ایران در حوزه برنامه موشکی را به تدریج تغییر داده یا دست کم تعدیل کند؛ رویکردی که در مقابل رویکرد تحریم و فشار حداکثری ایالات متحده است. این در حالی است که برنامه دفاع موشکی ایران به عنوان مهمترین بخش راهبرد دفاعی ایران و عامل اصلی بازدارندگی در مقابل عوامل و تهدیدات خارجی است که نه تنها تهدیدی علیه صلح و امنیت بیت‌المللی نیست، بلکه با توجه به حضور نظامی گسترده ایالات متحده آمریکا و پایگاه‌های نظامی این کشور در منطقه و رویکرد تهاجمی دشمنان منطقه‌ای ایران از جمله اسرائیل و برخی از کشورهای عربی که به تسلیحات پیشرفته غربی مجهزند، جزئی از پویایی امنیت منطقه خاورمیانه است.

پیشنهادهای راهکارها

- ۱- از آنجا که هر برنامه موشکی شامل ابعاد مختلف فنی، حقوقی و بین‌المللی است و با توجه به خلأ ادبیات میان‌رشته‌ای (به ویژه در پژوهش‌های علمی به زبان فارسی)، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های مربوط به این حوزه از منظر میان‌رشته‌ای (روابط بین‌المللی، حقوقی و فنی) به موضوع پرداخته شود.
- ۲- ایالات متحده آمریکا، برنامه موشکی ایران را در امتداد برنامه هسته‌ای، به عنوان عرصه جدیدی برای پرونده‌سازی و تهدیدسازی با هدف اجماع علیه ایران در مجامع بین‌المللی در دستور کار قرار داده است. لذا پیشنهاد می‌شود که این رویکرد آمریکا در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با توسعه برنامه دفاع موشکی در نهادهای مربوطه مورد توجه قرار گیرد.
- ۳- با توجه به دو ستون اصلی رویکرد آمریکا (تهدیدسازی از «برد» و «قابلیت حمل کلاهک» موشک‌ها)، به نظر می‌رسد که ایالات متحده آمریکا بر استفاده از تمامی ظرفیت‌های نهادی، حقوقی و بین‌المللی موجود به منظور ایجاد اجماع بین‌المللی با هدف اخلاف یا دست کم ایجاد محدودیت در حوزه برنامه موشکی و فضایی ایران تمرکز خواهد کرد.
- ۴- با توجه به اینکه هیچ رژیم حقوقی الزام‌آور بین‌المللی درباره برنامه موشکی به طور عام و برنامه موشکی ایران به طور خاص وجود ندارد، لذا ایالات متحده آمریکا تلاش خواهد کرد که رویکرد تهدیدسازی از برنامه موشکی ایران را از مسیر برنامه هسته‌ای و از طریق سازوکارهای موجود در شورای امنیت

سازمان ملل متحد (به ویژه گزارش‌های دوره‌ای دبیرکل در ارتباط با قطعنامه ۲۲۳۱) و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (گزارش‌های دوره‌ای آژانس و نشست شورای حکام) پیش‌برد. لذا توجه به این مسئله در سیاست‌گذاری‌های دستگاه دیپلماسی کشور ضروری است.

پی نوشت:

(۱) صدام تنها ۲۰ روز پس از شروع جنگ تحمیلی، حملات موشکی علیه ایران را آغاز و طی سالیان بعد نیز بیش از ۱۷۰۰ بار تکرار کرد (Rabin, 2006: 63). ایران در طول جنگ و حتی پس از دستیابی به موشک هیچ‌گاه آغازگر حملات موشکی نبود و این موید نقش بازدارنده و دفاعی برنامه دفاع موشکی ایران از ابتدای دستیابی به این فناوری تاکنون است که در دکترین دفاعی ایران نقش برجسته‌ای دارد.

(۲) دلیل نامگذاری این موشک‌ها مسیری است که این موشک‌ها به صورت منحنی و در قالب مکانیک پرتابه ای طی می‌نماید.

(۳) علاوه بر معیار تقسیم‌بندی برد، موشک‌ها را به لحاظ سوخت (مایع و جامد) نیز تقسیم‌بندی می‌کنند. موشک‌های با سوخت جامد به لحاظ اقتصادی با صرفه‌تر و نگهداری آنها آسان است و می‌توان این نوع سوخت را برای سال‌های زیادی نگهداری کرد. سوخت جامد همچنین امکان پرتاب سریع‌تر را فراهم می‌کند و به طور کلی در جنگ کمتر آسیب‌پذیر هستند. همچنین مفهوم دایره خطای احتمالی^۱ مفهومی است که در تقسیم‌بندی موشک‌ها به لحاظ دقت مورد استفاده قرار می‌گیرد. هرچه میزان این دایره کوچکتر باشد، دقت موشک بالاستیک نیز بیشتر خواهد بود.

(۴) رژیم کنترل موشکی هم اکنون ۳۵ عضو دارد که عبارتند از: آرژانتین، استرالیا، اتریش، بلژیک، بلغارستان، برزیل، کانادا، جمهوری چک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، هلند، هند، نیوزلند، نروژ، لهستان، پرتغال، کره جنوبی، فدراسیون روسیه، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، اوکراین، انگلستان، آمریکا.

1. Circular Error Probable (CEP)

منابع

- امیدی، علی و سعیده مرادی فر (۱۳۹۳)، «برسازی امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۴: صص ۱۲۱-۱۴۹.
- امینیان، بهادر و شفق ضمیری جیرسرای (۱۳۹۵). «تأثیر رژیم کنترل تکنولوژی موشکی بر امنیت ملی و توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره ۳۲: صص ۴۱-۶۲.
- بشری، اسماعیل (۱۳۹۴)، «مسئله تحریم‌های موشکی و تسلیحاتی در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۸۸.
- بوزان، بری، ویور، الی و وویلند، جپ (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و سحر پیرانخو (۱۳۹۶)، «تحول فناوری موشکی و راهبرد دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۶، شماره ۸۳: صص ۷۳-۵۱.
- خادم حسینی، احمد (۱۳۸۶)، «موشک‌های بالستیک»، فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال سوم، شماره ۸ و ۹ بهار ۱۳۸۶.
- شکارچی، ابوالفضل (۱۱ آذر ۱۳۹۷)، «آزمایش و توسعه موشکی را ادامه می‌دهیم»، خبرگزاری فارس، قابل دسترس در: <https://www.farsnews.ir/printnews/13970911001100>
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و سید یوسف قرشی (۱۳۹۱)، «نظریه و روش در مطالعات امنیتی کردن»، مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره ۴، صص ۴۲-۷.
- زارع زاده ابرقویی، رسول (۱۳۹۶)، «نگاه کنه‌نگاری به امنیتی سازی: مبانی و چالش‌ها»، فصلنامه آفاق امنیت، سال دهم / شماره سی و ششم، پاییز ۱۳۹۶.
- شیهان، مایکل (۱۳۸۸)، امنیت بین‌الملل، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، (۲۰۱۵)، قابل دسترس در پایگاه اینترنتی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران: قابل دسترس در: <https://mfa.gov.ir/portal/newsview/31178>
- سلامی، حسین (۱۴ بهمن ۱۳۹۷). «اگر اروپا توطئه کند به یک جهش استراتژیک روی می‌آوریم»، کیهان، قابل دسترس در: <http://kayhan.ir/fa/news/153985/>
- Anadolu Agency(2019), Berlin concerned over Tehran's missile program, December12,2019, available at: <https://www.aa.com.tr/en/europe/berlin-concerned-over-tehrans-missile-program/1666351>
- Bahgat, G. (2019). Iran's Ballistic-Missile and Space Program: An

Assessment. Middle East Policy, 26(1), 31-48.

- Bermudez, J. (1992) **“Ballistic Missiles in the Third World - Iran’s Medium-Range Missiles.”** Jane’s Intelligence Review, April 1992.
- Cordesman, A. H., & Al-Rodhan, K. R. (2006). Iran’s Weapons of mass destruction: the real and potential threat (Vol. 23). CSIS.
- Cordesman, A. H. (2019), The Iranian Missile Threat, available at: <https://www.csis.org>.
- Council of the European Union (2019), Iran: Council adopts conclusions, 04/02/2019, available at: <https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2019/02/04/iran-council-adopts-conclusions/>
- Elleman. M(2019). Why Iran’s satellite launch does not amount to an ICBM test, The International Institute for Strategic Studies, 17th January 2019.
- Ervin, S (2020), Pompeo blasts Iran’s space program in wake of military satellite launch, Space News, Apr 26 2020.
- European Parliamentary Research Service (2020), EU-Iran: The way forward Can the JCPOA survive the Trump presidency?, July 2020.
- Fischhendler Itay and Katz David (2013) **“The Use of Security Jargon in Sustainable Development Discourse: Evidence from UN Commission on Sustainable Development”**, Int Environ Agreements.
- Hildreth, S. A. (2012). Iran’s Ballistic Missile and Space Launch Programs (Vol. 42849, p. 19). Congressional Research Service.
- Hildreth, S. A. (2020). Iran’s Ballistic Missile and Space Launch Programs. Congressional Research Service. Available at: <https://fas.org/sgp/crs/nuke/IF10938.pdf>
- <https://fas.org/nuke/intro/missile/basics.htm>
- Izewicz, P. (2017). Iran’s Ballistic Missile Programme. Its Status and the Way Forward. EU Non-Proliferation Consortium, Non-Proliferation Papers No.
- Karako, T. (2019). The Missile Defense Review. Strategic Studies Quarterly, 13(2), 3-15.

- Karako, T., & Williams, I. (2017). *Missile defense 2020: next steps for defending the homeland*. Rowman & Littlefield.
- Katzman, K. (1998) *Iran's Long-Range Missile Capabilities*. Report of the Commission to Assess the Ballistic Missile Threat to the United States, 198-99.
- McDonald, M. (2008). *Securitization and the Construction of Security*. *European journal of international relations*, 14(4), 563-587.
- Michelle Nichols (2020). **"Arms seized by U.S., missiles used to attack Saudi Arabia 'of Iranian origin': U.N"**. Reuters (JUNE 12, 2020), available at: <https://missiledefenseadvocacy.org/missile-threat-and-proliferation/missile-basics/ballistic-missile-basics>.
- Ozga, Deborah A. (1), **"A Chronology of the Missile Technology Control Regime"**, *The Nonproliferation Review*, www.nonproliferation.org.
- Reuters(2019), *France tells Iran new sanctions loom if missile talks fail*, JANUARY 25, 2019, available at: <https://www.reuters.com/article/us-france-iran/france-tells-iran-new-sanctions-loom-if-missile-talks-fail-idUSKCN1PJ19P>
- Rezaei, F. (2016). *Iran's Ballistic Missile Program: A New Case for Engaging Iran?*. *Insight Turkey*, 18(4), 181-208.
- Rubin, Uzi. (2006) **"The Global Range of Ballistic Missile Program"**, *Jerusalem Center for Public Affairs*, Vol.5, No.26.
- South, Todd, Rempfer, Kyle, Snow, Shawn, Altman, Howard and David B. Larter (2019), *What war with Iran could look like*, *Military Times*, (June 4, 2019), available at: <https://www.militarytimes.com/news/2019/06/04/what-war-with-iran-could-look-like>.
- Stritzel, H. (2007). *Towards a theory of securitization: Copenhagen and beyond*. *European journal of international relations*, 13(3), 357-383.
- *The Middle East and North Africa section*. Department of Defense Proliferation Report. November 26, 1997. P.2.
- *Theguardian* (2018), *Iran missile tests may breach UN resolution, France and UK warn*, December 3, 2018, available at: <https://www.theguardian.com/world/2018/>

dec/03/iran-missile-tests-may-breach-un-resolution-france-uk-warn

- Thenational(2018), French minister to discuss missile programme and nuclear deal with Iran, January 22, 2018, available at: <https://www.thenational.ae/world/europe/french-minister-to-discuss-missile-programme-and-nuclear-deal-with-iran-1.697453>
- Trainer, Mark (06/07/2019), Iran nuclear deal didn't stop Iran's aggression, Share America, available at: <https://share.america.gov/iran-nuclear-deal-didnt-stop-irans-aggression/>
- U.S. Department of State(2019), Iran's New Sanctions Designations on Iran's Space Program, September 3, 2019, Available at: <https://www.state.gov/new-sanctions-designations-on-irans-space-program/>
- U.S. Virtual Embassy Iran(2018), Brian Hook on Iran's Missile Proliferation, September 19, 2018, available at: <https://ir.usembassy.gov/brian-hook-on-irans-missile-proliferation/>
- Wæver, O. (1993). Securitization and desecuritization. Copenhagen: Centre for Peace and Conflict Research.

بررسی نقش تحریم های اقتصادی بر امنیت ملی ایران

نرجس سادات حسینی^۱

چکیده:

امروزه استفاده از تحریم های شدید علیه ایران جایگزین و مکمل گزینه نظامی شده است و مهم ترین راهبرد تهدید امنیت ملی است. بنابراین، تهدیدهای نرم به دلیل کم هزینه بودن، تأثیر بر عوامل نرم افزاری حوزه اقتدار ملی، استفاده نکردن از روش های خشونت آمیز و غیره بیش از پیش مورد نظر دشمنان انقلاب اسلامی است.

نتایج تحقیق نشان داده است که تحریم ها و ممنوعیت های تجاری بر امنیت ملی تأثیر چشم گیری گذاشته است. درواقع، تحریم ها تأثیر زیادی بر صادرات و واردات ایران طی سالهای اخیر داشته است. بنابراین، باید گفت: تحریم های شدید، علاوه بر اینکه به نوعی مانع وارد شدن ایران به بازارهای تجاری بوده که در شرایط فعلی امنیت ایران را با تهدید روبرو ساخته است. اما باعث خوداتکایی و ایجاد اقتصادمقاومتی شده است. با توجه به اینکه بیشترین تأثیر «اقتصاد دگرگون شده» کنونی بر «امنیت ملی» شامل، حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت بوروکراسی و اثر بخشی دولت می شود. این نوع اقتصاد، امنیت کشور را متحول، شکل و ابعاد آن را دچار تغییرات بنیادین می کند و در صورت عدم توجه به آن آثار تخریبی زیادی دارد که از جمله آنها می توان به تشدید جدال طبقاتی، دو قطبی شدن جوامع و تهدید امنیت اجتماع در اثر دسترسی بدون برنامه ریزی به فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی و تهدید ارزش های جامعه و تخصیص سرمایه بدون توجه به نیازهای مردم اشاره کرد. بنابراین، تحریم های اقتصادی درست است که باعث مشکلات اقتصادی شده است ولی در برخی زمینه ها موجبات عدم وابستگی را برای ایران فراهم ساخته است.

واژگان کلیدی: ایران، اقتصاد، تحریم، جهانی شدن، امنیت ملی

۱ - مقدمه

در دنیای امروز، امنیت ملی بر حسب قدرت و بویایی اقتصادی سنجیده می‌شود. در واقع، دنیای رو به جهانی سازی به عنوان جهانی توصیف می‌شود که در آن چالش‌های اقتصادی جایگزین چالش‌های نظامی می‌شوند و ملت‌ها برای ارتقای امنیت ملی عمدتاً بر ابزارهای اقتصادی تکیه می‌کنند (صیادزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

اعمال تحریم‌ها ابزاری برای رسیدن به اهداف و مقاصد سیاسی است و پیشینه کاربرد آن به قبل از میلاد مسیح بازمی‌گردد. آمریکا و اتحادیه اروپا بعد از انقلاب اسلامی به ویژه در سال‌های اخیر، به منظور دستیابی به اهدافی خاص در سیاست خارجی به طور فزاینده‌ای از سیاست تحریم اقتصادی علیه ایران استفاده کرده‌اند و بیشتر تحریم‌های اقتصادی و سیاسی علیه ایران و به پرونده هسته‌ای ایران مربوط بوده است. همچنین، رفع آن‌ها، بر اقتصاد این کشور و کشورهای منطقه و جهان تأثیرات مختلفی خواهد داشت. پیوستگی عمیق اقتصادی میان کشورها و بنگاه‌های اقتصادی، وجود امکانات و ابزارهای ارتباطی پیشرفته برای کنترل مبادلات تجاری، مالی، پولی و امکان بهره‌گیری از ابزارهای مختلف برای اعمال فشار بر بنگاه‌های اقتصادی از جمله عواملی است که از یک طرف در کارآمدی تحریم اقتصادی علیه یک کشور مؤثر است و درجه موفقیت آن را بالا می‌برد و از طرف دیگر بر ناکارآمدی تحریم‌ها هم مؤثر است (آقای و دیگران، ۱۳۹۷: ۵۰).

اخیراً، تمامی حکومت‌های ملی از مجرای جریان سرمایه یا انتظام بخشی مستقیم نهادی، تحت تأثیر انتظام بخشی مالی هستند. یکی از اصول اساسی عمل‌گرایی از سال‌های ۱۹۸۰ به بعد این بود که دولت باید به هر قیمتی نهادهای مالی را حمایت کند (میرحیدر و میراحمدی، ۱۳۹۷: ۳۹۹). چون زیربنای امنیت ملی در دست اقتصاد است، که دولت حامی و پشتیبان آن است.

در ایران امروز، با اوضاع بد اقتصادی موجود، امنیت ملی، به مراتب بیشتر از زمان‌های قبل با چالش روبرو است و مسئولان باید به دنبال راهکارهایی برای حفظ امنیت فردی و اجتماعی شهروندان باشند تا مشکلات اقتصادی دامنگیر سایر حوزه‌های زندگی اجتماعی نشود. امروزه تهدیدها به سمت تهدیدهای نرم سوق پیدا کرده است. تهدیدهای نرم به دلیل کم هزینه تر بودن، تأثیر بر عوامل نرم افزانه حوزه اقتدار ملی، استفاده نکردن از روشهای خشونت آمیز و ... بیش از پیش موردنظر دشمنان است. هدف ویژه تهدید مختل کردن و درنهایت از بین بردن امنیت یک جامعه و درنهایت نابودی حاکمیت است. آنچه مسلم است هر سازمانی برای بقای خود نیازمند مصون سازی در مقابل تهدیدات و مواردی که موجودیت به خطر می‌اندازد می‌باشد. تحریم‌های اقتصادی به طور مستقیم و غیرمستقیم بر ابعاد دیگر از جمله سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مؤثر است و مسئله تحریم اقتصادی نیز به عنوان یکی از ابزارهای استکبار جهانی علیه

ایران است. بنابراین، ضرورت دارد تهدیدات و آسیب های احتمالی شناخته شود تا زمینه کنترل آن ها و بهره برداری از فرصتها در جهت مقابله با تهدیدها فراهم آید. تحقیق حاضر باهدف و سؤال زیر انجام شده است. هدف این تحقیق تبیین رابطه تحریم های اقتصادی و امنیت ملی است و سؤال اصلی تحقیق این است که تحریم های اقتصادی چه تاثیراتی بر امنیت ملی ایران دارد؟

۲ - ادبیات نظری:

اقتصاد جهانی شده: از دیدگاه «اوهمای»^۱ چهار پدیده وجود دارد که موجب شکستن مرزهای ملی می شود. شرکتها، ارز، رقابت و سرمایه. اینها چهار پدیده اصلی هستند که فعالیت آنها در قالب مرزهای ملی محدود نمی شود و به طور نا خودآگاه این مرزها را شکسته و عرصه ها و بازارهای جهانی و منطقه ای را برای فعالیت اقتصادی بوجود می آورند (Ohmae, 2000: 1). در واقع، شرکت ها، برای ماندن و رقابت کردن در عرصه جهانی و برای رسیدن به آخرین مرحله توسعه نیاز به راهبرد جهانی دارند. از دید بسیاری از شرکت ها اتخاذ راهبردهای جهانی برای رقابت مؤثر امری ضروری است. یک راهبرد جهانی با راهبرد چندبعدی داخلی یا کشوری متفاوت است. یک راهبرد جهانی در محیط جهانی اجرا می شود. بنابراین، در روند جهانی سازی اقتصاد شاخص های اقتصادی شاید به سهم بازار داخلی وابسته نباشد، بلکه به حجم جهانی بستگی داشته باشد. هانگر^۲ و ویلن^۳ مراحل توسعه بین المللی را پنج مرحله می دانند: که در شکل (۱)، به آن اشاره شده است»

1. Ohmae
2. Hanger
3. violin



شکل ۱-، مراحل توسعه بین المللی، ترسیم: نگارنده

منبع: (یزدان پناه، ۱۳۹۴: ۱۶۸)

خلاصه اینکه، سازماندهی معاصر اقتصاد جهانی بر اساس فناوری‌های جدید چیزی را خلق کرده که احتمالاً یک سطح پیش‌بینی نشده از فرایندهای فراحکومتی در تاریخ نظام‌های جهانی مدرن است. بازسازی کنونی اقتصاد جهانی قطعاً شامل ویژگی‌های مشترک زیادی با بازسازی‌های گذشته است و نشان‌دهنده تغییرات اساسی در نظام هستند (Taylor, 2006: 55). بنابراین، جهانی شدن اقتصاد به صورت مؤثری سرشت سرزمین دولت ملی را در هم می‌شکند و جهشی به سمت ساختارهای فراملی پیدا می‌کند، در نتیجه مفهوم حاکمیت و امنیت ملی و فراملی در روند جهانی سازی اقتصاد، در حال تغییر و تحول است.

-تحریم‌های اقتصادی علیه ایران: امروزه، با گسترش علم و فناوری‌های ارتباطی، جهان به دهکده صغیری تبدیل شده است و تمام اهداف بشر به سوی جهانی شدن پیش می‌رود، اقتصاد نیز در این راستا به سوی جهانی شدن روانه است؛ همچنین، ثبات و افزایش تجارت خارجی از اهداف مهم حکومت‌ها قلمداد می‌شود. با توجه به این موضوع، کشورهای تحریم‌کننده سعی می‌کنند با وضع تحریم‌های تجاری و مالی هزینه‌هایی بر کشور مورد نظر وارد کنند (Hufbauer & al et, 2007). تحریم سلسله اقدام‌هایی است که بدون استفاده از قوای تهدید علیه کشور، هدف یا فرد مورد نظر اعمال می‌شود (Malloy, 1990:301). داکس^۱، تحریم‌های بین‌المللی را تنبیهایی می‌داند که در قالب تبعات اعالم شده ناکامی هدف در تبعیت

1. Dox

از استانداردها یا الزامات بین المللی، اعمال شده است (آقای و دیگران، ۱۳۹۷: ۵۱).

هنری بنین و رابرت گیلپین^۱، تحریم را «دستکاری روابط اقتصادی به منظور دستیابی به اهداف سیاسی» می دانند که «برای تهدید به مجازات اقتصادی و یا اعمال آن با هدف مجبور کردن یک جامعه به تغییر سیاست یا حکومت خود» به کار می رود (بیات، ۱۳۹۵: ۴۴).

تحریم ها از نظر موضوع ابزاری به دو دسته تحریم های اقتصادی و غیراقتصادی طبقه بندی می شوند؛ تحریم های غیر اقتصادی نظیر صادر نکردن ویزا برای مقامات دولت تحریم شونده در یک سازمان بین المللی، مخالفت با پیشنهاد کشور تحریم شونده برای میزبانی وقایع مهم بین المللی همچون برگزاری مسابقات جام جهانی، المپیک و... به وسیله ابزارهایی جز تحمیل هزینه های اقتصادی قابل دستیابی هستند؛ تحریم های اقتصادی از جنبه های تجاری و مالی برخوردارند که در تحریم های تجاری، ممنوعیت ها و محدودیت هایی در زمینه صادرات و واردات اعمال می شود. اما در تحریم های مالی، تحریم کننده از انجام معاملات مالی، نقل و انتقالات پول و سرمایه گذاری خودداری می کند و با استفاده از نفوذ خود در مؤسسه های مالی بین المللی از هرگونه همکاری فنی، سرمایه گذاری رسمی و انعقاد قراردادهای وام جلوگیری می کند. لازم به ذکر است شدیدترین شکل تحریم های مالی، انسداد یا مصادره دارایی های کشور تحریم شونده^۲ به نظر می رسد اثر تحریم های تجاری، بیشتر یا رهبران آن ها است. (آقای و دیگران، ۱۳۹۷: ۵۱). هافبائر و اسکات^۳، با روش های آماری و تحقیقات محاسباتی به این نتیجه رسیده اند که «تحریم های اقتصادی، تأثیرات زیادی بر رفاه اقتصادی یا همان امنیت اجتماعی دارد. (Hufbauer & Schott: 2012: 13) جفری کمپ^۴، وی مطلوبترین ابزار مهار ایران هسته ای را اتخاذ تحریم چندجانبه می داند که در آن چهار بازیگر روسیه، اتحادیه اروپا، آمریکا و چین حضور داشته باشند؛ زیرا به سرشکن شدن هزینه های مادی و معنوی واشنگتن منجر می شود به ویژه اینکه روسو به تنه اکشور عضو باشگاه هسته ای است که در فرایند تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر و ارسال میله های سوخت هسته ای مشارکت دارد و احتمال ارسال سامانه های دفاع هوایی اس ۳۰۰ به جمهوری اسلامی ایران همکاری می نماید. پاتریک کلاوسون^۴، مذاکره هسته ای با جمهوری اسلامی ایران را به دلایل انعکاس منفی آن در دولتهای میانه روی عرب متحد آمریکا در منطقه و مغایرت با اهداف اعلانی آمریکا در طرح خاورمیانه بزرگ و ایجاد این تصور در هیئت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که هرگونه نزدیکی به تولید تسلیحات هسته ای قدرت مانور و چانه زنی آنان در مذاکرات را افزایش می دهد، مفید نمی داند. و معتقد است هرگونه مذاکره مستقیم هسته ای میان واشنگتن و تهران باید در چارچوب «تواف همه جانبه» بر چهار موضوع عراق، صلح خاورمیانه، موضوع هسته ای و حقوق بشر

1. Henry Benin and Robert Gilpin

2. Midfielder and Scott

3. Jeffrey Camp

4. Patrick Clawson

متمرکز شود. وی، معتقد به جایگزینی گزینه‌های امنیتی به جای گزینه‌های اقتصادی با بهره‌برداری از دو تاکتیک «انزوا سازی و مهار و بازدارندگی» است (مهریان، ۱۳۹۸: ۱۵۵). گری سیک^۱، معتقد است مهمترین راه کار مؤثر برای مهار فعالیتهای هسته ای ایران و توقف فرایند غنی سازی ایجاد نارضایتی عمومی در داخل از طریق تصویب تحریم‌های درازمدت مرحله ای و پلکانی است؛ زیرا تحریمها و فشارهای شدید و مقطعی باعث تقویت وحدت ملی و بسیج افکار عمومی علیه آمریکا می شود. دیوید کی^۲، معتقد است، آمریکا باید به منظور انزوای مؤثر ایران گزینه اعمال تحریم‌های ائتلافی و هوشمند خارج از چارچوب شورای امنیت را پیگیری کند. کنث ام. پالک^۳، معتقد است که «پاشنه آشیل» و نقطه ضعف ایران در اقتصاد خفته است که در حد مطلوب نمی باشد. اولین اثر اقتصادی بر توده مردم این است که می تواند به شورش‌های داخلی منجر شود؛ بنابراین، رژیم ایران تنها با انتخاب یکی از دو گزینه زیر مواجه است: از برنامه‌های اتمی خود منصرف شود و در عوض از «مشوقهای اقتصادی» بهره‌مند گردد. به فعالیتهای اتمی خود ادامه داده و در عوض آسیب‌های گسترش عمق و دامنه تحریم‌های همه جانبه را بپذیرد (هان، ۱۵۶). امنیت ملی: «امنیت ملی» حوزه‌ای جدید و مفهومی کاملاً غربی است که در خلال و متعاقب جنگ جهانی دوم مطرح شده است (حسن‌پور، ۱۳۸۲: ۷۸).

«امنیت ملی عبارت است از احساس آزادی کشور در تعقیب اهداف اساسی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع اساسی و حیاتی کشور». در فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل این مفهوم بدین صورت تعریف شده است: «حالتی که ملت فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا خاک خود به سر می‌برد» (بصری، ۱۳۸۰: ۱۶۹-۱۶۸). مجموعه تحولات پرشتاب کنونی و ورود متغیرهای متعدّد در صحنه امنیتی کشورها، مدیران سطوح بالا را وادار می‌سازد تا از الگوها و روش‌های سنتی خود در اداره امور امنیتی کشور فاصله بگیرند و با در نظر گرفتن مجموعه تغییرات محیطی، استراتژی و سیاست‌های منسجمی را برای حفظ امنیت در کشور خود اتخاذ کنند (کلاهچیان، ۱۳۸۴: ۶۲). به طور کلی، مباحث امنیتی عمدتاً حول محور امنیت ملی می‌چرخد. امنیت ملی از دو واژه امنیت و ملی تشکیل شده که هر کدام از این دو واژه تأثیر عمیقی بر دیگری گذارده است. واژه امنیت یعنی ایمنی و آسودگی از خطر و واژه ملی که مربوط به ملت می‌شود و از زمان شکل‌گیری انقلابهای مردمی و پایه‌گذاری اولین حکومت‌های مردمی در جوامع مغرب زمین متداول گشته، بتدریج به جوامع شرقی و ایران نیز رسیده است (حسینی و واثق، ۱۳۹۵: ۹۲). در این راستا، مهمترین بعد امنیت، امنیت اقتصادی است. تعیین سیاست‌های کلی در بخش امنیت اقتصادی جامعه و نهادی نمودن الگوهای عملی رفتار (هنجارها) در این زمینه یکی از حوزه‌های اساسی امنیت و قانون‌گرایی است. امروزه امنیت اقتصادی بیش از گذشته تبدیل به مسائل

1. Gary Sick

2. David Ki

3. Cont..M. Palk

ظریف و حساس جامعه شده است. به طوریکه اگر قواعد و قوانینی در این زمینه تعیین و وضع نشود، ضمن رواج هرج و مرج و بحران شاهد از بین رفتن امنیت در این حوزه خواهیم بود که بدون تردید سرمایه، ثروت، تولید و کارآفرینی در جامعه تهدید خواهد شد.

۳. روش تحقیق: این پژوهش، از نوع بنیادین و نظری است و روش جمع آوری داده ها در این پژوهش اسنادی و کتابخانه ای و شیوه تحلیل اطلاعات نیز توصیفی - تحلیلی مبتنی بر روش شناسی کیفی می باشد. در این راستا و برای دستیابی به یک نتیجه درست و شفاف در این پژوهش مبتنی بر استنتاج عقلانی کوشش گردیده به بررسی و تبیین تأثیر تحریم های اقتصاد بر امنیت ایران پرداخته شود. بنابراین، با به کارگیری متغیرهای اصلی مانند اقتصاد، جهانی شدن، امنیت سعی بر آن است که به یک نتیجه قابل تعمیم برسیم.

۴. یافته‌های تحقیق:

-برجام و تأثیر آن بر بازار اقتصادی ایران: برای رهایی از مشکلات اقتصادی و رکود تورمی که معیشت ملت ایران را با مشکلات زیادی مواجه کرده بود، دولت روحانی سعی نمود تا با استفاده از دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی، به حل این مشکل بپردازد. بدین منظور پرونده هسته ای ایران به تیم وزارت امور خارجه به رهبری محمدجواد ظریف، وزیر امورخارجه سپرده شد (دریایی، ۱۳۹۴: ۱۳). پس از یکسری مذاکرات طولانی هیأت دیپلماسی ایران با نمایندگان ارشد ۵+۱ (روسیه، چین، امریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان) سرانجام بدنبال دو توافق موقت وین و لوزان در تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ ژانویه ۲۰۱۱) برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) تحت عنوان توافق وین کسب گردید (شیرازی، ۱۳۹۴: ۳۸-۴).

تحول اقتصادی ایران بعد از توافق هسته ای (برجام) هرچند آنقدری که انتظار می رفت گسترده و عمیق نبود، ولی باعث گردیده بود تا ورود برخی از شرکتهای خارجی به ایران امکانپذیر گردد. در عصر تحولات بین المللی و جهانی شدن و وابستگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه، فرصت بهره مند شدن از امکانات بین المللی و سرمایه گذاری خارجی برای این کشورها تا حدود زیادی فراهم می شود. اقتصاد ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه با تحولات بین المللی گره خورده است. اما شدت عوامل و مسائل سیاسی بین المللی در اقتصاد ایران بسیار است. برای نمونه با یک نگاه به بازار سرمایه ایران می توان این مهم را دریافت که شاخص سهام در این کشور بعد از رویدادهای سیاسی مهم مربوط به ایران در صحنه بین الملل دچار تغییرات شگرفی می گردد. تصور بر این بود که با برداشته شدن تحریمهای هسته ای شورای امنیت و تحریمهای یکجانبه ایالات متحده، دولت ایران امکان دسترسی به حوزه های تجاری، مالی، فن آوری و انرژی را به راحتی کسب خواهد نمود. به علاوه دولت یازدهم با رفع تحریمها می توانست تحول شگرفی را در صنعت هوایی و یعنی برای ملت ایران به ارمغان آورد. اما با پیروزی ترامپ در انتخابات

و خروج آمریکا از برجام، دولت حسن روحانی را با مشکلات اقتصادی در داخل و انزوای سیاسی در ناحیه مواجه خواهد کرد. ورود او به کاخ سفید و کنار گذاشتن سیاست مباحثات اوباما (با نظام جمهوری اسلامی ایران)، باعث خشنودی برخی از جناح‌های اصولگرا در داخل و شادی برخی از حکام منطقه ای گردید (ساجدی، ۱۳۹۷: ۲۱۱).

چراکه توافق هسته ای برای برخیاز کشورهای خاورمیانه (اسرائیل و عربستان) که نگاه مثبتی به اعمال ایران نداشتند، بسیارنگران کننده بود. سرانجام در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ ترامپ خروج آمریکا را از برجام اعلام نمود که مورد انتقاد دولت روحانی و دیگر اعضای برجام قرار گرفت. با توجه به اقداماتی که در خصوص برجام و در عرصه سیاست بین الملل یعنی خروج آمریکا از آن صورت گرفت، نوسانات زیادی در اقتصاد مالی و پولی ایران بوجود آمد. برجام که یک توافق چند جانبه و در سازمان ملل ثبت گردیده بود، باعث شده بود که درآمد نفتی ایران دوباره احیاء گردد و تأثیر فراوانی بر بخش اقتصادی ایران گذارد. اما با خروج آمریکا از برجام و تهدیدهای آمریکا مبنی بر از سرگیری تحریمها، اقتصاد ایران دچار نابسامانی و تغییر و تحولات شدیدی شده است که این مسئله به وضوح در اوایل سال ۱۳۹۷ در بازارهای مالی ایران مشاهده شد. (ساجدی ۱۳۹۸: ۱۴۰).

- تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر امنیت ملی کشور: نفوذ و تأثیرات نهادهای بین‌المللی اقتصادی مانند سازمان تجارت جهانی و ایجاد و توسعه همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای (فراملی) مانند اتحادیه اروپا و سایر اتحادیه‌های منطقه‌ای و ادغام کشورهای سوسیالیستی سابق در جهان سرمایه‌داری، زوال یا پژمردگی ایدئولوژی‌های سیاسی و توجه و معطوف بودن نظر ملت‌ها به پیشرفت‌های مالی به جای لفاظی‌های ایدئولوژیک در ساخت مدینه‌های فاضله که هیچ‌گاه هم تحقق نیافته، دولت‌ها را هم مجبور به توجه بیشتر به امر اقتصاد با صرف نظر نمودن از پاره‌ای از مظاهر بارز حاکمیت خود مانند آن چه که کشورهای عضو اتحادیه اروپا با قبول پول اروپایی و پارلمان اروپایی انجام داده‌اند، کرده است. کشورهای سوسیالیستی هم با ترفندهای نوین سیاسی و ایدئولوژیکی، ادغام در اقتصاد سرمایه‌داری را بُعد دیگری از سوسیالیسم توجیه می‌کنند و با ورود سرمایه از جهان سرمایه‌داری به جهان سوسیالیستی گوی سبقت را از کشورهای اقتصاد آزاد روده‌اند، که به هر حال چنین فرایندی از شرق تا غرب از کشورهای پیشرفته تا عقب‌مانده و از شمال تا جنوب متضمن واگذاری بخشی از حقوق حاکمیت ملی خود برای ورود به این باشگاه جهانی بوده است. به بیان دیگر نهادهای موازی دیگری با دولت‌ها در معاهدات جهانی و بین‌المللی ظاهر شده که قدرت و امنیت ملی دولت‌ها را در عرصه ملی و بین‌المللی به چالش کشیده است. عضویت در این سازمان‌ها و نهادهای اگر هم اختیاری باشد، در هر حال در بردارنده تعدادی از تعهدات و مسئولیت‌ها می‌شود. دولت‌ها به طور فزاینده‌ای عضو سازمان‌های فراملی می‌شوند و بنابر ضرورت حتی حاکمیت خود را به

آن‌ها واگذار می‌کنند. سازمان‌هایی مانند سازمان ملل، ناتو، اتحادیه اروپا و اوپک (ارگینز و بوریر، ۱۳۸۱: ۵۱). گسترش و وابستگی متقابل بین کشورها و اقتصادهای ملی، یکپارچگی بازارهای مالی و گسترده شدن مبادلات تجاری، مقررات‌زدایی و از میان برداشتن اقدامات حمایت‌گرایانه بازرگانی و ایجاد سازمان تجارت جهانی (محمودپناهی، ۱۳۸۹: ۱۸۶).

روی هم رفته توده قابل ملاحظه‌ای از اقتدار در سطح جهانی و بین‌المللی در حال تکوین و تشکیل است که خواه ناخواه به اقتدار سنتی دولت‌ها آسیب می‌رساند (صادقی، ۱۳۷۹: ۴۰۸). چون مرزهای ملی دیگر چندان به مفهوم و معنای مرزهای فعالیت اقتصادی نیستند، دیگر نمی‌توان به درستی از بازار ملی سخن گفت. گسترش اقتصاد جهانی، بدین سان توانایی سیاسی حاکمیتی را در امر کنترل و اداره امور اقتصادی خود محدود می‌سازد (معصوم‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۲۱-۱۱۹). امروزه حاکمیت دولت‌ها، خود تابعی از کل نظام سرمایه‌داری شده و نقطه اوج محدود شدن دولت‌ها همین شرکت‌های چندملیتی هستند. مسلماً کشورهای قدرتمندتر بهره بیشتری از این روند جهانی شدن می‌برند مثلاً مرزهای امن دولت‌های آمریکا، انگلستان و فرانسه (مرتضوی، ۱۳۸۹: ۴-۳۳). اما دولت‌هایی که هنوز بنا بر ایدئولوژی یا تفسیرها و برداشت‌های غیرهمسو با وضعیت نوین جهانی به سختی حاضر به پذیرش این نظم نوین و تطبیق و تطابق خود با شرایط پیش آمده هستند، نه تنها تأثیرگذار بر این وضعیت موسوم به جهانی شدن نیستند، بلکه فرصت‌هایی را هم برای رشد و توسعه اقتصادی از دست می‌دهند و به شکلی دیگر موجب تضعیف اقتدار و حاکمیت ملی خود در عرصه جهانی می‌شوند (Taylor, 2006: 55). برجسته‌ترین آثار در این زمینه، آثار اخیر «پل هرست و گراهام تامپسون»^۱ می‌باشد (نش، ۱۳۸۰: ۷۴). گسترش نظام اقتصادی بازار آزاد در چارچوب جهانی شدن‌های کنونی، نه تنها مفهوم حاکمیت اقتصادی و مفهوم مرزهای اقتصادی را دگرگون می‌کند، بلکه بر مفهوم حاکمیت به معنای گسترده و عام آن نیز اثر می‌گذارد و دگرگونی‌هایی را در آن موجب می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۰). در نتیجه، جهانی شدن اقتصاد (که در یک کفه ترازو قرار گرفته و) سنگینی خود را بر حاکمیت ملی (که در کفه دیگر قرار گرفته) تحمیل می‌کند و بر اساس قانون تعادل می‌توان نتیجه گرفت که جهانی شدن ها تعادل را از بین برده و در زمینه‌های گوناگون فرسایش و کاهش وزن ژئوپلیتیکی را به وجود آورده است.

ما در حال حاضر در یک اقتصاد جهانی زندگی می‌کنیم که به طور کامل در گسترش و توسعه نواحی هسته‌ای تجارت کالا و سرمایه تولیدی، بین‌المللی شده و باعث جهانی شدن شتابان در مورد جریان‌های پولی و سرمایه مالی شده است (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۴۴) و اگر کشوری بنا بر دلایل مختلف از این اقتصاد بیرون باشد دچار مشکلات زیادی در ابعاد مختلف جامعه بویژه امنیت خواهد شد.

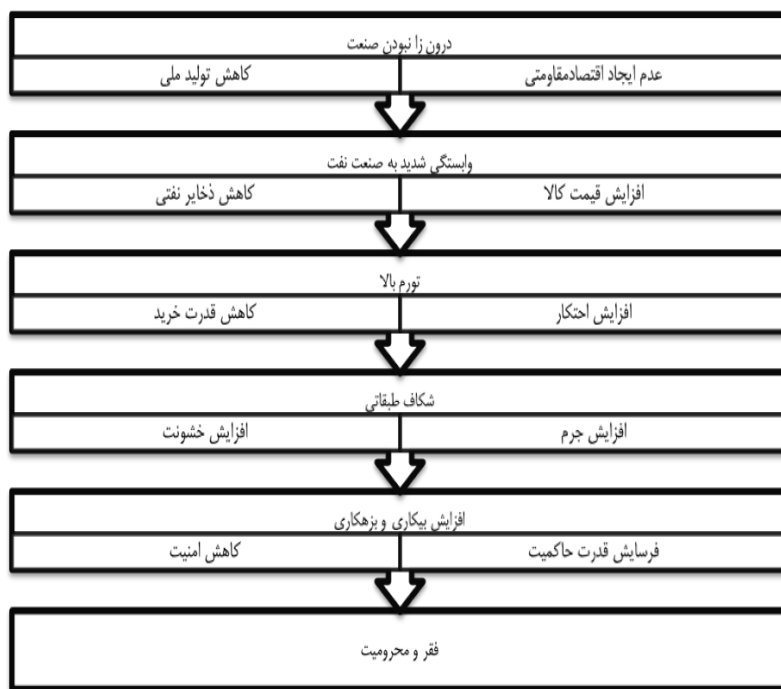
1. Paul Hurst and Graham Thompson

آثار منفی تحریم‌های اقتصادی بر امنیت را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- از میان رفتن امنیت شغلی افراد که خود به گونه‌ای سبب از میان رفتن رفاه فرد و خانواده خواهد بود و به طور کلی امنیت ملی را با چالش روبرو می‌کند.
 - ۲- افزودن شکاف میان دارندگان و ناداران جامعه آن گونه که تقسیمات جهانی با توجه به جهانی شدن‌ها از حالت تقسیم به ملت‌های گوناگون تبدیل به حالت تقسیم به طبقات هم‌سرنوشت و همدرد انسان‌ها در سطح جهانی خواهد بود.
 - ۳- گسترش سودجویی و سودپرستی در جوامع منجر به مادی‌گرایی بیشتر فرهنگ‌ها خواهد شد و پیامد بی‌تردیدش، کاهش یافتن عواطف و احساسات انسانی در جوامع خواهد بود (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۱۶۶).
- اما فرایند اقتصاد جهانی خالی از معایب هم نیست، نظام جدید و گفتمان مسلط اقتصادی باعث تمرکز سرمایه در میان جمع‌های کمی از سرمایه‌داران، صاحبان صنایع و بازرگانان می‌شود. این امر خود به خود منجر به دوقطبی شدن جوامع و تشدید جدال طبقاتی در بین قشر ثروتمند و فقیر جوامع به خصوص، پیرامون می‌شود. اساساً نظام سرمایه‌داری به خاطر الگوی پاداش خود و نیز میزانی که اشخاص را وادار به ایفای نقش‌های اجتماعی قطبی می‌کند، نظامی قطبی‌کننده است (والراشتاین، ۱۳۷۷: ۲۵۴). پنج غول اقتصادی جهان: آمریکا، ژاپن، فرانسه، انگلستان و آلمان از جمع حدود دویست کارتل و تراست بزرگ، یکصد و هفتاد تای آنها را زیر یوغ خود گرفته‌اند (فراگزلو، ۱۳۸۱: ۹۳). بنابراین، واضح است که چنین انباشت کلانی از سرمایه که به دنبال چهره‌های مختلف خود، قدرت را نیز می‌آورد، بنیادهای اصلی دموکراسی جهانی را هدف قرار می‌دهد و استبداد سیاسی و فرهنگی را بر جهان حاکم می‌کند. از سوی دیگر چنین حجم عظیمی از قدرت و ثروت در فعالیت شرکت‌های چندملیتی، به سادگی مرزهای دولتی و هویت‌های ملی را در هم می‌شکند و ارزش‌های مورد نظر خود را بر جهان حاکم می‌کند و امنیت ملی کشورها را به چالش روبرو می‌سازد. جهانی شدن اقتصاد به طور کلی جهت رسیدن به اهداف خود که دستیابی به حداکثر سود و سوق دادن جریان سرمایه به فضاهایی از سرزمین که سود بیشتری را در بردارد، نیاز به فراهم ساختن یک سری پیش‌زمینه‌های فرهنگی و بسترسازی اجتماعی است که این هدف را به وسیله مداخله در امور کشورهای پیرامون، به نمایش گذاشتن فاصله‌ها و ایجاد ستیز طبقاتی و قرار دادن قشرهای گوناگون مردم در مقابل یکدیگر محقق می‌سازد. «استعمار پنهان که هم اینک بر روابط بین‌الملل سایه افکنده است، از حال و هوای حاکم بر نظام اقتصادی در جهان مایه می‌گیرد. در این میان، ابزارهای رسانه‌ای، مهم‌ترین نقش را بازی می‌کنند. این رسانه‌ها با نفوذ دادن فرهنگ بیگانه با ارزش‌های ملی، میان فرهنگ سنتی و فرهنگ عاریتی تضاد ایجاد می‌کنند که گونه‌ای بحران هویت و ناسازگاری و عدم امنیت ملی از جمله پیامدهای آن است» (ولی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۹۵). از این رهگذر روشن می‌شود که جهانی شدن اقتصاد علاوه بر جدال طبقاتی، با تمرکز ثروت، عدم امنیت اقتصادی و شغلی را موجب شده و جدال طبقاتی را دامن می‌زند.

تکثر و هویت فرهنگی را نیز می‌فرساید و به حریم آزادی‌های سیاسی مردم یورش می‌برد و در نهایت زمینه رشد بنیادگرایی و حتی تروریسم را فراهم می‌آورد. جهانی شدن اقتصاد در اولین مرحله با تشدید جدال طبقاتی، امنیت ملی را به چالش می‌کشد و در وهله دوم از طریق رسانه‌ها و فناوری‌های اطلاعاتی فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری را در تقابل با فرهنگ بومی و محلی کشورها قرار می‌دهد و باعث به وجود آمدن بحران هویت که متزلزل کننده امنیت است، در این جوامع می‌شود. جدال طبقاتی و دوقطبی شدن جوامع از طریق دسترسی قشر بندی شده به فضاهای جهانی در موارد ذیل تشدید می‌شود:

۱. تمرکز ارتباطات جهانی بر طبقات متخصص و مرفه کشورهای شمال، ساکنان شهرها و نسل‌های جوان‌تر؛
 ۲. فرصت‌های فزاینده برای اشتغال زنان، هرچند اغلب سطح شرایط کار پایین‌تر از مردان است؛
 ۳. دسترسی نابرابر اقشار مرفه به پول و اعتبار جهانی؛
 ۴. تخصیص عملی تأمین مالی بدون بررسی طبقات ثروتمند؛
 ۵. تمرکز سرمایه‌گذاری‌های جهانی کشورهای شمال در شهرها (شولت، ۱۳۸۲: ۳۲۵).
- عمده ترین عوارض این حوزه در عصر جهانی شدن که بر امنیت ملی تاثیر بسزایی دارد، در شکل (۲)، بیان شده است



شکل ۲- عوارض جهانی شدن اقتصاد بر امنیت ملی

ترسیم: (از نگارنده)

-تأثیر تحریم‌ها بر امنیت ملی ایران:

بودجه دولتی بعنوان ابزار اقتصادی و مالی، علاوه بر نقش‌های اقتصادی و مالی نقش‌های سیاسی، را نیز برعهده دارد و با گسترش فعالیت‌های دولتی در همه جنبه‌های زندگی و بزرگتر و پیچیده‌تر شدن سازمان‌های دولتی و پیشرفت روش‌های مدیریت و برنامه‌ریزی و ظهور تکنولوژی اطلاعاتی امروزه، نظام بودجه‌بندی و اقتصادی یک سیستم پیچیده‌ای از طرح‌ها و برنامه‌هاست و اقتصاد و بودجه علاوه بر نقش‌های اقتصادی، نقش حساس و مهم سیاسی و برنامه‌ریزی را نیز عهده دار شده است و امروزه اقتصاد، منعکس‌کننده انواع برنامه‌ریزی‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، عمرانی، اجتماعی و فرهنگی در ایران است. مهمترین اهداف دولتها، رسیدن به رشد اقتصادی و فراهم کردن خدمات عمومی و تحقق عدالت اجتماعی است. برای تحقق این اهداف باید وظایف دولتها در کنار وظایف مردم و نهادهای عمومی و غیردولتی مشخص گردد. بنابراین، کاربرد سیاست‌های ثبات‌سازی اقتصاد کلان، از طریق کاهش نوسانات متغیرهای بخش حقیقی، باعث کاهش بی‌ثباتی و آسیب‌پذیری‌های بخش سیاسی کشور می‌شود (هادیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۸). شایان ذکر است دولت و حاکمیت در این فرایند تسلط خود را تا حدود زیادی بر واردات و صادرات در اثر تحریم‌ها از دست می‌دهند.

جدول ۱: تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر واردات ایران

احتمال	آماره Z	خطای انحراف استاندارد	ضرایب	متغیر
۰/۰۰۵	۲/۷۹	۱/۳۳۰	۳/۷۰۹	جمعیت ایران
۰/۰۰	۴/۴۶	۰/۴۲۰	۱/۸۷۷	تولید ناخالص داخلی ایران
۰/۰۰	۱/۴۰	۰/۰۵۰۲	۰/۸۹۵	تولید ناخالص داخلی شریک تجاری
۰/۱۶۰	-۵/۰۴۰	۰/۲۰۲۶	۰/۲۸۴	مرکز مشترک
۰/۰۰	-۰/۸	۰/۰۰۰۳	-۰/۰۰۰۱	فاصله دو کشور
۰/۴۲۱		۰/۱۰۶۸	-۰/۰۸۶	-تحریم گسترده
۰/۵۸۱	۰/۵۵	۰/۰۷۵۴	۰/۰۴۱۶	تحریم ضعیف
۰/۴۲۶	۰/۸۰	۱۶/۳۵۵	۱۳/۰۱۱	ضریب ثابت
احتمال		آماره		
۰/۰۰		۳۵/۹۰۸		آزمون خودهمبستگی
۰/۰۰		۴۶۷/۹۱		آزمون واریانس ناهمسانی
۰/۰۰		۳۷۷/۱۸		آزمون والد

احتمال	آماره Z	خطای انحراف استاندارد	ضرایب	متغیر
		۶۹۰		تعداد کل مشاهدات
		۳۵		تعداد مقاطع کشورهای شریک تجاری

(آقای و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۵)

جدول ۱: تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر صادرات ایران

احتمال	آماره Z	خطای انحراف استاندارد	ضرایب	متغیر
۰/۰۰	۱۰/۸۴	۰/۰۲۲۸۴۲۲	۰/۲۴۷۷۲۰۴	جمعیت ایران
۰/۰۰	۱۷/۰۰	۰/۱۸۰۳۴۲۴	۳/۰۶۵۲۴۲	تولید ناخالص داخلی ایران
۰/۰۰	۹/۱۸	۰/۰۱۷۱۲۶۸	۰/۱۵۷۱۸۳۶	تولید ناخالص داخلی شریک تجاری
۰/۰۰	-۸/۶۷	-	-۰/۵۴۹۵۶۲۲	مرکز مشترک
۰/۰۰	-۲۴/۹۲	۰/۰۰۰۰۱۴۳	-۰/۰۰۰۳۵۷۳	فاصله دو کشور
۰/۰۰	-۲/۳۳	۰/۰۹۰۰۸۹۶	-۰/۲۰۹۷۶۲۱	-تحریم گسترده
۰/۰۰	-۱/۸۰	۰/۰۹۳۸۴۲۱	-۰/۱۶۸۶۷۲۴	تحریم ضعیف
۰/۰۰	-۱۴/۶۹	۴/۷۷۰۵۱۶	-۰/۰۷۱۵	ضریب ثابت
احتمال	آماره			
۰/۱۱۹۸	۲/۵۴۶	آزمون خودهمبستگی		
۰/۰۰	۳۲۵/۷۰	آزمون واریانس ناهمسانی		
۰/۰۰	۱۶۴۲/۹۳	آزمون والد		
	۶۹۰	تعداد کل مشاهدات		
	۳۵	تعداد مقاطع کشورهای شریک تجاری		

(آقای و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۵)

در همین راستا، باید اذعان کرد که بیماری‌های اقتصاد ایران از جمله تورم، بیکاری، کاهش بهره‌وری و رشد پایین اقتصادی را باید تأثیرگذار بر امنیت ملی دانست. زیرا ما باید اعداد و ارقامی را در بودجه تنظیم کنیم که واقعی باشند و امکان تحقق آنها وجود داشته باشد. اما متأسفانه بعضاً شاهد این واقعیت هستیم که اعداد ارائه شده واقعی نیستند. لکن اعداد و ارقام ارائه شده در بودجه بسیار مهم بوده و در زندگی مردم ایران و به تبع آن در امنیت تأثیرگذار است و نقش حیاتی در اقتصاد ملی دارد. پس چنانچه این اعداد غیر واقعی باشد و تحقق نیابند، باید منتظر مشکلات پیش‌بینی نشده‌ای در تمامی سطوح کشور علی

الخصوص در بطن زندگی مردم باشیم. از همین رو، تنظیم بودجه و به طور کلی سرنوشت اقتصادی کشور مورد توجه آحاد مردم (از صاحب نظران و مدیران ارشد و برجسته سیاسی، اقتصادی، نظامی، عمرانی، اجتماعی و فرهنگی کشور گرفته تا مردم عادی قرار دارد. در این شرایط؛ با وجود اقتصاد نابسامان که روز به روز راکدتر هم می شود، افزایش حدود ۶۰ هزار میلیارد تومانی بودجه عمومی دولت سوال برانگیز بوده و قطعاً تبعات نگران کننده‌ای برای امنیت ملی در پی خواهد داشت. ابهامات برجسته دیگر مربوط به قیمت نفت و نرخ دلار می باشد، بطوریکه قیمت دلار رو به افزایش است و قیمت نفت کاهش دارد، پس چطور دچار کسری بودجه نشویم؟ چرا دولت که مخالف افزایش نرخ دلار در بازار ارز می باشد به گرانی دلار دامن میزند؟ آیا دولتمردان از این واقعیت آگاه نیستند؟ بنابراین، در ارتباط با نرخ نفت و دلار در سال ۱۳۹۷، این میزان بودجه و درآمدی که تعیین شده اشتباه می باشد و این روندی که در پیش گرفته شده کشور را با بحران و اقتصاد را نابسامان تر و سایه تورم سنگین را بر سر مردم حاکم خواهد کرد و به تبع آن امنیت فردی و اجتماعی با توجه به مشکلات اقتصادی و عدم رفاه جمعی به خطر می افتند و تبعات آن دامن گیر حکومت و حاکمیت ملی هم می شود. افزایش قیمت حامل های انرژی از جمله گازوئیل، افزایش قیمت آب و برق، حذف یارانه نان و متعاقباً افزایش نرخ انواع نان، افزایش مالیات، افزایش چند برابری عوارض خروج از کشور و... موجب شکل گیری بحران در جامعه و فشار سنگین مالی به عموم مردم خواهد شد. از افزایش کرایه حمل و نقل کالا و مسافر گرفته تا رشد قیمت مایحتاج مردم، افزایش هزینه های جاری مردم، افزایش نرخ دلار و سفرهای خارجی و ورود گران کالا با نرخ جدید دلار، افزایش قاچاق، رکود تولید و... متأسفانه همه این موارد زندگی مردم و امنیت اجتماعی را با تهدید مواجه می کند. به طور کلی، با این تفاسیر باید گفت: علاوه بر امسال، سال آینده سال بسیار سختی خواهد بود. بنابراین، دولت باید با برنامه ریزی های هدفمند و کاهش هزینه های جاری خود مانند هزینه پروژه های عمرانی، بودجه را افزایش دهد و نیازهای مردم را تأمین کند. ضمناً دولت با پرهیز از خام فروشی و حمایت از صادرات غیرنفتی و حضور در بازارهای جهانی و دست آخر با تحقق و پیاده سازی اقتصاد مقاومتی می تواند رشد درآمدهای ارزی کشور را بیش از پیش سرعت بخشیده و کسری مستمر بودجه را جبران کند و برای جوانان کشور اشتغال ایجاد نماید. کارزار گسترش رفاه از دشوارترین کارزارهایی است، که بر دوش حاکمیت ایران قرار گرفته است، چندوجهی بودن رفاه اجتماعی از یک سو و گونه گونه بودن گروههای هدف از سوی دیگر، این کارزار را چنان دشوار و پیچیده کرده است که جز با برنامه ریزی دقیق و منسجم برپایه واقعگرایی نمی توان راهی برای گسترش آن در نظر گرفت.

نتیجه اینکه، اقتصاد امروز ایران، با اینکه دستخوش پیشرفت ها و تحت تأثیر فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی قرار گرفته و توسعه داشته، ولی با توجه به تحریم ها و مشکلات داخلی دچار مشکلات و آسیب

های زیادی شده و این مشکلات اقتصادی، بر امنیت ملی در وجوه گوناگون و بر حاکمیت و نوع برنامه ریزی های بازیگران دولتی و سیاسی اثرات منفی و زیان آوری داشته است. بر این اساس، شناخت رویکردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران درقبال نظام مدیریت جهانی اقتصاد، و زیر مجموعه آن یعنی نظام مدیریت بین المللی پول، مستلزم شناخت صحیح از جایگاه و موقعیت آن در اقتصاد جهانی است. جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرفیتهای بالای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود به عنوان کشوری درحال توسعه، قدرت منطقه ای در منطقه خاورمیانه و نیز به عنوان یک کشور درحال تبدیل شدن به یک بازیگر موثر در نظام بین الملل با منافع و اهداف منطقه ای وفرامنطقه ای است. علاوه بر این، قرارگرفتن در چهارراه انرژی، نفوذ قابل توجه در کشورهای منطقه، همسایگی با ۱۵ کشور در مرزهای آبی و خاکی، قرارگرفتن در میان بیست اقتصاد برتر دنیا، دارا بودن ظرفیتهای اقتصادی و نیروی انسانی تحصیل کرده گسترده، دارا بودن مقام چهارم ذخایر نفت خام جهان و نیز دارا بودن رتبه اول در زمینه ذخایر گاز جهان، موقعیت خاصی به آن بخشیده است. این موضوع در سند چشم انداز بیست ساله تدوین یافته در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳ م)، مدنظر واقع شده است و مطابق آن جمهوری اسلامی ایران در افق سال ۱۴۰۴ (۲۰۲۵ میلادی) در کنار حفظ هویت اسلامی و انقلابی و تعامل سازنده و موثر در روابط بین الملل می بایست به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه جنوب غرب آسیا دست پیدا کند (شهابی و شاه بیگ، ۱۳۹۶: ۷۳-۷۴). به طور کلی، تحریم هایی که بر اقتصاد ایران وضع شده اند، تنها از نوع تحریم های یکجانبه امریکا نبوده است، بلکه علاوه بر تحریم های یکجانبه امریکا شامل تحریم های چندجانبه و تحریم های شورای امنیت نیز بوده است. بنابراین، وسعت و شدت تحریم های بین المللی اعمال شده بر اقتصاد ایران بسیار زیاد است (صادقی و طیبی، ۱۳۹۷: ۴۱). آمریکا همزمان تلاش کرده که با تبدیل کردن گزینه نظامی به مکملی برای تحریمها و ممنوعیتهای تجاری علیه ایران، هم بر تحلیل سود-هزینه ایران و هم کشورهایی مانند چین، روسیه و هند تاثیر بگذارد. موفقیت این راهبرد در مورد ایران تاثیر مستقیم بر موضع ایران داشته است. اما موفقیت آن در مورد چین، روسیه و هند تاثیری غیرمستقیم داشته است. تغییر تحلیل سود-هزینه چین، هند و روسیه آثار خود را در کاهش صادرات نفت ایران نشان داد و این کاهش منجر به کمبود ارز خارجی در ایران و سقوط بیشتر ریال، افزایش تورم و کسری بیشتر بودجه دولت ایران شد. بنابراین، تغییر تحلیل سود-هزینه چین، هند و روسیه از طریق افزایش فشار اقتصادی بر ایران و تهدید شدن ثبات این کشور در نهایت منجر به تغییر تحلیل سود-هزینه این کشور و تغییر موضعش در مورد برنامه هستهای شد (بیات، ۱۳۹۵: ۶۱). به طور کلی، انگیزه ها یا اهداف مختلفی را برای اعمال تحریم مطرح کردند؛ ۱. تغییر رفتار کشور هدف؛ ۲. تغییر نظام و رژیم سیاسی کشور هدف؛ ۳. نشان دادن اعتراض و مخالفت با سیاستهای کشور هدف؛ ۴. تنبیه و مجازات کشور؛ ۵. بازداشتن یک کشور از

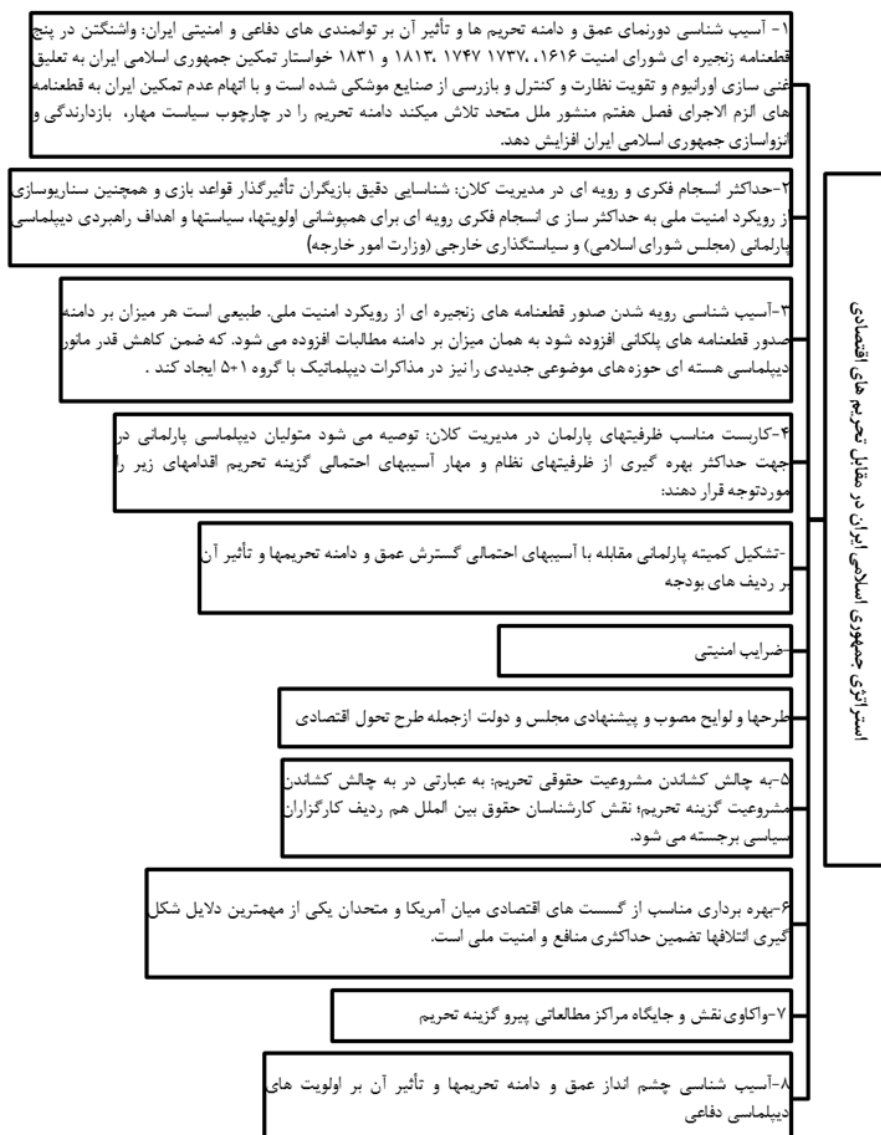
سیاستی و رویکردی خاص. موضوع اهداف تحریم کنندگان معیار مهمی در تفکیک مفهومی بین تحریم و دیگر شکل‌های کاربرد محدودیتهای اقتصادی است.. (بیات، ۱۳۹۵: ۴۵).

- استراتژی جمهوری اسلامی ایران در مقابل تحریم‌های اقتصادی

طی چند سال اخیر به ویژه طی دو سال گذشته تحریم‌های شدیدی بر ایران تحمیل شده و نتیجه آن چیزی جز افزایش نفوذ منطقه ای و بین المللی ایران و کاهش نفوذ و همراهی جهانی با اهداف امریکا نبوده است. همین موضوع (کاهش قدرت نرم امریکا به تبع افزایش قابلیت های نرم افزاری جمهوری اسلامی در منطقه و جهان) باعث گردیده که امریکا به زعم خود تلاش نماید از تمامی امکانات خود برای کاهش قدرت و نفوذ ایران بهره برداری نماید.

در این راستا، ایالات متحده آمریکا جمهوری اسلامی ایران را در پی دست یابی به سلاح های کشتار جمعی و بر هم زنده صلح و ثبات بین المللی معرفی نمود و تمام تلاش خود را جهت ناکامی ایران در اجرای فعالیتهای هسته ای و ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت به کار گرفت. همچنین آمریکا به تشدید تحریمهای اقتصادی علیه ایران پرداخت و سعی کرد با ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل جمهوری اسلامی را منزوی سازد. با این حال علیرغم آنکه ایران به طور مستمر با تحریم ها و اقدام های قهرآمیز آمریکا مواجه بوده است نه تنها در صحنه بینالمللی منزوی نشده بلکه با گرای به کشورهای جنوب شرقی آسیا کشورهای مشترک المنافع خاورمیانه و اتحادیه اروپا سعی کرده قطع وابستگی به آمریکا را نیز فراهم آورد. بر این اساس علاوه بر مقاومت و ایستادگی مردم ایران که مهم ترین دلیل بر بی حاصل بودن تحریمها به شمار می آید اهمیت ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی ایران نادیده انگاشتن تحریمها از سوی متحدان و رقبای آمریکا ضرر مالی بخش های اقتصادی آمریکا از عدم رابطه با ایران و از همه مهمتر بی اعتنائی جمهوری اسلامی ایران به تحریم های اعمال شده از سوی ایالات متحده توا حد زیادی موجب از میان رفتن اثربخشی تحریمها شده است. به علاوه عدم رابطه با آمریکا نه تنها موجب انزوای بین المللی و مهار انقلاب اسلامی ایران نشده است، بلکه دستاوردهای بزرگی را نیز برای جمهوری اسلامی در پی داشته است. نخستین دستاورد استقلال و عدم وابستگی اقتصادی به ایالات متحده است که وضعیت حاضر را در موقعیت معکوس با اوضاع پیش از انقلاب قرار داده است. دومین دستاورد مهمی که از عدم رابطه با ایالات متحده آمریکا نصیب ایرانیان شد اتکا به خود و ساخت بسیاری از اقلام مصرفی در داخل کشور بود که پیش از آن ازخارج وارد می شد. در مواقع محاصره اقتصادی و تحریم هوای متعدد ملت ایران را مستعد و مبتکر ساخت و از قدر های جهانی بی نیاز کرد (مهربان، ۱۳۹۸: ۱۴۹).

در مقابل تحریم های آمریکا ایران برای افزایش امنیت ملی، می تواند از استراتژی مقابله با تحریم در قالب راهکارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی استفاده کند که در شکل (۳)، برخی از این راهها نمایان است



شکل ۳- استراتژی ایران در مقابل با تحریم‌ها، ترسیم: نگارنده

به طور کلی، تحریم‌ها زمانی بر امنیت ملی تأثیر منفی دارد که وابستگی بودجه به درآمد نفتی که با کاهش قیمت خرید نفت و یا کاهش در میزان فرو بودجه کشور تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تراز منفی صادرات که این خود به علت نیاز به واردات بیشتر زمینه‌ای برای تأثیر تهدید می‌باشد. وابستگی صنایع مادر به واردات نرخ بالای تورم و بیکاری. آنچه مسلم است گسترش تحریمها همانطور که میتواند کاستی‌هایی را برای توسعه پایدار کشور مورد تحریم تحمیل نماید به طور متقابل هزینه‌هایی را نیز به کشور تحریم‌کننده وارد می‌کند.

نتیجه‌گیری:

دولتمردان یک کشور می‌باید به تعداد اهدافی که هر جامعه و حکومت دنبال می‌کند باید قادر باشند آسیبها و تهدیدات را پیش‌بینی و با آنها به مقابله بپردازند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، تحریم‌های اقتصادی، برعکس اقتصاد جهانی و جهانی شدن اقتصاد که بر امنیت ملی آثار تخریبی دارد (از جمله آنها می‌توان به تشدید جدال طبقاتی، دو قطبی شدن جوامع و تهدید امنیت اجتماع در اثر دسترسی بدون برنامه ریزی به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تهدید ارزش‌های جامعه و تخصیص سرمایه بدون توجه به نیازهای مردم اشاره کرد). زمینه‌های اتحاد و خوداتکایی را فراهم می‌کند البته با رعایت موازین و قوانین مربوطه. کاهش مدیریت متمرکز فعالیت‌های اقتصادی که در گذشته در جهت تقویت سرمایه داری و ملی‌گرایی عمل می‌کرد؛ اکنون از طریق ایجاد بازار یکپارچه جهانی، حاکمیت زدایی را تشویق می‌کند و با جریان یافتن سرمایه این امر تسهیل می‌شود و اهمیت اتحادیه‌های تجاری بین‌المللی افزایش می‌یابد. بنابراین، محدودیتهای تجاری و اقتصادی که از طریق قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران اعمال شده، تحریم به معنای دقیق هستند و محدودیتهای تجاری و اقتصادی اعمال شده توسط آمریکا و اتحادیه اروپا ممنوعیت تجاری (امبارگو) هستند؛ زیرا فاقد مشروعیت بین‌المللی هستند، تنها بر اساس قواعد آمریکا و اتحادیه اروپا وضع شدند و فقط مشروعیت داخلی برای آمریکا و کشورهای اروپایی دارند. بنابراین، ممنوعیت تجاری را می‌توان «محدودیتهای تجاری که از طریق تصویب قوانین و صدور فرمانها توسط نهادهای حاکمه یک کشور علیه کنشگری دیگر، وضع می‌شوند»، تعریف کرد.

درواقع، هدف تحریم‌های مالی بیشتر دولت و مقامات است. تحریم اقتصادی عبارت است از توقف عمدی یا تهدید به توقف روابط معمول تجاری یا مالی یک دولت. دو مفهوم دیگر نیز با تحریم اقتصادی نزدیک هستند. منزوی کردن اقتصادی وسیع‌تر و دیگری محاصره اقتصادی. بنابراین، امروزه بیشترین عواید حاصل از جهانی شدن اقتصاد به جیب کشورهای توسعه یافته می‌رود. البته در بعد ملی بیشترین سود عاید ثروتمندان جامعه می‌شود و شکاف طبقاتی را افزایش می‌دهد و فقر و بزهکاری را دنبال می‌آورد و این خود منجر به اعتراض و ناامنی می‌شود.

همچنین، باید متذکر شد که، در عصر حاضر که ایران به سمت جهانی سازی در حرکت بوده و است، تحریم‌های بین‌المللی، نوسان‌هایی نرخ ارز، نقدینگی، نرخ سود سپرده بانکی، درآمدهای حاصل از فروش نفت و درآمدهای مالیاتی از عوامل تاثیرگذار بر نرخ تورم بوده‌اند. این مشکل اقتصادی به طور غیرمستقیم بر امنیت ملی و اجتماعی آثار منفی داشته و رفاه شهروندان را با معضل روبرو کرده است. بنابراین، برای ایجاد و استحکام پایه‌های امنیت ملی، به منظور مهار تورم قبل از اتخاذ هر سیاستی باید اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران انجام شود.

- برخی راهکارها برای حل مشکلات اقتصادی ایران:

- ۱- تقویت تولید داخلی است.
- ۳- باید نهضت مصرف کالای داخلی ایجاد کنیم.
- ۴- پرداخت بخشی از هزینه‌های بیمه تکمیلی بازنشستگان،
- ۵- پی‌گیری برنامه‌های رفاه و سلامت؛
- ۶- دوراهی بهبود معیشت کارگران یا حفظ رونق اقتصادی کشور،
- ۷- کارگر و کارفرما؛ سرنشینان یک کشتی واحد،
- ۸ حمایت از کارگران در کشاکش زندگی،
- ۹- تقویت تولیدات داخلی راه حل مشکلات کارگران است.
- ۱۰- آموزش؛ گام نخست توسعه،
- ۱۱- پی‌ریزی یک نظام مالیاتی قوی،
- ۱۲- خارج شده از صادرات تک محصولی و تنوع بخشیدن به صادرات غیر نفتی به منظور کاهش وابستگی ذخایر ارزی و بودجه دولت به دریافتی‌های ارزی حاصل از فروش نفت و عدم تسری شوک‌های نفتی به بازار ارز اصلاحات مهمی هستند که باید در راس برنامه ریزان حاکمیت قرار بگیرند.
- ۱۳- برقراری عدالت و شایسته سالاری گامی در جهت توسعه اقتصادی
- ۱۴- مدیریت مطلوب صندوق توسعه ملی (صندوق ذخیره ارزی) و هزینه شدن منابع ارزی در طرحهای زیربنایی و استراتژیک به جای واردات کالاهای مصرفی باهدف حداکثر سازی بهره‌وری بهینه از ذخایر پولی باهدف مقابله با آسیبهای گسترش احتمالی تحریمهای تجاری کاهش منابع ارزی؛
- ۱۵- تقویت سایر دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به هوشمند سازی جامعه برای مقابله با جنگ رسانه‌ای آمریکا مبنی بر تعمیق دامنه تحریم‌ها و حداقل سازی تبعات ایجاد جو روانی در مدیریت کلان کشور؛
- ۱۶- لحاظ کردن دورنمای گسترش عمق و دامنه تحریمها در تدوین و تصویب بودجه‌های سنواتی با توجه به احتمال گسترش تحریم انرژی (محدودیت و یا ممنوعیت صادرات نفت و گاز ایران) و آسیب پذیری اقتصاد کلان کشور با توجه به حاکمیت نسبی صادرات تک محصولی در موازنه بازرگانی جمهوری اسلامی ایران؛
- ۱۷- واکاوی آسیبهای قطع واردات بنزین از رویکرد امنیت ملی و هوشیاری و امکانسنجی متولیان امور نسبت به وقوع برخی ناامنیهای اجتماعی مانند تنش‌های صنفی
- ۱۸- آسیب شناسی بحران اقتصاد جهانی از رویکرد امنیت ملی با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شود بحران

اقتصاد جهانی در کوتاه مدت حل نشود، شایسته است کارگزاران نظام نسبت به آسیب شناسی پیامدهای این بحران مانند کاهش قیمت جهانی نفت و تأثیر آن بر عملیاتی شدن منابع مالی ردیف های بودجه ای مصوب از رویکرد امنیت ملی برخورد کنند؛ به ویژه اینکه بخش مهم منابع مالی بودجه پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی از درآمدهای صادراتی نفت گاز و محصول پتروشیمی به دست می‌آید و تداوم کاه قیمت انرژی میتواند بستر کسری بودجه کاهش صادرات افزایش واردات و تهدید ثبات امنیتی سرمایه گذاری در بورس منجر شود

منابع

- آقایی، مجید، مهدیه رضاقلی زاده و مجید محمد رضایی (۱۳۹۷). بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی و تجاری بر روابط تجاری ایران و کشورهای شریک عمده تجاری، مطالعات راهبردی، شماره ۲۸، دوره ۸.
- بیات، محسن (۱۳۹۵). جهانی شدن اقتصادی و نقش تهدید نظامی در راهبرد آمریکا برای کارآمدی تحریم ایران. سیاست، دوره ۴۶، شماره ۱.
- آرگیدنز، جان و بوریر. (۱۳۸۱). سیاست پستمدرنیته. ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات گام نو.
- ابوالحمد، عبدالحمید. (۱۳۶۸). مبانی علم سیاست. تهران: انتشارات توس.
- امینی، علی. (۱۳۸۳). جهانی شدن: پیشینه و چشمانداز. تهران: نشر دیگر.
- بیلیس، جان و استیو. (۱۳۸۳). جهانی شدن سیاست: روابط بینالملل در عصر نوین. ترجمه ابوالقاسم راهچمنی. تهران: مؤسسه تحقیقات بینالمللی ابرار معاصر.
- بدیعی، مرجان و نرجس سادات حسینی. (۱۳۹۱). جهانی شدن و تحول مفهوم حاکمیت ملی. تهران: نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۲۵.
- جانستون، رونالد. (۱۳۷۹). مسئله جا و مکان جغرافیایی (تفحصی در جغرافیای انسانی). ترجمه جلال تبریزی، تهران: وزارت امور خارجه.
- جانستون، ار. جی، تیلور، پیتر و واتس، مایکل (۱۳۸۳). جغرافیاهای تحول جهانی، مترجم، نسرین نوریان، تهران: دوره عالی جنگ.
- جلالیان، عسکر. (۱۳۸۶). جهانی شدن و تأثیر آن بر ساختار جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات مشهور
- حسنیور، محمد. (۱۳۸۲). ناهمگونی قومی و امنیت ملی. تهران: پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰.
- حسینی، نرجس و محمود واثق (۱۳۹۵) بررسی مفهوم و جایگاه امنیت و دفاع در اندیشه‌های امام خمینی (ره)، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۴، شماره ۹۴.
- ربیعی، علی، (۱۳۸۷). مطالعات امنیت ملی (مروری بر نظریه‌های امنیتی در جهان سوم)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- روشن، علیاصغر، (۱۳۸۵). فرهنگ اصطلاحات جغرافیای سیاسی و نظامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- زارعی، آرامان. (۱۳۸۸). تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ سیاسی ایران. تهران: انتشارات باز.
- ساجدی، امیر، ساجدی، سیناز (۱۳۹۸). خروج آمریکا از برجام و تلاطم در اقتصاد ایران. مطالعات روابط بین الملل، سال ۱۲ (۴۳).

- شولت، یانآرت. (۱۳۸۲). **نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن**. ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شهابی، سهراب وحسن شاهبیگ (۱۳۹۶). **بحران جهانی ۲۰۰۸ و رویکردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال مدیریت بین المللی پول**، فصلنامه سیاست خارجی سال سی و یکم، شماره ۳.
- فراگزلو، محمد. (۱۳۸۱). **جهانی شدن و تنوع فرهنگها**. مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۸۱-۱۸۲.
- قالیباف، محمدباقر. (۱۳۸۲). **تحلیل سیستمی امنیت اجتماعی و راهبردهای مدیریت آن**. تهران: مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت ناجا، شماره ۱.
- کاظمی، علیاصغر. (۱۳۸۴). **روابط بینالملل در تنوری و عمل**. تهران: نشر قومس.
- عادل عبد الحمید علی (۱۳۷۹). **جهانی شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم**، ترجمه مهندس سید اصغر قریشی، اطلاعات سیاسی. اقتصادی، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور ۱۳۷۹، صص ۱۵۳-۱۵۲.
- عبداللهی، عبدالله و الهیاری، خدیجه. (۱۳۸۲). **فرآیند جهانی شدن در چالش با امنیت اجتماعی (رهیافتی فضایی)**. تهران: مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی. شماره اول.
- صیادزاده، علی، فرجام نیا، ایمان، حجاریان، عقیقه، طاهری، بهمن (۱۳۹۲). **اثر کسری بودجه بر امنیت اقتصادی ایران**، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۶۰.
- صادقی، احمد. (۱۳۷۹). **جهانی شدن: فرسایش اقتدار و تحول دولتی**. فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱۲.
- صادقی، عبدالرسول و طیبی، سیدکمیل (۱۳۹۷). **اثرات تحریم های بین المللی و سایر عوامل تاثیر گذار بر نرخ تورم در ایران**، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران، شماره ۷۴.
- طباطباییمومنی، منوچهر. (۱۳۸۰). **حقوق اساسی**. تهران: نشر میزان.
- میرحیدر، دره و میراحمدی، فاطمه سادات (۱۳۹۷). **سیر اندیشه در جغرافیای سیاسی سنتی و مدرن**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۹). **ایدههای ژئوپلیتیک و واقعیتهای ایران**. تهران: نشر نی.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۹). **گفتگوهای تمدن و آینده جهان ژئوپلیتیک**. مشهد: مجموعه مقالات همایش بینالمللی رویکرد فرهنگی به جغرافیا.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۱). **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**. تهران: انتشارات سمت.
- محمودپناهی، محمد رضا. (۱۳۸۹). **چالشهای اسلام سیاسی و غرب**. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مرتضوی، اسدالله. (۱۳۸۹). **جهانی شدن حقوق و حاکمیت ملی**. تهران: نشر پایان.
- معصومزادهکیائی، میزاحمد، (۱۳۷۹). **حاکمیت دولتها در عصر شرکتهای چندملیتی**. مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۵۶-۱۵۵.
- مویر، ریچارد. (۱۳۷۹). **درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی**. ترجمه دره میرحیدر، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای

- مسلح.
- مهربان، احمد (۱۳۹۸). رابطه تهدیدها و آسیب‌ها در حوزه امنیت ملی با نگاه به تحریم (بررسی موردی قطعنامه تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران). فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک. سال ۱۷ (۷۶).
 - محمد تقی قزلسفلی، (۱۳۷۹). جهانی شدن به رویا روی همزیستی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، به شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور .
 - نائب، سعید و فرشاد مومنی (۱۳۹۳). تبیین آینده اقتصاد ایران : تطبیق چهارچوب نظری 1 نهادگرایی جدید با الگوی مبتنی بر سناریو، اقتصاد تطبیقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال اول، شماره اول، بهار و تابستان .
 - نش، کیت. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن، سیاست، قدرت. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
 - نگرین، فیلیپ. (۱۳۸۲). جهان باز، واقعیت جهانی شدن. ترجمه فریدون دولتشاهی. تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات.
 - نوخت، محمدباقر و محمدی، حامد. (۱۳۸۷). فرایند جهانی شدن. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
 - نواندیان، محمد. (۱۳۸۳). ما و جهانی شدن. تهران: انتشارات موسسه ی اطلاعات .
 - والراشتاین، امانوئل. (۱۳۷۷). سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی (ژئوپلیتیک و ژئوکالچر). ترجمه پیرو ایزدی، تهران: نشر نی.
 - ولینژاد، مرتضی. (۱۳۸۲). نخستین چالش‌های هزاره سوم: توسعه پایدار. جهانی شدن. مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۸۸-۱۸۷.
 - یزدان پناه، کیومرث (۱۳۹۴). جغرافیا، اقتصاد و جهانی شدن و الگوهای تأثیر گذار، تهران: دانشگاه تهران.
 - هادیان، مهدی، درگاهی، حسن (۱۳۹۶). نقش سیاست های ثبات سازی اقتصاد کلان در ثبات ملی ایران، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران، شماره ۷۳.

- Malloy, M.P(1990). “**Trade US and Sanctions Economic**”VOL 1 Publishers Aspen.
- Hufbauer, Gary Clyde, Schott, Jeffrey, Elliott, Kimberly Ann and Oegg, Barbara (2007), **Economic Sanctions Reconsidered, 3rd edition**, New York: Peterson Institute for international economics.
- Hufbauer,G & Schott, J(2012). “**Case studies in Economic sanctions and terrorism : post-2000 Sanctions isodesep** ’Peterson Institute for International Economics.

24-1 PP.

- Held, D, et al. (1999). **Global Transformations: Politics, Economics and Culture**, Cambridge: Polity Press.
- Ohmae, k.(1995). **The end of Nation state Ris of Regional Economies** , New York : Free press.
- Taylor, P.J(2006) . Radical political geographies. in J. Agnew . k. Mitchell& G. Toal (eds). *A companion to political geography* (47-56), third Edition, Lonon, Blackwell publishing.
- Taylor, P.J. & Flint, C.(2000). **Political geoghraphy: World –economy , nation – state, and locality**. Fourth Edition, New york: prentice Hall.

پیشران های انقلابی مبتنی بر عدالت در بیانیه گام دوم انقلاب و نقش آن در مدیریت بحران

احسان رهام^۱

چکیده:

بیانیه گام دوم انقلاب را می توان یک برنامه جامع و کامل در راستای آرمان ها و اهداف انقلاب اسلامی دانست که در آستانه دهه پنجم انقلاب، توسط مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) ارائه شده است. هدف اصلی این پژوهش، تبیین نقش و جایگاه پیشران های انقلابی مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب در جهت نیل به عدالت و پیشگیری از بحران و مدیریت آن بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب است. نوع تحقیق بنیادی و از نظر موضوع کاربردی است که با توجه به اکتشافی بودن تحقیق، فرضیه طرح نشده و ابزارگردآوری اطلاعات شامل استفاده از مطالعات کتابخانه ای (جستجوی اسناد و مقاله ها) بوده که در پایان نیز یافته های تحقیق نشان می دهد که حفظ و ارتقاء اصول عدالت و شاخص های مشتمل بر آن موجب می گردد تا جامعه ایرانی در مسیر پیشرفت قرار گرفته و عدول از آن به تدریج شکستگی موازین همبستگی ملی را سبب می شود که در نتیجه خواهد توانست در دراز مدت به ایجاد بحران امنیتی ناشی از این معضل بینجامد.

کلید واژه: امنیت، بیانیه گام دوم، پیشران، عدالت، بحران.

جستار گشایی

انقلاب اسلامی و اندیشه و آرمان بلند رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) که در سال ۱۳۵۷ در سرزمین ایران رخ داد و نهضتی نوین را در عرصه زندگی بشر بنیان نهاد و انسانیت را به بازگشت به دین و فطرت الهی انسان و ایجاد نظامی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر ایمان فرا خواند. با تصور واژه «چهل سالگی» شاید هیچ واژه‌ای به اندازه «پختگی» به ذهن متبادر نشود. متن بیانیه گام دوم متنی در واقع آینده‌پژوهانه است؛ به این معنی که نخست بر اساس منطق روندپژوهی سعی دارد روال گذشته را مورد ارزیابی و بررسی موشکافانه قرار دهد و سپس روال کنونی را معرفی نماید و در نهایت آینده پیش‌رو را برای آیندگان بازنمایی کند. آینده‌ای که این متن به دنبال طرح آن است، آینده ترجیحی^۱ است که برخلاف آینده‌های ممکن و محتمل، سعی دارد که آرمان‌های انقلاب را در گام دوم تبیین و قابل تحقق سازد. متن اشاره به شعارهای انقلاب اسلامی دارد که به واسطه فطری بودن، جهانشمول، جهانی و مانا هستند. شعارهای آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری شعارهایی نیستند که محصور در زمان و مکان باشند. این ویژگی باعث تداوم و ماندگاری اهداف انقلاب خواهد شد و باعث می‌شود از این طریق مرزهای پیش‌روی انقلاب مرزهای تصنعی باشند و جلوی پیشرفت این انقلاب سدشدنی نیست زیرا هیچ فرد یا گروه یا فرهنگی نمی‌تواند با این اندیشه‌های جهانشمول مخالفت. یکی از سرفصل‌های مهم این بیانیه، عدالت و مبارزه با فساد است. فساد که در حکومت طاغوت دارای جنبه‌های مختلفی بوده که یکی از پیامدهای آن را می‌توان در فاصله ایجاد شده میان اغنیا و فقرایی جست که شکاف طبقاتی لجام‌گسیخته‌ای را ایجاد نموده که این مهم به عنوان یکی از پیشران‌های حرکت گسترده مردم به سوی براندازی حکومت طاغوت قابل بررسی و مذاقه می‌باشد. از دیدگاه معظم له، عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شان و جایگاه است. امروزه بهره‌گیری بهینه از منابع، شفاف سازی، جلوگیری از فساد سازمان یافته و... ازجمله پیامدهایی است که در صورت توسعه هدفمند و فراگیر آثامی توان از بروز بحران‌های امنیتی و ورود توده مردم به مباحث امنیتی و در صورت بروز در مهار و کنترل و مدیریت بحران از این منابع و پیشران‌ها سود جست.

عدالت و مبارزه با فسادگاه در راس همه فضیلت‌های یک نظام حکومتی و گاه در کنار کارایی به صورت یکی از دو موضوع و هدف اساسی نظام اقتصادی جوامع مطرح بوده است. در متن بیانیه گام دوم نیز مفهوم عدالت از زمره مفاهیمی است که مقام معظم رهبری به آن پرداخته که این نشان‌دهنده اهمیت موضوع است، نقطه نظرات رهبری مشتمل بر دو مفهوم برابری و تأمین نیازهای اساسی عموم مردم به عنوان مهمترین دغدغه ایشان برای استقرار عدالت بوده و چارچوب اجرایی عدالت را مبتنی بر شاخص‌های

عدالت اجتماعی شامل اعطای حقوق، مساوات و عدم تبعیض، اعتدال، توازن و انصاف قرار داده است. بر همین اساس عدالت اجتماعی و قسط اسلامی را به عنوان مهمترین هدف نظام اسلامی در تمام برنامه‌ریزی‌ها و اهداف حکومتی دانسته و معتقد هستند همه دستگاه‌ها باید برای استقرار آن تلاش کنند. «رهبر انقلاب اسلامی، با استناد به قرآن مجید، عدالت را هدف اصلی ادیان برشمرده و معتقدند عدالت، هدف نظام سازی اجتماعی ادیان و حرکت بشر در چارچوب دین بوده است و این اهتمام جدی به عدالت، در هیچ مکتب بشری یافت نمی‌شود»^۱.

بنابراین دغدغه پژوهش حاضر این است که محقق پیش‌بینی‌های انقلابی مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب را استخراج نموده، تا بحران‌های احتمالی ناشی از بی عدالتی، پیش از وقوع شناسایی و مدیریت گردند. شایان ذکر است آنچه محقق را به نگاشتن این تحقیق مکلف نموده این دغدغه بوده که، دشمنان انقلاب، دست از عداوت و دشمنی با انقلاب اسلامی برندخواهند داشت و یکی از محورهایی که دنبال خواهند نمود، سیاه نمایی و دروغ پردازی در خصوص بی عدالتی و فساد اقتصادی حاکم بر نظام بوده و بحران‌های انسان ساختی که ایجاد خواهند کرد، پیمودن ادامه مسیر را دشوار و انقلاب اسلامی را دچار پیچ‌های گوناگون و پیچیده ای خواهد نمود.

اجرای عدالت و مبارزه با فساد یکی از بالاترین خواسته‌های هر ملتی است که تأمین آن به طور خاص متوجه حاکمیت است، عدالت و مبارزه با فساد آن هم در نظام اسلامی که داعیه دار و زنده کننده نام حکومت علوی در جهان اسلام امروز است از اهمیت بالایی برخوردار بوده و اجرای آن می‌تواند امنیت و آرامش خاطر را برای مردمی که از فساد و بی عدالتی به تنگ آمده اند به ارمغان آورده و امید بخش و به عنوان پیش‌بینی برای حرکت رو به جلو در نزد آنان باشد. عدالت محوری و مبارزه با فساد مستلزم مبارزه جدی و سازمان یافته با فساد و بی عدالتی در دهه جدید انقلاب بوده و در صورتی که این مفاهیم تحقق یابد رسیدن به جایگاه نخست منطقه در تمامی زمینه‌ها دور از دسترس نخواهد بود.

کم توجهی به مبارزه با فساد و اشاعه جنبه‌های مختلف بی عدالتی ارتباطی نزدیکی با بروز انواع بحران‌ها در سطح جامعه داشته به نحوی که زمانی اعتراض و... از مرحله گفتاری به مرحله رفتاری و اجرا می‌رسد و با مظاهری نظیر آشوب، شورش، اغتشاش و... بروز می‌نماید، که آحاد مردم احساس تبعیض در برخورداری از امکانات و موقعیت‌های اجتماعی و... را به عینه مشاهده نموده و آثار و تبعات آن در زندگی روزمره مشکلات معیشتی و... را برایش ایجاد نماید. از دیگر سو تلاش گسترده بیگانگان برای بزرگنمایی، در خصوص فسادها و بی عدالتی‌هایی که بعضاً رخ داده، زیان‌های جبران‌ناپذیری به کشور و ملت ما زده، که این موضوع در صورت تداوم می‌تواند نظام را از مسیر اصیل خود منحرف و آگاه‌زگر بروز بحران‌های متنوع در سطح کشور باشد.

1. www.khamenei.ir; www.leader.ir

پیشران های انقلابی مبتنی بر عدالت در بیانیه گام دوم انقلاب و نقش آن در مدیریت بحران چیست؟ در مورد عدالت و مفاهیم مرتبط با آن مطالب و کتب متعددی نشرو چاپ گردیده که در ذیل به آن ها اشاره می گردد همچنین موضوع این پژوهش بدیع و تازه بوده به گونه ای که تا کنون پژوهش های اندکی مرتبط با این عنوان انجام گرفته است که به آنها اشاره می کنیم:

۱- عدل الهی در اندیشه مطهری - چاپ صدرا-۱۳۹۱: چارچوب مفهومی عدالت در مبانی دینی را مورد بررسی قرار داده است.

۲- مرتضی مطهری، بیست گفتار، قم: انتشارات صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۹۳ که در خصوص لزوم عدالت اجتماعی در صفحه ۳۰ گفتاری داشته است: این نوشتار تنها به بررسی مفهوم عدالت اجتماعی پرداخته است.

۳- مقاله نقش بصیرت در مهار بحران های امنیتی (با تاکید بر اندیشه مقام معظم رهبری) که توسط مصطفی ساوه درودی و رضا صفایی انجام شده است: یافته های این پژوهش نشان می دهد که بین بصیرت و بحران رابطه معناداری وجود دارد و اگر دولت و ملت در مرحله سیاسی که امام خامنه ای (مد ظله العالی) در بیان مولفه ها بیشتر به مولفه های سیاسی تاکید و اشاره داشته و خبرگان نیز به همین مولفه بیشتر صحه گذاشته، هوشیاری، بیداری و حضور به موقع داشته باشند تا جامعه با بحران های امنیتی مواجه نشده و در صورت وقوع آن را کنترل خواهند کرد.

۴- مقاله های متعددی که در رابطه با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی توسط اساتید مجرب و صاحب نظران امر به رشته تحریر در آمده و از وبگاه دفتر نشر و تنظیم آثار مقام معظم رهبری احصا گردیده: الف) گام دوم انقلاب در دو حرکت (شناخت تهدیدات امنیتی، مقابله با تهدیدات امنیتی، مصطفی ساوه درودی: ۱۳۹۸)

ب) پیشران های تحقق عدالت اجتماعی به عنوان یکی از محورهای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران (محمد یوسفی خرام: ۱۳۹۸)

که در این مقاله از آن ها به عنوان منبع بهره برداری شده است. در این مقاله روش تحقیق از نوع توصیفی و تحلیل محتوا می باشد. با انجام تحقیقات کتابخانه ای و بهره برداری از مقالات و مطالب مرتبط با موضوع ادبیات مربوط به موضوع مقاله و ادبیات مربوط به مدیریت در بحران و متن بیانیه گام دوم گردآوری گردیده و در زمینه پرسش های تحقیق، ادبیات با تاکید بر بیانیه گام دوم تنظیم گردیده است.

بررسی های انجام شده در خصوص مفاد مطروحه در مقالات و کتب ناظر بر آن است که هیچ کدام از آن ها مستقیم به موضوع مورد دغدغه این مقاله اشاره ننموده اند از این رو در این مقاله محقق تلاش دارد پیشران سازی انقلابی را که مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب و با نگاه مدیریت بحران محور مورد بررسی و واکاوی قرار دهد.

چار چوب نظری:

۱- مفاهیم:

باتوجه به اهمیت استخراج روندها و پیشران ها در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و استفاده بهینه از اندیشه های ناب امام خامنه‌ای عزیز (مد ظله العالی) در این بیانیه در این بخش به تعاریف مرتبط با پیشران، امنیت، بحران های امنیتی و بحران به اختصار می پردازیم.

۱-۱- مفهوم امنیت

باری بوزان معتقد است: امنیت را نمی توان به طور کلی تعریف کرد. بلکه تنها در مواردی مشخص می توان آن را تعریف نمود. از دیدگاه بوزان، امنیت از لحاظ مفهومی، ضعیف و از نظر تعریف مبهم، ولی از نظر سیاسی قدرتمند باقی مانده است؛ زیرا راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی باز می گذارد (بوزان ۱۳۹۰: ۱۴). ریشه امنیت در لغت از امن، ایمان و ایمنی است که به مفهوم اطمینان، آرامش در برابر خوف و ترس و نگرانی است؛ به عبارت دیگر، امنیت را به اطمینان و فقدان خوف تفسیر، تعریف و ترجمه نموده اند که تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک و شامل دو بُعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت است. از یک سو اطمینان، آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر فقدان خوف، دهره و نگرانی، که موجب سلب آرامش و اطمینان می گردند. (کاظمی ۱۳۹۲: ۷۷). رایج ترین درک امنیت، به عنوان شرایطی است که در آن احتمال آسیب بسیار کم است و دیگر تعریف امنیت اشاره به ایمنی ادراکات ذهنی دارد و بر این اساس امنیت به معنای یک وضعیت عاطفی و احساسی است که در آن ذهن انسان از هرگونه اضطراب و فشاری به دور است. هر تعریفی که از امنیت ارائه شود؛ نتایج خروجی های مختلفی دارد و هر کدام با ارزیابی خاص خود مواجه هستند. (افتخاری ۱۳۹۱: ۵۵).

۱-۲- مفهوم پیشران

عوامل تاثیر گذار بر روند ها و رویداد ها و اقدام ها و تصاویر که ممکن است، آینده های متمایزی پدید آورند. (فرهنگستان ادب و زبان فارسی ۱۳۹۶: ۶۵).

پیشران ها مهمترین روند ها و رویداد های تاثیر گذار و منتخب اند که در مسیر یک تحول نقش برجسته ای دارند. به عبارت دیگر در بین روندها مواردی وجود دارد که از برجستگی بالاتری در مقام مقایسه با دیگر روندها برخوردارند و عامل اصلی در سرعت بخشیدن به تحول و رسیدن به هدف هستند. از این رو پیشران ها به مراتب محدود و در حد و اندازه مشخص، موردی و تک رقمی هستند و شایان ذکر است که پیشران ها در بین روند ها وجود دارند و از همه موارد مشاهده شده در روند ها حساس تر و مهم تر هستند. بنابراین می توان ملاک مشخصی را برای انتخاب پیشران ها از بین روندها مورد توجه قرار داد که سه مولفه عمق، گسترش و نفوذ در آن بالا باشد. عمق به معنای درگیر شدن لایه های ساختاری حاکمیت، گسترش به معنای فضای جغرافیایی و نفوذ به معنای میزان درگیری اندیشه و افکار جامعه هدف خواهد بود. (ساوه درودی ۱۳۹۲: ۲۱۳).

۳-۱- مفهوم بحران

در تعریف علمی که از بحران بعمل آمده: آن را پدیده یا رویدادی بیان نموده که در یک جامعه اتفاق می افتد و منجر به بروز صدمه، آسیب، تهدید می شود و عبور از آن مشکل و نیاز به تصمیم فوری دارد^۱. بحران امنیتی مترادف با پدیده نزاع می باشد، نزاع دیپلماتیک تا نزاع جنگ. بحران‌ها بر این اساس به سطوح خرد و کلان تقسیم می شوند. در سطح کلان بحران شامل نزاع میان دولت‌ها و در سطح خرد نزاع میان گروه‌ها یا عاملان آنان می باشد. (عبدالله خانی ۱۳۹۰: ۴۰)

به طور کلی، بحران، پدیده یا رویدادی است که در یک سازمان یا جامعه اتفاق می افتد و منجر به بروز صدمه، آسیب یا تهدید می شود که عبور از آن مشکل بوده و نیاز به تصمیم فوری دارد، حال اگر این مجموعه اقدامات (پدیده یا رویداد)، منافع امنیت ملی یک کشور را تهدید نماید، بحران امنیتی نامیده می شود. (قدیریان ۱۳۹۵: ۵۲)

بحران امنیتی می تواند از سیاست سخت دشمن ناشی شده و در عین حال به لحاظ تهدید خارجی، انسجام درون گروهی را افزایش داده و نگرش‌هایی را در قالب اقدام تهاجمی به سمت منبع تهدید افزایش دهد. مفهوم دهکده جهانی باعث شد تا گستره تهدید وسعتی جهانی یافته و بیشتر در قالب تهدید نامتقارن، خود را نشان دهد.^۲ بر اساس تعریفی که آکادمی نظامی آمریکا از تهدید نامتقارن ارائه کرده است، تهدید طیف وسیع و قابل پیش‌بینی از عملیات‌های نظامی و شبه نظامی و اطلاعاتی است که توسط دولت‌ها سازمان‌ها و یا نیروهای تحت کنترل آنها نیابتی علیه نقاط ضعف و آسیب پذیر یک کشور و یا نیروی مسلح انجام میشود اطلاق می گردد.^۳ که تمامی این موارد می تواند زمینه ساز بحران‌های امنیتی باشد. (تاجیک ۱۳۹۴: ۸۰)

۴-۱- مفهوم عدالت

عدالت به مفهوم هماهنگی و تعادل اگرچه سابقه طولانی در حوزه تعریف این مفهوم وجود دارد، اما به طور مشخص این واژه را (نهادن هر چیزی به جای خود) و (به تساوی تقسیم کردن)، تعریف نموده اند. (عمید ۱۳۹۳: ۲۷۲).

در روایتی از امیر المؤمنین در روایتی از امیر مومنان علی . علیه السلام . آمده است: عدالت عبارت است از وضع و قرار دادن هر شی در جایگاه مناسب آن (این تعریفی جامع است و در تمامی موارد کاربرد عدل این معنا به نحوی در نظر گرفته شده است).

معنای عدالت در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی دارای معانی مختلفی است و به نسبت تمایز هریک از علوم، معنای عدالت نیز تغییر می کند. مفهوم اصطلاحی عدالت را می توان در سه حوزه زیر مورد

۱. مصطفی ساهه درودی (۱۳۹۹)، تقریرات درس مدیریت بحران‌های امنیتی.

www.nlineibrary/wiley.com به قلم الوینیو و سینکوتین در مقاله برداشت چین از تهدیدات آمریکا و ژاپن.

۲. در این زمینه مراجعه شود به مک لوهان در کتاب دهکده جهانی.

3. www.khamenei.ir; www.leader.ir

بررسی قرار داد:

۱- عدالت در علم اخلاق

در علم اخلاق، مسائل از بعد روان شناختی بررسی شده و به درون روح انسان کشیده می شوند. عدالت نیز یکی از ویژگیهای نفسانی معرفی شده است و یکی از فضایل اخلاقی به شمار می آید. امام خمینی (قدس سره) درباره معنا و مفهوم عدالت در حوزه علم اخلاق می نویسند: بدان که عدالت عبارت است از: حد وسط بین افراط و تفریط و آن از امهات فضایل اخلاقیه.

به طور کلی در علم اخلاق عدالت به معنای اعتدال قوای نفسانی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط است. ۲- عدالت در علم فلسفه و کلام

در مباحث کلامی و عقاید عدل به صورت زیر بیان شده است: عدل در افعال این است که گفتار و کردار و رفتار انسان مطابق با حکم عقل و شرع و از روی حکمت و مصلحت باشد و اعلی مراتب آن عصمت می باشد.

در میان چهار تعریفی که استاد مطهری از عدالت ارائه داده اند، دو معنای آن، مفهوم عدالت را در علم کلام و فلسفه تداعی می کند:

۱. موزون بودن: جهان موزون و متعادل است و هرچیز در جایگاه خودش قرار دارد، به نحوی که کوچک ترین تغییر و تحول در جایگاه واقعی اشیاء، نظم و برنامه منطقی آن ها را در هم می ریزد.

۲. رعایت استحقاقها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال وجود دارد. چون موجودات در نظام هستی از نظر قابلیت ها و امکان فیض گیری از مبدأ هستی با یکدیگر متفاوتند، بنابراین ذات مقدس حق به هر موجودی آنچه را که برای او ممکن است از وجود و کمال وجود اعطا می کند و امساک می نماید. (ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، ج ۱۰، ص ۲۴۷)

موضوع عدالت یکی از مباحث ریشه‌ای در بررسی تحولات ایران بوده است و هر یک از جریان‌های فکری. سیاسی ایران معاصر در بستر تاریخی و منطق موقعیت اجتماعی، محورهای متفاوتی (نظیر عدالت، آزادی و قانون) را برای بیان جهت گیری و اعلام مواضع خود برگزیده‌اند که در بسیاری از موارد منجر به بروز چالش‌های اساسی در جامعه شده است. (مصطفی ساوه درودی، ۱۳۹۷: ۳۷)

۲ - مبانی نظری:

با توجه به اهمیت استخراج پیش‌روان‌های انقلابی مبتنی بر عدالت در بیانیه گام دوم، همچنین استفاده بهینه از اندیشه‌های ناب رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) به مقایسه تطبیقی عدالت در کلام معظم له پیش از صدور بیانیه با مصادیق عدالت در بیانیه گام دوم می پردازیم.

در حالی که بیشتر متفکران حوزه عدالت‌پژوهی کم و بیش بر جنبه نظری بحث متمرکز شده و کمتر سخن از عدالت در حوزه عملی دارند، نگاه رهبر انقلاب اسلامی در پیروی از اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به عدالت به عنوان یک مفهوم ارزشی در نزد مصلحان اجتماعی و متفکران و مردمان محروم و مستضعف از منزلت خاصی در هر دو بخش نظری و عملی برخوردار است. در بخش نظری مفهوم عدالت و تعاریف و اقسام آن و بحث در تعیین اصول عدالت و در بخش عملی برنامه‌ها و شاخص‌های عدالت در حوزه‌های مختلف جامعه از جمله قانون‌گذاری و قضاوت و اقتصاد، نظام آموزشی و بهداشت و درمان در اندیشه‌های رهبری ملموس و قابل مشاهده است.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در نشست هم اندیشی راهبردی^۱ در سال ۱۳۹۱، عدالت را دغدغه همیشگی بشر دانسته و با اشاره به ورود متفکران و اندیشمندان تاریخ بشر به این مقوله خاطرنشان کردند «بررسی دقیق نشان می‌دهد که با وجود نظریه پردازی‌های مختلف اندیشمندان در مبحث عدالت، نقش ادیان الهی در این مقوله، بی نظیر و استثنایی بوده است». رهبر انقلاب اسلامی، با استناد به قرآن مجید، عدالت را هدف اصلی ادیان برشمرده و معتقدند عدالت، هدف نظام سازی اجتماعی ادیان و حرکت بشر در چارچوب دین بوده است و این اهتمام جدی به عدالت، در هیچ مکتب بشری یافت نمی‌شود. نقطه نظرات رهبری به دو مفهوم برابری و تأمین نیازهای اساسی عموم مردم به عنوان مهمترین دغدغه ایشان برای استقرار عدالت بوده و چارچوب اجرایی عدالت را مبتنی بر شاخص‌های عدالت شامل اعطای حقوق، مساوات و عدم تبعیض، اعتدال، توازن و انصاف قرار داده است. بر همین اساس برقراری عدالت و مساوات را به عنوان مهمترین هدف نظام اسلامی در تمام برنامه‌ریزی‌ها و اهداف حکومتی دانسته و معتقد هستند همه دستگاه‌ها باید برای استقرار آن تلاش کنند. (ر.ک: ساوه درودی، جامعه شناسی سیاسی، ص ۲۰۷).

شکل شماره یک: برداشت محقق از شاخص‌های عدالت از دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)



در پژوهش حاضر پس از آن که مهمترین برداشت‌های محقق از عدالت با نگرش به بیانات رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) استخراج گردیده و برابر جدول شماره یک به نمایش درآمده است، محقق به تشریح برداشت‌های دیگری از عدالت از منظر معظم له نیز به شرح ذیل پرداخته است.

اعتدال به مثابه روش در اقدامات اطلاعاتی:

در پژوهشی با این عنوان نویسنده با الهام از اندیشه عدالت طلبی در اسلام و تاکید رهبران دینی و علمای اسلام در اجرای عدالت، اعتدال را به عنوان نقطه کانونی مورد نظر مقام معظم رهبری در اجرای اقدامات اطلاعاتی برجسته نموده و با بیان مفهوم این واژه به جایگاه آن در جامعه اطلاعاتی پرداخته و هدف از آن را آشنایی کارکنان جامعه اطلاعاتی با تدابیر معظم له در حوزه عدالت و چگونگی رعایت آن در اقدامات اطلاعاتی بیان داشته است. (مصطفی ساوه درودی، مجله فقه اطلاعاتی، ۵: ۱۳۹۵)

عدالت به مثابه انصاف:

رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) در متن بیانیه، (انقلاب را انعطاف پذیر و آماده تصحیح خطاهای خود اعلام فرمودند و بیان داشتند) به نقد ها حساسیت مثبت نشان دهید و آن را نعمت خدا و هشدار به خودبه حساب بیاورید. انقلاب اسلامی پس از نظام سازی به رکود و خموشی دچار نشده و نمی شود و میان جوشش انقلابی و نظام سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی بیند.^۱

عدم تبعیض:

حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) با تاکید بر عدم تبعیض به مثابه عدالت می فرمایند:

حکومت باید زمینه را برای رواج عدالت و معنویت بدون هیچگونه تبعیضی در جامعه فراهم کند.

اعطای حقوق:

رهبر معظم انقلاب در متن بیانیه می فرمایند: انقلاب اسلامی در اعطای حقوق از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است و با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان ایستاده است.

مساوات و توازن:

معظم له می فرمایند: این انقلاب به اصول خود به شدت پایبند و به مرزهای خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است. مرتکب افراط و تفریط و چپ روی هایی که مایه ننگ بسیاری از قیام ها و جنبش ها است نشده است.

چارچوب مفهومی:

تحلیل داده ها:

با توجه به مفاهیم اشاره شده بالا که رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) در گفتارهای قبلیشان از آنها به عنوان مولفه های عدالت بارها نام برده اند، با بررسی متن بیانیه گام دوم پیشران های مرتبط با این مفاهیم

۱. مصطفی ساوه درودی (۱۳۹۹)، تقریرات درس مدیریت بحران های امنیتی.

استخراج گردیده است.

محورهای مهم اشاره در گام دوم پیرامون عدالت بادی‌گاه ایجابی	محور اشاره شده در متن	برداشت محقق از آن	شاخص
	انقلاب انعطاف پذیر و آماده تصحیح خطاهای خود است	عدالت به مثابه انصاف	نقد پذیری
	حکومت باید زمینه را برای رواج عدالت و معنویت بدون هیچ گونه تبعیض در جامعه فراهم کند	عدم تبعیض	حاکمیت و رواج عدالت مدنی
	انقلاب اسلامی در اعطای حقوق از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است.	اعطای حقوق	حمایت از محرومان و مستضعفان
	انقلاب مرتکب افراط و تفریط و چپ روی ها نمی شود	مساوات و توازن	پرهیز از افراط و تفریط ها
محورهای مهم اشاره در گام دوم پیرامون عدالت بادی‌گاه سلبی	محور اشاره شده در متن	برداشت محقق از آن	شاخص
	عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند	عدالت به مثابه مبارزه با فساد	عدالت محوری
	فساد اقتصادی توده چرکین کشورها و نظامهاست	فساد به مثابه توده چرکین	فساد ستیزی
	وسوسه مال و مقام و ریاست، حتی در علو پترین حکومت تاریخ یعنی حکومت امیر المؤمنین (ع) کسانی را لغزاند	پایبندی به اصول	عزت نفس
	دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند	عدالت به مثابه مبارزه با فساد	فساد ستیزی
	طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است	عدالت به مثابه طهارت اقتصادی	طهارت اقتصادی مسئولین نظام
	دستگاه های نظارتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند	عدالت به مثابه مبارزه با فساد	فساد ستیزی
	مبارزه با فساد نیازمند انسانهایی با ایمان و جهادگر، و منیع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است	مبارزه با فساد نیازمند پاک دستی است	ایمان و پاک دستی

عدالت در صدر هدفهای اولیّه همه بعثتهای الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است	عدالت به مثابه هدف اولیّه همه بعثتهای الهی	عدالت محوری
در جمهوری اسامی، دلهای مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیتها بتپد و از شکافهای عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد	عدالت به مثابه عدم وجود شکافهای عمیق طبقاتی	عدالت محوری و رفع محرومیتها
تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه خواری و مدارا با فریب گران اقتصادی که همه به بی عدالتی می انجامد، بشدت ممنوع است	عدالت به مثابه توزیع مناسب منابع عمومی	توزیع مناسب منابع عمومی
غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ رو مورد قبول نیست	عدالت به مثابه حمایت از قشرهای نیازمند	محرومیت زدایی

با توجه به مفاهیم احصا شده از جدول بالا، این سوال مهم و اساسی یعنی چرایی و چگونگی چالش ها و بحرانهای امنیت ملی و پیامدهای آن در جمهوری اسلامی ایران و نیز چگونگی مهار آنها با تاکید بر پیشران سازی انقلابی مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب و نقش آن در مدیریت بحران های احتمالی، منظور نظراین تحقیق است.

پژوهشگر با مراجعه به متن بیانیه، مفاهیمی مانند عدالت به مثابه مبارزه با فساد، فساد به مثابه توده چرکین، عدالت به مثابه طهارت اقتصادی، مبارزه با فساد نیازمند پاک دستی، عدالت به مثابه هدف اولیّه همه بعثتهای الهی است، عدالت به مثابه عدم وجود شکافهای عمیق طبقاتی، عدالت به مثابه توزیع مناسب منابع عمومی، عدالت به مثابه حمایت از قشرهای نیازمند را استخراج نموده، که این نشان دهنده اهمیت موضوع عدالت در اندیشه معظم له بوده، بنابراین باید منتظر مبارزه جدی و سازمان یافته با فساد و بی عدالتی در دهه جدید انقلاب باشیم.

بنابر آن چه در بالا تشریح گردید، برقراری عدالت و مبارزه با فساد در اندیشه معظم له دارای جایگاه بالایی است به همین دلیل و با توجه به اهمیت موضوع عدالت با دو دیدگاه سلبی و ایجابی مورد بررسی قرار می گیرد.

دیدگاه سلبی به عدالت:

۱- نقد ناپذیری به مثابه پیشران حرکت به سوی استبداد و بی عدالتی:

انتظار انفعال و تجدیدنظر در مبانی ای که کُنشگر خردمند طبق آن عمل می کند، واقع بینانه نیست اما انعطاف برای رسیدن به هدفها انتظار معقولی است که واقع بینی آن را تأیید می کند. پس باید به

استقبال نقد رفت و آماده اصلاح بود، چرا که نقد ناپذیری به مثابه پیشران حرکت به سوی استبداد و بی عدالتی بوده که در رهگذر این استبداد و بی عدالتی فرادستان فربه تر و فرودستان نحیف تر شده که ثمره آن روی گردانی از نظام و مهیا شدن بستر برای انواع بحران ها نظیر بحران هویت، مشارکت، مشروعیت و ... است.

۲- عدم توجه به توزیع عادلانه منابع:

انسان یا نهاد پخته در کوره حوادث و سوانح ایام، باید نسبت به ظرفیت هایی که به طور بالقوه دارد توجه بیشتری پیدا کند. این یک اصل اساسی مدیریت نیز هست که بتوان با شناسایی منابع بیشتر و توزیع بهتر و عادلانه تر، عدالت اجتماعی را توسعه داد و به موفقیت دست یافت. این نکته نیز از دید رهبر انقلاب پنهان نمانده است.

۳- تعدیل نمودن سطح انتظارات و زمینه پیدایش زندگی تجمعاتی و بی عدالتی اجتماعی:

یکی از مهم ترین وجوه عقلانیت و واقع گرایی، تعدیل سطح انتظارات از خود و دیگران، مطابق با مبانی، امکانات و محدودیت هاست. برای موجود عاقل متحرک، یکی از مهم ترین نشانه های چنین تعدیلی، داشتن تصویری دقیق از مبدأ و مقصد خود است. این مقوله دست کم در دو بخش از پیام «گام دوم» به روشنی بیان شده است: الف (مبدأ و نقطه آغاز برای یک نظام نوپدید): انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه صفر آغاز شد؛ اولاً: همه چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه - و نه به زور شمشیر خود- بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولت های غربی، و چه وضع بشدت نابسامان داخلی و عقب افتادگی شرم آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر. ثانیاً: هیچ تجربه پیشینی و راه طی شده ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام های مارکسیستی و امثال آن نمی توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند، حال انقلابی که منادی عدالت اجتماعی بوده نباید به دلیل زیاده خواهی عده ای به محاق بی عدالتی فرو رود. ب (مقصد و نقطه اوج برای نظامی که می خواهد پیرو حکومت علوی شناخته شود): عدالت کلمه ای مقدس در همه زمان ها و سرزمین ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواحناfade) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه ای بر عهده همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است.

شکل شماره دو: دیدگاه سلیبی به عدالت:



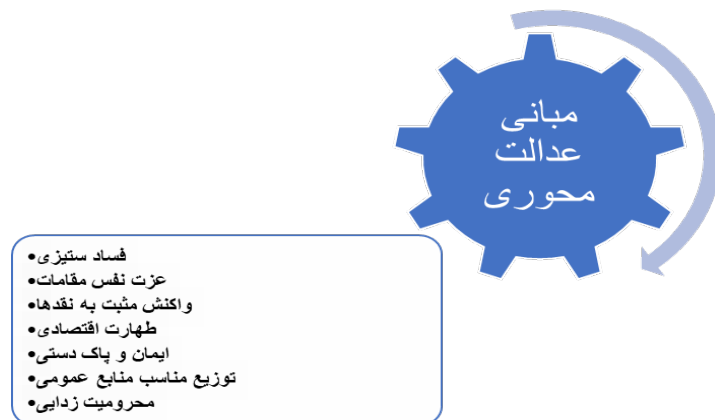
منبع (محقق ساخته)

با مراجعه به متن بیانیه، مفاهیم فساد ستیزی، عزت نفس مسئولین نظام، واکنش مثبت به نقدها، طهارت اقتصادی، ایمان و پاک دستی، توزیع مناسب منابع عمومی و محرومیت زدایی از اهم مبانی عدالت محوری در اندیشه معظم له بوده است.

در نگاه ایشان به مقوله غفلت دست‌اندرکاران در توزیع ناعادلانه منابع به اشاره کلی اکتفا نشده و اشاراتی هست تا برای جوانان خردمند، پیرانگیزه و کاردانی که از این پس بارهای مدیریتی را در کشور بر عهده می‌گیرند، سرنخ باشد، چرا که کشور جمهوری اسلامی ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۸ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیت‌های کشور است؛ که توزیع ناعادلانه این منابع می‌تواند زمینه‌های ایجاد فاصله طبقاتی بین فقیر و غنی و امکان بروز بحران‌های ناشی از تبعیض طبقاتی به ویژه بحران توزیع را به وجود آورد.

درخصوص توازن خواسته‌های مردم با داشته‌های نظام چنان‌که پیداست، این تعدیل انتظارات به معنای دست‌کشیدن از آرمان‌ها یا کوتاه آمدن از وعده‌هایی که در شعارهای انقلابی به مردم داده شده نیست؛ بلکه تصویر صادقانه‌ای از آغاز و اوج حرکت عمومی کشور در مسیر انقلاب اسلامی به دست می‌دهد که هم تحلیل‌ها را در چهارچوب پذیرفتنی‌تری قرار می‌دهد و هم نسخه‌های برون‌رفت و بهبود را کارآمدتر می‌سازد.

شکل شماره سه: دیدگاه ایجابی به عدالت:



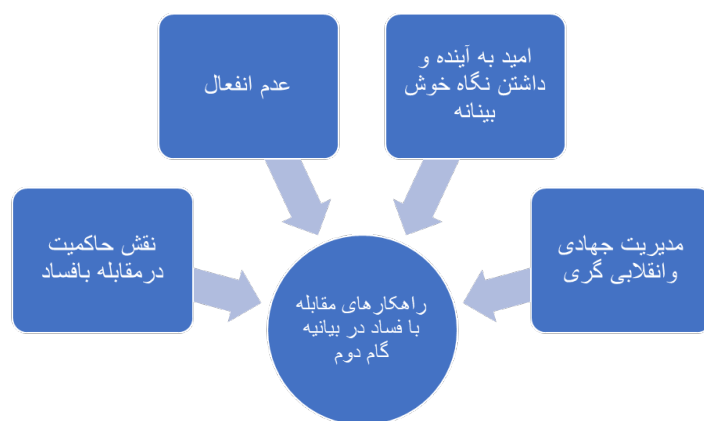
- راهکارهای مقابله با بی عدالتی با استناد به بیانیه گام دوم:
- در ادامه می‌کوشیم با تکیه بر مواضع و دیدگاه‌های پیشین رهبر معظم انقلاب، توضیحات و شرح‌هایی درباره نحوه مقابله با بی عدالتی با نگاه مدیریت بحران، ارائه کنیم:
- ۱- امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده را گسترش دهید "در خود و دیگران نال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است." به‌طور خاص در چند سال اخیر، جبهه دشمن بر یأس‌پراکنی و ناامیدسازی مردم تکیه کرده است و بسیار بیش از گذشته بر طبل ناامیدی می‌کوبد و مردم را نسبت به آینده انقلاب، بدبین و نگران می‌سازد. برنامه دشمن این است که همه‌چیز را توأم با بی عدالتی و ازدست‌رفته و تباه‌شده وانمود کند و مردم را سرخورده و حاشیه‌نشین سازد تا انقلاب را در تنهایی خویش، به مسلخ بکشاند. این شگرد و حربه‌ای بوده که در طول دو سال گذشته، نقطه اصلی تمرکز رسانه‌ای جبهه دشمن بوده است. اما دست ما خالی نیست؛ چون سخن دشمن کذب است و واقعیت و عینیت، به‌هیچ‌رو آن را تأیید نمی‌کند. انقلاب، برکات و حسنات فراوان داشته و آینده نیز درخشان است و هیچ یک از شواهد با این سیاه‌نمایی‌ها همخوان نیستند.
 - ۲- عدالت و اخلاق، نیازهای اصلی جامعه هستند "عدالت به معنی قرار گرفتن هر چیزی در سر جای خود است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد." خلاصه این که اصالت از آن «امر فرهنگی» و به‌طور خاص فرهنگ دینی است.
 - ۳- حکومت باید زمینه را برای رواج عدالت و معنویت در جامعه فراهم کند "شعور معنوی و عدالت

اجتماعی، در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و عدالت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار عادلانه و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند."

تحلیل یافته ها:

با توجه به اینکه دو مفهوم عدالت و مبارزه با فساد در متن بیانیه گام دوم با یکدیگر قرین بوده و معظم له بارها به آنها در کنار یکدیگر اشاره نموده اند و در اندیشه ایشان این دو لازم و ملزوم یکدیگرند با بررسی متن بیانیه مفاهیم زیر به شرح شکل شماره چهار استخراج گردیده است.

شکل شماره چهار: مهمترین شاخص های مبارزه با فساد



چارچوب متن بیانیه گام دوم که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) چراغ راهی است که راه کارهای برون رفت از بحران ها را نیز با کمی مذاقه در متن آن می توان احصا نمود و این تحقیق بر آن است که با استفاده از آن و بیان مصادیق عدالت بحران های احتمالی پیش رو را شناسایی و در صورت وقوع مدیریت نماید.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) اما عدالت را به مثابه اعطای حقوق، مساوات و عدم تبعیض، اعتدال، توازن و انصاف تبیین نموده و بر همین اساس عدالت را در چهار محور ذیل به عنوان مهمترین هدف نظام اسلامی در تمام برنامه ریزی ها و اهداف حکومتی دانسته اند.

۱- عدالت محوری در رفتار:

معظم له با اشاره به کتاب شهید مطهری می فرمایند: در بخشی از کتاب (عدالت از نظر امام علی (ع) آمده: مقتضای عدالت مساوات است، در شرایط حقوقی مساوی و نه در شرایط نامساوی، یعنی نباید میان شرکت کنندگان در یک مسابقه علمی یا قهرمانی در غیر آن چه مربوط به استعداد و هنر و لیاقت

است بین افراد فرق گذاشته شود. آنچه نباید ملاک قرار گیرد این امور است که مربوط به لیاقت و استعداد یا فعالیت و مجاهدت افراد نیست. اگر استعداد ها و لیاقت ها را نادیده بگیریم و به همه نمره و امتیاز مساوی بدهیم ظلم کرده ایم. معنی مساوات و به یک چشم دیدن و همه را برابر در نظر گرفتن این است که هیچ ملاحظه شخصی در کار نباشد، از نظر ملاحظات شخصی همه علی السویه باشند، از نظر ملاحظات طبقاتی هم همه علی السویه باشند. (درس خارج فقه معظم له به تاریخ ۱۳۹۶/۰۸/۰۱).

۲- عدالت محوری در گفتار:

ایشان با اشاره به بخشی از کتاب عدل الهی در اندیشه شهید مطهری، مصداق بارز عدالت در گفتار نیز عدالت مولای متقیان است به طوری که نقل است در روزگار خلافت خلیفه دوم، شخصی ادعایی نسبت به حضرت امیر علی (ع) داشت و بنا داشت در حضور رسیدگی شود. مدعی حاضر شد و خلیفه در خطاب به امام علی (ع) گفت: ابالحسن در کنار مدعی قرار گیر تا حل دعوا کنم، آثار ناراحتی در سیمای امیر مومنان علی (ع) ظاهر شد خلیفه به او گفت ای علی از اینکه تو را در کنار دشمن قرار دادم ناراحتی؟ امام علی (ع) فرمودند: نه بلکه از آن جهت که در گفتارت نسبت به ما دو نفر عدالت را رعایت نکردی نگران شدم، زیرا او را با نام صدا کردی و مرا با کنیه و لقب (ابالحسن) خواندی، ممکن است طرف دعوا نگران شود. (مطهری، ۱۳۹۱: ۹۷)

۳- عدالت محوری در سازمان:

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) برای تبیین عدالت سازمانی به نظریه برابری، که یکی از نظریات مهم در حوزه رفتار سازمانی است اشاره نموده و بیان می دارند: افراد مایلند در قبال انجام کار پاداش منصفانه دریافت کنند، به عبارت دیگر فرد به اندازه هم صنفان خود از پاداش های انجام کار بهره مند شود. بنابراین مسئولین ما و حتی مدیر یک سازمان یا اداره کوچک نیز بایستی این عدالت و انصاف را به احسن وجه رعایت کند.

۴- عدالت محوری در جامعه:

رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) در سخنرانی در حضور نخبگان و دانشگاهیان در دی ماه ۱۳۹۳ عدالت را به عنوان یک مفهوم ارزشی که نزد مردمان دارای اهمیت بالایی است معرفی نموده و فرمودند اینکه عده ای از اقشار خاص از غالب امکانات و مواهب جامعه بهره مند بوده و عده ای دیگر حسرت آن را به دل داشته باشند در نظام اسلامی قابل قبول نیست.

نتیجه گیری:

بر اساس یافته های تحقیق، بحران به عنوان یک پدیده اجتماعی به اشکال مختلف و در سطوح متفاوت حادث و با هر سمت و سویی به سرعت جهت سیاسی به خود گرفته و بخش یا کل نظام سیاسی را مورد

تهدید و یا خطر قرار می‌دهد. در نتیجه «مدیریت بحران» با بکارگیری ابزار هایی که در متن مقاله به به آن‌ها اشاره گردید مورد تاکید محقق می‌باشد بنابراین کاری که بر عهده ماست، این است که این بیانیه را به‌عنوان یک متن راهبردی و راه‌گشا، در دستور کار خویش قرار دهیم و متناسب با هر یک از مطالبات و مقاصد نهفته در آن، برنامه‌ریزی و تدبیر کنیم. رهبر انقلاب (مد ظله العالی)، به‌صراحت ما را مخاطب خویش خوانده و خواسته‌ها و توقعاتش را با ما در میان نهاده است. ما باید بی‌درنگ و دغدغه‌مندانه، احساس مسئولیت کنیم و نسبت خود را با مفاد و مضامین این بیانیه مشخص سازیم همان‌گونه که در این تحقیق عنوان شد، عدم برقراری عدالت و فساد یکی از دغدغه‌های اخیر در جوامع در حال گذر به ویژه جمهوری اسلامی ایران است که از این منظر دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) از متن بیانیه استخراج و داده‌های آن مورد تحلیل قرار گرفته که نتایج آن نیز ترسیم گردید. طبق بررسی انجام شده در این تحقیق، نابرابری اجتماعی، به تدریج، همبستگی گروهی جامعه را تحت تأثیر منفی خود قرار خواهد داد و به اصطلاح منجر به شکستگی موزاییک همبستگی ملی می‌گردد. از آن جا که همبستگی ملی از جمله مؤلفه‌های تأثیر گذار در امنیت ملی یک کشور است، بدیهی که از بین رفتن این مهم، با توجه به تعریفی از بحران امنیتی ارایه شد (یعنی مجموعه اقداماتی که منجر به تهدید منافع ملی کشور شود)، موجب ایجاد بحران امنیتی خواهد شد.

منابع:

- فرهنگ عمید (۱۳۹۳)
- فرهنگستان ادب و زبان فارسی (۱۳۹۶: ۶۵).
- متن بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)
- ساوه درودی، مصطفی (۱۳۹۸). گام دوم انقلاب در دو حرکت (شناخت تهدیدات امنیتی، مقابله با تهدیدات امنیتی)
- بیانات مقام معظم رهبری، قابل دستیابی در www.khamenei.ir
- سایت اینترنتی رهبری به نشانی: www.Leader.ir
- ساوه درودی، مصطفی، (۱۳۹۹)، تقریرات درس مدیریت بحران های امنیتی -دانشکده علوم و فنون فارابی
- ساوه درودی، مصطفی، (۱۳۹۶)، نقش بصیرت در مهار بحران های امنیتی، فصلنامه اطلاعاتی و حفاظتی جامعه اطلاعاتی، سال ۱، ش ۳.
- بوزان، باری و دیگران، (۱۳۹۰)، چارچوبی برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۶)، عدالت از نظر امام علی (ع)، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۱)، امامت و رهبری، انتشارات صدرا.
- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۹۴)، مدیریت بحران، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان، چاپ دوم.
- قدیریان، محمود، (سال پنجم، تابستان ۱۳۹۵)، تبیین بایسته های مدیران بحران در مدیریت بحران، فصلنامه امنیت پژوهی، تهران، دانشکده علوم و فنون فارابی.
- عبدالله خانی، علی، (۱۳۹۰)، «تهدیدات و امنیت ملی»، تهران، نشر موسسه ابرار.
- ساوه درودی، مصطفی، ۱۳۸۸، امنیت ملی، فرصت ها و تهدیدات، فصلنامه اطلاعاتی و حفاظتی جامعه اطلاعاتی، سال ۱، ش ۳.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۹۰)، «تحلیل محیط امنیتی»، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۹۱)، «نظریه های اسلامی امنیت»، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۰، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کاظمی، علی اصغر، (۱۳۹۲)، مدیریت بحران های بین الملل، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، انتشارات ققنوس.
- ساوه درودی، مصطفی، (۱۳۹۵)، گام دوم انقلاب در دو حرکت، فصلنامه فقه اطلاعاتی، سال ۱، ش ۴.

تأثیر عوامل ژئواکونومی کشور پاکستان بر سیاست های دفاعی جمهوری اسلامی ایران

مهدی مهدوی زاده^۱

علی اصغر اسماعیل پورروشن^۲

چکیده:

شناخت محیط پیرامونی و تحلیل ژئواکونومی کشورهای همسایه از مهم ترین عواملی است که در راستای برقراری و گسترش روابط دوجانبه باید مدنظر قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران برای این که بتواند بر چالش ها و تنگناهای پیرامونی غلبه، و چالش و رقابت های ناسازگار ژئوپلیتیکی را به همکاری تبدیل کند در محله نخست نیازمند مطالعه دقیق ژئواکونومی کشورهای منطقه و شناخت آن ها است. از طرفی بدون شناخت محیط پیرامونی و معادلات حاکم بر آن، دستیابی به اهداف و منافع ملی غیرممکن و در صورت امکان مستلزم سعی و خطای بسیار، اتلاف منابع و هزینه های سنگین و احتمالاً جبران ناپذیر خواهد بود. امروزه قدرت های بزرگ با سطح بازی فرا منطقه ای نیز علاوه بر شناسایی توانایی ها و آسیب پذیری های سایر کشورها در سطح بین الملل از توجه به همسایگان خویش نیز غافل نیستند از این رو کشور پاکستان در منطقه ای واقع شده که به دلیل خصوصیات جغرافیایی همواره مورد توجه قدرت های جهانی بوده است. در این میان هدف از این مقاله عبارت است « تأثیر عوامل ژئواکونومی کشور پاکستان بر سیاست های دفاعی جمهوری اسلامی ایران بوده است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و از نظر روش آمیخته و جامعه آماری این تحقیق ۵۴ نفر و به صورت تمام شمار بوده و نتایج به دست آمده عبارت است از « عوامل ژئواکونومی کشور پاکستان همچون، انرژی (آب-گاز-نفت) - منابع طبیعی - صادرات و واردات - شبکه های ارتباطی حمل و نقل - خطوط انتقال انرژی - طول خطوط ریلی - درآمد حاصل از گردشگری و... در تدوین سیاست های دفاعی جمهوری اسلامی ایران مؤثر است.

کلیدواژه: ژئواکونومیک؛ سیاست های دفاعی؛ پاکستان؛ جمهوری اسلامی ایران؛

m.mm1384@yahoo.com

۱. دکتری جغرافیای سیاسی دانشکده علوم و فنون فارابی

۲. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد یادگار امام شهر (ره) ری

جستار گشایی

مهم‌ترین دغدغه دولت‌ها تلاش برای حفظ امنیت و مقابله با تهدیدات متنوعی است که حیات و بقا و یا توسعه را به مخاطره انداخته است. از این‌رو تقویت مؤلفه‌های قدرت درونی و ارتقای بنیه دفاعی از اهم اولویت‌های سیاست‌گذاری دولت‌ها است. سیاست دفاعی در هر دولت، برنامه جامع و مشی کلان عملیاتی در جهت تحقق چنین اهدافی است. تجربه چهار دهه اخیر نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران به واسطه موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و نیز مختصات سیاسی و ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی و نظام سیاسی آن با طیف وسیعی از تهدیدات سخت و نرم روبه‌رو بوده و از این جهت نیازمند تدوین سیاست دفاعی متناسب با وضعیت جغرافیایی و مبانی، ارزش‌ها و اهداف راهبردی و متغیرهای محیطی و فرا محیطی تأثیرگذار بوده است. (قیصری، ۱۳۹۵: ۵۷) از طرفی کشور پاکستان به دلیل خصوصیات جغرافیایی همواره مورد توجه قدرت‌های جهانی هست و هم‌اکنون نیز تحت تأثیر حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در حوزه ژئوپلیتیکی‌اش، منازعات و بحران‌های قومی در منطقه و بحران افغانستان و هند قرار دارد، بنابراین بررسی عوامل ژئوپلیتیک این کشور در تدوین سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران ضرورت دارد. این کشور به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک خود، دارای اهمیت و حساسیت ویژه‌ای است، به‌نحوی که عواملی چون واقع شدن آن در این منطقه جغرافیایی، نحوه تعامل با همسایگان و مواضع این کشور آثار مستقیمی بر شکل‌گیری موازنه قوا در منطقه دارد. (مینایی، ۱۳۸۶: ۲۲۳) بنابراین. محقق در این مقاله، به دنبال این موضوع بوده که تأثیر عوامل ژئواکونومی کشور پاکستان بر سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران را مورد کنکاش و بررسی قرار دهد؛ و سؤال مقاله، عبارتست از این که «مهم‌ترین عوامل ژئواکونومی تأثیرگذار کشور پاکستان که بر سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران تأثیر دارند، کدامند؟» از سوی دیگر، بررسی ژئواکونومی این کشور می‌تواند در اتخاذ سیاست‌های دفاعی کشور در حوزه‌های اقتصاد کشور جمهوری اسلامی ایران سودمند و برای کاستن از حوادث احتمالی در آینده، در حوزه‌های انرژی، منابع طبیعی، صادرات و واردات، شبکه‌های ارتباطی حمل‌ونقل، خطوط انتقال انرژی، طول خطوط ریلی، درآمد حاصل از گردشگری، به مسئولان نظامی و اقتصادی این امکان را بدهد که در سیاست‌های دفاعی در مقابل کشور پاکستان، بهترین تصمیمات را اخذ نمایند.

مفاهیم و مبانی نظری:

الف) با بررسی‌های به‌عمل‌آمده توسط محقق و مطالعه منابع موجود در داخل کشور و جستجو در برخی از سراج‌های خارجی مرتبط با عنوان مقاله هیچ‌گونه سابقه، مقاله و تحقیق علمی مستقل مربوط به موضوع، مشاهده نگردید؛ لیکن از جمله تحقیقات و مطالعات انجام‌شده در قالب رساله در برخی از دانشگاه‌های داخل کشور پیرامون ژئوپلیتیک در سایر محدوده‌ها که به نحوی با برخی از متغیرهای موضوع

این تحقیق مرتبط می باشند، عبارتند از:

۱- عنوان رساله: «بررسی تأثیر ژئوپلیتیک پاکستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و تبیین راهبردهای مناسب آن»؛ محمد بیگلری؛ به راهنمایی آقای دکتر محمدرضا حافظ نیا؛ رساله دکترا؛ دانشگاه عالی دفاع ملی؛ ۱۳۸۷

نتیجه تحقیق: در مجموع محقق به این نتیجه رسیده است که پیوندهای ژئوپلیتیکی و الگوی روابط استراتژیک پاکستان در منطقه و فرا منطقه بر امنیت ملی ج. ا. ا در ابعاد ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئوکالچر و ژئواکونومیک تأثیرات متفاوتی را ایجاد می نماید

۲- عنوان رساله: «نقش پاکستان در تهاجم احتمالی آمریکا علیه ج. ا. ا و ارائه راه کارهای مناسب در قبال آن» سید یاسر شرافت؛ به راهنمایی آقای دکتر محمد شکوری؛ رساله دکترا؛ دانشگاه تربیت مدرس - دانشکده علوم انسانی؛ ۱۳۸۴

نتیجه تحقیق: محقق به این نتیجه رسیده که پاکستان مشروط به موافقت شورای امنیت سازمان ملل در تهاجم احتمالی به ایران، به صورت غیرمستقیم و در سطح محدود با آمریکا همکاری می نماید.

۳- عنوان مقاله علمی پژوهشی: «عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر کارکرد امنیتی مرز جنوب شرقی (ایران و پاکستان)»؛ سید هادی زرقانی؛ فصل نامه سیاست خارجی؛ تاریخ نشر ۱۳۸۰/۹/۲

نتیجه مقاله: در این مقاله تلاش شده است تا مهم ترین عوامل ژئوپلیتیکی که بر کارکرد دفاعی - امنیتی مرز جنوب شرق (مرز جمهوری اسلامی ایران - پاکستان) تأثیر داشته و منجر به تضعیف نقش امنیتی مرز و نفوذپذیری آن را، مورد شناسایی، بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۴- عنوان مقاله علمی پژوهشی: «سیاست منطقه ای پاکستان در شبه قاره و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران» عزت ... عزتی و احمد کاویانی؛ فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک-۳۲

نتیجه مقاله: عبارتست از نحوه اثرگذاری سیاست منطقه ای پاکستان بر ابعاد مختلف امنیت ملی ایران را با نگاه ژئوپلیتیکی و ژئوکالچر و ژئواکونومی بررسی کرده و پیشنهادهایی برای حفاظت از منافع ملی و امنیت ملی ایران ارائه داده است

۵- عنوان مقاله علمی پژوهشی: «رابطه متقابل امنیت ناحیه ای و توسعه یافتگی فضاهای سیاسی با تأکید بر سیستان و بلوچستان»؛ دکتر جواد اطاعت و سیده زهرا موسوی؛ فصلنامه ژئوپلیتیک؛ بهار ۱۳۹۰

نتیجه مقاله: محققین در پاسخ به سؤال به این نتیجه رسیده اند که: امنیت موضوعی استنباطی است که مفهوم آن ثابت اما محتوای جغرافیایی - سیاسی آن تابع شرایط زمان و مکان تغییر می کند. با توجه به رهیافت فوق، این تحقیق با در نظر گرفتن ارتباط مستقیم میان امنیت ملی و توسعه ملی، به بررسی سطح توسعه یافتگی استان های کشور به منظور مقایسه استان های کشور و استان های مرزی و مرکزی با تأکید بر استان سیستان و بلوچستان پرداخته است.

ب) در تحقیقات انجام شده به مباحث مختلفی در حوزه پاکستان پرداخته شده است ولی مقاله انجام شده به بحث سیاست‌های دفاعی و مباحث ژئواکونومیک و تأثیری که ژئوپلیتیک بر این امور پرداخته شده است که در این حوزه به نظر دارای نوآوری می‌باشد؛ و هم چنان کمبود بخش زیادی از نیازهای پژوهشی در این حوزه، احساس می‌شود.

چهارچوب نظری

ژئواکونومیک: (Goeconomic)

ژئواکونومی مفهومی است که پس از جنگ جهانی دوم و در پی اهمیت یافتن بُعد اقتصادی روابط بین‌الملل مورد توجه قرار گرفت. این مفهوم رابطه مستقیمی با تحولات عصر جهانی شدن دارد و از آثار پیوند جغرافیا و اقتصاد در روندهای کلان روابط بین‌الملل پرده برمی‌دارد. هدف ژئواکونومی استفاده از ابزارهای اقتصادی برای افزایش ثروت، تأمین منافع ملی، بهره‌برداری از مزیت‌های ژئوپلیتیک و بهره‌مندی از شبکه ارتباطات و اقدامات اقتصادی سایر بازیگران در بستر جغرافیا است (اسلامی، ۱۳۹۷: ۱۰۴)

از طرفی عده‌ای این واژه را تقریباً برای تمام فعالیت‌های اقتصادی داخلی و خارجی به کار می‌برد و قدرت طرح‌ریزی یک کشور را با قدرت یا ضعف اقتصادی داخلی آن مرتبط می‌داند. کشوری که برای مدت طولانی از تقویت قدرت اقتصادی خود غفلت کند، از نظر ژئوپلیتیکی می‌تواند نقش مهمی ایفا کن (Blackwill and Harris, 2016: 20) ملاحظه می‌شود که تعاریف متفاوت است و خلاصه آن‌ها را می‌توان به صورت زیر بیان کرد (مختاری‌هشی، ۱۳۹۶: ۵۹)

به نظر می‌رسد یک تعریف سه‌بخشی از ژئواکونومی می‌تواند تا حدود زیادی جامعیت داشته باشد: “ژئواکونومی استفاده از ابزارهای اقتصادی برای دفاع از منافع ملی و تولید نتایج مفید ژئوپلیتیکی؛ و تأثیر اقدامات اقتصادی سایر ملت‌ها بر اهداف ژئوپلیتیکی کشور است.” اولین بخش، استفاده از ابزارهای اقتصادی برای پیشینه کردن و دفاع از منافع ملی؛ دومین بخش؛ فهم این‌که چگونه (حداقل از نظر تئوریک) قدرت اقتصادی داخلی می‌تواند موجب ارتقای تصویر قدرت یک کشور در نظام بین‌الملل شود؛ و سومین بخش؛ تأثیر اقدامات اقتصادی دیگر ملت‌های کشورها بر اهداف ژئوپلیتیکی کشور (Blackwill and Harris, 2016: 20)

امنیت و مرز: (Security and border)

اصلی‌ترین دلیل ایجاد مرز را می‌توان امنیت عنوان کرد؛ بنابراین ریشه عمده‌ای از مشکلاتی را که در داخل یک کشور بروز می‌کند، باید در مرزها جستجو نمود؛ زیرا ورود و خروج هرگونه اشخاص و کالاهای قاچاق، مواد مخدر و وسایل منکراتی که باعث اختلال در سیستم اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و بهداشتی می‌گردد از طریق مرزها انجام می‌گیرد (اخباری و نامی، ۱۳۸۸: ۵۱). مفهوم ایجاد امنیت در مرز، جلوگیری

از هرگونه اعمال خلاف قاعده در طول مرزهای یک کشور و کانالیزه نمودن تردد اشخاص و حمل و نقل با رعایت ضوابط قانونی از طریق دروازه‌های مجاز مرزی می‌باشد. امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل کالا با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۸).

سیاست‌های دفاعی: (Defense Policy)

سیاست دفاعی عبارت از خط‌مشی کلی و یا راهکار کلی دولت برای به کارگیری قدرت نظامی کشور در جهت حمایت از سیاست‌های ملی به منظور دستیابی به اهداف و منافع ملی هست. و یا سیاست دفاعی بخشی از سیاست کلی و فرابخشی دولت‌ها است که با نوعی ثبات نسبی همراه است و کمتر از تحولات سیاسی داخلی همانند تغییر کابینه‌ها، متأثر می‌شود و محصول خرد جمعی، تجربیات تاریخی و نوآوری‌ها در حوزه دفاع است. (حسینی، ۱۳۷۳: ۴۵) شورای امنیت ملی در کشورها با توجه به اهداف سیاسی موردنظر که باید به وسیله قدرت نظامی تحقق پیدا کند و با در نظر گرفتن قابلیت‌های موجود نیروهای مسلح و کاربردهای مختلف قدرت نظامی و بر مبنای داکترین نظامی مورد قبول کشور و تحت تأثیر عوامل مداخله‌گر محیطی سیاست دفاعی کشور را متناسب با اهداف و قابلیت‌های ملی، تعیین می‌نماید به عبارت دیگر سیاست دفاعی هدایتگر استراتژی نظامی و دارای ابعاد و مؤلفه‌های مختلفی است که در مجموع قدرت نظامی را سازمان‌دهی می‌نماید و به عنوان ابزاری کارآمد برای حمایت از سیاست‌های ملی در اختیار رهبران و دولت‌مردان قرار می‌دهد (تھامی، ۱۳۸۴: ۴۵) از طرفی تجربه چهار دهه اخیر نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران به واسطه موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و نیز مختصات سیاسی و ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی و نظام سیاسی آن با طیف وسیعی از تهدیدات سخت و نرم روبه رو بوده و از این جهت نیازمند تدوین سیاست دفاعی متناسب با وضعیت جغرافیایی و مبانی، ارزش‌ها و اهداف راهبردی و متغیرهای محیطی و فرا محیطی تأثیرگذار بوده است.

موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران:

ایران در جنوب غربی آسیا در نیمکره شمالی و بین مدار ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا مدار ۳۹ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۴۷ دقیقه عرضی شمالی و ۴۴ درجه و ۵ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۱۸ دقیقه طول شرقی نصف النهار گرینویچ قرار دارد. (صفوی، ۱۳۸۱: ۷) موقعیت جغرافیایی ایران حلقه ارتباطی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا را به وجود آورده و سرزمین جمهوری اسلامی ایران از شمال به کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و دریای خزر، از شرق به کشورهای افغانستان و پاکستان، از جنوب به دریای عمان و خلیج فارس و از غرب به کشورهای عراق و ترکیه محدود می‌گردد. به‌طور کلی موقعیت جغرافیایی ایران ترکیبی از موقعیت‌های چندگانه گذرگاهی، حائل، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک است. ترکیب موقعیت‌های فوق،

وضعیتی ممتاز، حساس و درعین حال خطرناک را ایجاد کرده است. این وضعیت از یک سو متضمن امنیت، ثبات و توسعه اقتصادی است و از طرف دیگر دربردارنده ناامنی، بی ثباتی و عقیم گذاردن فرصت ها و ظرفیت هاست (عزتی و یزدان پناه درو، ۱۳۸۶: ۶۹)

ایران از لحاظ ژئوپلیتیکی عضوی از مجموعه کشورهای خاورمیانه و درعین حال بخشی از زیرمجموعه آسیای جنوب غربی و عضوی از گروه کشورهای خلیج فارس و دریای مازندران است، ایران دارای موقعیت ژئوپلیتیک منحصربه فردی است که به واسطه آن با ۱۵ کشور در چهار جهت جغرافیایی همسایه و هم مرز است و با توجه به قرار گرفتن در حدفاصل دو منطقه مهم دریای مازندران و خلیج فارس (دو حوزه بزرگ انرژی جهان)، از گذشته های دور به عنوان چهارراه مواصلاتی غرب به شرق و شمال به جنوب و مسیر طبیعی تجارت بین شرق و غرب (جاده ابریشم) مطرح بوده است. (واعظی، ۱۳۸۵: ۷)

مرزها: (borders)

بر اساس اطلاعات دریافتی از منابع موجود در سازمان جغرافیای نیروهای مسلح طول مرزهای ایران ۸۷۵۵ کیلومتر است که از این مسافت ۴۱۳۷ کیلومتر آن خشکی، ۲۷۰۰ کیلومتر آن مرز آبی کرانه ای و ۱۹۱۸ کیلومتر نیز مرز آبی و رودخانه ای می باشد. (سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۵: ۲۳) در بعضی از نقاط، مرز طبیعی این کشور با مرز سیاسی آن منطبق است، مانند مرزهای سیاسی جنوب ایران که با مرزهای طبیعی، پیوستگی و تجانس دارند و در برخی از خطوط مهم مرزی، بین مرز طبیعی و سیاسی انطباق وجود ندارد، مانند مرزهای شرقی کشور (صفوی، ۱۳۸۱: ۱۷۶) طول مرزهای مشترک زمینی ایران و پاکستان از ملک سیاه تا دهانه خلیج گواتر ۹۷۸ کیلومتر هست. حدود این مرز از کوه ملک سیاه شروع و در شرق بندر گواتر به دریای عمان منتهی می شود. (همان: ۲۲۶)

وضعیت ژئواکونومیک ج.ا.ا:

الف) انرژی (نفت، گاز ف آب)

کشور ایران از جمله کشورهایی است که بیشترین تأثیرپذیری را از منابع طبیعی خود به ویژه نفت داشته است. امروزه درآمد حاصل از نفت در حدود ۸۰ درصد درآمدهای ایران از محل مبادلات مرزی خارجی را تشکیل می دهد و هزینه خرید لوازم صنعتی و مواد غذایی و تسلیحات نظامی کشور را تأمین می کند ذخایر نفتی ایران در سال ۲۰۱۳ حدود ۱/۴٪ از ذخایر جهانی بود. پس از کشف ذخایر نفتی در اطراف شهر بوشهر، ذخایر نفت در ایران تقریباً ۳۲ درصد افزایش یافته است؛ و به طور خلاصه نفت هنوز رگ حیاتی اقتصاد و امنیت ایران است. صنعت گاز پیوندی ناگسستنی با صنعت نفت دارد. نخستین اثر صنعت گاز در اقتصاد کشور با گازرسانی از مناطق نفت خیز جنوب به مرزهای شمال کشور و انتقال به کشورهای شمالی می باشد (صفوی، ۱۳۸۱: ۸۲). بر اساس ذخایر کشف شده در چند سال اخیر و طبق آخرین اطلاعات تا سال ۲۰۱۴ میلادی، میزان ذخایر اثبات شده نفت خام در کشور ایران حدود ۱۳۷

میلیارد بشکه تخمین زده می شود. با این میزان ذخایر، ایران ۱۸/۸ درصد ذخایر نفتی خلیج فارس و ۱۱/۹ درصد ذخایر نفتی جهان را دارا هست؛ بنابراین کشور ایران در منطقه خلیج فارس که به عنوان یک مخزن عظیم انرژی فسیلی جهان محسوب می شود، بعد از عربستان سعودی بر دومین ذخایر نفتی جهان تکیه دارد. (بهریزی فر و نسیمی، ۱۳۸۳: ۹۷) که این مقدار برابر با ۳۸/۷ درصد ذخایر حوزه خلیج فارس و ۱۵/۵ درصد ذخایر جهان هست. (سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۳)

آب:

باید گفت که رابطه آب با جامعه ایرانی مسئله تازه ای و جدیدی نیست. کم آبی باروح انسان ایرانی در پیوند است. ۸۵ درصد طبیعت ایران دارای اقلیمی خشک و فرا خشک بوده و بیش از ۷۰ درصد مناطق ایران بارش سالانه ای کمتر از ۲۰۰ م م دارند. این یعنی ایران با یک هیدرولوژی سخت ناشی از توزیع نامتناسب زمانی و مکانی بارندگی روبرو بوده اند. از این رو کم آبی از مؤلفه های ذاتی طبیعت خشن ایران بوده است با این اوصاف، کشور ایران در مقایسه با کشور پاکستان از موقعیت مناسبی برخوردار است، ولی به جهت عدم استفاده مناسب، این آب ها به دریا می ریزد یا هرز می رود. آب هایی که به خلیج فارس می ریزد می تواند انرژی برق و آب آشامیدنی کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس را تأمین کند (اطاعت، ۱۳۸۵: ۵۱)

ب) منابع طبیعی: (Natural resources)

کشور ما در لبه غربی آسیا واقع شده است و ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع مساحت دارد. اقتصاد ایران که بر اساس گزارش بانک جهانی به شدت وابسته به منابع طبیعی است، در میان بزرگ ترین اقتصادهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، دومین رتبه را دارد. در سال ۲۰۱۷، ارزش تولید ناخالص داخلی ایران تقریباً ۴۴۷.۷ میلیارد دلار بود. ایران با دارا بودن حدود ۶۸ نوع ماده معدنی (غیرنفتی)، ۳۷ بیلیون تن ذخایر کشف شده و ۵۷ بیلیون تن ذخایر بالقوه در میان ۱۵ قدرت معدنی جهان جای گرفته (InfoMine. Retrieved 18 October 2011) همچنین زمین های زراعی، اصلی ترین منابع طبیعی ایران بوده که ۳۵ درصد از کل زمین های کشاورزی می تواند در خدمت این حوزه قرار گیرد ولی عملاً ۱۲ درصد از کل زمین ها برای تولیدات محصولات کشاورزی مورد بهره برداری قرار می گیرد از طرفی ایران در حوزه تولید محصولاتی هم چون زعفران و همچنین خرما و مرکبات در دنیا دارای برتری می باشد. جنگل ها نیز یکی دیگر از مهم ترین ثروت های طبیعی ایران به شمار می رود. که در خاورمیانه و کشورهای همسایه کمتر نظیر آن یافت می گردد. (<http://paezan86.blogfa.com>)

پ) صادرات و واردات: (Export and Import)

صندوق بین المللی پول اعلام کرد ایران با تولید ناخالص داخلی ۸۳۰ میلیارد دلاری بر اساس قدرت خرید

در سال ۲۰۱۰ بالاتر از هلند، عربستان و سوئد به عنوان هجدهمین قدرت اقتصادی جهان شناخته شده است سهم آمریکا در اقتصاد جهانی تا سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۴ درصد کاهش یافته و به ۲۰ درصد رسیده است. ۲۰ قدرت اقتصادی جهان در سال ۲۰۱۵ عبارتند از: آمریکا، چین، ژاپن، هند، آلمان، روسیه، انگلیس، فرانسه، برزیل، ایتالیا، مکزیک، کره جنوبی، اسپانیا، کانادا، اندونزی، ترکیه، استرالیا، ایران، تایوان و لهستان (روایت IMF از رشد تولید ناخالص داخلی ایران) رئیس گروه برنامه بودجه مجلس تأکید کرد: ارزش نفت و گاز ۲۴۰ میلیارد دلار است و حجم تولید ناخالص ملی به ۴۵۰ میلیارد دلار رسیده، درحالی که در کشور همسایه ترکیه بدون نفت، تولید ناخالص ملی به هزار میلیارد دلار رسیده و صادرات غیرنفتی ایران به ۴۵ میلیارد دلار رسیده درحالی که این رقم در ترکیه ۳,۵ تا ۴ برابر ایران است بدون اینکه از دویپنگ نفت استفاده کنند. (www.icccoop.ir/markazi)

ج) خطوط انتقال انرژی: (Power transmission)

فضای جغرافیای ایران در محور شمال-جنوب، دو عرصه جغرافیایی آب و خشکی را به هم پیوند می دهد و وجود کشورهای محصور در خشکی در شمال و شرق ایران یعنی کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان و نیاز آنها به فضای ایران جهت ارتباط با آب های آزاد و ارتباط با سایر کشورها به صورت ترانزیتی، اهمیت موقعیت ارتباطی ایران را مشخص می سازد (شمس دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۹۸). بهترین امتیازی که می تواند ایران را از شرایط جدید ژئوپلیتیکی در عرصه منطقه ای و بین المللی بهره مند سازد، استفاده از موقعیت ترانزیتی در زمینه حمل کالا و انتقال انرژی است. ایران نزدیک ترین و مقرون به صرفه ترین راه ترانزیت به آسیای مرکزی و قفقاز به دریاهای آزاد و بازار جهانی است. این موضوع زمانی می تواند تحقق پیدا کند که برنامه ریزی های همه جانبه روی توسعه خطوط آهن و راه های ترانزیتی و توسعه بنادر برای پاسخ گویی به این نیاز رو به گسترش فراهم شود. هم چنین اعزام کارشناسان زبده به کشورهای منطقه برای متقاعد کردن آنها به این موضوع که نزدیک ترین، امن ترین و باصرفه ترین راه ترانزیت انرژی و کالا از طریق ایران است، ضرورت دارد. (نقوی اصل، ۱۳۸۷: ۲۶۱) هم چنین کشور ایران اگرچه بیشترین ساحل را در خلیج فارس در اختیار دارد و بر شمال تنگه استراتژیک هرمز و جزایر پیرامون آن حاکم است، لیکن از حیث صدور و ورود کالا و مواد نفتی خود با جهان خارج، تماماً به تنگه هرمز وابسته است. لذا ایران می تواند با انتقال مواد نفتی و گاز به وسیله خط لوله به شرق تنگه هرمز و نیز با فعال کردن و توسعه بنادر سواحل دریای عمان به ویژه بنادر چابهار، جاسک و کنارک، از وابستگی خود به تنگه هرمز بکاهد. (مهدوی زاده، ۱۳۹۹: ۱۱۶)

خ) درآمد حاصل از گردشگری: (Proceeds from tourism)

بر اساس آمار مجمع جهانی اقتصاد در مورد شاخص های رقابت پذیری گردشگری ایران و مقایسه آن با رقبای منطقه خود در زمینه گردشگری می توان بیان داشت ایران طی سال های اخیر در بسیاری از

شاخص‌ها رشد مطلوبی داشته است. ایران در سال ۲۰۱۱ رتبه ۱۱۴ از بین ۱۳۹ کشور، در سال ۲۰۱۳، با ۱۶ پله صعود، رتبه ۹۸ از بین ۱۴۰ کشور، در سال ۲۰۱۵ رتبه ۹۷ از بین ۱۴۱ کشور و در نهایت در سال ۲۰۱۷ با ۴ پله صعود، رتبه ۹۳ از بین ۱۴۰ کشور جهان را به خود اختصاص داده است. (بیدختی، ۱۳۸۶: ۲۲) امتیاز ایران در شاخص رقابت‌پذیری سفر و گردشگری ۲۰۱۷، معادل ۳,۴ است. همچنین رتبه ایران از جایگاه نهم در بین کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۱۵ به جایگاه هشتم در سال ۲۰۱۷ در این گروه صعود کرده است. روند روبه رشد ورود گردشگران به ایران و وضعیت بسیار مطلوب در شاخص‌هایی همچون قیمت رقابتی در کنار روند روبه رشد در سایر شاخص‌های رقابت‌پذیری، نشان‌دهنده جذابیت‌های سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری ایران است. بر اساس آمار سازمان گردشگری، سهم صنعت گردشگری ایران از تولید ناخالص داخلی، حدود ۱۱۹ میلیون دلار (معادل ۲,۴ درصد) است که پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۰۲، به چهار درصد افزایش یابد. همچنین در حال حاضر، ۴۷۵ هزار ایرانی در صنعت گردشگری و صنایع مرتبط با آن مشغول به کارند که این میزان، ۱,۲ درصد از کل نیروی کار فعال در ایران را تشکیل می‌دهد و بر اساس برنامه‌های دولت، باید تا سال ۱۴۰۲، به ۳,۲ درصد افزایش پیدا کند. مطابق آمارهای منتشره از سوی سازمان جهانی گردشگری، گردشگری ایران در سال گذشته (۱۳۹۵) ۱۲ درصد رشد داشته، درحالی‌که رشد جهانی گردشگری ۴ درصد بوده است. شاید به همین دلیل، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه گردشگری طی سال ۹۵، رشدی ۲۰ تا ۳۰ درصدی را به همراه داشته است. باین‌حال بر اساس اعلام رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، طی دو سال گذشته، آمار ورود گردشگران خارجی به کشور تنها ۴,۶ دهم درصد گردشگران دنیا بوده است. (Capital investment in)

وضعیت ژئواکونومیک کشور پاکستان:

موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کشور پاکستان:

کشور پاکستان در نیمکره شمالی و در جنوب غربی آسیا، در محدوده تقریبی ۶۱ درجه تا ۷۵ درجه و ۳۱ دقیقه طول شرقی و ۲۳ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۴۵ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. اختلاف ساعت تهران- اسلام‌آباد ۱/۵ ساعت می‌باشد، مساحت این کشور ۸۰۲ / ۴۹۳ مربع هست. طبق آمار سال ۲۰۱۸ کشور پاکستان با جمعیتی حدود ۲۱۲ میلیون نفر، ششمین کشور پرجمعیت دنیا به شمار می‌رود و دارای نرخ رشد جمعیت بالایی است. این کشور در آسیای جنوبی و قسمتی از آن نیز در خاورمیانه و فلات ایران واقع شده است. این کشور از شمال شرقی به سمت جنوب غربی امتداد یافته است. از شمال و شمال شرق به سلسله جبال هیمالیا، هندوکش، قره قروم و کشور چین (از طریق کشمیر آزاد)، از شرق به هندوستان، از جنوب به دریای عمان، از غرب به ج.ا. و از شمال غربی به کشور افغانستان

محدود می‌شود و در منطقه شمالی با مرز کشور تاجیکستان حدود ۲۰ کیلومتر فاصله دارد که این فاصله به‌وسیله تنگه راهبردی «واخان» افغانستان ایجاد گردیده است (فلاح زاده، ۱۳۸۵: ۲۶).

دشمنی دیرینه هند و پاکستان از یک طرف و افغانستان و پاکستان از طرف دیگر بر حساسیت موقعیت پاکستان افزود. از این جهت از سال ۱۹۸۰ م، به بعد احیای اقتصاد و بنیه نظامی پاکستان مورد توجه کشورهای غربی قرار گرفت و بر ضرورت حیاتی تقویت این کشور برای حفظ منطقه تأکید شد. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷: ۱۵)

پس از خروج نیروهای شوروی از افغانستان و به دنبال آن در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، پاکستان اهمیت استراتژیک خود را برای غرب از دست داد. از این رو کمک‌های مالی و تسلیحاتی سالانه آمریکا که از زمان تجاوز شوروی به افغانستان، به پاکستان سرازیر شده بود، به تعویق افتاد. لذا کشور پاکستان درصدد برآمد تا از موقعیت جغرافیایی خود استفاده نموده و راه‌های جدیدی برای تحکیم موقعیت و اهمیت خود در منطقه بیابد. از این رو روابط دیرینه خود با چین را بیش‌ازپیش گسترش داد و از طرف دیگر سعی نمود پس از فروپاشی شوروی، از موقعیت جغرافیایی خود به‌عنوان راه دستیابی کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی به دریای آزاد استفاده نماید. از طرفی موقعیت استقرار پایگاه‌های هوایی و دریایی این کشور در سواحل دریای عمان و اقیانوس هند می‌تواند نقش مهمی در ثبات منطقه داشته باشند و از این جهت موقعیت پاکستان در منطقه نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. (فلاح زاده، ۱۳۸۵: ۲۷).

به‌طور کلی جایگاه پاکستان بر اساس نظریه هارتلند مکیندر در منطقه هلال داخلی و اطراف منطقه محور قرار داشته و از این رو در راهبردهای خشکی محور به‌عنوان بخشی از منطقه هلال داخلی جایگاه مهمی دارد و هم‌چنین بر اساس نظریه قدرت دریایی ماهان، پاکستان نیز به علت موقعیت دریایی و ساحلی که با دریای عمان و اقیانوس هند دارد، از حیث مانور دریایی از جایگاه ویژه برخوردار هست و بر اساس نظریه رملند (سرزمین حاشیه‌ای) اسپایکمن کشور پاکستان نیز در منطقه رملند قرار گرفته و توانایی کسب قدرت بحری و بری را داشته و بدین خاطر از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد و به همین جهت کشور پاکستان در سیاست کانتینمنت ایالات متحده آمریکا از جایگاه راهبردی برخوردار می‌باشد؛ و بر اساس نظریه ژئوپلیتیکی مستقل اس. بی کوهن کشور پاکستان به همراه کشور هند منطقه مستقل ژئوپلیتیکی را تشکیل می‌دهد (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۱۰).

مرزها: (borders)

مرز مشترک با جمهوری اسلامی ایران	۹۰۹ کیلومتر
مرز مشترک با کشور افغانستان	۲۴۳۰ کیلومتر
مرز مشترک با کشور چین (از طریق کشمیر آزاد)	۵۲۳ کیلومتر
مرز مشترک با کشور هندوستان	۲۹۱۲ کیلومتر

مرزهای پاکستان با ایران هیچ‌گاه مورد اختلاف و منازعه نبوده است. مرزهای این کشور با جمهوری خلق چین نیز در فاصله سال‌های ۱۹۶۵-۱۹۶۱ تعیین حدود و مشخص گردیده، ولی مرز این کشور با افغانستان که به خط «دیورانند» معروف است، از سال ۱۹۴۷ به بعد میان دو کشور محل اختلاف بوده است و طول مرزهای خاکی این کشور ۶۷۷۴ کیلومتر می‌باشد. بندر کراچی بزرگ‌ترین شهر این کشور محسوب می‌گردد. این کشور در جنوب دارای ۱۰۴۶ کیلومتر مرز آبی در طول دریای عمان و اقیانوس هند بوده و از غرب به ایران، از شمال به افغانستان، از شرق به هند و در شمال شرق به چین منتهی می‌شود این کشور از شمال شرقی به سمت جنوب غربی امتداد یافته و از شمال و شمال شرقی به سلسله جبال هیمالیا، هندوکش، قره قروم و کشور چین (از طریق کشمیر آزاد) می‌رسد، همچنین در منطقه شمالی با مرز کشور تاجیکستان حدود ۲۰ کیلومتر فاصله دارد که این فاصله به وسیله تنگه راهبردی واخان در خاک افغانستان ایجاد گردیده است و سواحل آبی پاکستان مشرف به دریای عمان و اقیانوس هند بوده و طول آن حدود ۱۰۴۶ کیلومتر است. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷: ۱)

عوامل اقتصادی: (Economic factors)

اقتصاد پاکستان به‌طور عمده کشاورزی است و اکثریت مردم این کشور یا کشاورز بوده و یا به‌نوعی با کشاورزی در ارتباط می‌باشند. صادرات این کشور نیز به محصولات کشاورزی و منسوجات متکی است که اهمیت بخش کشاورزی را افزایش می‌دهد. در زمینه صادرات و واردات پاکستان همواره با تراز منفی تجاری روبرو بوده است. از طرفی مطابقت چندانی میان نقدینگی، رشد اقتصادی و تورم وجود ندارد. از این‌رو کشور به وام‌ها و قروض خارجی و داخلی وابسته است. بدهی‌های این کشور در طول سال‌های اخیر افزایش یافته و بازپرداخت وام‌ها بر اقتصاد تأثیر منفی داشته است. عدم ثبات در دولت‌ها و کشمکش‌های سیاسی احزاب و گروه‌های مخالف دولت نیز از موانع جدی در توسعه اقتصادی کشور محسوب می‌شود (همان: ۵۷). برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی پاکستان بر اساس برنامه‌های پنج‌ساله از اوایل دهه ۱۹۵۰ میلادی آغاز گردید که با وجود مشکلاتی چون جنگ با هند، خشک‌سالی‌های پیاپی، اوضاع ناآرام سیاسی و... نتوانست به‌طور کامل به اهداف برنامه‌های خود دست یابد. همچنین در گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۷ آمده است: پاکستان تنها کشوری در منطقه جنوب آسیا است که فرصت‌های محدودی دارد و باید به‌سرعت خود را از وضعیت وخیم فعلی نجات دهد.

الف) انرژی:

پاکستان کشوری است که به‌طور اصولی در زمینه منابع مختلف انرژی غنی نیست. در حال حاضر نفت بیش از ۴۰ درصد از نیازهای انرژی کشور را تأمین می‌نماید و از این‌جهت از اهمیت زیادی برخوردار است. در پاکستان ذخایر نفتی چندانی وجود ندارد و تولید فعلی نیز پاسخ‌گوی نیازهای کشور نمی‌باشد. ذخایر

نفت خام این کشور در اوّل ژانویه ۲۰۰۲ میلادی، ۲۹۷ میلیون بشکه و مصرف نفت روزانه آن حدود ۳۶۵ هزار بشکه بوده است (نامی، ۱۳۸۸: ۱۸۹)، درحالی که متوسط تولید داخلی روزانه نفت خام در سال ۲۰۰۵ میلادی، ۶۶/۵۰۰ بشکه و همچنین تولید داخلی روزانه گاز ۳/۸۰۰ میلیون فوت مکعب بوده است. بر اساس این تولید، تنها ۱۷ درصد کل تقاضاهای داخلی برآورده شده است. نفت موردنیاز عمدتاً از کشورهای عربستان، ایران و کویت وارد می گردد (دفتر مطالعات سیاسی و بینالمللی: ۷۴). در طول ده سال گذشته نیازهای نفتی این کشور با رشدی معادل ۸/۸ درصد روبرو بوده است و این رشد نشانی دهی که حتی سرعت فعلی در اکتشاف و بهره برداری از منابع جدید نیز کافی نیست و در آینده نیازهای وارداتی این کشور نیز افزایش بیشتری خواهد یافت. ذخایر قابل بهره برداری گاز پاکستان در ژانویه سال ۲۰۰۲ میلادی، ۹۶۵/۶ میلیارد مترمکعب تخمین زده شده است. گاز پاکستان عمدتاً در ایالت بلوچستان و در منطقه سوئی وجود دارد. پس از کشف ذخایر منطقه سوئی در ۳۵ سال پیش، از آن زمان تاکنون ذخایری به عظمت و وسعت آن منطقه کشف نشده است. گاز طبیعی به عنوان ارزان ترین منبع انرژی موجود حدود ۳۵ درصد از نیازهای انرژی کشور را پاسخ گو هست و طبق برآورد به عمل آمده ذخایر گاز فعلی در صورتی که ذخایر جدید قابل توجهی به آن اضافه نگردد، حدود ۱۵ تا ۲۵ سال آینده به پایان خواهد رسید. از طرفی نیاز به نفت و گاز، سالانه ۱۰ درصد افزایش می یابد و بخش های صنعتی پاکستان به گاز وابسته می باشند لذا هرگونه وقفه و خللی در کار تهیه گاز برای صنایع، به معنای وارد آمدن ضربه زیادی به کل صنعت و اقتصاد این کشور است. پاکستان طی سال های اخیر مذاکراتی با کشور ایران و ترکمنستان به منظور تأمین گاز انجام داده است، اما اولویت را برای واردات گاز به ایران داد که قرار است به وسیله یک خط لوله، گاز ایران به پاکستان و از آن طریق به هندوستان نیز صادر شود که سه کشور تاکنون مذاکرات زیادی در این زمینه انجام داده اند و فعلاً طرح انتقال گاز ایران به پاکستان نهایی شده است (همان: ۱۹۱). از طرفی تاکنون پاکستان متناسب با تولید داخلی گاز بخشی از تقاضای خود را تأمین نموده است و مابقی بدون عرضه بوده اند. تولید گاز پاکستان در دهه اول ۲۰۰۰ رشد چشمگیری را دنبال نموده است. این رشد در ۲۰۱۲ سال به اوج خود رسید و پاکستان توانست تولید گاز ۲,۴ میلیارد فوت مکعب در روز را تجربه کند؛ اما به مرور به دلیل چالش های نظارتی نگرانی های امنیتی سرمایه گذاری ناکافی این مقدار کم شد. به طوری که در سال ۲۰۱۵ بسیاری از شهروندان آن کشور برای تأمین تقاضای گرمایشی به سوزاندن چوب و جنگل زدایی روی آوردند. همچنین در سال ۲۰۱۳، پاکستان به ذخایر گاز شیل به میزان ۱۰۵ تریلیون فوت مکعب دست پیدا نموده که برای استحصال و استخراج آن نیازمند فنّاوری مناسب، سرمایه گذاری بالا خواهد بود. (محمودی، ۱۳۹۷: ۵)

آب:

پاکستان در رده سوم کشورهایی قرار دارد که با بحران کمبود آب مواجه هستند. با توجه به اوج گرفتن بحران آب در پاکستان، دولت و قوه قضائیه این کشور برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی جهت ساخت سد در این کشور همکاری خود را آغاز کرده‌اند. بر اساس آمار دولت پاکستان، سالانه ۴۸ میلیون مترمکعب آب از رودخانه‌های پاکستان تولید می‌شود، در صورتی که نیازمندی‌های این کشور در بخش کشاورزی، صنعتی و خانگی تنها ۱۰ میلیون مترمکعب است، اما شیوه‌های اشتباه و ذخیره نکردن اصولی آب و مصرف زیاد (آمارها نشان می‌دهد که این کشور دارای چهارمین رتبه میزان مصرف آب در جهان است)، سبب افزایش روزافزون بحران آب در این کشور شده است به‌طوری که پاکستان در حال حاضر تنها توان ذخیره‌سازی آب برای ۱۵ روز را دارد که این امر با توجه به نیازمندی‌های این کشور بسیار کم است. از مهم‌ترین دلایل کمبود آب در پاکستان می‌توان به هدر رفتن آب در بخش کشاورزی، آلوده شدن منابع آبی توسط فاضلاب‌های شهری و صنعتی و نیز فساد نظامند در توزیع آب و مصرف زیاد اشاره کرد. از طرفی وضعیت بحرانی آب در این کشور به حدی است که رهبران احزاب بزرگ سیاسی پاکستان ازجمله حزب مردم و تحریک انصاف مدعی هستند اگر در انتخابات پیروز شوند بحران آب را در مدت زمان کوتاهی رفع می‌کنند. (حسینی تشتیزی، ۱۳۹۷: ۲۴)

(ب) منابع طبیعی: (Natural resources)

پاکستان از نظر منابع معدنی مانند باریت، زغال‌سنگ، مس، سنگ آهن، سنگ آهک و نمک غنی است و منابع شناخته‌شده بزرگ مس و سنگ آهن دارد. در سال ۲۰۱۶ کشور مواد معدنی و فلزی متنوعی را تولید کرد. پاکستان منابع گسترده‌ای از انرژی دارد و به دلیل ذخایر متوسط نفت، ذخایر فراوان گاز، پتانسیل زغال‌سنگ و پتانسیل بزرگ برق آبی معروف است. در چند سال گذشته، گاز و نفت تولیدشده، تنها حدود نیمی از انرژی مورد نیاز این کشور را تأمین کرد، اما بهره‌برداری از منابع انرژی همچنان به دلیل کمبود سرمایه و بی‌ثباتی سیاسی به‌طور آهسته ادامه داشت. (محبوبی ۱: ۱۳۹۲). از طرفی پاکستان بزرگ‌ترین معادن کرم در دنیا را دارد

(پ) صادرات و واردات:

آنچه هویدا است، وضعیت طبیعی پاکستان، منابع غنی را در اختیار این کشور قرار نداده و تنها باوجود رودهای حوزه جلگه سند، توسعه کشاورزی در این کشور توانسته نقش اصلی را در اقتصاد این کشور ایفا کند؛ بنابراین کشاورزی بزرگ‌ترین بخش اقتصاد این کشور را تشکیل می‌دهد. بیش از ۷۰ درصد از کل جمعیت کشور به نحوی با کشاورزی ارتباط دارند و این بخش بیش از نیمی از نیروی کار کشور را به خود اختصاص داده است. حدود ۲۴ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) پاکستان مربوط به تولیدات

کشاورزی است و ۴۷/۵۴ درصد نیروی کار در سال ۲۰۰۵ میلادی در بخش کشاورزی مشغول بوده‌اند. این بخش بیشترین ارزش خارجی را نصیب کشور می‌نماید. (البته این در حالی است که بیشتر از ۲۷ درصد از اراضی این کشور قابل کشت نیست و بخش اعظمی از کشاورزی این کشور به روش سنتی صورت می‌گیرد). محصولات عمده کشاورزی این کشور شامل؛ برنج، گندم، پنبه، ذرت و نیشکر هست. ۱۰ درصد زمین زیر کشت در پاکستان را کشت برنج تشکیل می‌دهد که یک سوم تولید آن صادر می‌شود. پنبه از مهم‌ترین محصولات پاکستان می‌باشد که در خدمت صنایع منسوجات داخلی است و حدود ۶۰ درصد از درآمد صادراتی کشور در ارتباط با این محصول هست (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، همان: ۶۶). از مساحت کل ۳۴/۷ میلیون هکتاری ایالت بلوچستان، حدود ۱۹ میلیون هکتار آن قابل کشت می‌باشد که از این مقدار فقط ۲/۴ میلیون هکتار آن توسط آبیاری کشت می‌شود و با توجه به بارش سالانه بسیار کم که به ۲۰۰ میلی‌متر نمی‌رسد، در اغلب مواقع فقط ۱/۱ میلیون هکتار از زمین‌های بلوچستان قابل آبیاری و کشت می‌باشد. (همان: ۱۸۶)

ماه‌گیری فعالیت اقتصادی عمده در کنار کمربند ساحلی ایالت‌های سند و بلوچستان (در سواحل دریای عمان) است. شیلات حدود ۴ درصد تولید کشاورزی کشور را تشکیل می‌دهد و بخش دامداری نقش مهمی را در اقتصاد کشور ایفا می‌کند. سهم دامداری در محصولات کشاورزی و تولید ناخالص داخلی به ترتیب ۳۸/۴ درصد و ۹/۳ درصد برای سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۱۷ میلادی بوده است و علاوه بر خودکفایی در زمینه تولید فرآورده‌های لبنی و گوشت و امثال آن، در امر صادرات نیز ایفای نقش می‌نماید. صنایع پاکستان در مناطق به خصوصی متمرکز شده‌اند. کراچی تنها بندر مهم صنعتی پاکستان است. همچنین صنایع مهمی در سند و پنجاب وجود دارد، ولی در دو ایالت بلوچستان و سرحد شمال غربی صنایع توسعه‌ای وجود ندارد. صنایع نساجی عمدتاً در ایالت پنجاب (فیصل‌آباد) و پس‌از آن در ایالت سند متمرکز است. (سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۷: ۵۰)

صادرات:

برابر اعلام اداره آمار پاکستان صادرات پاکستان در ماه نوامبر سال ۲۰۱۵ حدود ۱۸۱۹۶۱ میلیون روپیه و در اکتبر همین سال حدود ۱۹۲۱۸۵ روپیه بوده است و از سال ۱۹۵۷ تا سال ۲۰۱۵ صادرات پاکستان به‌طور میانگین ۲۷۱۲۸ میلیون روپیه در ماه بوده است. این کشور برنج، مبلان، الیاف پنبه، سیمان، کاشی، سنگ مرمر، پوشاک، کالاهای چرمی، کالاهای ورزشی، وسایل جراحی، مواد غذایی، میوه است کشورهای برتر مقصد کالاهای صادراتی کشور پاکستان عبارت‌اند از: ایالات متحده آمریکا، آلمان، چین، انگلستان و افغانستان. بیشترین مقصد صادرات به ترتیب در قاره‌های اروپا، آسیا، آمریکای شمالی هست.

واردات:

مجموع واردات کشور پاکستان در سال ۲۰۱۷، ۵۵.۶ میلیارد دلار بود که همین امر این کشور را به ۴۷ مین واردکننده بزرگ جهان تبدیل کرد. بیشترین کالای وارداتی پاکستان شامل محصولات معدنی، ماشین‌آلات، محصولات شیمیایی، فلزات، منسوجات، محصولات گیاهی، حمل‌ونقل و پلاستیک حبوبات و چای و شکر هست. کشورهای برتر صادرکننده به پاکستان عبارتند از: چین، دبی، عربستان، اندونزی و ژاپن. بیشترین مبدأ واردات به ترتیب در قاره‌های آسیا، اروپا، آفریقا، آمریکای جنوبی، آمریکای شمالی می‌باشد

ج) خطوط انتقال انرژی:

خط لوله صلح نام خط لوله گاز صادراتی ایران به هند و پاکستان است که بر اساس تفاهم‌های انجام‌شده، ایران متعهد می‌شود که تا مدت ۲۵ سال، گاز خود را باقیمت توافقی به هند و پاکستان بفروشد. این مسیر اقتصادی‌ترین روش تأمین انرژی شبه قاره هند می‌باشد. مذاکراتی پیرامون پیوستن ترکمنستان و قطر به ایران برای تأمین گاز طبیعی این پروژه بزرگ مطرح شده است این طرح خط لوله انتقال گاز صادراتی ایران به هند و پاکستان در سال ۱۹۹۰ مطرح شد اما گفتگوها بر سر این طرح که «خط لوله صلح» نام گرفته از ده سال پیش آغاز شد طول خط لوله ایران به هند ۲۷۰۰ کیلومتر است و قرار است گاز صادراتی ایران را از مسیر پاکستان به هند منتقل کند. پیش‌بینی شده است که در صورت توافق نهایی، ۱۱۰۰ کیلومتر از این خط لوله در ایران، ۷۸۰ کیلومتر در پاکستان و ۶۰۰ کیلومتر در هند احداث شود. با تکمیل این طرح، روزانه ۱۵۰ میلیون متر مکعب گاز ایران به هند و پاکستان صادر می‌شود که ۹۰ میلیون مترمکعب آن برای هند و ۶۰ میلیون مترمکعب آن برای پاکستان در نظر گرفته شده است. هزینه اجرای این طرح در برآوردهای اولیه چهار و نیم میلیارد دلار اعلام شده بود اما اکنون کارشناسان هزینه طرح را حدود هفت میلیارد دلار برآورد می‌کنند. علی‌رغم جذابیت‌هایی که این طرح نه تنها از جنبه تأمین انرژی برای شبه قاره هند دارد، بلکه به عنوان یک عامل کاهش تنش در روابط بین هند و پاکستان نیز به شمار می‌رود، هندوستان تحت فشارهای آمریکا اعلام کرد که از این طرح کناره‌گیری می‌کند. ساخت این خط لوله که از سال ۲۰۰۲ شروع شد، قرار بود در سال ۲۰۱۴ به بهره‌برداری برسد که با کنار کشیدن هند از این پروژه و تعلل پاکستان در ساخت خط لوله در داخل این کشور، نیمه‌کاره رها شده است. (محمودی، ۱۳۹۷: ۶) پاکستان علت عدم شروع فعالیت را ناتوانی در تأمین هزینه‌ها عنوان کرده است و از شرکت‌های ایرانی، روسی و چینی درخواست کرده است به عنوان مجری ساخت خط لوله مشارکت کنند ایران درخواست اعطای وام ۵۰۰ میلیون دلاری به پاکستان را رد کرد.

چ) خطوط ریلی:

در حال حاضر پاکستان در مجموع دارای ۷۷۹۱ کیلومتر شبکه ریلی می باشد و ۷۸۱ ایستگاه قطار دارد. تعداد لکوموتیوهای دیزلی، بخاری و الکتریکی این کشور دارای ۵۸۰ لکوموتیو از انواع مختلف هست. به روایت تاریخ در زمان حاکمیت انگلیسی ها بر شبه قاره شبکه راه آهن در کشور پاکستان ایجاد شده است. در کشور پاکستان، پس از استقلال، راه آهن به عنوان اصلی ترین وسیله حمل و نقل بار و مسافر شناخته می شود. در زمان جنگ بین هند و پاکستان در سال های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ راه آهن در حمل و نقل وسایل و نیروهای نظامی نقش بسیار مهمی ایفاء کرد. این کشور دارای ۵۳۶ لکوموتیو دیزلی، ۲۹ لکوموتیو الکتریکی و ۸۲ لکوموتیو بخاری، ۲۲۵۰ واگن مسافری و ۲۸۵۰۰ واگن باری است. مسیرهای راه آهن پاکستان با کشورهای همسایه عبارتند از:

یکی از مسیرهای شبکه راه آهن پاکستان از کراچی و به طرف مرز افغانستان است.

مسیر دیگر از سند به پنجاب و سپس به ایالت سرحد است.

مسیر دیگر از سکر در سند به اسپرند و کوئته و بلوچستان می رود. از آنجا نیز دوشاخه شده که یک خط به چمن در شمال کوئته و در نزدیکی مرز با افغانستان رفته و خط دیگر به طرف مرز ایران و زاهدان کشیده می شود. در این کشور ۲۰ درصد از سرمایه گذاری بخش حمل و نقل در برنامه پنج ساله ششم به راه آهن اختصاص یافته است این میزان نسبت به برنامه های قبلی کاهش دارد. تعداد واگن های باری ترانزیتی بین دو کشور ایران و پاکستان در سال ۲۰۰۴-۲۰۰۵ میلادی، ۸۰۰۰ واگن در سال بود، اما در سال ۲۰۱۰ به تنها ۱۰۰ واگن کاهش یافت. شرکت ریل کاپ که در واقع بدنه اصلی و اجرایی کشیدن خطوط راه آهن به نقاط مختلف کشور است. ریل کاپ و شرکت خدمات مشاوره ای راه آهن پاکستان طرح های عملی و اجرایی مختلفی را در داخل کشور و بعضی از کشورهای خارجی از جمله ایران تعقیب می نمایند. (<https://www.tinn.ir/fa/tiny/news>)

خ) درآمد حاصله از گردشگری:

در یک دهه قبل تعداد گردشگری در این کشور چندان زیاد نیست طی سال های ۱۹۹۹-۲۰۰۴ بیشترین تعداد گردشگر ۵۵۷ هزار نفر بوده است علت این امر نبود امنیت (به دلیل پایگاه های القاعده) کمبود امکانات لازم از جمله امکانات اقامتی و همچنین درگیری های قومی و مذهبی و... می باشد همچنین در سال ۲۰۰۷ سهم درآمد گردشگری از تولید ناخالص داخلی و صادرات کالا در این کشور به ترتیب ۹/۰ و ۴/۵ بوده است (سلیمی، ۱۳۹۰: ۱۹۴) اما توجه ویژه پاکستان به توسعه صنعت گردشگری، باعث شد که این کشور سال گذشته (۲۰۱۷) رشد قابل توجهی در رونق این صنعت پر درآمد داشته باشد. طبق گزارش های رسمی در سال ۲۰۱۷ تعداد گردشگرانی که به پاکستان سفر کرده و از مناطق بی نظیر شمال

و شمال غرب پاکستان بازدید داشته‌اند یک میلیون و ۷۵۰ هزار نفر بوده است. از این تعداد ۷۰ درصد گردشگرانی غیر پاکستانی بوده‌اند که از کشورهای مختلف آسیایی، اروپایی و آمریکایی خود را به پاکستان رسانده بودند.

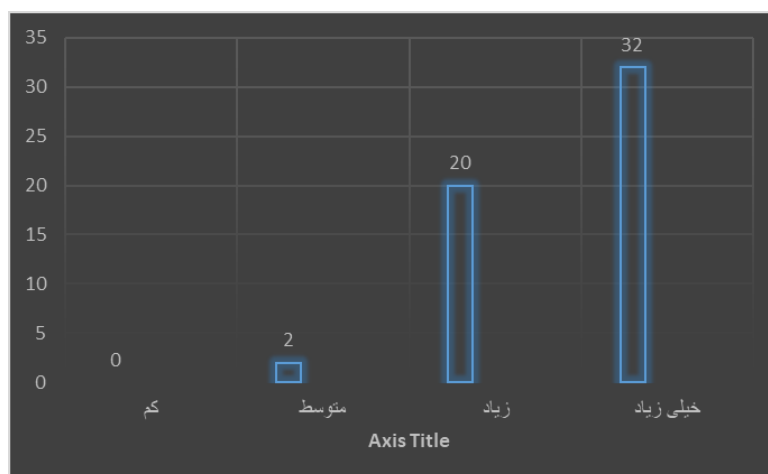
روش‌شناسی تحقیق:

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و از نظر روش کمی-تحلیلی است. جامعه آماری این تحقیق ۵۴ نفر شامل مدیران ارتش و اساتید و دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد جغرافیا، وابستگان نظامی که دارای مدرک کارشناسی ارشد و حداقل ۲۰ سال سابقه فعالیت دفاعی و یا اقتصادی داشته‌اند و به صورت تمام شمار موردبررسی قرارگرفته‌اند.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی فرضیه

طبقه	فراوانی	درصد فراوانی
کم	۰	۰
متوسط	۲	۳.۷
زیاد	۲۰	۳۷
خیلی زیاد	۳۲	۵۹.۳
جمع	۵۴	۱۰۰

نمودار شماره ۱: توزیع فراوانی



روش گردآوری داده‌ها از طریق بررسی داده‌ها و پرسش‌نامه انجام پذیرفته و داده‌های جدول نشان می‌دهد که میانگین، میانه و انحراف استاندارد توزیع به ترتیب ۴،۵۳،۰ و ۷۴،۰ است. توزیع از کجی منفی زیاد

برخوردار بوده و در نقطه اوج خود نسبت به توزیع نرمال دارای برآمدگی زیاد است. کمینه و بیشینه نمرات نیز بین ۱ تا ۵ در نوسان است. توزیع مربوط به فراوانی نیز نشان می‌دهد که ۹۶,۳ درصد پاسخ‌دهندگان در حد زیاد و خیلی زیاد نسبت به سؤال نظر مساعدی دارند. روایی پرسشنامه از طریق تأیید استادان و اعتبار پرسشنامه: از طریق روش موسوم به آلفای کرونباخ محاسبه شده است.

جدول شماره ۲: در صد اطمینان معنی‌داری پاسخ جامعه نمونه آماری (خی دو)

فرضیه	کای اسکوتر	درجه آزادی	معنی‌داری
عوامل اقتصادی ژئوپلیتیکی کشور پاکستان همچون، انرژی (آب-گاز-نفت) - منابع طبیعی- صادرات و واردات- شبکه‌های ارتباطی حمل‌ونقل- خطوط انتقال انرژی- طول خطوط ریلی- درصد بیکاری- درآمد حاصل از گردشگری و... در تدوین سیاست‌های دفاعی ج.ا. مؤثر است.	۱۱۶,۳۸۰	۴	.

داده‌های جدول نشان می‌دهد که ارزش خی دوی مشاهده شده (۱۱۶,۳۸) در درجه آزادی ۴ معنی‌دار است در نتیجه استنباط می‌شود عواملی همچون، انرژی (آب-گاز-نفت) - منابع طبیعی- صادرات و واردات- شبکه‌های ارتباطی حمل‌ونقل- خطوط انتقال انرژی- طول خطوط ریلی- درآمد حاصل از گردشگری مهم‌ترین شاخص‌های در سیاست‌های دفاعی ج.ا. در حوزه اقتصاد، باید موردتوجه قرار گیرد.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

بررسی تطبیقی عوامل ژئوپلیتیکی دو کشور ایران و پاکستان در حوزه‌های اقتصادی
(الف) انرژی (آب - نفت - گاز)

در پی مطرح شدن دیدگاه ژئواکونومی (جغرافیای اقتصادی) از یک طرف و کشف ذخایر جدید نفت و گاز در حوزه دریای خزر از سوی دیگر، موجب گردید تا جفری کمپ در کتاب خود تحت عنوان «جغرافیای استراتژیک خاورمیانه» از اصطلاح جدیدی به نام بیضی استراتژیک انرژی استفاده کند که این بیضی به صورت شمالی-جنوبی، دو مخزن انرژی دریای خزر و خلیج فارس را در برمی‌گیرد و ایران در مرکز ثقل آن قرار دارد. از طرفی برابر بررسی‌های آماری BP از انرژی جهانی که در سال ۲۰۱۸ منتشر شد و حاوی اطلاعاتی تا پایان سال ۲۰۱۷ است نشان می‌دهد: ایران بعد از ونزوئلا، عربستان سعودی و کانادا، چهارمین کشور از نظر ذخایر نفتی است. از منظر ذخایر گاز طبیعی هم ایران بعد از روسیه قرار دارد (سایت سازندگی، کد خبر ۶۴۱۲: ۱۳۹۸) از طرفی کشور پاکستان از لحاظ میزان ذخایر نفتی و گازی حرفی برای گفتن ندارد و تولیدات داخلی آن تنها پاسخ‌گوی ۱۷ درصد مصرف موردنیاز آن کشور است و به همین دلیل پاکستان نیازمند واردات انرژی فسیلی و به شدت به خارج وابسته است. ولی کشور ایران از لحاظ میزان ذخایر کشف شده نفت در منطقه خلیج فارس پس از عربستان سعودی در جایگاه دوم قرار دارد و

از نظر میزان ذخایر گاز در این منطقه دارای مقام اول است و در سطح جهان بعد از روسیه در جایگاه دوم قرار می‌گیرد؛ بنابراین کشور ایران از لحاظ میزان ذخایر نفت و گاز در مقایسه با کشور پاکستان، در جایگاه برتر قرار دارد. کشور پاکستان با بحران انرژی مواجه می‌باشد و در این خصوص اعتراضاتی نیز از سوی مردم صورت گرفته است. دولت به صورت اضطراری در حال حل بحران انرژی است و در حوزه سیاست‌های دفاعی به عنوان یک ابزار قابل اتکاء می‌تواند از آن به نفع منافع ملی کشور بهره‌برداری نماید. و بر اساس وابستگی که وجود دارد ایران می‌تواند به عنوان یک اهرم فشار در حوزه‌های اقتصادی از آن بهره‌برداری نماید.

در حوزه آب:

پاکستان در رده سوم کشورهایی قرار دارد که با بحران کمبود آب مواجه هستند. بر اساس آمار دولت پاکستان، سالانه ۴۸ میلیون مترمکعب آب از رودخانه‌های پاکستان تولید می‌شود، در صورتی که نیازمندی‌های این کشور در بخش کشاورزی، صنعتی و خانگی تنها ۱۰ میلیون مترمکعب است، اما شیوه‌های اشتباه و ذخیره نکردن اصولی آب و مصرف زیاد (آمارها نشان می‌دهد که این کشور دارای چهارمین رتبه میزان مصرف آب در جهان است)، سبب افزایش روزافزون بحران آب در این کشور شده است به طوری که پاکستان در حال حاضر تنها توان ذخیره‌سازی آب برای ۱۵ روز را دارد که این امر با توجه به نیازمندی‌های این کشور بسیار کم است. از نظر آب، کشور ایران در مقایسه با پاکستان و حتی سایر؛ کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا از موقعیت مناسبی برخوردار است، ولی به جهت عدم استفاده مناسب، این آب‌ها به دریا می‌ریزد یا هرز می‌رود. آب‌هایی که به خلیج فارس می‌ریزد می‌تواند انرژی برق و آب آشامیدنی کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس را تأمین کند (اطاعت، ۱۳۸۵: ۵۱). تجربیات دیپلماسی آب در ایران نمایانگر آن است که هر وقت ایران با پاکستان روابط سیاسی مناسبی داشته، مسئله بهره‌برداری از آب‌های مشترک نیز تحت تأثیر این روابط قرار گرفته و پیشرفت‌هایی در این امر حاصل شده است و در مواقعی که شاهد اختلافات سیاسی هستیم، اختلافات آبی نیز به دنبال آن ایجاد شده است. ب) منابع طبیعی:

رشد بخش معدن در پاکستان نسبت به دیگر بخش‌های اقتصادی آهسته‌تر است. عواملی نظیر فشارهای مالی، چارچوب نهادی نامناسب، فقدان فناوری پیشرفته و کمبود متخصص و تجهیزات آزمایشگاهی دلایل پیشرفت‌کنند این بخش هست (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، همان: ۶۵). در این کشور حدود ۵۰ نوع مواد معدنی شناخته شده است که از نظر تجاری و به لحاظ کمی و کیفی می‌تواند برای پاکستان سودآور باشد. بیشتر این ذخایر معدنی در نواحی کوهستانی و در استان‌های پنجاب، سند و بلوچستان پیداشده است. مهم‌ترین ذخایر معدنی کشور در سه گروه فلزات، مواد خام صنعتی و مواد خام انرژی دسته‌بندی

می شوند که عبارتند از؛ زغال سنگ، گاز طبیعی، نفت خام، کرومیت، دولومیت، سنگ گچ، سنگ آهک، مگنتیت، سنگ نمک، گوگرد، باریت، مس، طلا، نقره، طلای سفید (پلاتین)، سرب، روی و ... سهم معادن در تولید ناخالص ملی (داخلی) فقط ۰/۵ درصد است. از طرفی کشور ایران در لبه غربی آسیا واقع شده است اقتصاد ایران که بر اساس گزارش بانک جهانی به شدت وابسته به منابع طبیعی است، در میان بزرگ ترین اقتصادهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، دومین رتبه را دارد. در سال ۲۰۱۷، ارزش تولید ناخالص داخلی ایران تقریباً ۴۴۷.۷ میلیارد دلار بود. مجموعه کانی ها و ذخایر شناسایی شده در این کشور بیش از ۴۰ نوع مواد معدنی را شامل می شود. در سال ۱۳۹۶، از ۵۳۵۳ معدن فعال اصلی مجموعاً ۱۲۴/۳۷۴/۴۰۰ تن منابع معدنی استخراج شده بود (سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۷: ۳۹). از مهم ترین منابع معدنی (بعد از نفت و گاز) در ایران می توان به منابع معدنی زغال سنگ، سنگ آهن، طلا، مس، کرومیت، سرب، روی، منگنز و گوگرد اشاره کرد. در سال ۲۰۱۶ میلادی در کشور ایران ۱/۱۴۳/۰۰۰ تن زغال سنگ، ۶/۳۰۰/۰۰۰ تن سنگ آهن، ۸۵۰ کیلوگرم طلا، استخراج شده است معادن، تأمین کننده مواد اولیه مورد نیاز بسیاری از صنایع بوده و در امر خودکفایی صنعتی، ایجاد اشتغال مولد و افزایش تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه ایران نقش بسزایی دارند.

(پ) صادرات و واردات:

آمار کلی از تجارت خارجی در ۱۲ ماهه سال ۹۷ حاکی از آن است که مجموع صادرات و واردات کشور در طول سال گذشته ۸۷ میلیارد دلار به ثبت رسیده است. بر این اساس از مجموع این رقم، سهم صادرات ۴۴ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار و سهم واردات ۴۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار بوده است تا تراز تجاری سال ۹۷، یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار ثبت شود. از سوی دیگر پنج شریک اول تجاری ایران چین، عراق، امارات متحده عربی، افغانستان، کره جنوبی بوده است. (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۹: ۴۹۱۲)

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس تأکید کرد: ارزش نفت و گاز ۲۴۰ میلیارد دلار است و حجم تولید ناخالص ملی به ۴۵۰ میلیارد دلار رسیده، درحالی که در کشور همسایه ترکیه بدون نفت، تولید ناخالص ملی به هزار میلیارد دلار رسیده و صادرات غیرنفتی ایران به ۴۵ میلیارد دلار رسیده درحالی که این رقم در ترکیه ۳۰۵ تا ۴ برابر ایران است بدون اینکه از دوپینگ نفت استفاده کنند. از تنگناهای اقتصادی ایران، وابستگی شدید این کشور به درآمدهای حاصل از صادرات خارجی نفت می باشد، زیرا حدود ۸۰ درصد از درآمدهای خود را از این طریق به دست می آورد و طی سال های اخیر در تلاش است تا از طریق فعال نمودن بخش های خصوصی و افزایش تولیدات غیرنفتی، از میزان وابستگی به کالای تک محصولی بکاهد

از طرفی پاکستان برابر اعلام اداره آمار آن کشور، صادرات پاکستان در ماه نوامبر سال ۲۰۱۶ حدود ۱۹۱۹۶۱ میلیون روپیه و در اکتبر همین سال حدود ۱۹۷۱۸۵ روپیه بوده است و از سال ۱۹۹۷ تا

سال ۲۰۱۶ صادرات پاکستان به طور میانگین ۲۷۱۲۸ میلیون روپیه در ماه بوده است. این کشور برنج، مبلمان، الیاف پنبه، سیمان، کاشی، سنگ مرمر، منسوجات، پوشاک، کالاهای چرمی، کالاهای ورزشی، وسایل جراحی، مواد غذایی، میوه و وسایل برقی است کشورهای برتر مقصد کالاهای صادراتی کشور پاکستان عبارتند از: ایالات متحده آمریکا، آلمان، چین، انگلستان و افغانستان. بیشترین مقصد صادرات به ترتیب در قاره های اروپا، آسیا، آمریکای شمالی، آفریقا و آمریکای جنوبی می باشد. مجموع واردات کشور پاکستان در سال ۲۰۱۷، ۵۵.۶ میلیارد دلار بود که همین امر این کشور را به ۴۷ مین واردکننده بزرگ جهان تبدیل کرد... کشورهای برتر صادرکننده به پاکستان عبارتند از: چین، دبی، عربستان، اندونزی و ژاپن. بیشترین مبدأ واردات به ترتیب در قاره های آسیا، اروپا، آفریقا، آمریکای جنوبی، آمریکای شمالی هست. در این میان با توجه به همسایگی با کشور پاکستان و وابستگی زیاد این کشور به حوزه انرژی میزان صادرات و واردات با این کشور در حد ناچیزی بوده است و با توجه به شاخص های موجود وضعیت صادرات و واردات ایران نسبت به کشور پاکستان از وضعیت بهتری در حوزه سیاست های دفاعی برخوردار بوده و با توجه به کاهش وابستگی، به نفت و صادرات سایر کالاها، وضعیت ایران در افق ۲۰۲۴ مطلوب تر خواهد گردید.

ج) خطوط انتقال انرژی:

خط لوله صلح نام خط لوله گاز صادراتی ایران به هند و پاکستان است که بر اساس تفاهم های انجام شده، ایران متعهد می شود که تا مدت ۲۵ سال، گاز خود را با قیمت توافقی به هند و پاکستان بفروشد. این مسیر اقتصادی ترین روش تأمین انرژی شبه قاره هند هست. طول خط لوله ایران به هند ۲۷۰۰ کیلومتر است و قرار است گاز صادراتی ایران را از مسیر پاکستان به هند منتقل کند. پیش بینی شده است که در صورت توافق نهایی، ۱۱۰۰ کیلومتر از این خط لوله در ایران، ۷۸۰ کیلومتر در پاکستان و ۶۰۰ کیلومتر در هند احداث شود. علی رغم جذابیت هایی که این طرح نه تنها از جنبه تأمین انرژی برای شبه قاره هند دارد، بلکه به عنوان یک عامل کاهش تنش در روابط بین هند و پاکستان نیز به شمار می رود، هندوستان تحت فشارهای آمریکا اعلام کرد که از این طرح کناره گیری می کند. ساخت این خط لوله که از سال ۲۰۰۲ شروع شد، قرار بود در سال ۲۰۱۴ به بهره برداری برسد که با کناره کشیدن هند از این پروژه و تعلل پاکستان در ساخت خط لوله در داخل این کشور، نیمه کاره رها شده است. (محمدی، ۱۳۹۶: ۳۱۵) در این میان تنها خطوط انرژی مطرح شده بین ایران و پاکستان بحث صادرات گاز به پاکستان که به طور عمده برای تأمین بخشی از تقاضای گاز ایالت بلوچستان می باشد. این مقدار در سال ۲۰۱۵ حدود ۰.۴ تراوات ساعت بوده است؛ و همچنین احداث یک نیروگاه سیکل ترکیبی با ظرفیت ۱۴۰۰ مگاوات در نزدیکی مرز ایران و پاکستان، انتظار می رود حجم تبادلات برق میان دو کشور افزایش یافته و در

سال‌های آتی حداکثر به ۸ تروات ساعت برسد از طرفی فضای جغرافیای ایران در محور شمال-جنوب، دو عرصه جغرافیایی آب و خشکی را به هم پیوند می‌دهد و وجود کشورهای محصور در خشکی در شمال و شرق ایران یعنی کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان و نیاز آن‌ها به فضای ایران جهت ارتباط با آب‌های آزاد و ارتباط با سایر کشورها به صورت ترانزیتی، اهمیت موقعیت ارتباطی ایران را مشخص می‌سازد (شمس دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۹۸). بهترین امتیازی که می‌تواند ایران را از شرایط جدید ژئوپلیتیکی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی بهره‌مند سازد، استفاده از موقعیت ترانزیتی در زمینه انتقال انرژی است. ایران نزدیک‌ترین و مقرون به صرفه‌ترین راه ترانزیت کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به دریاهای آزاد و بازار جهانی است. (تقوی اصل، ۱۳۸۷: ۲۶۱) هم‌چنین کشور ایران اگرچه بیشترین ساحل را در خلیج فارس در اختیار دارد و بر شمال تنگه استراتژیک هرمز و جزایر پیرامون آن حاکم است، لیکن از حیث صدور و ورود کالا و مواد نفتی خود با جهان خارج، تماماً به تنگه هرمز وابسته است. لذا ایران می‌تواند با انتقال مواد نفتی و گاز به وسیله خط لوله به شرق تنگه هرمز و نیز با فعال کردن و توسعه بنادر سواحل دریای عمان به‌ویژه بنادر چابهار، جاسک و کنارک، از وابستگی خود به تنگه هرمز بکاهد. (حافظ نیا، ۱۳۷۱: ۲۵۴) با، این اوصاف وضعیت ایران از لحاظ انرژی بهتر از پاکستان بوده است

(چ) طول خطوط ریلی:

در حال حاضر پاکستان در مجموع دارای ۸۷۷۵ کیلومتر شبکه ریلی می‌باشد و ۸۵۱ ایستگاه قطار دارد. تعداد لکوموتیوهای دیزلی، بخاری و الکتریکی این کشور دارای ۵۸۰ لکوموتیو از انواع مختلف می‌باشد. در کشور پاکستان، پس از استقلال، راه‌آهن به‌عنوان اصلی‌ترین وسیله حمل‌ونقل بار و مسافر شناخته می‌شود. در زمان جنگ بین هند و پاکستان در سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ راه‌آهن در حمل‌ونقل وسایل و نیروهای نظامی نقش بسیار مهمی ایفاء کرد. (<https://www.tinn.ir/fa/tiny/news-55055>)

مسیرهای راه‌آهن پاکستان با کشورهای همسایه با ایران و افغانستان پیش‌بینی شده است از طرفی، بر اساس آمار منتشرشده در سال ۱۳۹۴ در ایران، بیش از ۱۰ هزار کیلومتر و ۲۲ هزار واکن باری و ۱۶۰۰ واکن مسافری در کشور وجود داشته است این خطوط، شرق و غرب و شمال و جنوب کشور را به هم وصل کرده و در دو جهت به خطوط ریلی کشورهای ترکیه از بازرگان و ترکمنستان از سرخس متصل هست. در جنوب شرق نیز خطوط ریلی از زاهدان با اتصال به خطوط ریلی پاکستان می‌تواند خط راه‌آهن اروپا را به آسیای جنوبی و جنوب شرقی متصل کند. (خادم ثامن، ۱۳۹۶: ۴) با توجه به وضعیت موجود، شبکه ریلی ایران وضعیت مناسب‌تری از کشور پاکستان برخوردار است.

(خ) درآمد حاصل از گردشگری:

در طی سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۴ بیشترین تعداد گردشگر ۵۵۷ هزار نفر در پاکستان بوده است علت

این امر نبود امنیت (به دلیل پایگاه‌های القاعده) کمبود امکانات لازم از جمله امکانات اقامتی و همچنین درگیری‌های قومی و مذهبی و... می‌باشد (سلیمی سورجانی، ۱۳۹۰: ۱۹۴) اما توجه ویژه پاکستان به توسعه صنعت گردشگری، باعث شد که این کشور سال میلادی گذشته (۲۰۱۷) رشد قابل توجهی در رونق این صنعت پرداخته باشد. طبق گزارش‌های رسمی در سال ۲۰۱۷ تعداد گردشگرانی که به پاکستان سفر کرده و از مناطق بکر و بی نظیر پاکستان بازدید داشته‌اند یک میلیون و ۷۵۰ هزار نفر بوده است. از این تعداد ۷۰ درصد گردشگرانی غیر پاکستانی بوده‌اند که از کشورهای مختلف آسیایی، اروپایی و آمریکایی خود را به پاکستان رسانده بودند. حضور این گردشگران خارجی بیش از ۱۹ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار پول به پاکستان وارد کرده است که رقم قابل توجهی محسوب می‌شود. بر اساس آمار مجمع جهانی اقتصاد در مورد شاخص‌های رقابت‌پذیری گردشگری ایران و مقایسه آن با رقبای منطقه خود در زمینه گردشگری می‌توان بیان داشت ایران طی سال‌های اخیر در بسیاری از شاخص‌ها رشد مطلوبی داشته است. ایران در سال ۲۰۱۱ رتبه ۱۱۴ از بین ۱۳۹ کشور، در سال ۲۰۱۳، با ۱۶ پله صعود، رتبه ۹۸ از بین ۱۴۰ کشور، در سال ۲۰۱۵ رتبه ۹۷ از بین ۱۴۱ کشور و در نهایت در سال ۲۰۱۷ با ۴ پله صعود، رتبه ۹۳ از بین ۱۳۶ کشور جهان را به خود اختصاص داده است. همچنین رتبه ایران از جایگاه نهم در بین کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۱۵ به جایگاه هشتم در سال ۲۰۱۷ در این گروه صعود کرده است. روند روبه رشد ورود گردشگران به ایران و وضعیت بسیار مطلوب در شاخص‌هایی همچون قیمت رقابتی در کنار روند روبه رشد در سایر شاخص‌های رقابت‌پذیری، نشان‌دهنده جذابیت‌های سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری ایران است. مطابق آمارهای منتشره از سوی سازمان جهانی گردشگری، گردشگری ایران در چهار، سال گذشته (۱۳۹۵) ۱۲ درصد رشد داشته، درحالی‌که رشد جهانی گردشگری ۴ درصد بوده است. گردشگران ورودی به ایران در سال ۹۷ به ۷٫۸ میلیون نفر رسیده بر اساس محاسبات اگر تعداد گردشگران ورودی ایران به سالی ۲۰ میلیون نفر برسد با درآمد فروش نفت برای خواهد کرد. (<https://www.entekhab.ir>)، که با این درآمد، وضعیت ایران از پاکستان بهتر هست.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های اقتصادی، بر اساس اسناد کلان و سیاست‌های کلی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و از نوع متعارف و تلفیقی دفاع محور پیش‌بینی شده است. از این رو بررسی شاخص‌های دو کشور در حوزه، مؤلفه‌های اقتصادی بیانگر اتخاذ تصمیم مناسب، در حوزه‌های سیاست‌های دفاعی بوده است. نتایج تحقیق بر اساس داده‌های کیفی و کمی، نشان می‌دهد عواملی همچون، انرژی (آب-گاز-نفت) - منابع طبیعی - صادرات و واردات - شبکه‌های ارتباطی حمل‌ونقل - خطوط انتقال انرژی - طول خطوط ریلی - درآمد حاصل از گردشگری مهم‌ترین شاخص‌های در

سیاست‌های دفاعی ج.ا.ا. در حوزه اقتصاد، هست. در این پژوهش، مشخص گردیده، نزدیک به ۲۴ درصد از جمعیت ۲۱۲ میلیون نفری پاکستان زیر خط فقر زندگی می‌کنند. دهه‌ها اختلاف سیاسی داخلی و سرمایه‌گذاری کم خارجی موجب بروز مشکلات اقتصادی در پاکستان شده است. بیش از ۲۰ درصد صادرات پاکستان و ۴۰ درصد اشتغال داخلی وابسته به کشاورزی است. طی سال‌های گذشته رشد کم اقتصادی و تورم بالا و تعدیل در بازار مواد غذایی به دلیل بی‌ثباتی‌های اقتصادی موجب فقر در پاکستان شده است به‌طوری‌که ۵۲ درصد مردم این کشور در محرومیت چندبعدی قرار دارند از طرفی باید اذعان داشت طی یک‌روند منطقی، اقتصاد پاکستان همچنان با چالش‌های بلندمدتی در بخش بهداشت و درمان - کشاورزی - کمبود انرژی (گاز - نفت - برق) در این حوزه، تنها پاسخ‌گوی ۱۷ درصد مصرف مورد نیاز آن کشور هست و به همین دلیل پاکستان نیازمند واردات انرژی فسیلی است و به‌شدت به خارج وابسته است و اوضاع بعد کم‌آبی که این کشور را در رده سوم کشورهای کم‌آبی مواجه است قرار داده است از طرفی هرساله به دلیل باران‌های فصلی همواره باعث وارد آمدن صدمات زیادی به این کشور می‌شود به‌عنوان مثال در سیل ۲۰۱۰ پاکستان باعث شد ۲۰ درصد زمین‌های کشاورزی این کشور مورد صدمه جدی سیل قرار گیرند و حدود یک میلیون خانه ویران شده است.

در حوزه گردشگری با توجه به رشد خوب این کشور در سال ۲۰۱۷ ولی کماکان به دلیل نداشتن امنیت در این کشور و درگیری‌های قومی و مذهبی این صنعت به رشد قابل توجه در این کشور نرسیده است و کمبود ذخایر و منابع طبیعی به‌طور یک نیم درصد تولید ناخالص ملی این کشور را شامل شده و همچنین این کشور شدیداً به کمک‌های بین‌المللی نیازمند می‌باشد و هرساله این بدهی‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند و بدهی پاکستان در سال ۲۰۱۰ به میزان ۵۵,۵ میلیارد دلار بوده که این مبلغ تا آخر سال ۲۰۱۶ به ۷۳ میلیارد دلار رسیده است

از طرفی اقتصاد ایران یک اقتصاد ترکیبی و در حال گذار، شامل یک بخش عمومی بزرگ است که در حدود ۶۰ درصد آن به شیوه متمرکز و دستوری اداره می‌شود. بخش عمده‌ای از صادرات در ایران بر پایه صادرات نفت و گاز است. در سال ۲۰۱۰ این صادرات ۶۰٪ درآمد دولت را شامل شده است برابر برنامه قرار گردیده که درآمد دولت در سال ۲۰۲۴ بر مبنای بدون نفت بسته شود و ایران طی سال‌های اخیر در تلاش است تا از طریق فعال نمودن بخش‌های خصوصی و افزایش تولیدات غیرنفتی، از میزان وابستگی به کالای تک‌محصولی نفت بکاهد. در این میان جمهوری اسلامی ایران از لحاظ میزان ذخایر کشف‌شده نفت در منطقه خلیج فارس پس از عربستان سعودی در جایگاه دوم قرار دارد و از نظر میزان ذخایر گاز در این منطقه دارای مقام اول است بنابراین با توجه به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالای ایران در زمینه انرژی نفت و گاز و موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور به‌عنوان نزدیک‌ترین کشور به پاکستان برای

تأمین گاز مورد نیاز آن کشور، به نظر می‌رسد احداث خط لوله جهت انتقال گاز به کشور پاکستان از طریق ایران به دلیل کوتاه بودن طول مسیر، ارزان بودن قیمت تمام شده و امنیت آن، بهترین گزینه پیش روی پاکستان می‌باشد. در حوزه آب ایران، در طی دو دهه قبل به علت استفاده از منابع آب زیرزمینی و عدم استفاده صحیح، به حد نهای ظرفیت خود رسیده ولی در مقایسه با پاکستان و حتی سایر کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا از موقعیت مناسبی برخوردار است، ایران از لحاظ معادن، با دارا بودن حدود ۶۸ نوع ماده معدنی (غیر نفتی)، ۳۷ بلیون تن ذخایر کشف شده و ۵۷ بلیون تن ذخایر بالقوه در میان ۱۵ قدرت معدنی جهان جای گرفته و یکی از کشورهای غنی از حیث دارایی های معدنی به حساب می‌آید. در حوزه حمل نقل دریایی و هوایی ایران با داشتن ۵۲ فرودگاه داخلی و جابجایی ۲۳ میلیون مسافر در سال و همچنین با داشتن بنادر متعدد دریایی که ۵ بندر آن درجه یک بوده اوضاع بهتری نسبت به پاکستان داشته است در حوزه گردشگری ایران به دلایل تحریم و مشکلات داخلی و مسائل اعتقادی، نتوانسته از این حوزه به نحو شایسته‌ای سرمایه جذب نماید. ولی با همین اوصاف وضعیت گردشگری ایران به مراتب وضعیت بهتری از پاکستان داشته به طوری که رشد گردشگری در سال ۱۳۹۵ در سطح دنیا ۴ درصد بوده ولی این رشد در ایران ۱۲ درصد انجام شده است در حوزه بیکاری و اشتغال ایران به جهت تعداد دانشجویان فارغ التحصیل و رشد اقتصادی پایین و تحریم های ظالمانه آمریکا اوضاع بیکاری در وضعیت نامناسب تری نسبت به کشور پاکستان داشته است از طرفی کشور ایران مناسب ترین و کوتاه ترین مسیر بین شمال و جنوب و شرق و غرب در زمینه حمل و نقل هوایی، دریایی و زمینی (جاده ای و ریلی) است و همچنین از لحاظ شبکه ارتباط الکترونیکی و خطوط لوله ایران دارای فضای مناسب است. ایران از نظر موقعیت ارتباطی در شبکه منطقه ای و جهانی نقش تعیین کننده ای را ایفا می کند. ایران قابلیت اتصال اروپا و آسیا را از طریق خطوط راه آهن علاوه بر شبکه جاده ای دارد. چنانچه خطوط ریلی بین زاهدان و سرخس برقرار گردد و با توجه به اتصال این خطوط از کرمان به زاهدان، می توان شاهد یک شبکه راه آهن میان قاره ای بود. ایران می تواند با استفاده و بهره برداری از ظرفیت های حمل و نقل و ترانزیتی، ضمن ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی خود در منطقه و جهان، از رشد و شکوفایی اقتصادی نیز بهره مند گردد که پاکستان فاقد چنین ویژگی های می باشد. با توجه به داشته های خوب ایران در حوزه های اقتصادی و سیاست های دفاعی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از سیاست های کلی نظام و برنامه های پنج ساله و قانون اساسی بوده است و اصل این سیاست ها بر بازدارندگی همه جانبه و خودکفایی در همه حوزه ها بنا شده است بر این اساس در حوزه اقتصادی ضرورت شناخت محیط کشور پاکستان و تعیین نقشه راه با توجه به پتانسیل های موجود و اشتراکات فراوان و هماهنگی های داخلی با محوریت دستگاه های اجرای خصوصاً وزارت امور خارجه، امری ضروری به نظر می رسد.

پیشنهادهای:

پرواضح است که پاکستان به عنوان یکی از همسایگان مهم شرقی ما محسوب می شود و هماهنگی دو کشور می تواند بسیاری از نقشه های شوم غرب و دست نشانده گانش را علیه کشورمان خنثی نماید. قرابت های فرهنگی، تاریخی، دینی، قومی و قبیله ای دو کشور همسایه در کنار تاریخچه روابط دوستانه و برادرانه و همچنین ویژگی ها و ظرفیت های اجتماعی و اقتصادی ایران و پاکستان، اهمیت توسعه همه جانبه روابط ما با این کشور اسلامی را دوچندان کرده است. از طرفی امن ترین مسیر برای صادرات و واردات به کشور پاکستان مرزهای زمینی و دریایی با جمهوری اسلامی ایران است و همچنین این کشور کمترین اختلاف مرزی با ایران را داشته و از لحاظ فرهنگی بسیار به ایران نزدیک بوده است و جمعیت ۲۱۲ میلیون نفری و همچنین وابستگی شدید این کشور به سوخت های فسیلی و برق و نزدیکی و صرفه جویی در هزینه های حمل و نقل، این کشور می تواند بازار خوب اقتصادی برای کشور ایران باشد که باید مسئولین حوزه سیاسی موانع و مشکلات جزئی در این حوزه را رفع نمایند

منابع:

- اخباری، محمد و محمدحسن نامی (۱۳۸۸) "جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران" سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- اخوی، احمد (۱۳۸۵) "اقتصاد کلان و پایه‌های کاربردی" تهران، موسسه مطالعات بازرگانی.
- اسلامی، مسعود (۱۳۹۷) "ژئواکونومی نوین انرژی و پیامدهای آن برای امنیت انرژی" فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲.
- اطاعت، جواد (۱۳۸۵) "ماهیت دولت در ایران" اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۳۴.
- بهروزی فر، مرتضی، نسیمی، همایون (۱۳۸۳) «ایران، خلیج فارس و بازارهای جهانی انرژی» اطلاعات سیاسی و اقتصادی شماره ۲۰۹
- بیدختی، علی اکبر (۱۳۸۶) "صنعت گردشگری در ایران: توانمندی‌ها، موانع و راهکارها" دانشگاه سمنان.
- تقوی اصل، عطا (۱۳۸۷) "ژئوپلیتیک جدید ایران از قزاقستان تا گرجستان" تهران؛ انتشارات وزارت خارجه.
- قهاسی، محمدرضا (۱۳۸۴) "امنیت ملی (جلدیکم)" نشر آجا، تهران
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵) «اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک» انتشارات پایلی، مشهد.
- حسینی جیردهی، حسین (۱۳۷۳) "سیاست دفاعی؛ چارچوبی برای تحلیل" مجله سیاست دفاعی، سال دوم
- حسینی تشنیزی، بهادر (۱۳۹۷) "بحران کم‌آبی در پاکستان"
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران؛ کد خبر ۸۲۹۶۱۷۴۹
- خادم ثامنی، ملودی (۱۳۹۶) "منظر خطوط ریلی ایران" انجمن علمی و معماری شهرسازی ایران.
- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، (۱۳۸۷)، "پاکستان"، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- زرقانی، هادی (۱۳۸۶) "مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی"، تهران، انتشارات دانشگاه امین.
- روزنامه دنیای اقتصاد (۱۳۹۹) "سه‌شنبه ۲۷ خرداد ۱۳۹۹.
- سالنامه آماری کشور، "مرکز آمار ایران" سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، تهران.
- سالنامه آماری کشور، "مرکز آمار ایران" سال ۱۳۹۳.
- سالنامه آماری کشور، "مرکز آمار ایران" سال ۱۳۹۷.
- سازمان بنادر و کشتیرانی ج ۱.۱ (۱۳۸۴) "نقش بنادر ایران در منطقه و جهان در ده سال آینده"
- سلیمی یورجانی، احسان (۱۳۹۰) "اثرات درآمد صنعت جهانگردی بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی عضو گروه دی"، فصلنامه مطالعات گردشگری، شماره ۱۵۰.
- شمس دولت‌آبادی، سید محمود رضا، (۱۳۸۷) "علائق ژئوپلیتیک و راهبرد ملی (مورد: ایران نسبت به آسیای مرکزی)"، پایان‌نامه دکتری علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاعی ملی.

- صفوی، سید یحیی (۱۳۸۱) "مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران"، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، جلد اول، تهران.
- عزتی، عزت ا... (۱۳۸۰) "ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم" انتشارات سمت، تهران.
- عزتی، عزت ا... و یزدان پناه درو، کیومرث (۱۳۸۶) "تحلیلی بر ژئوپلیتیک پیمان اقتصادی-امنیتی شانگهای با تأکید بر چشم انداز
- فلاح زاده، محمدهادی (۱۳۸۵) "آشنایی با کشورهای اسلامی" پاکستان"، مؤسسه تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران.
- قیصری، نوراله (۱۳۹۵) "سیاست‌های دفاعی نظام ج.ا.ا، بررسی اسناد کلان، فصلنامه رهیافت،
- کوهن، سائلو برنارد (۱۳۸۷) "ژئوپلیتیک نظام جهانی" ترجمه؛ عباس کاردان، انتشارات مؤسسه ابرار معاصر، تهران.
- لاگست، ایو و ژیلین (۱۳۷۸) "عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک" ترجمه علی فراستی، تهران، محبوبی، نرگس (۱۳۹۲) "وضعیت بخش معدن پاکستان در سال ۲۰۱۱" معاونت امور معادن و صنایع معدنی.
- محمودی سعید (۱۳۹۷) "بررسی وضعیت جامع انرژی در کشور پاکستان به همراه نقش آفرینی ایران" دوازدهمین همایش بین‌المللی انرژی.
- محمدی، حمیدرضا و غنّجی، محمد، (۱۳۸۵) "چالش‌های ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا (با تأکید بر ایران، پاکستان و افغانستان)"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره اول، انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران.
- محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۶) "تبیین مدل ژئوپلیتیک روابط کشور پاکستان و ایران"، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۲.
- مهدوی زاده، مهدی (۱۳۹۹) "نقش ژئوپلیتیک کشور پاکستان بر سیاست های دفاعی ج.ا.ا" تهران، دانشکده علوم و فنون فارابی.
- مینایی، مهدی (۱۳۸۶) "درآمدی بر ژئواستراتژی"، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- مختاری هشی، حسین (۱۳۹۶) "تبیین مفهوم ژئواکونومی و توصیه‌های برای ایران"، فصلنامه ژئوپلیتیک، تابستان.
- معاونت اطلاعات آجا (۱۳۸۸) "برآورد اطلاعات راهبردی" شماره ۳۰ کشور پاکستان، تهران.
- میرحیدر، درّه (۱۳۷۷) "مبانی جغرافیای سیاسی" انتشارات سمت، چاپ پنجم، تهران.
- نامی، محمدحسن (۱۳۸۸) "جغرافیای کشور پاکستان با تأکید بر ایالت بلوچستان"، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- واعظی، محمود (۱۳۸۵) "تحولات سازمان شانگهای و عضویت ایران"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز"، شماره ۵۳.

- <http://sazandeginews.com/News/6412>

- <https://www.tinn.ir/fa/tiny/news-55055>

- <https://fa.tradingeconomics.com/pakistan/unemployment-rate>

- <https://modiremali.com/dictionary>
- <http://paezan86.blogfa.com/post/101>
- <https://www.tinn.ir/fa/tiny/news-55055>
- IRAN: Capital investment in travel & tourism
- Taylor. p.J (1994) Political Geography. England: Longman Scientific & Technical
- Mining in Iran – CountryMine. InfoMine. Retrieved 18 October 2011
- Blackwill, Robert D and Harris, Jennifer M (2016), War by Other Means. Harvard
<https://www.icccoop.ir/markazi/Page.aspx?mID=1731&Page=News/Shownews&NewsId=639>

تبیین رابطه جغرافیا و هویت ملی، از منظر روایت جغرافیایی

مریم رحمانی^۱

یدالله کریمی پور^۲

عطاءالله عبدی^۳

مراد کاویانی راد^۴

چکیده

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و ظهور پدیده‌های جدید جهانی شدن و فضای مجازی، در برخی جوامع به تدریج هویت قومی و محلی در مقابل هویت ملی قرار گرفته و امنیت جامعه را با چالش روبرو می‌کند. این امر موجب تغییر و تحول بنیادین در مفهوم امنیت شده و آن را در ارتباط تنگاتنگ با هویت ملی قرار می‌دهد. به همین جهت شناخت عوامل مؤثر بر پایداری و همگرایی سرزمینی که کمک زیادی به امنیت ملی خصوصاً در جوامع با تنوع زیستی و فرهنگی می‌کند، ضروری می‌نماید. نظر به اهمیت موضوع تلاش برای پایه‌ریزی بنیان‌های پژوهشی در این حوزه که جای خالی آن در آثار فعلی به چشم می‌خورد، از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به اینکه هویت انسان در بستر جغرافیا متبلور شده، لذا بین جغرافیا و هویت رابطه انکارناپذیری وجود دارد. این رابطه در متن جغرافیایی که پدیده هویت ملی در چارچوب آن قرار گرفته، معنا می‌یابد و بررسی آن، بسترهای روش‌شناسی مبتنی بر فهم و آگاهی را می‌طلبد. بر همین اساس در این پژوهش با استفاده از روش‌های تحلیل کیفی، به بررسی رابطه جغرافیا و هویت ملی پرداختیم. فضای جغرافیایی که عرصه مانور رابطه انسان و محیط است، معنای منحصربه‌فردی به بودن انسان در مکان خاص خود می‌دهد که «هستن در جهان هایدگر» تبلور آن را تحت عنوان هویت مکانی، نمایان می‌کند. هویت مکانی در بافت سرزمینی، با ایجاد مرز مفهومی، موجب سنتز روایت‌های مختلف در درون بافت سرزمینی و شکل‌گیری روایت جغرافیایی می‌شود. تجلی این روایت به شکل هویت ملی ظهور می‌کند.

واژگان کلیدی: هویت مکانی، بافت سرزمینی، روایت جغرافیایی، هویت ملی.

raheno.mr@gmail.com
K.karimipour@gmail.com
ataabdi@gmail.com
Kaviani75@yahoo.com

۱. دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)
۲. استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی
۳. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی
۴. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

۱. مقدمه

پس از یک دوره زمانی که مطرح شدن ناسیونالیسم کاهش پیدا کرده بود، حوادث رخ داده (فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به عنوان یکی از دو ابرقدرت و تغییرات پس از آن)، جهان را مجبور به نگاه تازه به انگیزه‌های ملی کرده است (Dijkink, 1996: 1) بطوریکه تاکنون، «هویت ملی» یکی از کلیدواژه‌های بنیادین در حوزه علوم اجتماعی-فرهنگی در مناطقی از جهان شده است (کیمی پور، ۱۳۹۴). در حال حاضر نیز، یکی از اصلی‌ترین موضوعات و مباحث مطرح شده در میان جوامع دارای تنوع زیستی، شناسایی وضعیت هویت ملی است که در فرایند ورود به جریان مدرنیته و پست مدرن و در مواجهه با مسائلی مثل جهانی شدن، فضای مجازی و... دچار تغییر و نارسایی در تعریف خود شده و امروز شاهدیم که در چنین جوامعی، به تدریج هویت قومی و محلی در مقابل هویت ملی قرار گرفته و امنیت جامعه را با چالش روبرو می‌کند. این در حالی است که یکی از مهم‌ترین نیازهای بشر، نیاز به امنیت است. مفهومی که در عصر حاضر، شاهد تغییر و تحول بنیادین در آن هستیم. به عبارتی گفتمان امنیتی در عصر جدید وارد مرحله تازه‌ای شده و در ارتباط تنگاتنگ با هویت ملی است. تاکنون در حوزه هویت و هویت ملی، پژوهش‌های متعددی با رویکردهای تاریخی، دینی، مارکسیستی، قوم محور و نیز دیدگاه‌های مدرن و پست مدرن اندیشمندانی چون؛ دورکهایم، ماکس وبر، مارکس، گلنر، اندرسون، هابسباوم و... صورت گرفته که در جای خود آثاری ارزشمند و درخور تأمل است. پژوهش‌های متعددی نیز، در داخل کشور، به بررسی اختصاصی در حوزه هویت ملی ایران پرداخته است. بیشتر این آثار، بر جنبه‌های ذهنی صرف تأکید داشته و پاسخی درخور به چالش‌های امنیتی متأثر از هویت ملی در جوامع با تنوع زیستی و فرهنگی نداده‌اند. بر همین اساس و به دلیل اینکه، نادیده انگاری جغرافیا و سیطره عینی و همه‌جانبه آن، موجب سترون ماندن پژوهش‌های این حوزه می‌شود و از آنجایی که شناخت عوامل مؤثر بر پایداری و همگرایی هسته مدنی جوامع از جمله مسائل مهمی است که کمک زیادی به امنیت ملی و پایداری تمدن یک سرزمین خواهد داشت، لذا در جهت یافتن پاسخ برای رفع چالش‌های هویت ملی و ایجاد امنیت، تلاش برای دریافت معانی درونی مفاهیم و شکافتن پدیده‌ها به منظور پی بردن به تحول آن‌ها در بستر وجودی‌شان ضروری می‌نماید. در همین راستا در این مقاله به بررسی رابطه جغرافیا و هویت ملی می‌پردازیم.

با بررسی سیر تاریخی می‌بینیم که جوامع تاریخ‌هایی دارند که در جریان آن‌ها هویت‌های خاص سر برمی‌آورند؛ اما این تاریخ‌ها را انسان‌هایی می‌سازند که از هویت‌های خاص برخوردارند؛ که بین این هویت‌ها و شالوده زیستی آن ارتباط مداومی برقرار است. در همین دیالکتیک، یعنی رابطه انسان و محیط که جغرافیا نامیده می‌شود، انسان واقعیت را به وجود می‌آورد و از این راه خود را می‌آفریند (حقیقت، ۱۳۸۷: ۲۷۰)؛ بنابراین بین جغرافیا و هویت رابطه انکارناپذیری وجود دارد. جغرافیا که فلسفه محیط‌زیست انسان است، بر محور فعالیت‌های انسانی و ذهن بارور انسان می‌چرخد و این مسائل انسانی است که ابعاد پرارزشی به دانش

جغرافیا می‌بخشد (شکوئی، ۱۳۸۹: ۳۱) و همین‌طور هویت انسان‌ها نیز در بستر جغرافیا متبلور شده و فضای جغرافیایی معنای منحصربه‌فردی به بودن او در مکان خاص خود می‌دهد. این تأثیر، به گونه‌ای است که ساختار نتایج را به‌طور مستقیم تعیین نمی‌کند، بلکه با ایجاد هویت مکانی بستری برای هویت ملی می‌آفریند که ثبات آن را در طول تاریخ رقم می‌زند. هر انسانی لوح فشرده‌ای از زادگاه خویش است؛ یعنی این‌که آدم‌ها ساخته‌وپرداخته زمان و مکان خویش‌اند؛ و خرد حاصل از تعامل با این شرایط زمانی و مکانی روایت جغرافیایی خاصی را برای آنان به ارمغان آورده که در عین تنوع و تکثر، به شکل اندامواره ای عمل می‌کند و همه تنوعات را در تنی واحد کنار هم جمع می‌کند. برای درک این تنوع و تکثر، به دانش شناخت فضای جغرافیایی نیاز هست و این امر بسترهای روش‌شناسی خاصی را که بر فهم و آگاهی مبتنی باشد، می‌طلبد. بر همین اساس، روش‌های تحلیل کیفی را مناسب پژوهش پیرامون مبحث جغرافیا و هویت ملی یافتیم؛ زیرا هدف تحقیقات کیفی تولید بصیرت است. گونه‌ای از کاوش در فضای ارتباطی و یک‌جور معناکاوی و جستجوی سپهر معنایی است که در این مقاله در بافت سرزمینی محقق می‌شود. مراد از بافت سرزمینی یافتن متن جغرافیایی است که پدیده هویت ملی در چارچوب آن قرارگرفته است. در یک بافت، موقعیت جغرافیایی، ویژگی‌های طبیعی و فضای جغرافیایی به وجود آمده به متن سرزمینی ابعاد مفهومی خاصی می‌بخشد. ابعاد مفهومی این مبحث را واجد رویکردهای معنا شناسانه می‌کند. در رویکردهای معنا شناسانه، توجه همزمان به عینیت و ذهنیت وجود دارد. این نگاه موجب می‌شود که حتی اگر با تنوع و پیچیدگی‌های سرزمینی و خرده روایت‌های مختلف جغرافیای فرهنگی مواجه باشیم، هویت مکانی بافت سرزمینی، با ایجاد مرز مفهومی، موجب سنتز روایت‌های مختلف در درون بافت سرزمینی شده و تولید روایتی جغرافیایی را موجب گردد که عناصر فرهنگ و تمدن را در مسیر واقعی خود قرار داده و تجلی این روایت به شکل هویت ملی ظهور می‌کند. با توجه به مباحث ذکرشده، برای درک رابطه این تنوع‌ها، چگونگی همگرایی و پیدا کردن الگوی رابطی آن‌ها زیر عنوان روایت جغرافیایی، نخست به بررسی ابعاد روش‌شناسی پژوهش پرداخته می‌شود.

۲. روش‌شناسی

امروزه تحلیل داده‌های کیفی از مسائل بنیادین موردتوجه روش‌شناسان و پژوهشگران کیفی است که در این سنت روش‌شناختی کار می‌کنند. تحقیق کیفی به هر نوع تحقیقی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرایندهای تحقیق آماری و با مقاصد کمی‌سازی به دست نیامده و با توجه به اصول فلسفی – پارادایمی آن مملو از ابهام و پیش‌بینی ناپذیری است (محمدپور، ۱۳۹۲: ۵۸). هایدگر به این روش رنگ و بوی مکاشفه و مراقبه قلبی می‌دهد، با این اعتقاد که روش‌های مرسوم علمی قادر به شناخت ماهیت و معنای واقعی پدیده‌ها نیستند. به‌خصوص پدیده‌هایی که مبتنی بر تجربه‌های انسانی باشند؛ و در جهت ارائه توصیفی حقیقی‌تر از پدیده‌ها در تمامیت و کلیت آن، نیاز به نگاهی دقیق به پدیده‌ها و درعین‌حال تفسیر و تأویل فعالانه آن‌ها است (پرتوی، ۱۳۹۲: ۶۳).

این امر در بستر پدیدارشناسی میسر است.

پدیدارشناسی^۱ یعنی شناخت «پدیدار»^۲، شناخت نمودهای چیزها (پدیدارها) در برابر بودها (واقعیت) یا چیزها، آن چنانکه در تجربه ما نمودار می‌شوند. پدیدارشناسی تنها بر جهان عواطف و ذهنیت‌ها متمرکز نیست، بلکه می‌تواند در رابطه با موضوع‌های ملموس نیز باشد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۴). هم‌چنین کوششی است برای فلسفه‌ای که باید یک «علم دقیق» باشد، اما شرحی از فضا، زمان و جهان آن‌طور که ما آن‌ها را «زندگی» می‌کنیم، نیز به دست می‌دهد (محمدپور، ۱۳۸۹: ۴۰۵).

در پدیدارشناسی هدف آن است که اجازه دهیم پدیده موردبررسی، خود را به‌تمامی آشکار سازد. در پدیدارشناسی برخلاف خردگرایی، جهان عینی به جهانی ذهنی تقلیل نمی‌یابد یعنی وجود جهان برای آدمی قائم به ذهن نمی‌شود. درعین‌حال، عالم ذهن هم به جهان عینی تقلیل نمی‌یابد؛ یعنی فهم آدمی برآیند دنیای بیرون محسوب نمی‌شود؛ بلکه فهم ما از پدیده‌ها همیشه با وساطت مقولات فرهنگ، زبان و تاریخ متعادل می‌شوند. پدیدارشناسی در اصل روشی فلسفی برای درک جوهر پدیدارهاست؛ یعنی «جوهری» که بدون آن، پدیدار نمی‌تواند آنچه هست، باشد (نظری و صحرایی، ۱۳۹۱: ۲۱).

با نگاهی به ویژگی‌های پدیدارشناسی، می‌توان گفت: در روش پدیدارشناسی، جغرافیدان نه به شناخت بودها (ذات‌های ناشناختنی) جغرافیایی، بلکه به شناخت نمودها (پدیدارها) جغرافیایی و شناخت چیزها آن‌گونه که خودشان را در تجربه اول‌شخص جغرافیدان نمودار می‌کنند، قادر خواهد بود. هایدگر^۳ با واردکردن مفهوم تفسیر به پدیدارشناسی بدان سمت و سویی هرمنوتیکی داد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۴). در روش‌شناسی هرمنوتیک^۴، شناخت پدیده‌ها، جز با در نظر گرفتن زمینه، متن، محیط و زمانی که آن پدیده‌ها در آن شکل گرفته‌اند، ممکن نیست (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۳: ۳۹). روش وی اندیشه را متوجه معانی پنهان پدیده‌ها می‌سازد. تأویل هرمنوتیکی در جست‌وجوی تنویر و روشن نمودن دقیق این زمینه پنهانی از معانی است (پرتوی، ۱۳۹۲: ۶۴) به عبارتی هرمنوتیک در جهت احیای معنا عمل می‌کند. این روش‌شناسی، به جغرافیدان این را می‌باوراند که در پس هر پدیداری، معنایی نهفته است که جغرافیدان با رفتن به درون متن (فضای جغرافیایی مفروض) باید آن را بیرون بکشد. این فضای جغرافیایی که انسان در آن قرار دارد، توده تنیده‌ای از پدیدارهای مختلف است و مفهومی اندریافتنی (درک کردنی) است؛ بنابراین از چشم‌انداز فلسفه پدیدارشناسی هرمنوتیک هایدگر، به فضا نگریستن، نوعی فضا اندیشی به نام «زیست - جهان»^۵ ی را شکل می‌دهد که همه لایه‌های هستن در جهان را دربرمی‌گیرد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۶). «هستن در جهان»^۵ به متن سرزمینی ابعاد مفهومی خاصی می‌بخشد که این مبحث را واجد رویکردهای معناشناسانه می‌کند. معنا جوهر تمایزگذار بین

1. Phenomenology

2. Phenomena

3. Martin Heidegger

4. Hermeneutic

5. being-in-the-world

تحلیل کمی و کیفی است. در رویکردهای معناشناسانه، توجه همزمان به عینیت و ذهنیت از مهم‌ترین مسائل است که در ادامه برای روشن شدن بحث بدان می‌پردازیم.

تجزیه و تحلیل

۳. مفهوم معنا^۱ و ضرورت شناخت‌شناسی آن

فلاسفه و دانشمندان قرن ۱۷، از شناسایی یک قدرت الهی در شرح و تفسیر اتفاقات بشری دور شدند و به سمت برداشتی منحصراً طبیعت‌گرایانه از این جهان گام برداشتند (Negretto, 2001: 179) این رویکرد به شکل‌گیری و پیشرفت روش‌های پوزیتیویستی^۲ (علت‌گرا) در علوم انسانی انجامید.

این روش که قادر به پاسخگویی به بسیاری از مسائل علوم اجتماعی نبود، با چالش‌های جدی از سوی متفکرین مواجه شد و نهایتاً در قرن ۲۰، با یک چرخش فکری بزرگ در فلسفه مواجه شدیم که تا حدود زیادی این چرخش به زبان و اهمیت فلسفی زبان برمی‌گردد. تا قرن ۱۸، تصور بر این بود که زبان گزارشگر صادقی است از جهان خارج و جهان خارج توسط زبان کدگذاری می‌شود و به ذهن ما منتقل می‌شود. مثل شیشه پنجره که اگر خوب شسته شده باشد، از آن به راحتی به بیرون نگاه می‌کنیم. در اصل به شیشه توجه نمی‌کنیم، مگر اینکه کثیف باشد و یا به ما بگویند شیشه رنگی است، آن موقع به شیشه هم دقت می‌کنیم. حال زبان همین حالت را دارد. صحنه‌ای که ما از پنجره می‌بینیم، سیستمی است که شیشه آن را برای ما درست کرده و شاید این شیشه سیستمی دارد که تصویر دیگری از بیرون به ما نشان می‌دهد. در چنین صورتی شیشه دیگر گزارشگر صادق جهان بیرون نیست. همین امر در مورد زبان نیز صادق است. تا وقتی که فکر می‌کردیم زبان گزارشگر صادق جهان بیرون است، کسی راجع به زبان صحبت نمی‌کرد و خود سخن هیچ‌گاه موضوع گفتگو نبود، چون ما به آن اعتماد داشتیم. اگر در صدق این رسانه تردید کنیم، آن وقت انقلابی به پا می‌شود؛ و این اتفاقی بود که در قرن ۲۰ افتاد و فیلسوفان با این مسئله روبرو شدند که کدهای زبانی، گزارشگران صادق نیستند و ما با عالم خارج زبانی شده مواجهیم بطوریکه در زبان‌های مختلف معانی متفاوتی داریم. به طور مثال؛ دایی و عمو برای ما دو نسبت هستند، ولی یک انگلیسی این‌ها را یک نسبت می‌بیند و یا اینکه اگر اینجا یک شبانه‌روز هم برف بیاید، برای ما فقط برف است ولی برای یک اسکیمو، هرکدام از برف‌ها نام خاصی دارند. حال ما درست می‌گوییم یا آن اسکیمو؟ درواقع اینجا با عالم خارج زبانی شده مواجهیم؛ و این گونه شد که دستور کار فلسفه عوض شد. این تغییر دستور کار اقتضائات خودش را دارد. الآن دیگر زبان کانون است نه جهان. لذا ما دیگر نمی‌توانیم حساب خودمان را از زبان جدا کنیم. چون زبان یک میراث جمعی و تاریخی است. مثلاً؛ ما ایرانی‌ها برحسب تجربه تاریخی خود، سنت‌های جمعی، خاطرات، دغدغه‌ها، آرزوها، بحران‌ها و همه آنچه در خیال می‌پرورانیم، طور و شکل خاصی از مواجه شدن با جهان در آن منظور شده است؛ و ما عادت می‌کنیم که جهان را به گونه‌ای می‌شود دید که زبان ایجاب می‌کند (کاشی: ۱۳۸۶).

1. mining

2. Positivism

با این نگاه، جهان تبدیل به شبکه تنیده‌ای از معانی و فهمی می‌شود که دازاین^۱ از خود و از دیگر پدیده‌ها دارد (ملایری، ۱۳۹۰: ۲۱۸). ما ایرانی‌ها این گونه نگاه می‌کنیم، ما مسلمان‌ها آن گونه نگاه می‌کنیم و ... در همه این موارد که معنا نامیده می‌شوند، می‌توانیم هم نگاه خرد و هم کلان داشته باشیم. معنا به مفهوم معنای واژه در ذهن نیست، بلکه معنا عبارت از تجلی ساختار مفهومی است؛ یعنی شناخت ماهیت و سازمان‌دهی نمودهای ذهنی به بهترین وجه با در نظر گرفتن تکثرات و گوناگونی‌های مختلفی که وجود دارد. معنا، ناظر به‌طور دیدن و طور مواجه‌شدن است که به نحو پیش‌تأملی ما مقهور آن هستیم. تحقیقات کیفی نسبت به امور پیش‌تأملی تولید بصیرت می‌کند (کاشی: ۱۳۸۶). این‌طور بودن‌ها، هویت جوامع را تشکیل می‌دهند. هویت تماماً از جنس دانایی نیست، بلکه پیچیده تراز آن است و لذا برای شناخت آن، به معناشناسی شناختی روی می‌آوریم. قدمی که در معناشناسی شناختی برداشته می‌شود، قدمی است در راه شناخت معنا. در معناشناسی شناختی، بین ساختار مفهومی و جهان خارج، ارتباط وجود دارد. درواقع، معنا دار بودن ساختار مفهومی به علت ارتباط آن با جهان خارج است (توانگر: ۱۳۹۳).

مطرح‌شدن این دیدگاه، محور شناخت‌شناسی را در نزد بسیاری از محققان تغییر داد. بنجامین ورف نیز در سال ۱۹۵۶، بدین موضوع پرداخت. وی نظام زبانی و فرهنگی جوامع را عاملی مؤثر در فهم و ادراک آن‌ها از پدیده‌ها و جهان معرفی می‌کرد. او بر این نکته تأکید دارد که ما طبیعت را در راستای خطوطی موشکافی می‌کنیم که توسط زبان مادری‌مان مشخص شده است و لذا جهان در جریان دستگاه زبانی و فرهنگی که توسط ذهنمان سازمان‌دهی می‌شود نمود پیدا کرده و معنا می‌یابد (رامشت و راهدان مفرد، ۱۳۹۵: ۱۴). به عبارتی زبان، در جایگاه واسطه‌ای برای پیوند افق‌ها از درون قرار می‌گیرد و به عامل به فهم درآوردن شئی و گشودن راه‌های تازه تفکر و احساس و به نمودی از هستی و وجود تبدیل می‌شود. به عبارتی، زبان بیش ازآنچه وسیله گفتگوی آدمیان باشد وسیله گفتگو با آدمیان (مصطفوی و بابایی، ۱۳۹۴: ۱۵) و ایجاد شبکه تنیده‌ای از معانی و فهم است.

این تأثیر دستگاه زبانی و فرهنگی جوامع در ادراک و نوع اندیشیدن، در نظرات اسپرن سوئدی باظرافتی خاص به چشم‌اندازهای جغرافیایی نسبت داده می‌شود. وی چشم‌اندازهای جغرافیایی را دستگاهی معادل دستگاه زبانی معرفی و با همین طرز فکر به نوشتن کتاب زبان منظر مبادرت کند. اسپرن چشم‌اندازها را یک متن نانوشته معرفی می‌کند که قواعد دستوری و ساختاری مشابه دستگاه زبانی دارد و نتیجه می‌گیرد که یک «متن جغرافیایی»^۲ همانند یک متن ادبی ممکن است از پاراگراف‌های متعددی تشکیل شده و علیرغم تفکیک‌پذیری آن‌ها نوعی درهم تنیدگی و پیوستگی در آن‌ها دیده می‌شود به گونه‌ای که تحلیل و فهم هر یک از پاراگراف‌ها با خواندن تمامی متن معنی پیدا می‌کند و بر همین سیاق مفهوم کلی متن بدون هر یک از پاراگراف‌ها ابتر

1. Dasein

2. Land text

و ناقص است (رامشت و راهدان مفرد، ۱۳۹۵: ۱۴) و این دقیقاً چیزی است که در بافت سرزمینی وجود دارد، به گونه‌ای که در مکان‌های متفاوت با معانی متفاوت (تنوع سرزمینی) نیز روبرو خواهیم بود. این تنوع، درهم تنیدگی، هم‌پیوستگی و درهم‌آمیختگی بین عنصرهای موجود در یک منظومه جغرافیایی «هم‌پیوندی سرزمینی»^۱ را به وجود می‌آورد که در قالب مکان تجلی می‌یابد. مکان، پیرامون کارکردهای گوناگون و فرهنگ‌های متنوع مفصل‌بندی می‌شود. بدیهی است که این مفصل‌بندی قاعده‌ای عینی و برون‌ذهنی ندارد، بلکه در تعامل با مردم و سوزهای مشارکت‌کننده و نوع مواجهه آن‌ها با مکان شکل گرفته (محمدیان، ۱۳۹۶: ۳۶) و معنا می‌یابد. پدیدارشناسی به‌عنوان ابزاری برای شنیدن، تذکر و احیای معنا، مکان و تفاوت‌های مکانی را که موضوع اصلی دانش جغرافیا است، به‌عنوان عنصر اصلی تبلور هویت انسان معرفی می‌کند که تجلی آن در شکل هویت مکانی نمایان می‌شود.

۴. هویت مکانی

تصویری که از تفاوت‌های مکانی در ذهن و احساسات بشر به وجود می‌آید، می‌تواند بر درک و شکل‌گیری شاکله فهم او از محیط تأثیرگذار باشد. دل‌بستگی بشر و چگونگی شکل یافتن هویت او در منظرها و مکان‌ها، یکی از عمیق‌ترین نیازهای انسان برای احساس هویت و تعلق او به مکان است (محمدیان، ۱۳۹۶: ۳۱). مفهوم مکان دارای دو بعد عینی و ذهنی است که در ترکیب باهم، حس مکان را تشکیل داده و به‌طور پیوسته با جنبه‌های عاطفی معنای محیطی ارتباط دارند (UJANG, Zakariya, 2014: 712) به‌طوری‌که هر مکان به‌مثابه یک اژه یا یک پدیدار در رابطه با سوز و جوه بار معنایی متفاوتی پیدا می‌کند (شریفی، ۱۳۹۲: ۱).

درک مکان به‌مثابه یک واحد و جوهره مکانی، به‌منزله درک و شناخت جهان خود است. آدمی از بدو ورود به زمین دنبال مکانی برای آرامش و سکونت می‌گشته است و به همین سبب تمام سرزمین‌های کره خاکی را تجربه نموده است. تمدن‌های گذشته مانند آریایی‌ها و یا هندو-اروپاییها برای رسیدن به مکان زیست مناسب و آرام مدام کوچ می‌کردند. کشف سرزمین آمریکا به سبب جستجوی بهشت گمشده به‌مثابه مکانی مطمئن برای سکنی گزیدن صورت گرفت. از این نظر، انسان و مکان، هستی و بنابراین هویت واحد و یگانه‌ای دارند و یکی بدون دیگری شناسه خود را از دست می‌دهد (همان: ۶)؛ بنابراین درک و تأویل درست از مکان وجه مناسب‌تری از معنا را برای زیستن در آن سبب می‌گردد. این معنا که با حافظه تاریخ طبیعی مکان‌ها در ارتباط است، هویت مکانی^۲ نامیده می‌شود. هویت یک مکان و درک چنین هسته‌ای از معرفت می‌تواند انسان را در تنظیم رابطه‌اش با محیط یاری دهد. هویت را می‌تواند یک ویژگی دانست که مکان با آن متصف می‌شود. این ویژگی جذابیت خاصی را در معرض درک و فهم انسان‌ها می‌گذارد و بدین‌وسیله امتزاج و رابطه‌ای با او برقرار می‌سازند. به گونه‌ای که بشر ناخودآگاه به‌واسطه این جذابیت‌ها، سازمندی‌های اجتماعی و رفتاری خود را از

1. land- integration

2. Space identity

آن وام می‌گیرد. به همین خاطر نام مکان و یا سرزمین می‌تواند تجلی چنین شناسه‌ای باشد که آنچه زیر عنوان علاقه به سرزمین شکل می‌گیرد، معنایی است که با حافظه تاریخی مکان‌ها به شدت در ارتباط است (محمودی، ۱۳۹۴: ۸۲).

هویت مکان داخل مفهوم بزرگ‌تری از خود، به صورت یک کل منسجم صورت می‌پذیرد و به وسیله آمیزه و ترکیبی از خاطرات، مفاهیم، تفاسیر، عقاید و احساسات شکل گرفته در چارچوب قلمروهای فیزیکی خاص تعریف و تعیین می‌گردد. همه این‌ها به عنوان زیرساخت‌های هویت خود و بر اساس درک و فهم محیط زیست قابل ملاحظه است. این درک محیط شامل دودسته یکی خاطرات، تفکرات، ارزش‌ها و قلمروها و دیگری شامل خصوصیات پدیداری مکان است که در حال و اکنون قابل درک بوده و نشانه‌ای برای فهم تحولات بعدی است. این الگوها دارای ساختار زبانی مشابه اما متمایز هستند؛ مسئله‌ای که از آن به قانونمندی‌های طبیعی، درست مانند قانونمندی‌های زبان‌شناختی، یاد می‌شود. هویت مکانی به سبب در هم تنیدگی محیط و انسان به وجود آمده و منبع مهمی از عنصر هویتی می‌باشد. چراکه مکان‌ها دارای سمبل‌هایی هستند که برای انسان دارای معنی، محتوا و بایستگی هستند. به لحاظ هستی‌شناختی، زمینه وجودی پدیدارها را مکان تشکیل می‌دهد. این مسئله سبب می‌گردد که نیازهای هویتی انسان از قبیل خاص و متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن تأمین شود. مرز پذیری و قابل تحدید بودن مکان باعث ایجاد تمایز، ثبات داشتن و تکامل انسانی در قالب این شکل‌ها (نژادی، زبانی و...) می‌شود (شریفی، ۱۳۹۲: ۷). بدین سان، هویت مکانی که احساسی در فرد یا جمع است، به واسطه ارتباط با مکان برانگیخته شده (کاویانی راد و فتاحی، ۱۳۹۱: ۳۲) و به سبب متمایز بودن و بعلاوه، تداوم و ثباتش زیربنای هویت بخش وجوه مختلف انسانی و حفظ و پایداری آن است؛ چراکه توان ترسیم و جداسازی هویت‌ها را با مرزهای مشخص دارد، چیزی که در جامعه سنتی رایج بود و به گفته گیدنز، زمان و فضا در چنین جوامعی در بستر مکان به هم پیوند می‌خورند و به شکل نظامی از نمادها به مفاهیم، ارزش‌ها، معانی و چیزهایی شبیه به آن بیان واقعی بخشیده (شریفی، ۱۳۹۲: ۳) و عامل اصلی فضای هستی را تشکیل می‌دهند که ویژگی اصلی آن، تمرکز و حصار است. هایدگر نیز حصار و محصوریت را صورت ازلی و کهن‌الگوی عمل ساختن می‌داند (پرتوی، ۱۳۹۲: ۱۰۷) که مایه فرهنگی را در قالب اسطوره‌ها، نمادها و الگوهای ارتباطات حصر می‌کنند (اسمیت، ۱۳۹۴: ۳۵۵).

اگر مکان یک عنصر هویت‌ساز تلقی شود حال این سؤال مطرح خواهد بود که چگونه مکان می‌تواند به هویت‌سازی در انسان‌ها منجر شود. برای پاسخ به این پرسش باید گفت؛ فهم این الگوهای ارتباطی، استعاره‌ها و نمادهای هویت مکانی، توسط مفهومی به نام روایت صورت می‌گیرد. روایت‌ها عنصرهای ناهمساز و تا حدی ناهمخوان را در یک واحد پی‌ساختی همانند و در بازه‌ای زمانی کنار هم می‌آورند. این امر تفسیر هویت مکانی در جهت نمادسازی‌های ملی را ممکن می‌کند. محتوای این نمادها و یادبودها به ما در درک هویت ملی

یاری می‌رساند. چگونگی تحقق این امر با بررسی مفهوم روایت و شکل‌گیری روایت جغرافیایی در متن آن امکان‌پذیر است.

۵. روایت جغرافیایی

بحث روایت توسط پل ریکور ارائه شده است. وی در کتاب «حافظه تاریخ»، نخست از تجربه فردی یاد می‌کند که محصول برخورد، عمل، یا رنج بردن شخص است و به هویت او شکل می‌دهد. به همین سان، تجربه‌هایی هست که افراد با دیگر اعضای گروه خود به شراکت می‌گذارند. از رهگذر این «تجربه جمعی» یک گروه از مردم به واقع‌ها و رفتارهایی درگذشته دسترسی پیدا می‌کنند که برایشان بازسازی و بازنگری شده‌اند. در حقیقت، از یک زاویه، این تجربه جمعی زمانی بسیار دور از تجربه‌های فردی هست یافته‌اند. هویت نیز یک حالت روایی است. هویت روایی یعنی قصه‌ای که مناسبات زندگی را میان چند نفر برقرار می‌کند و آن‌ها را یگانه می‌کند برعلیه دیگران (کاشی: ۱۳۸۹).

هویت روایی در یک رابطه دیالکتیکی نقش می‌یابد، در دیالکتیک میان نظم و بی‌نظمی. هویت فردی هر شخصیت همیشه با دیگر شخصیت‌های روایت درگیر است. این درگیری‌ها می‌تواند نظم داستان‌ها را برقرار کند، مثلاً، در داستان‌های مربوط به خانواده‌ها که داستان چندین نفر در پیوند باهم روایت می‌شود. به همین صورت، روایت هویت یک ملت نیز در پیوند باهم شکل می‌گیرد. بدین سان همان‌گونه که دیگر آدم‌ها همیشه بخشی از هویت من هستند؛ فرهنگ‌ها و اقوام یک کشور نیز، بخشی از هویت آن هستند. در حقیقت، هویت‌های فردی ما در پیوند با هویتی جمعی که می‌توان ما-هویت نامید، قرار دارد. مثلاً هویتی که ما به‌عنوان شهروند ایران به شراکت داریم (هنرمند، ۲۰۱۶: ۳۸)، این نوع هویت، فرهنگی برجسته خواهد داشت که همیشه بااهمیت می‌ماند. همه روایت‌ها پیامی را به دیگران می‌رسانند و آنچه شخصیت‌ها انجام می‌دهند یا رنج‌هایی که می‌برند، می‌شوند عناصری برای معنا بخشیدن به آن‌ها (همان: ۳۹). در مورد یک ملت نیز، رنج‌ها و فراز و نشیب‌هایی که طی کرده‌اند، عناصری می‌شود برای معنا بخشیدن به آن‌ها.

پل ریکور در کتاب حافظه و تاریخ، نخست از خاطره فردی یاد می‌کند که محصول برخورد، عمل، یا رنج بردن شخص است. به همین سان، خاطره‌هایی هست که افراد با دیگر اعضای گروه خود به شراکت می‌گذارند. از رهگذر این «خاطره جمعی» یک گروه از مردم به واقع‌ها و رفتارهایی درگذشته دسترسی پیدا می‌کنند که برایشان بازسازی و بازنگری شده‌اند (همان: ۴۳). این خاطره‌ها در یک رابطه دیالکتیکی مداوم با محیط پیرامون هستند که نشان از پیچیده بودن این حوزه دارد؛ زیرا یک عنصر خاصی یک رخداد خاصی را سبب نمی‌شود (کوزه بالابان، ۱۳۹۲: ۶۳)، بلکه مجموعه عناصر در ارتباط باهم روایت جغرافیایی را شکل می‌دهند.

روایت برآمده از دیالکتیک نمادها و خاطرات با محیط، جستجوی تنوع را با تمامی تفصیلات و جزئیاتش وجهه همت قرار داده و در جستجوی «آشتی و صلح و سلم عام از طریق تناقضات عام» است. این صلح و

سلم، توسط تعادل‌های محیطی تحقق می‌پذیرد (گروبیچ، زرر، ۱۳۵۱: ۱۲۶) و استقرار تعادل‌های مذکور نیز از طریق هویت مکانی بافت سرزمینی امکان‌پذیر است. بدین‌سان تناقضات به‌جای آنکه از مراحل تعارض‌های گوناگون و بی‌انتها درگذرند، خیلی آسان یکدیگر را کامل می‌کنند؛ که پرودن این روش را روش جستجوی تعادل‌های موجود در تنوع می‌خواند (همان: ۱۲۷).

نیروهای جمعی بوجودآمده در این بستر، به نیروهای فردی غیرقابل تحویل‌اند و عبارت از حاصل جمع نیروهای فردی نمی‌باشند (همان: ۱۳۰) و باوجود عنصر هویت مکانی سرزمینی نیروهای مذکور بدل به فعالیت‌های خلاق و مولد می‌گردند. تنها دیالکتیک میان عناصر ثابت هویت (هویت مکانی) و خرد جمعی برآمده از آن است که تاروپود واقعیت اجتماعی را می‌سازد. بدین‌سان تناقضات که خود تشکیل‌دهنده فضای جغرافیایی هستند، در جوامع دارای هویت مکانی، (بدل به شرط هستی زمانمند می‌شوند (هنرمند، ۲۰۱۶: ۳۵).

عقل جمعی شکل‌گرفته در رابطه دیالکتیکی نمادها و خاطرات با محیطش، روایت‌های جغرافیایی خاص آن محیط را شکل می‌دهد؛ که می‌تواند همه عناصر کنش‌ها و واقعه‌ها و همه پس‌متن‌های انسانی آن‌ها را تبیین کند. زمان تاریخی که روایت ارائه می‌دهد، زمانی انسانی است که درگذر زمان پیش می‌رود، بینا شخصی است و زمانی همگانی. در این زمان است که شخص می‌تواند پی آینده‌های نسل‌ها را در آن جای دهد و رد زندگی‌های آن‌هایی را بگیرد که درگذشته بوده‌اند (همان: ۳۵)؛ و اینجاست که اسطوره و حماسه شکل می‌گیرد.

اسطوره، علاوه بر توجیه نقش انسان در جهان و هستی، چگونگی ارتباط آدمی با جامعه، طبیعت و نظام کائنات را توضیح می‌دهد؛ بنابراین، اسطوره‌ها به‌مثابه نخستین و دیرینه‌ترین خاستگاه تفکر انسانی، نقشی مؤثر و برجسته در «ساخت معنا» داشته‌اند (دیلیم صالحی، ۱۳۸۵: ۶). بدین شکل که اسطوره هر نوع گفتاری نیست؛ زبان نیازمند وضعیت‌ها و شرط‌های ویژه‌ای است تا به اسطوره تبدیل شود؛ اسطوره نظامی از ارتباط است، اسطوره پیام است (بارت، ۱۳۸۶: ۱۸). اسطوره از مهم‌ترین عناصر سازنده روایت جغرافیایی است که عنصرهای ناهمساز و تا حدی ناهمخوان را در یک واحد پی‌ساختی همانند و در بازه‌ای زمانی کنار هم می‌آورد. آگاهی انسان، از طریق بنیان‌های اسطوره‌ای و نمادین، با هویت مکانی ارتباط می‌یابد. اسطوره با رخدادهایی مرتبط است که در آغاز زمان رخ داده‌اند و هدف آن‌ها آماده کردن زمینه برای کنش‌های آیینی امروز بوده است (هنرمند، ۲۰۱۶: ۹۷)، (مثل زبان، دین و مذهب و نمادهای دیگر). هرکدام از این نمادها در روایت جغرافیایی یک سرزمین، هویت افراد آن را در ارتباط با یکدیگر نیز شکل می‌دهند. به‌طور مثال رنج‌های یک ملت عناصری می‌شود برای معنا بخشیدن به آن‌ها و این کاری است که اسطوره‌ها انجام می‌دهند. بدین‌گونه؛ می‌شود روایت هویت یک ملت را در پیوند باهم توضیح داد؛ زیرا جستجوی امروزی در پی گونه‌ای تداوم روایی که ما را به (روایت جغرافیایی) مربوط کند تنها یک گریز نوستالژیک نیست، بل هم‌اوردی است با سخن‌های قانون‌گذار و برنامه‌ساز که در جوامع بوروکراتیک در حال استیلا هستند. به مردم حافظه آنان را بازگرداندن (و آنان را متوجه

هویت مکانی خود کردن)، به معنای این نیز هست که آینده‌شان را به آنان بسپاریم، بازآوردن آن‌هاست به زمان؛ و از این رو رهاکردنشان است از ذهن آنی و لحظه‌ای. گذشته سپری نشده است، زیرا آینده ما به شکل خاصی با توانایی مان (دریافتن هویتی روایی تضمین خواهد شد، آن‌هم با یادآوری گذشته با ذکر چرایی و چگونگی آن، یعنی در شکل روایت جغرافیایی. این مسئله هویت روایی، حیاتی است)، خاصه در کشورهایی که در آن به هر دلیل گسستی با میراث افسانه‌ها، فولکلور و غیره را موجب شده است (ریکور، ۱۳۷۸: ۸۶).

این گسست با روایت ترمیم می‌شود؛ داستانی که اسطوره‌ها درباره هویت یک سرزمین روایت می‌کنند، نشان می‌دهد که همیشه در پیوند با دیگران است (همان: ۳۸)؛ بنابراین، همان‌طور که دیگر آدم‌ها همیشه بخشی از هویت من هستند، من نیز بخشی از هویت آن‌ها هستم. در حقیقت، هویت‌های فردی ما در پیوند است با هویتی جمعی که می‌توان ما-هویت نامید. به همین صورت، در یک بافت جغرافیایی، همه مناطق نیز بخشی از هویت آن هستند. ریکور در تمام پژوهش‌هایش تلاش کرده که درباره گذشته و درگیری دائم ما با آن معنایی فراهم کند. بی‌تردید از گذشته دیگر چیزی در دسترس ما نیست. باین‌همه روایت جغرافیایی سرزمین، ردی از گذشته آن نیز می‌باشد که از طریق آن ما تلاش می‌کنیم گذشته را در اکنون بازنمایی کنیم (همان: ۴۳). از این رهگذر بازنمایی «خاطره جمعی» یک ملت، در یک «گفتمان آشنا» حاوی نظرات گروه زیستی‌شان در گذشته (خانواده، محله، کشور و غیره) و در بستر هویت مکانی، شکل می‌گیرد و همان‌طور که ذکر شد، در یک بافت بزرگ‌تر، مثل پهنه سرزمینی به شکل اسطوره و حماسه نمایان می‌شود. اسطوره‌ها برای خلق حماسه و دستیابی به عدالت، به سمت نهادهای سیاسی می‌روند، آرزوی زندگی بین نهادهای دادگرانه معنایی جز این ندارد (همان: ۴۹)؛ و این امر در فرهنگ و تمدنی ممکن است که در آن، هویت مکانی جایگاه ویژه‌ای دارد و به تبع آن اسطوره‌ای اندیشی و ارتباط و پیوند جامعه و نظام هستی و روایت برآمده از آن‌ها نیز معنا می‌یابد.

تجلی ساختار مفهومی که از این معنا شکل می‌گیرد را «روایت جغرافیایی» می‌نامیم. روایت جغرافیایی راهی است برای بازسازی یک زندگی در یک گستره زمانی و بر یک پهنه سرزمینی.

بدین‌سان، مرزها و قلمروهای فضایی که تشریحی از حصارهای مفهومی و اجتماعی و حوزه‌ها هستند، شکل می‌گیرند. انواع دسته‌بندی گروه‌ها و چشم‌اندازهای نمادین گوناگون، راه‌هایی برای برقراری قلمروهای گروهی است که ماهیت و اهمیت آن‌ها به فضای رفتاری مردم وابسته است و تابع گوناگونی طیف‌های مسکن، نواحی هسته‌ای و مرکزی، ریتم‌های زمانی و در برخی اوقات حوزه‌های قدرت آن‌هاست (پرتوی، ۱۳۹۲: ۱۰۴). خاطره‌ها و روایت‌ها در شکلی روایی بر بستر هویت مکانی یک سرزمین جاری شده و با تمرکز بر روی طیف وسیعی از ثبت فرآیندهای حافظه فضایی (Jones, Garde -Hansen, 2012: 87) حدود مرز هویتی خاصی را پدید می‌آورند که هویت ملی از دل آن سربرمی‌آورد.

به عبارتی، مرزهای سیاسی که پاسخ به تلاش انسان برای نگاهداشتن این هویت، دارایی و فضایی است که

انسان در آن رشد می‌کند (کاویانی راد، ۱۳۹۳: ۱۹۱) موجب آشکار شدن هویت ملی می‌شوند. بدین ترتیب حس متمایز مکانی در چشم‌انداز مدنی نیز تقویت می‌شود. این معنا در فرآیندهای توصیف هویت مکانی از منظر محیط فرهنگی، نقش مهمی در تمرین و آموزش ملی دارند (Masran, et al, 2013: 58) و در واقع روایت جغرافیایی شکل گرفته در بستر هویت مکانی با ایجاد این احساس تعلق، بستر رشد ملی‌گرایی می‌باشد.

۶. شکل‌گیری ملی‌گرایی در بستر روایت جغرافیایی

«ملی‌گرایی» یک آموزه جغرافیایی ذاتی است که در آن تلاش می‌شود تا گروهی از افراد پیشینه و اصالت خود را به هم پیوند دهند و به عنوان یک ملت یا یک ایالت در یک منطقه جغرافیایی مستقل و محدود طبقه‌بندی شوند (nikmohammad, et al, 2013: 506). هگل نیز در این مورد می‌گوید: «می‌توان به جغرافیا، پیش از هر چیز به عنوان مقدمات خاصی نگریست که در آن‌ها روح ملت جوانه می‌زند (هگل، ۱۳۹۰: ۱۶)».

سه «مؤلفه» در این امر نقش محوری دارند که عبارت‌اند از؛

۱- احساسی از هویت مکانی که معمولاً در نهادها یا نمادهای سرزمین متجلی می‌شود.

۲- احساسی از گرایش به طرد که غالباً خفته و پنهان است، زیرا فقط با یک تجاوز مفروض است که برانگیخته و فعال می‌شود.

۳- تقسیم‌بندی کردن یا هدایت تعاملات انسانی در فضا یا مکان.

این مؤلفه‌ها به شکل‌گیری مفهوم «غیر» یا «دیگری» می‌انجامد. درست به همان صورتی که مرزها برای شکل‌گیری هویت لازم هستند، هویت‌سازی برای بیگانه‌ها از راه خلق «دیگران» قومی - ملی نیز برای حفظ مرزها لازم است (مواردی مثل ایران و انبران، عرب و عجم و...)؛ بنابراین، ملی‌سازی سرزمینی نه فقط با ساختن خودی‌ها از طریق گسترش نوعی احساس مالکیت انحصاری نسبت به مکانی که وطن نامیده می‌شود ملازمه دارد، بلکه مستلزم خلق دیگران قومی - ملی، (بیگانه‌ها) که ملت علیه آن‌ها ایجاد می‌شود، نیز هست. این جریان، پیامد طرح‌های ملی‌سازی است (کایزر، ۱۳۸۳: ۳۷۶).

از دیگر پیامدهای این طرح، در مرزهای فضاهای جغرافیایی که احساسات «ما - آن‌ها» قوت می‌گیرد، غالباً هم به تجزیه اجتماعی می‌کشد که حتی با یکدیگر شباهت‌های زیاد قومی - فرهنگی دارند. در این مناطق مرزی فضای سومی شکل می‌گیرد که جایگاه مقاومت در برابر طرح‌های ملی‌سازی مملکتی کانون و برآمدن ملی‌سازی‌های واکنشی متداخل است. کانونی که در آن هویتی مخالف سلطه‌گری، هویتی که نه از آن «ما» و نه از آن «دیگران» است، ساخته می‌شود (همان). در این حالت اجتماعات مرزی، از ایجاد افق برای هویتشان درمانده شده و خود به عاملی برای چالش در هویت ملی منجر می‌شوند. روایتگری در این جوامع می‌میرد و افراد دیگر توانایی مبادله تجربه‌هایشان را ندارند (ریکور، ۱۳۷۸: ۸۶). به عبارتی هویت مکانی آن‌ها دچار چالش می‌شود. وجود این امر و سایر مسائل متعدد هویتی که در عصر حاضر با وجود فضای مجازی و جهانی‌شدن

مطرح شده، موجب می‌شود که هویت‌های مکانی محلی در مقابل هویت‌های مکانی ملی و مرکزی قرار گیرند. در این حالت عناصر فرهنگی و تمدنی نمی‌توانند در جایگاه اصلی خود قرار گیرند. یافتن راهکار رفع این چالش هویت مکانی که دغدغه جوامع بسیاری است، در «روایت جغرافیایی بافت سرزمینی» نهفته است. روایت جغرافیایی موجب می‌شود که هر کشور و ملیتی دارای آرشیوهای خاص خود باشد و بدین صورت آحاد ملت از هر وسیله‌ای که در اختیار آن‌ها قرار دارد استفاده می‌کنند تا ویژگی‌های خود را باهم ترکیب کنند. برخی از آن‌ها منوط به اهداف حداکثر یا حداقل مانند زبان و مذهب هستند؛ و برخی دیگر تمایل دارند بر اساس ویژگی‌های اخلاقی، شخصیت‌ها و البته کلیشه‌ها استوار باشند که باهم یک تعریف ملی را تشکیل می‌دهند؛ اما فضای جغرافیایی به عنوان بخش مهمی از این تعریف، به خصوص برای کسانی که به دنبال شناخت، استقلال و آزادی هستند، بسیار مهم است (Kaplana, Herbb, 2011: 350). این امر وقتی محقق می‌شود که ملی‌سازی، به مثابه روند اجتماعی شدن نهادینه شده، به یک طرح بنیادین مسلط تبدیل شود و با بافت‌های اجتماعی شکل گرفته در طول زمان، -یعنی احساس مکانی یا هویت مکانی آن‌ها- دارای وحدت دیدگاه و هدف باشد (کایزر، ۱۳۸۳: ۳۷۹). به این ترتیب مفاهیم موجود در فضا، با یکدیگر تشکیل مفهوم فضایی استوارتری را می‌دهند؛ این همان چیزی است که آن را قدرت کشف کنندگی روایت جغرافیایی می‌نامیم. قدرتی که علی‌رغم اتمام خود به معانی پدیدارها حیات می‌بخشد.

۷. نتیجه‌گیری

همان‌طور که ذکر شد، برای سنجش درجه پایداری و مانایی هویت ملی یک سرزمین، بررسی بسترهای روش شناختی ارتباط جغرافیا و هویت ملی در بافت سرزمینی ضروری می‌نماید. با توجه به اینکه، مکان و یا به تعبیر بهتر فضا رکن تحلیل‌ها در جغرافیاست، بنابراین، وجود هرگونه ارتباط بین مؤلفه‌ها در فضای جغرافیایی، یعنی نوع هستن در جهان آن‌ها، هویت مکانی بافت سرزمینی را شکل می‌دهد.

همان‌طور که شرح داده شد؛ هویت مکان داخل مفهومی بزرگ‌تر از خود، به صورت یک کل منسجم و به وسیله آمیزه و ترکیبی از مفاهیم (خاطرات، تفاسیر، عقاید و احساسات) شکل گرفته و در چارچوب قلمروهای فیزیکی خاص تعریف و تعیین می‌گردد. همه این‌ها به عنوان زیرساخت‌های هویت، خود بر اساس درک و فهم محیط زیست قابل ملاحظه است. بدین سان، هویت مکانی بیانگر معنایی است که از رابطه انسان و محیط شکل گرفته، تفسیر این معنا در یک الگوی رابطی به صورت اسطوره و حماسه، نمود روایت جغرافیایی بافت سرزمینی می‌باشد. داستانی که اسطوره‌ها درباره هویت یک سرزمین می‌گویند، نشان از پیوند همیشگی در ارتباط با دیگران و محیط است. خاطره‌ها و روایت‌ها، در شکلی روایی بر بستر یک سرزمین جاری است؛ و معنای خود را نیز از آن می‌گیرد. در حقیقت، هویت‌های فردی ما در پیوند با هویتی جمعی که می‌توان ما-هویت نامید، قرار دارد. به همین ترتیب، در یک بافت جغرافیایی، نیز همه مناطق مانند هویت فردی، بخشی از بافت

سرزمینی یا همان هویت کلی هستند.

با این تعاریف باید گفت؛ جامعه‌ای که ارتباطش را با محیطش از دست بدهد و هویت مکانی آن دچار چالش شود، روایتگری در آن می‌میرد و در این جامعه، افراد با یکدیگر در تجربه‌ای مشترک سهیم نیستند، لذا هویت ملی نیز با چالش مواجه می‌شود.

روایت جغرافیایی به‌عنوان راهی برای بازسازی یک زندگی در یک گستره زمانی و بر یک پهنه سرزمینی، راهکار رفع این چالش است. روایت جغرافیایی شکل گرفته در بستر هویت مکانی، یک امر پیشاتأملی و یک معنا برای محیط است. یک‌طور بودن، طور نگاه کردن به امور و پدیده‌ها، طور مواجه شدن با چیزها و روایت جغرافیایی یک معنا است. راسل می‌گوید؛ معنا کمابیش دارای اتمام است و وقتی می‌تواند کشف شود که عینیت یابد. تجلی این عینیت در یک بافت سرزمینی امکان‌پذیر است؛ و این روایت جغرافیایی بافت سرزمینی است که می‌تواند انسجام شبکه معنایی و کنش‌ها را باهم ممکن کرده و موجب تجلی هویت ملی شود. بدین‌سان، تحلیل داده‌های کیفی در این پژوهش به ما نشان می‌دهد که در عصر جهانی شدن، راهکار رفع چالش‌های امنیتی هویت ملی در روایت جغرافیایی نهفته است. روایت جغرافیایی کلید هویت است و در بستر آن، هویت ملی همچنان قوی باقی می‌ماند.

منابع

- اسمیت، آنتونی دی (۱۳۹۴)، «ناسیونالیسم و مدرنیسم»، ترجمه: کاظم فیروزمند، تهران: نشر ثالث.
- بارت، رولان. اباضری، یوسف (۱۳۸۰)، «اسطوره در زمان حاضر»، ارغنون، شماره ۱۸.
- پرتوی، پروین (۱۳۹۲)، «پدیدارشناسی مکان»، تهران: متن.
- توانگر، منوچهر (۱۳۹۳)، «زبان‌شناسی»، مجموعه سخنرانی‌های دکتر توانگر، دانشگاه اصفهان.
- حقیقت، صادق (۱۳۸۷)، «روش‌شناسی علوم سیاسی»، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- حافظ نیا، محمدرضا و کاویانی راد، مراد (۱۳۹۳)، «فلسفه جغرافیای سیاسی»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دارابی، علی (۱۳۸۸)، «رویکرد پدیدارشناسی در تجزیه و تحلیل پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۵، صص ۱-۲۲.
- دیلم صالحی، بهروز (۱۳۸۵)، «اسطوره و حماسه، دو بنیاد هویت ایرانی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هفتم، شماره ۳، صص ۳-۲۵.
- رامشت، محمدحسین، راهدان مفرد، محمد (۱۳۹۵)، «دستگاه جغرافیایی ایران»، تکیانگاشت
- مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی دانشگاه اصفهان.
- ریکور، پل (۱۳۷۸)، «زندگی در دنیای متن (شش گفتگو، یک بحث)»، ترجمه: بابک احمدی، تهران: نشر مرکز.
- شریفی، محمد و محمدحسین رامشت، مجتبی رفیعیان، یوسف قوبدل (۱۳۹۲)، «هویت مکان و ادراک آن با رویکرد ژئوسیستمی»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۴، شماره ۲، صص ۱-۲۲.
- شکوئی، حسین (۱۳۸۹)، «جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی»، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- صادقی، مجتبی و جعفر جوان، محمدرحیم رهنما (۱۳۹۴)، «فضای جغرافیای چیست؟ (درنگی بر سرشت فضای جغرافیایی، از چشم‌انداز پدیدارشناسی هرمنوتیک)»، مجله مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال پنجم، شماره نوزدهم، صص ۱۲-۲۸.
- صادقی، مجتبی و جعفر جوان، محمدرحیم رهنما (۱۳۹۵)، «روش‌شناسی شناخت فضای جغرافیای چیست؟»، مجله مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، دوره هفتم، شماره بیست و پنجم، صص ۱۷-۳۶.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۸۶)، «کارگاه تحلیل گفتمان»، مشهد.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۸۹)، «تقریرات درس فلسفه سیاسی و اسلام ب»، دانشگاه علامه طباطبائی.
- کایزر، رابرت (۱۳۸۳)، «دایره المعارف ناسیونالیسم، جغرافی و ناسیونالیسم»، ترجمه: هرمز همایون پور، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- کریمی پور، یدالله (۱۳۹۴)، «گذری و نظری بر هویت ملی»، سخنرانی در قطب علمی جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.
- کاویانی راد، مراد و فتاحی، مصطفی (۱۳۹۱)، «تأثیر هویت مکانی بر همگرایی ملی»، دانشگاه تربیت مدرس، مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا.
- کوزه بالابان، حسن (۱۳۹۲)، «سیاست خارجی ترکیه»، ترجمه: کریمی، غلامرضا، نظریور، داوود، انتشارات چاپخش.

- گروپیچ، ژرژ (۱۳۵۱)، «دیالکتیک یا سیر جدالی و جامعه‌شناسی»، ترجمه: حسن، حبیبی، قم: شرکت سهامی انتشار.
- محمد پور، احمد (۱۳۸۹)، «روش درروش (درباره ساخت معرفت در علوم انسانی)»، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- محمد پور، احمد (۱۳۹۲)، «روش تحقیق کیفی ضد روش» (جلد دوم)، تهران: نشر آگاه.
- محمدیان، عبرت (۱۳۹۶)، «نسبی‌گرایی در ژئومورفولوژی شهری، مطالعه موردی: منطقه شهری اهواز»، رساله دکتری، اساتید راهنما: امیر صفاری، محمدحسین رامشت، دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی.
- محمودی، طیبه (۱۳۹۳)، «هویت آینده‌ای هسته مدنی ایران»، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۵، پیاپی ۵۳، شماره ۱.
- مصطفوی، شمس‌الملوک؛ بابایی، علی (۱۳۹۴)، «جنبش پدیدارشناسی»، فلسفه و کلام (اطلاعات حکمت و معرفت)، سال دهم، شماره ۵، صص ۱۲-۱۸.
- ملایری، محمدحسین (۱۳۸۹)، «فلسفه علم پدیدارشناسی و پژوهش کیفی»، راهبرد، شماره ۵۴، صص ۵۹-۱۰۶.
- نظری، علی‌اشرف، صحرایی، علیرضا (۱۳۹۱)، «کاربست رهیافت و روش پدیدارشناسی در علوم سیاسی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۳، صص ۱۷-۳۴.
- هگل، فردریک (۱۳۹۰)، «فلسفه تاریخ»، مترجم: مسعود تقی زاده منظری، گوتنبرگ سوئد.
- هنرمند، سعید (۲۰۱۶)، «اندیشه‌های پل ریکور درباره استعاره، خرد، سیاست و گفت‌وگو»، نشر جوان.
- DIJKINK, GERTJAN. (1996). "NATIONAL IDENTITY AND GEOPOLITICAL VISIONS Maps of pride and pain", London.
- Jones, Owain & Garde -Hansen, Joanne (2012). "Geography and Memory, Explorations in Identity, Place and Becoming", University of Gloucestershire, UK.
- Kaplan, David & Herbb, Guntram (2011). "How geography shapes National Identities", Kent State University, Middlebury College, Vol. 13, No. 4.
- Negretto, Gabriel (2001). "Hobbes Leviathan. The Irresistible Power of a Mortal God", Analisi e diritto, a cura di P. Comanducci e R. Guaṣtini.
- Nik Mohammad, Nik Maṣtura & Saruwono, Masran & Yani Said, Shahrul & Halawah Wan Hariri, Wan Ahmad (2013). "A Sense of Place within the Landscape in Cultural Settings", Asia Pacific International Conference on Environment-Behaviour Studies, University of Westminster, London, UK, 4-6, PP. 506 – 512.
- Norsidah, Ujang & Khalilah, Zakariya (2014). "The Notion of Place, Place Meaning and Identity in Urban Regeneration", Asian Conference on Environment-Behaviour Studies, Chung-Ang University, Seoul, S. Korea, 25-27.

تبیین عوامل کلیدی تأثیر گذار بر امنیت زیست محیطی ایران در افق زمانی ۱۴۰۸

یاشار ذکی^۱

سجاد نجفی^۲

چکیده

امنیت و دستیابی به امنیت پایدار جهت شهروندان هر جامعه‌ای به عنوان یکی از اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین وظایف و مسئولیت‌های هر دولت بوده که تمامی ساز و کارهای لازم جهت وصول به آن از سوی دولت‌ها به کارگرفته خواهد شد، یکی از ابعاد مختلف امنیت بعد زیست محیطی آن بوده که شاید نسبت به سایر ابعاد امنیت به خصوص بعد نظامی آن از سوی دولت‌ها به خصوص در کشورهای جهان سومی مورد تأکید و توجه قرار نگرفته، در حالی که تهدیدات ناشی از این بعد از امنیت خود قادر به وارد نمودن صدمات و لطمات جبران ناپذیری به منافع ملی و خدشه دار نمودن امنیت ملی هر کشوری می‌باشد. در این پژوهش با هدف شناخت عوامل موثر بر امنیت زیست محیطی کشور در گام نخست تعداد ۴۴ عامل تأثیر گذار بر امنیت زیست محیطی کشور احصاء و در گام دوم با تشکیل پانل خبرگی عوامل مشابه با یکدیگر ادغام و تعداد ۲۰ عامل مشخص گردید و در ادامه با استفاده از مدل فریدمن تعداد ۱۰ عامل مهم و اثر گذار تعیین و در انتها با استفاده از نرم افزار آینده پژوهی میک‌مک و به کارگیری روش تحلیل ماتریس متقاطع، تعداد ۳ عامل کلیدی تأثیر گذار بر امنیت زیست محیطی کشور در افق زمانی ۱۴۰۸ مشخص گردید.

واژگان کلیدی: امنیت، امنیت ملی، امنیت زیست محیطی، تهدید، آینده پژوهی

جستار گشایی

یکی از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر در ارزیابی میزان کارآمدی دولت‌ها کارکرد امنیتی آن‌ها و توان حفظ و بسط امنیت در سرتاسر قلمرو حاکمیتی خود می‌باشد، و دولتی که قادر به تأمین امنیت شهروندان خود نباشد نه تنها کارآمدی خود را از دست خواهد داد بلکه حیات سیاسی آن دولت نیز توسط شهروندان آن کشور به چالش کشیده خواهد شد. بدون شک تا چند دهه گذشته و به خصوص در دوران جنگ سرد مفهوم و معنای امنیت حول محور امنیت نظامی و توانایی و قدرت نظامی یک کشور بوده و مورد سنجش قرار می‌گرفت، منتهی در سالیان اخیر امنیت دیگر منحصر بر یک بعد نبوده و دارای ابعاد گوناگون بوده که یکی از این ابعاد، بعد زیست محیطی آن می‌باشد. بدیهی است که با نگاهی گذرا به ماهیت در هم تنیده بحران‌های اساسی (ناآرامی‌های سیاسی، کمبود غذا، آب و انرژی، تغییرات آب و هوایی، بلایای طبیعی، تروریسم، مهاجرت گسترده، شیوع بیماری و...)، و تعامل و ارتباط بین آن‌ها، مشخص می‌گردد همگی مرتبط با موضوعات امنیتی محیط‌زیست می‌باشند. (3: Lanicci et al, 2017) که به نوبه خود بسیار حائز اهمیت می‌باشد و تهدیدات ناشی از این بعد از امنیت هرچند در ظاهر طبیعی و غیرامنیتی به نظر می‌رسد اما دارای آثار و پیامدهای مستقیم و غیر مستقیم بسیار گسترده می‌باشد که در صورت عدم آمادگی جامعه و حکومت و اقدام و واکنش مناسب در برابر این قبیل تهدیدات، قادر به وارد نمودن صدمات و لطمات جبران ناپذیری به منافع ملی و خدشه‌دار نمودن امنیت ملی هر کشوری می‌باشد، و حتی در مواردی آثار و تبعات به مراتب گسترده‌تر و چشم‌گیرتر از جنگ و رویارویی مستقیم نظامی برای کشورها به همراه دارد. در کشور ایران نیز به تبعیت از اکثر کشورهای جهان سوم بعد زیست محیطی امنیت و تهدیدات متصور از این ناحیه، آن‌چنان که باید مورد توجه و تأکید مسئولین و دستگاه‌های دولتی مربوطه قرار نگرفته است و از این مهم غافل مانده‌ایم، و در صورت وقوع چنین تهدیداتی در آینده محتمل، بدون تردید صدمات و لطمات جبران ناپذیری را بر کشور تحمیل خواهد نمود و کشور دچار خسران فراوان خواهد گردید. لذا در تحقیق پیش رو در راستای پاسخ به این سؤال که «مهم‌ترین شاخص‌ها و عوامل تأثیرگذار بر آینده امنیت زیست محیطی کشور در افق زمانی ۱۴۰۸ چیست؟»، سعی بر آن است تا مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر امنیت زیست محیطی کشور را با تأکید بر افق زمانی ده سال آینده و با هدف ایجاد آگاهی در مسئولین و مقامات مرتبط با حوزه امنیت ملی جهت پیش‌بینی و برنامه‌ریزی ساز و کارهای مقابله با این جنس از تهدیدات، شناسایی نمود، به همین منظور با استفاده از مطالعه اسناد و سوابق علمی پیشین صورت پذیرفته مرتبط و استفاده از نظرات خبرگان آشنا و مرتبط با زمینه تحقیق، عوامل تأثیرگذار بر امنیت زیست محیطی کشور مورد شناسایی و در ادامه با استفاده از نرم افزار آینده پژوهی میک‌مک^۱ و به کارگیری روش تحلیل ماتریس متقاطع، شاخص‌ها و عوامل کلیدی مؤثر مشخص خواهد گردید.

مهم‌ترین تحقیقات صورت گرفته پیشین در رابطه با امنیت زیست محیطی به شرح جدول شماره (۱) می‌باشد:

جدول (۱) مهم‌ترین تحقیقات صورت گرفته پیشین در رابطه با امنیت زیست محیطی

R	عنوان	نویسنده	سال انتشار	یافته‌ها
۱	آسیب شناسی امنیت زیست محیطی ایران (نگاه آینده پژوهانه به کلان روندها و پیشران های مخرب محیط زیست ایران)	رضایان قیه باشی، احد	۱۳۹۷	ضمن تشریح و بیان مفهوم امنیت و چرایی و چگونگی تحول در مفهوم امنیت و ابعاد و شاخص‌های امنیت انسانی، به بررسی تأثیر بعد زیست محیطی امنیت و رابطه و کم و کیف تأثیر متقابل زیست بوم و انسان بر یکدیگر پرداخته و در پایان با ارائه پیشنهاداتی جهت جلوگیری از آثار و پیامدهای ناگوار سیاست‌های اشتباه توسعه پایدار و احاطه بر سیاست های اشتباه قبلی پرداخته است.
۲	مطالعه تأثیر ابعاد توسعه انسانی (آموزش، سلامت و رفاه) بر شاخص عملکرد محیط‌زیستی	علی پور، علی، فلاحتی، محمدعلی و ناجی میدانی، علی اکبر	۱۳۹۸	در پژوهش صورت پذیرفته به منظور بررسی اثر شاخص توسعه انسانی بر شاخص‌های عملکرد محیط‌زیستی، مطالعه بر روی ۱۰۱ کشور طی دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ انجام، که نتایج برآورد الگوی نهایی تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر ابعاد سه گانه شاخص توسعه انسانی یعنی آموزش، بهداشت و درآمد ملی سرانه بر شاخص عملکرد محیط‌زیستی مثبت است. و دولت‌ها می‌توانند با سرمایه‌گذاری در زمینه نیروی انسانی خصوصاً در زمینه آموزش به منظور ایجاد و توسعه سرمایه انسانی بهترین و مناسب‌ترین بستر را برای دستیابی به توسعه پایدار و اهداف محیط‌زیستی آن فراهم کنند.

R	عنوان	نویسنده	سال انتشار	یافته‌ها
۳	بررسی رابطه میان امنیت زیست محیطی با امنیت ملی (مطالعه موردی: بیوتوروریسم)	نجفی، سجاد	۱۳۹۳	عدم برنامه ریزی و آمادگی حکومت و جامعه در برابر یک اقدام بیوتوروریستی به عنوان تهدید زیست محیطی کلیه ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار خواهد داد و باعث ایجاد فاجعه ای عظیم در کشور خواهد شد. و پیشگیری از وقوع عملیات بیوتوروریستی را مهم‌تر و بهتر از مقابله یا آن بعد از وقوع دانسته است.
۴	ارزیابی تهدیدات زیست محیطی در امنیت ملی ایران	جاجرمی، کاظم؛ پیشگاهی فرد، زهره و مهکویی، حجت	۱۳۹۲	عواملی از قبیل تأمین انرژی و راه‌های دستیابی به آن، آلودگی آب رودخانه‌ها و دریاها، خشکسالی، تغییرات آب و هوا و افزایش جمعیت را در ایجاد ناامنی و تأثیر منفی بر امنیت ملی کشور مهم ارزیابی نموده است. و معتقدند در صورت نادیده گرفتن و بی توجهی به این تهدیدات منجر به برهم‌زدن امنیت ملی و نظم عمومی جامعه خواهد شد.
۵	بررسی مفهوم امنیت زیست محیطی با نگاهی به چالش‌های امنیت زیست محیطی ایران	رنجبر حیدری، وحید و جمشیدی، ابراهیم	۱۳۹۵	از ۱۵ معیار تأثیر گذار در امنیت زیست محیطی ایران، مسائل مرتبط با بحران بی‌آبی، آلودگی هوا و شرایط بحرانی و امنیتی متأثر از آنها را دارای بیشترین اهمیت دانسته‌اند.
۶	امنیت زیست محیطی و تحول مفهوم امنیت در قرن ۲۱	علی زاده، عمران و پیشگاهی فرد، زهره	۱۳۹۰	با توجه به ماهیت و جنس تهدیدات زیست محیطی که نسبت به تهدیدات نظامی خیلی آرام و کند پیش می‌روند، لذا افق زمانی برای برنامه‌ریزی سیاسی لازم جهت مقابله با این قبیل تهدیدات را بی‌نهایت گسترده دانسته است. و با توجه به این که تهدیدات حاصله به یک دولت دشمن و موجودیت سیاسی مستقل مربوط نمی‌شود در نتیجه راه حل‌های مشارکتی را می‌طلبد.

R	عنوان	نویسنده	سال انتشار	یافته‌ها
۷	Water security and environmental security in a national and regional context: envisioning environmental diplomacy for cooperation.	Mabroor, Hassan. Manzoor Khan, Afridib & Muhammad, Irfan Khan	۲۰۱۹	در این پژوهش سعی شده تا توافق‌نامه‌ها، معاهدات و سیاست‌های آب در منطقه (آسیای جنوبی) به منظور ارزیابی رابطه امنیت آب، امنیت محیط‌زیست، و درگیری‌های مربوطه در سطح محلی، ملی (پاکستان) و منطقه‌ای ارزیابی گردد. با لحاظ ۲۴ معیار فنی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و سیاسی نتایج بیان‌گر آن است که دیپلماسی محیط‌زیست به دلیل ویژگی‌های غیر تهاجمی و انعطاف‌پذیر، به‌عنوان ابزاری برای حل اختلاف مورد تأیید قرار گرفته است و حل و فصل اختلاف و همکاری در مورد منابع آب مشترک می‌تواند منجر به توسعه پایدار، کاهش فقر، و پایداری محیط زیست گردد. لذا کاربرست دیپلماسی در راسای کشف فرصت‌های مربوط به کمبود منابع آبی در منطقه به عنوان ابزاری برای مدیریت منازعه و ایجاد صلح با وجود درگیری‌ها و سیاست‌های حال حاضر حاکم در روابط میان کشورهای آسیای جنوبی کارساز و کارآمد خواهد بود.
۸	Attaining food and environmental security in an era of globalization	Hertela, Thomas W. & Baldos, Uris Lantz C	۲۰۱۶	در این مقاله ارتباط امنیت غذایی و امنیت محیطی مورد بررسی قرار گرفته و طیف وسیعی از پیامدها و سیاست‌های مؤثر بر سیستم تأمین غذایی جهانی در دنیای فرضی آینده تا سال ۲۰۵۰ پیش‌بینی گردیده، به اعتقاد نویسندگان انتظار می‌رود در آفریقای زیر صحرای جنوب آسیا، با پیشروی و رشد قدرتمند جمعیت، که منجر به رشد فوق‌العاده تقاضا در این منطقه خواهد بود، با توجه به رشد کلی درآمد و رشد آهسته در بهره‌وری در تولید محصولات کشاورزی به ویژه با لحاظ سناریوی تغییر آب و هوا به دلیل شدت تأثیرات آن بر عملکرد محصولات کشاورزی تا سال ۲۰۵۰، منجر به افزایش قیمت‌های مواد غذایی برای مصرف‌کنندگان و به تبع آن سطح بالاتری از عدم تغذیه را به همراه خواهد داشت.

با مرور تحقیقات پیشین مشاهده می‌گردد که تحقیق جامعی با در نظر گرفتن مهم‌ترین پیشران‌ها و عامل‌های تأثیرگذار در آینده امنیت زیست محیطی کشور جهت اتخاذ رویکرد و استراتژی متناسب و برنامه‌ریزی در

راستای حل مشکلات و موانع موجود احتمالی در آینده، متناسب با شرایط محیطی موجود و اتخاذ تمهیدات لازم به منظور پیش‌گیری از عواقب احتمالی و کاهش آسیب‌پذیری کشور و جامعه در برابر تهدیدات ناشی از بعد زیست‌محیطی امنیت ملی در کشور ارائه نگردیده، لذا در تحقیق پیش رو سعی در دستیابی به این مهم است.

مفاهیم و مبانی نظری تحقیق

مفهوم امنیت

امنیت مقوله‌ای است که هم کاملاً واقعی و ملموس و هم بسیار گسترده است (رشیدزاده و کرمی، ۱۳۹۷: ۱۶). مقوله امنیت (داخلی و بین‌المللی) به دلیل اهمیت ویژه‌اش در حوزه زندگی انسان، حوزه نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل را نیز تحت تأثیر قرار داده است تا جایی که بخشی عمده از تلاش نظریات روابط بین‌الملل به تجزیه و تحلیل مفهوم و نظام‌های امنیتی معطوف است (ابرامیمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). در چند دهه اخیر امنیت دیگر محدود به آرامش پس از جنگ‌های ویران‌گر و توانایی نظامی نشده بلکه به تمام سطوح زندگی مدرن انسان‌ها راه می‌گشاید و مربوط می‌شود، و در تمام ابعاد زندگی انسان مصداق و معنی پیدا می‌کند. و از همین سبب است که به تعریف جدید امنیت یعنی «امنیت فراگیر» تاکید می‌گردد. نکته قابل تامل اینکه امنیت به مفهوم جامع و مطلق خود از دایره دستیابی کامل خارج می‌باشد. به دلیل آنکه مجموعه بزرگی از تهدیدات، خطرات، تردیدها بر سرنوشت همه انسان‌ها سایه افکنده است که رفع تمام این تهدیدات و خطرات از توان انسان‌ها خارج می‌باشد. امنیت عمومی بخشی از امنیت داخلی محسوب می‌شود که منحصراً روابط بین افراد، نهادهای مدنی و بروکراسی دولتی را شامل می‌شود، حال آنکه امنیت داخلی طیف متنوعی از موضوعاتی مثل مسائل مرزی، هدایت اجتماعی و... را در بر می‌گیرد. در واقع امنیت نوع ویژه‌ای از سیاست است که می‌توان آن را به طیف گسترده‌ای از مسائل نسبت داد (بوزان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱). در حال حاضر نیز با توجه به روند فزاینده ناپایداری‌ها، عدم قطعیت‌ها و پیچیدگی‌های محیطی، ماهیت و مظاهر مسائل امنیتی به لحاظ کشف و شناخت دچار تحول و تطوری مضاعف شده‌اند که حل و انکشاف علمی آن‌ها، به ضرورت پژوهش درباره آینده و به صورت ویژه خلق و توسعه روش‌شناسی رایج در این زمینه اهمیت بیشتری داده و آینده پژوهی به جزء جدایی ناپذیر مطالعات امنیتی تبدیل شده است (امینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸).

امنیت ملی

امنیت ملی^۱، که می‌توان آن را جامع‌ترین نماد مفهوم امنیت در سطح ملی دانست، دارای مؤلفه‌ها و ابعادی است که کلیت امنیت ملی نتیجه و برآیند مجموع بردارهایی است که از این ابعاد حاصل می‌شود (لطفی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۶). امنیت ملی امروزه مفهومی چند بعدی و ترکیبی است که با حوزه‌های مختلف

1. National Security

نظامی، طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زیست محیطی، حقوقی و ... ارتباط پیدا می‌کند. بنابراین تأمین و تضمین امنیت ملی برای دستیابی به اهداف ملی مستلزم پروژه‌ای است که سهم هر یک از حوزه‌های یاد شده در آن مشخص شده باشد و ترتیبات کارکردی حوزه‌های یاد شده در آن مشخص شده باشد تا از قبل آن کارکردهای امنیت ملی تحقق پیدا کند (پیشگاهی فرد و احمدی دهکاء، ۱۳۹۱: ۱۶).

در استراتژی کلان هر دولت، امنیت ملی به عنوان اصلی بنیادین به حساب می‌آید (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۱).

بدیهی است که رصد تحولات امنیتی و شناخت ظرفیت‌های تهدیدساز و بحران‌زا، ضمن اینکه به مدیریت امنیت ملی کشور و تأمین منافع ملی کمک می‌کند، مانع از غافل‌گیری و تحمیل خسارت عمده به نظام ج. ا. خواهد شد (کرمی، ۱۳۹۹: ۴۳۷).

تهدید

در ادبیات سیاسی تهدید، عنصر یا وضعیتی است که اهداف، منافع و ارزش‌های حیاتی یک کشور را به خطر اندازد (رفعتی و صنیعی، ۱۳۹۶: ۱۱۸). استفان والت، تهدید و قدرت را دو چیز متفاوت می‌داند و تعریف آن‌ها را نیز متمایز می‌پندارد. همچنین اعتقاد دارد که تهدیدها باعث ایجاد نگرانی امنیتی کشورها در عرصه بین‌الملل می‌شود نه قدرت (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰). والت بر این باور بود که تهدید (و نه قدرت) هسته مرکزی نگرانی‌های امنیتی را تشکیل می‌دهد (ربیعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۵).

در برخی از ادبیات سیاسی-امنیتی، تهدید به معنای توانایی‌ها، نیت و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه، برای ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز خودی به علایق و مقاصد امنیت ملی، یا مداخله به‌نحوی که نیل به علایق و مقاصد به خطر بیفتد؛ تعریف شده است. در پاره‌ای دیگر از ادبیات سیاسی-امنیتی، تهدید به مثابه شکل بالفعل آسیب‌پذیری، تعریف می‌شود (چگینی، ۱۳۹۷: ۱۵۸). تهدیدات هر کشور-دولت، نظام سیاسی و اجتماعی و یا هر جامعه ملی یا بین‌المللی تابع شرایط سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی متناسب با آن می‌باشد، همان‌گونه که کشور-دولت‌ها و ملت‌ها در روندی رو به پیش، متحول می‌شوند، تهدیدات آن‌ها نیز روندی رو به رشد خواهد داشت (همان، ۱۶۳).

امنیت زیست محیطی

مباحث زیست محیطی در نیمه دوم قرن بیستم سیر رشد و تکامل تفوریک خود را گذراندند و در اواخر این قرن وارد فرایندهای عملی جوامع غربی شده و در حوزه‌های سیاسی و سیاست‌گذاری حضور پیدا کردند، ورود این مباحث به حوزه مباحث امنیتی اندکی با تاخیر صورت گرفت و با ظهور مکتب انتقادی و طرح مسائل امنیت زیست محیطی از سوی اندیشمندان این مکتب، به ویژه باری بوزان، این روند شکل گرفته و مورد توجه نهادهای مرتبط در بخش‌های نظری، مطالعاتی، سیاست‌گذاری و اجرایی قرار گرفت (لطفی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۱). در حالی که آگاهی از مسائل محیط زیست و منابع، همگام با تشدید نگرانی

نسبت به آنها افزایش می یابد، درک واقعی موضوعات مزبور از هر زمان دیگر در گذشته سخت تر می شود و این امر ناشی از ناهمبستگی بودن و انتزاعی بودن بسیاری از جنبه های کاهش کیفیت محیط زیست و منابع جهانی است. به عبارت دیگر، مردم در درک روابط علی و معلولی معماهای محیطی دشواری های بیشتری خواهند داشت. و همه به مرور این را درک می کنند که اقدامات عمدی خود انسان ها بیش از فراگردهای غیر قابل اجتناب طبیعی، در بوجود آمدن این مشکلات نقش دارد، و به نوبه خود به بروز خصومت و نارضایتی در درون و بین کشورها منجر می گردد (بوزان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۶). در واقع بحث محیط زیست و مسائل زیست محیطی ارتباط مستقیم با حیات و زندگی جمعی انسان دارد، زیرا هر نوع عارضه و اثر منفی بر محیط زیست، اثر زیان بار بر حیات انسانی دارد، بدون شک، محیط زیست با جستارهای توسعه و امنیت واحدهای سیاسی نسبت مستقیم داشته است به گونه ای که هر گونه اختلال در کارکرد عناصر سازنده زیست بوم ها و زیست کره، زیست و مدنیت بشر را تهدید می کند (کاویانی راد، ۱۳۹۰: ۸۶). به باور بسیاری از پژوهشگران، مهم ترین مسئله امنیت ملی سده بیست و یکم، محیط زیست خواهد بود. به گونه ای که الگوی روابط بین الملل تحت تأثیر عامل محیط زیست دچار تحول شده و ساخته شدن واژه اکوپولیتیک خود از شکل گیری این روند حکایت می کند (کاویانی راد، ۱۳۸۸: ۱۶). امروزه ارتباط و هم گرایی میان مفهوم امنیت بین المللی و نگرانی های زیست محیطی بیش از پیش خود را نشان می دهد (مشهدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۴). و مؤلفه محیط زیست می تواند به طور مؤثر در عملکرد سازمانی و نحوه مدیریت سیستم های اقتصادی و اجتماعی نقش داشته باشد (Albekov et al, 2017: 15). امنیت زیست محیطی را در یک دسته بندی کلی می توان در سه سطح تقسیم بندی نمود: سطح فردی (گروه های انسانی کوچک)، سطح دولتی که آن را با امنیت دولت ها مرتبط می داند و سطح جهانی و مخاطرات محیطی جهانی ناشی از تخریب زیست کره. (Schilling et al, 2017: 6-7)

آینده پژوهی

برنامه ریزی اگر قرار است موفق باشد باید نگاهی جستجوگر و طولانی به آینده داشته باشد (رنجبر حیدری و همکاران، ۱۳۹۵: ۸). روش های مطالعات آینده عموماً برای کمک به درک بهتر احتمالات آینده به منظور اخذ تصمیمات بهتر در زمان کنونی طراحی شده اند (منزوی بزرگی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۱). با ظهور علم آینده نگاری و استفاده وسیع از قابلیت های آن، روش ها و فنون آینده نگاری وارد بطن برنامه ریزی شده است (مبنائی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷). آینده پژوهی حوزه ای میان رشته ای است که دربرگیرنده مجموعه تلاش هایی برای ارائه تصاویر و بدیل هایی از آینده است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۸). مقصود آینده پژوهی فراهم کردن پاسخ های بر پایه دانش، بر مبنای آنالیز متغیرهای استراتژیک یا کلیدی و تحلیل رفتار پیشران های مربوطه جهت تدوین سناریوها و ارائه استراتژی های لازم دستیابی به این سناریوها می باشد (Georghiou et al,

2012). در واقع آینده‌پژوهی، اصول و روش مطالعه و سپس تصمیم‌گیری، طرح ریزی و اقدام در خصوص علوم و فناوری مرتبط با آینده است که با شناسایی متغیرها و پیش‌رانهایی که بر آینده موضوع مورد پژوهش اثر می‌گذارند می‌توان به درک نسبی در زمینه مورد نظر دست یافت و به پیش‌بینی آینده‌های محتمل پرداخت (وقوفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۲-۹۳).

نرم افزار میک مک

نرم افزار میک مک نخستین بار در اندیشکده تحقیقاتی در زمینه راهبردی مربوط به آینده و سازمان، توسط میشل گودت در کشور فرانسه بوجود آمد (Godet, 1999: 58). این روش با تجزیه و تحلیل ساختاری، که در آن ساختار به عنوان یک واقعیت تحت عنوان یک سیستم مورد مطالعه است در ارتباط می‌باشد (Mojica, 2005: 83). در عین حال این روش به ملاحظه متغیرهای کیفی و کاوش آینده‌های چندگانه و نامعلوم می‌پردازد (Jiménez, 2009: 111).

روش شناسی تحقیق:

نوع تحقیق صورت پذیرفته از لحاظ نتیجه و هدف کاربردی می‌باشد، و گردآوری اطلاعات به روش اسنادی، کتابخانه‌ای و استفاده از نظر خبرگان بوده، ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری شامل خبرگان (اساتید اعضاء هیئت علمی-دانشگاه تهران و دانشجویان مقطع دکتری و پژوهش‌گران و محققین دارای زمینه علمی مرتبط با موضوع تحقیق) می‌باشند. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق بر اساس روش هدفمند، به این صورت بود که تلاش گردید تا حد امکان شاخص‌ترین افراد در حوزه مورد بحث برای پاسخ‌گویی و نظرخواهی انتخاب شوند که در همین راستا حجم نمونه تعداد ۹ نفر انتخاب گردید. در ابتدا تعداد ۴۴ شاخص تأثیرگذار بر امنیت زیست محیطی ایران احصاء و در گام دوم با تشکیل پانل خبرگی شاخص‌های مشابه با یکدیگر ادغام و تعداد ۲۰ شاخص مشخص گردید و در ادامه به منظور تعیین عوامل مهم و پراهمیت با استفاده از مدل فریدمن و پرسشنامه طیف لیکرت تعداد ۱۰ شاخص مهم و اثرگذار تعیین و در انتها با استفاده از به کارگیری روش تحلیل ماتریس متقاطع (اثرات متقابل)، اقدام به پیمایش و وزندهی عوامل و تعیین عوامل مؤثر و پراهمیت نموده و با استفاده از نرم‌افزار آینده‌پژوهی میک مک عوامل کلیدی و تأثیرگذار تعیین و مشخص گردیدند.

جدول (۲)- توصیف پاسخ‌گویان

عنوان	ویژگی پاسخ‌گویان	فراوانی
جنسیت	مرد	۷
	زن	۲

عنوان	ویژگی پاسخ‌گویان	فراوانی
سن	۴۰-۳۰	۲
	۵۰-۴۰	۴
	۶۰-۵۰	۳
تحصیلات	دکتری	۶
	دانشجوی دکتری	۳
شغل	استاد دانشگاه	۵
	دانشجو	۳
	پژوهش‌گر	۱
حوزه تخصصی مورد فعالیت	محیط‌زیست	۴
	جغرافیای سیاسی	۳
	آینده‌پژوهی	۱
	بیوتکنولوژی	۱
سابقه کار در زمینه مورد مطالعه	۱۰-۵ سال	۴
	۱۵-۱۰ سال	۳
	۲۰-۱۵ سال	۲

یافته‌های تحقیق:

در گام نخست، به منظور شناسایی و مشخص نمودن عوامل تأثیرگذار بر امنیت زیست محیطی ایران، با مرور کتب و مقالات علمی مرتبط با زمینه پژوهش و همچنین انجام مصاحبه و توزیع پرسشنامه میان تعداد ۹ نفر از خبرگان، تعداد ۴۴ عامل به‌عنوان پیشران‌های تأثیرگذار بر موضوع مورد بحث مطابق جدول شماره (۳) مورد شناسایی واقع گردیدند.

جدول (۳) - پیشران‌های مؤثر بر امنیت زیست محیطی ایران

R	عنوان عامل	R	عنوان عامل
۱	تغییرات آب و هوا	۲۳	استفاده غیر اصولی از کود، سموم آفت کش‌ها و علف کش‌ها
۲	کاهش منابع آبی	۲۴	عدم پشتوانه قانونی مؤثر جهت اعمال ضوابط زیست محیطی
۳	کاهش میزان بارندگی	۲۵	افزایش جمعیت کشور

۴	بهره برداری بی رویه از منابع آبی کشور	۲۶	تخلیه فاضلاب های صنعتی، بیمارستانی و شهری در رودخانه ها
۵	وقوع درگیری بر سر منابع آبی	۲۷	دفع سنتی زباله ها در طبیعت
۶	افزایش ریزگردها در مناطق غربی و جنوب غربی	۲۸	افزایش و پراکندگی سکونت گاه های شهری
۷	گرم شدن زمین	۲۹	خشک شدن دریاچه ها و رودخانه ها
۸	بروز خشکسالی	۳۰	رشد و پیشرفت دانش بیوتکنولوژی، مهندسی ژنتیک و بیولوژی مولکولی
۹	پدیده نشست زمین	۳۱	دستکاری و نوترکیبی ژن ها در محصولات کشاورزی
۱۰	وقوع سیل و طوفان	۳۲	افزایش محصولات تراریخته کشاورزی
۱۱	وقوع زلزله	۳۳	شناسایی عوامل مولکولی بیماری زا
۱۲	استخراج و بهره برداری بی رویه و غیر اصولی منابع طبیعی و معدنی	۳۴	تهدیدات اگروتروریسم
۱۳	کاهش منابع حیاتی و زیرزمینی کشور	۳۵	افزایش مقاومت دارویی گیاهان
۱۴	سدسازی غیراصولی	۳۶	افزایش قدرت همه گیری محصولات کشاورزی
۱۵	انتقال سرچشمه های آبی زاگرس به فلات مرکزی	۳۷	شکار بی رویه و غیر مجاز
۱۶	کاهش کیفیت منابع آب از طریق پساب صنایع و شهرها	۳۸	بروز بیماری های دام ها (تب برفکی و ...)
۱۷	بهره برداری سنتی از منابع آبی در کشاورزی	۳۹	تنوع آفت های کشاورزی
۱۸	چرای بی رویه و غیر اصولی دام ها	۴۰	استفاده گسترده از آفت کش ها
۱۹	گسترش ویروس های کشنده جدید انسانی در جهان (ایبولا، کرونا و ...)	۴۱	واردات محصولات استراتژیک کشاورزی (گندم، برنج و ...) و وابستگی به خارج
۲۰	فرسایش گسترده سطح خاک	۴۲	افزایش مهاجرت از روستا به شهر
۲۱	نابودی پوشش گیاهی و جنگلی	۴۳	کاهش تمایل روستا نشینان به کشت وسیع
۲۲	تبدیل و تغییر کاربری اراضی طبیعی	۴۴	فرهنگ حاکم بر جامعه

در گام دوم، بر اساس روش پانل خبرگی از کارشناسان مربوط خواسته شد تا با بررسی مجدد و دقیق، تعدادی از پیشران‌ها که دارای اشتراک و شباهت می‌باشند را شناسایی و تجمیع نموده که ماحصل کار احصاء تعداد

۲۰ عامل به شرح جدول شماره (۴) می‌باشد.

جدول (۴) - تجميع عوامل مؤثر بر امنیت زیست محیطی ایران

R	عنوان عامل	R	عنوان عامل
۱	تغییرات آب و هوا، گرم شدن زمین، بهره برداری بی رویه از منابع آبی کشور و بروز خشکسالی و پدیده نشست زمین	۱۱	سدسازی غیر اصولی، انتقال سرچشمه‌های آبی زاگرس به فلات مرکزی و خشک شدن دریاچه‌ها و رودخانه‌های کشور
۲	کاهش میزان بارندگی، کاهش منابع آبی و وقوع درگیری بر سر منابع آبی	۱۲	دفع سنتی زباله‌ها در طبیعت و تخلیه فاضلاب‌های صنعتی، بیمارستانی و شهری در رودخانه‌ها
۳	افزایش ریزگردها در مناطق غربی و جنوب غربی کشور	۱۳	افزایش جمعیت کشور و تبدیل و تغییر کاربری اراضی طبیعی کشور و فرهنگ حاکم بر جامعه
۴	وقوع سیل، طوفان و زلزله	۱۴	افزایش و پراکندگی سکونت گاه‌های شهری
۵	استخراج و بهره برداری بی رویه و غیر اصولی منابع طبیعی و معدنی و کاهش منابع حیاتی و زیرزمینی کشور	۱۵	رشد و پیشرفت دانش بیوتکنولوژی، مهندسی ژنتیک و بیولوژی مولکولی و شناسایی عوامل مولکولی بیماری‌زا و افزایش مقاومت دارویی گیاهان
۶	کاهش کیفیت منابع آب از طریق پساب صنایع و شهرها	۱۶	تهدیدات اگروتروریسم، دستکاری و نوترکیبی ژن‌ها در محصولات کشاورزی و افزایش کشاورزی تراریخته کشاورزی
۷	بهره برداری سنتی از منابع آبی در کشاورزی	۱۷	افزایش قدرت همه گیری محصولات کشاورزی و تنوع آفت‌های کشاورزی و استفاده گسترده از آفت کش‌ها
۸	چرای بی رویه و غیر اصولی دام‌ها و نابودی پوشش گیاهی و جنگلی و فرسایش گسترده سطح خاک	۱۸	گسترش ویروس‌های کشنده جدید انسانی در جهان (ابولا و ...) و بروز بیماری‌های دام‌ها (تب برفکی و ...)
۹	استفاده غیر اصولی از کود، سموم آفت کش‌ها و علف کش‌ها	۱۹	واردات محصولات استراتژیک کشاورزی (گندم، برنج و ...) و وابستگی به خارج
۱۰	عدم پشتوانه قانونی مؤثر جهت اعمال ضوابط زیست محیطی و شکار بی رویه و غیر مجاز	۲۰	افزایش مهاجرت از روستا به شهر و کاهش تمایل روستا نشینان به کشت و سیع کشاورزی

در گام سوم، پرسش‌نامه‌ای جهت بررسی ارزش هر کدام از عوامل تهیه گردید و در اختیار خبرگان قرار گرفت. که با بهره‌گیری از مدل فریدمن، و بر اساس معدل‌گیری ۱ تا ۵ (طیف لیکرت)، میانگین ۲٫۷ بدست آمد. و از میان ۲۰ عامل شناسایی شده در مرحله قبل تعداد ۱۰ عامل که نمره‌ای کمتر از میانگین

گرفته بودند از میان عوامل حذف گردید و در نهایت تعداد ۱۰ عامل مطابق جدول شماره (۵) برای بررسی نهایی انتخاب گردید.

جدول (۵) - عوامل نهایی مؤثر بر امنیت زیست محیطی ایران

R	عنوان عامل	R	عنوان عامل
۱	کاهش میزان بارندگی، کاهش منابع آبی و وقوع درگیری بر سر منابع آبی	۶	تهدیدات اگروتوروریسم، دستکاری و نوترکیبی ژن‌ها در محصولات کشاورزی و افزایش محصولات تراریخته کشاورزی
۲	افزایش ریزگردها در مناطق غربی و جنوب غربی کشور	۷	گسترش ویروس‌های کشنده جدید انسانی در جهان (ابولا و ...) و بروز بیماری‌های دام‌ها (تب برفکی و ...)
۳	واردات محصولات استراتژیک کشاورزی (گندم، برنج و ...) و وابستگی به خارج	۸	افزایش قدرت همه‌گیری محصولات کشاورزی و تنوع آفت‌های کشاورزی و استفاده گسترده از آفت‌کش‌ها
۴	سدسازی غیراصولی، انتقال سرچشمه‌های آبی زاگرس به فلات مرکزی و خشک شدن دریاچه‌ها و رودخانه‌های کشور	۹	استخراج و بهره‌برداری بی‌رویه و غیراصولی منابع طبیعی و معدنی و کاهش منابع حیاتی و زیرزمینی کشور
۵	افزایش مهاجرت از روستا به شهر و کاهش تمایل روستا نشینان به کشت و صنعت کشاورزی	۱۰	رشد و پیشرفت دانش بیوتکنولوژی، مهندسی ژنتیک و بیولوژی مولکولی و شناسایی عوامل مولکولی بیماری‌زا و افزایش مقاومت دارویی گیاهان

در گام چهارم، جهت وارد کردن ۱۰ عامل نهایی بدست آمده در نرم افزار میک مک می‌بایست آن‌ها را به اختصار نام‌گذاری (کدگذاری) نمود. به همین منظور مطابق جدول شماره (۶) عناوین تخصیص داده شده به هر یک از عوامل را مشاهده می‌کنیم. نام‌گذاری این عوامل می‌بایست به صورت نام کوتاه^۱ و نام بلند^۲ انجام پذیرد.

جدول (۶) - کدگذاری عوامل جهت ورود در نرم افزار میک مک

R	Long Label	Short label
۱	کاهش میزان بارندگی، کاهش منابع آبی و وقوع درگیری بر سر منابع آبی	a
۲	افزایش ریزگردها در مناطق غربی و جنوب غربی کشور	b
۳	واردات محصولات استراتژیک کشاورزی (گندم، برنج و ...) و وابستگی به خارج	C

1. Short lable

2. Long Lable

۴	سدسازی غیراصولی، انتقال سرچشمه‌های آبی زاگرس به فلات مرکزی و خشک شدن دریاچه‌ها و رودخانه‌های کشور	d
۵	افزایش مهاجرت از روستا به شهر و کاهش تمایل روستا نشینان به کشت و سیع کشاورزی	e
۶	تهدیدات اگروتروریسم، دستکاری و نوترکیبی ژن‌ها در محصولات کشاورزی و افزایش محصولات تراریخته کشاورزی	f
۷	گسترش ویروس‌های کشنده جدید انسانی در جهان (ایولا و ...) و بروز بیماری‌های دام‌ها (تب برفکی و...)	g
۸	افزایش قدرت همه‌گیری محصولات کشاورزی و تنوع آفت‌های کشاورزی و استفاده گسترده از آفت‌کش‌ها	h
۹	استخراج و بهره‌برداری بی‌رویه و غیراصولی منابع طبیعی و معدنی و کاهش منابع حیاتی و زیرزمینی کشور	i
۱۰	رشد و پیشرفت دانش بیوتکنولوژی، مهندسی ژنتیک و بیولوژی مولکولی و شناسایی عوامل مولکولی بیماری‌زا و افزایش مقاومت دارویی گیاهان	k

در گام پنجم، با کمک و استفاده از خبرگان امتیازاتی در بازه صفر تا سه به میزان اثرگذاری عوامل بر یکدیگر داده می‌شود. حاصل کار مطابق جدول شماره (۷) یک ماتریس 10×10 می‌باشد.

جدول (۷) - ماتریس اثرات متقابل عوامل مؤثر بر امنیت زیست محیطی کشور بر یکدیگر

	1 : a	2 : b	3 : c	4 : d	5 : e	6 : f	7 : g	8 : h	9 : i	10 : k
1 : a	0	2	2	3	1	3	2	2	3	2
2 : b	1	0	1	2	1	3	2	3	2	3
3 : c	2	1	0	2	3	1	3	1	0	3
4 : d	3	1	3	0	2	3	3	3	1	0
5 : e	2	1	0	1	0	3	2	1	3	1
6 : f	3	1	2	3	2	0	3	3	0	2
7 : g	3	2	1	3	1	2	0	2	2	1
8 : h	3	2	1	3	0	3	0	0	2	1
9 : i	1	1	2	2	0	2	1	3	0	1
10 : k	3	2	3	1	2	2	1	2	1	0

© LPSOR-EPTA-MICMAC

بر اساس خروجی اولیه نرم افزار، مطابق جدول شماره (۸) میزان درجه پرشدگی ماتریس ۸۳٪ است، که این رقم نشان دهنده این است که بیش از دو سوم موارد، عوامل بر یکدیگر تأثیرگذار بوده‌اند.

جدول (۸) - آمار داده‌های ورودی ماتریس

ابعاد ماتریس	تعداد تکرار	تعداد صفر	تعداد یک	تعداد دو	تعداد سه	جمع	درجه پرشدگی
۱۰	۳	۱۷	۳۶	۲۹	۲۸	۸۳	۸۳٪

لازم به ذکر است مطابق جدول شماره (۹) نرم افزار میک مک با استفاده از شاخص‌های آماری به محاسبه پایداری مجموعه می‌پردازد و در پژوهش انجام شده با سه بار چرخش داده‌ای، تأثیرهای مستقیم از مطلوبیت و پایداری ۱۰۰٪ بهره مند است که نشان دهنده روانی و پایایی بالای پرسش نامه و پاسخ‌های آن می‌باشد.

جدول (۹) - میزان پایداری تأثیرات مستقیم

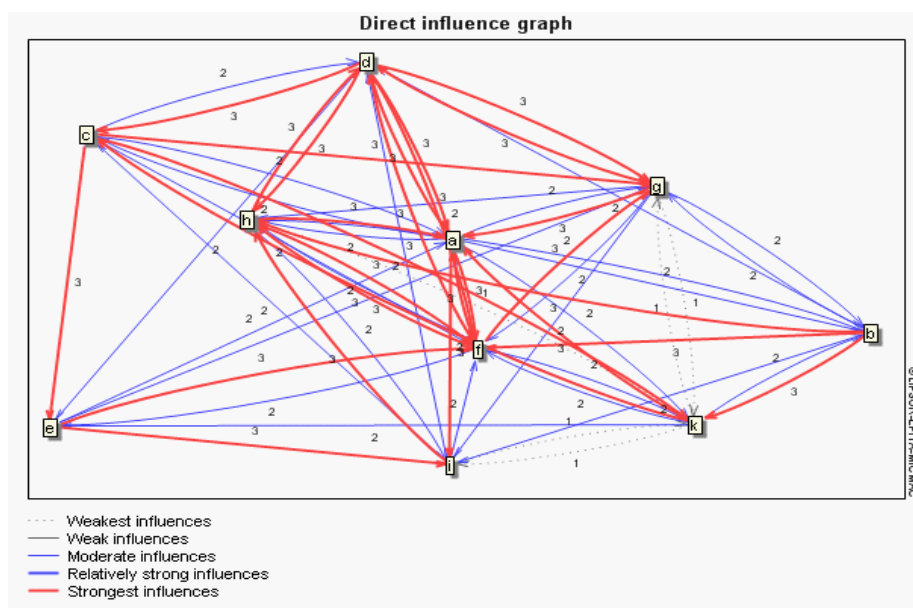
تأثیر پذیری	تأثیر گذاری	تکرار
۱۰۰٪	۹۲٪	۱
۱۰۰٪	۱۰۰٪	۲
۱۰۰٪	۱۰۰٪	۳

در تحلیل ماتریس متقاطع جمع اعداد هر سطر بیانگر میزان اثرگذاری عامل آن سطر و جمع اعداد هر ستون بیانگر میزان اثرپذیری عامل مربوط به آن است. همان‌طور که در جدول شماره (۱۰) مشخص است عامل «کاهش میزان بارندگی، کاهش منابع آبی و وقوع درگیری بر سر منابع آبی»، از بیشترین میزان اثرگذاری در میان عامل‌های موجود برخوردار است و عامل «تهدیدات آگروتوریسم، دستکاری و نوترکیبی ژن‌ها در محصولات کشاورزی و افزایش محصولات تراریخته کشاورزی» بیشترین اثر پذیری را از دیگر عوامل دارد.

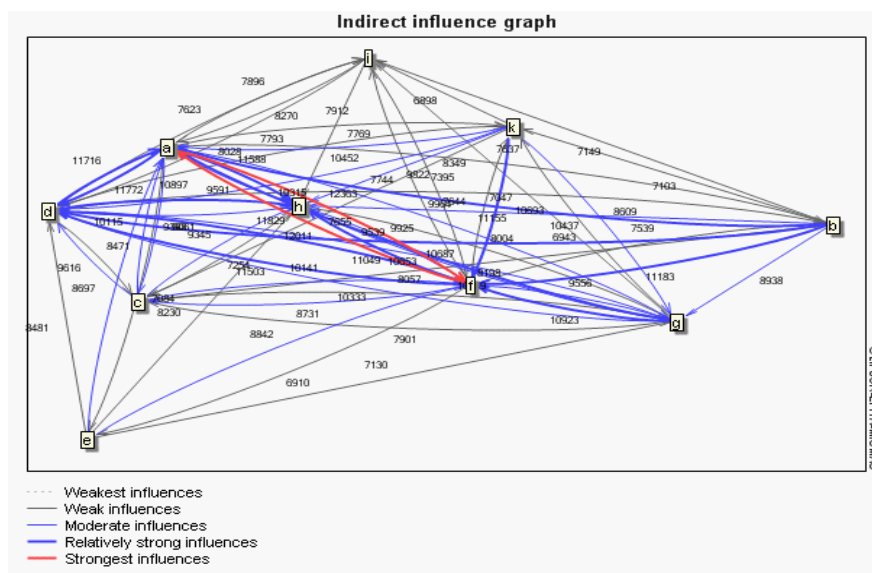
جدول (۱۰) - مجموع نمره‌های عوامل در هر سطر و ستون ماتریس

R	عامل	مجموع ارقام سطر	مجموع ارقام ستون
۱	کاهش میزان بارندگی، کاهش منابع آبی و وقوع درگیری بر سر منابع آبی	۲۰	۲۱
۲	افزایش ریزگردها در مناطق غربی و جنوب غربی کشور	۱۸	۱۳
۳	واردات محصولات استراتژیک کشاورزی (گندم، برنج و...) و وابستگی به خارج	۱۶	۱۵
۴	سدسازی غیراصولی، انتقال سرچشمه‌های آبی زاگرس به فلات مرکزی و خشک شدن دریاچه‌ها و رودخانه‌های کشور	۱۹	۲۰
۵	افزایش مهاجرت از روستا به شهر و کاهش تمایل روستا نشینان به کشت و صنعت کشاورزی	۱۴	۱۲

شناخته می‌شوند. به این معنی که چون عوامل بر مجموعه اثرگذاری بالایی دارند و در عین حال به میزان زیادی از مجموعه اثر می‌پذیرند، به‌عنوان عوامل کلیدی موثر بر امنیت زیست محیطی ایران شناخته می‌شوند. نمودارهای تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل مطابق شکل‌های شماره (۲) و (۳)، می‌باشد، نمودار اثرگذاری نشان‌دهنده روابط متغیرها و چگونگی اثرگذاری آنها بر همدیگر است. این نمودار در قالب خطوط قرمز، آبی و نقطه‌چین ترسیم می‌گردد. به این صورت که خطوط قرمز با مقدار عددی سه با توجه به شدت اثرگذاری بیشتر ضخیم‌تر بوده و خطوط آبی با مقدار عددی دو با تفاوت در ضخامت، روابط متوسط را نشان می‌دهد. خطوطی که به صورت نقطه‌چین نمایش داده شده‌است بیانگر وجود اثرگذاری ضعیف عوامل بر یکدیگر بوده و با مقدار عددی یک مشخص شده‌است. انتهای هر بردار بیانگر جهت اثرگذاری عامل است. تعداد بردارهایی که به یک عامل وارد و یا از آن خارج می‌شوند نشان‌دهنده میزان اثرپذیری و اثرگذاری عامل مذکور بوده و این تعداد هرچه بیشتر باشد میزان اهمیت عوامل به صورت مستقیم و غیر مستقیم بیشتر است. همانطور که در شکل (۲) و (۳) مشاهده می‌شود عوامل کلیدی ذکر شده (a-d-f) بیشترین ارتباط را با دیگر عوامل دارند و در نقش گره‌های اصلی گراف روابط متقابل می‌باشند، که این به معنای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالای عوامل کلیدی نسبت به سایر عوامل می‌باشد.



شکل (۲)- نمودار تأثیرات مستقیم - منبع (محقق ساخته)



شکل (۳)- نمودار تأثیرات غیر مستقیم - منبع (محقق ساخته)

نتیجه گیری

با توجه به سوال مطرح شده در ابتدای تحقیق با عنوان مهم‌ترین شاخص‌ها و عوامل کلیدی تأثیرگذار بر آینده امنیت زیست محیطی کشور در افق زمانی ۱۴۰۸ چیست؟ از میان ۴۴ عامل کلی مؤثر و تجمیع‌نهایی آن‌ها و نتایج حاصل از خروجی نرم افزار میک مک سه عامل کلیدی:

۱. کاهش میزان بارندگی، کاهش منابع آبی و وقوع درگیری بر سر منابع آبی
۲. تهدیدات آگروتروریسم، دستکاری و نوترکیبی ژن‌ها در محصولات کشاورزی و افزایش محصولات تراریخته کشاورزی

۳. سدسازی غیراصولی، انتقال سرچشمه‌های آبی زاگرس به فلات مرکزی و خشک شدن دریاچه‌ها و رودخانه‌های کشور

به‌عنوان مهم‌ترین و کلیدی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر آینده امنیت زیست محیطی کشور و منبع بالقوه تهدید زیست محیطی مورد شناسایی قرار گرفتند.

با توجه به نتایج به دست آمده، از تهدیدات زیست محیطی متصور، سه حوزه کلی مورد اشاره در این زمینه، که در افق ده ساله پیش‌رو می‌توانند امنیت ملی کشور و به تبع آن منافع ملی و حیاتی کشور را به خطر انداخته و کشور را با چالش اساسی مواجه سازد، یکی حوزه کمبود روز افزون منابع آبی کشور و احتمال وقوع درگیری‌های منطقه‌ای و محلی بر سر نحوه تصاحب و بهره‌برداری از منابع آبی که با توجه به حاکم بودن

اقلیم خشک و نیمه بیابانی در کشور و مساحت عظیم نواحی کم آب به خصوص در بخش مرکزی کشور، کمبود منابع آبی در کنار افزایش فزاینده جمعیت و تقاضای مصرف در بخش‌های مصارف شهری و صنعتی به خصوص استفاده بی‌رویه و غیراصولی از آب در بخش کشاورزی، آب را به کالای استراتژیک بدل نموده و شاهد تنش بر سر نحوه تقسیم منابع آبی در مناطق مختلف کشور خواهیم بود، که در صورت بروز تنش و درگیری به عنوان بحرانی اساسی در سطح محلی و منطقه‌ای امنیت داخلی را با تهدید جدی مواجه خواهد نمود. از دیگر اثرات منفی کم آبی افزایش مهاجرت کشاورزان و روستائیان و گسترش حاشیه‌نشینی در کلان شهرها و معضلات اجتماعی-فرهنگی ناشی از آن می‌باشد. بنابراین بحران کمبود منابع آبی در یک دهه آینده به عنوان یک چالش پایدار، امنیت داخلی و ملی کشور را مورد تهدید قرار خواهد داد. و در سالیان اخیر نیز، کم و بیش با این تهدید به خصوص در استان‌های مرکزی از قبیل اصفهان مواجه بوده‌ایم.

حوزه دیگر ضعف مدیریتی در رابطه با تصویب و بهره‌برداری از پروژه‌های گسترده سدسازی غیراصولی و بدون در نظر گرفتن شرایط و عواقب احتمالی ناشی از تخریب زیست‌محیطی ناشی از آن می‌باشد که منجر به خشکی دریاچه‌ها و تالاب‌ها و گسترش ریزگردها در کشور و زهدار شدن و شوری اراضی و مزارع کشاورزی گردیده است. برای نمونه سد گئوند اب کارون را تا ۱۰ برابر شورتر کرده است یا ساخت سدهای غیر اصولی منجر به خشک شدن دریاچه ارومیه گردیده است. و به یقین در آینده نه چندان دور عواقب و چالش‌های خاص خود را به همراه خواهد داشت. و حوزه آخر تهدیدات آگروتوریسم و یا به عبارتی بیوتوریسم کشاورزی می‌باشد که ابعاد بسیار گسترده‌ای از جمله زیان‌های هنگفت اقتصادی، از دست دادن توان فراهم‌سازی نیاز غذایی جامعه، نابودی صنعت کشاورزی یک کشور، تهدید جدی تأمین محصولات استراتژیک کشاورزی، هدف قراردادن بهداشت عمومی جامعه، ایجاد هرج و مرج و از دست دادن اعتماد افراد جامعه نسبت به مسئولین و در نهایت از بین بردن توان مقاومت کشور و در نتیجه شکست کامل کشور با کمترین هزینه را دربر می‌گیرد. در این زمینه شواهد و قرائن حاکی از آن است که به صرفه‌ترین و اثربخش‌ترین رویکرد به خصوص برای گروه‌های تروریستی و کشورهای پیشرفته دارای دانش به روز بیوتکنولوژی، استفاده و بهره‌برداری از این دانش علیه کشورهای هدف می‌باشد و در صورت غفلت از این مهم بدون تردید دولت و جامعه متحمل شکستی سخت و جبران ناپذیر به خصوص در بحث تأمین زنجیره غذایی مورد نیاز کشور خواهد شد.

در نهایت بدون تردید مهم‌ترین رویکرد و توصیه سیاستی برای مقابله با بحران‌هایی از این قبیل، مدیریت سریع و کارآمد می‌باشد، برنامه‌ریزی دقیق، هدایت صحیح و اصولی نهادهای مسئول منجر به کاهش ابعاد فاجعه خواهد گردید، در حالی که نداشتن راه کارهای مناسب و عدم اجرای صحیح و بموقع سازوکارهای موجود نتایج عکس داشته و در برخی موارد حتی باعث خارج شدن اوضاع از کنترل خواهد شد. بنابراین با لحاظ نمودن و سر لوحه قرار دادن این شعار که پیش‌گیری از وقوع تهدیدات مهم‌تر و بهتر از مقابله با آن بعد از

وقوع می‌باشد، می‌توان تا حد زیادی جلوی خسارات و لطمات متصور از این ناحیه را گرفت. لذا امید است دولت و مسئولین حوزه امنیتی کشور بیش از پیش به مشکلات و مسائل حوزه زیست محیطی کشور به خصوص سه عامل کلیدی تأثیرگذار بدست آمده از نتایج این پژوهش توجه نموده و در سطح بالایی از درجه اهمیت در بحث امنیت ملی کشور قرار گیرند. و تمهیدات لازم را به عمل آورده و ارگان‌هایی از قبیل وزارت بهداشت و درمان و جهاد کشاورزی و سازمان پدافند غیرعامل و سازمان محیط‌زیست در تعامل با هم با تشکیل کارگروه‌های مشترک راه کارهای مقابله با تهدیدات متصور را بررسی و برنامه‌ریزی لازم را در این خصوص به عمل آورند.

راه کار و پیشنهاد:

مهم‌ترین راه کارهای اجرایی در خصوص کاهش تهدیدات ناشی از سه حوزه مورد بحث (نتایج حاصل از تحقیق) به شرح ذیل می‌باشد:

۱. افزایش مشارکت و نقش نهادهای غیردولتی و مردم نهاد حامی محیط زیست؛ ۲. تدوین و توسعه برنامه مدیریت پایدار و علمی منابع آبی؛ ۳. افزایش بودجه نهادها و ارگان‌های مرتبط با تأمین امنیت زیست محیطی؛ ۴. استفاده و کمک از ظرفیت و توان نیروهای مسلح کشور در حراست از محیط زیست و حل مشکلات مربوطه؛ ۵. توجه و تأکید به امر آموزش، فرهنگ سازی و افزایش آگاهی عمومی جامعه در ارتباط با اهمیت زیست بوم؛ ۶. لزوم قانون گذاری و تصویب قوانین جامع در زمینه نحوه و میزان بهره‌برداری از منابع آبی؛ ۷. استقرار و تقویت نظام‌های مراقبت از بیماری‌های انسانی، دامی و کشاورزی و سیستم‌های تشخیص به موقع و اقدامات پیشگیری؛ ۸. برقراری و گسترش تجهیزات آزمایشگاهی و پایش سلامتی در مناطق مختلف کشور متناسب با تهدیدات آگروتوریسم؛ ۹. رصد دائمی تحولات؛ اختصاص بودجه سالیانه مشخص در زمینه برنامه‌ریزی جهت مقابله با تهدیدات آگروتوریسم؛ ۱۰. آموزش و اصلاح الگوی مصرف به خصوص در حوزه مصارف خانگی و کشاورزی؛ ۱۱. بکارگیری و توسعه فناوری‌های نوین کاهش مصرف آب؛ ۱۲. ارتقاء فناوری‌های بخش تصفیه و بازیافت فاضلاب؛ ۱۳. بهبود شیوه‌های کشت نوین کشاورزی و شیوه‌های کشت کم مصرف؛ ۱۴. تغییر رویکرد تأمین آب با حفر قنات با توجه به طبیعت ایران به جای حفر چاه؛ ۱۵. تغییر استراتژی تأمین آب کشور از دریا به جای برنامه‌ریزی در خشکی.

در نهایت پیشنهاد می‌گردد با توجه به شاخص‌های نحایی احصاء گردیده و سه عامل کلیدی بدست آمده تأثیرگذار در آینده امنیت زیست محیطی کشور در این پژوهش، در تحقیقات آتی، سناریوهای محتمل آینده امنیت زیست محیطی کشور به یکی از دو روش: استفاده از نرم افزار تحلیل بازیگر MACTOR یا نرم افزار سناریونویسی WIZARD مورد تدوین قرار گیرد.

منابع

- ابراهیمی، شهروز، ستوده، علی اصغر و شیخون، احسان (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم»، دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۲، شماره ۱.
- امینی، سید جواد، سلیمی، حسین، نوروزی، محسن و مبینی، محمد (۱۳۹۹)، «کاربست روش‌های آینده‌پژوهی در مطالعات امنیتی با تأکید بر تکنیک سناریونویسی GBN»، فصلنامه امنیت ملی، سال دهم، شماره ۷:۳۵-۳۴.
- بوزان، باری، الی ویور و پاپ دووید (۱۳۹۲)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. ترجمه علی رضا طیب، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیر انتفاعی.
- پیشگاهی فرد، زهرا و احمدی دهکاء، فریبرز (۱۳۹۱)، مقدمه ای بر روش های شناخت تهدیدات امنیت ملی در ایران. چاپ اول، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- تمیمی، عبدالواحد (قرن پنجم)، «غرر الحکم و درر الکلم»، جلد ۲.
- جعفری، علی اکبر (۱۳۹۲)، «استراتژی «موازنه تهدید» و امنیت دولت های اسلامی منطقه خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره ۷.
- چگینی، عباس (۱۳۹۷)، «نقش هویت ملی در مقابله با تهدیدات آینده، فصلنامه سیاست دفاعی»، سال ۲۷، شماره ۱۰۵: ۱۴۵-۱۷۳.
- ربیعی، حسین، نقدی، جعفر و نجفی، سجاد (۱۳۹۶)، «بحران سوریه و امنیت ملی ایران از دیدگاه نظریه موازنه تهدید»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره ۳۰.
- رشیدزاده، فتح‌الله و کرمی، رضا (۱۳۹۷)، «تحلیل امنیت هستی‌شناختی در اندیشه سیاسی فرمانده معظم کل قوا»، فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره ۲۷.
- رفعتی، حمیدرضا و صنیعی، محمدحسین (۱۳۹۶)، «برآورد تهدیدات سیاسی با رویکرد کنترل و مهار و نقش آن در ارتقای امنیت ملی»، فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و پنجم.
- رنجبر حیدری، وحید، قربانی، ارسلان، سیمیر، رضا، حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۵)، «شناسایی و تبیین عوامل و پیشرانهای مؤثر بر روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس در افق ده ساله با بهره‌گیری از روش میک‌مک»، مجله آینده پژوهی دفاعی، سال اول، شماره ۲.
- سیمیر، رضا، پادروند، مهدی و عزتی، محسن (۱۳۹۶)، «بررسی سیاست خارجی ایران در بحران سوریه با تأکید بر نظریه موازنه تهدید (۲۰۱۷-۲۰۱۱)»، دوفصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سال سوم، شماره اول.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۸)، «بوم‌شناسی سیاسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۲، شماره ۳.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۹۰)، «امنیت زیست محیطی از منظر ژئوپلیتیک»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۲۰، شماره ۲۳.

- کرمی، رضا (۱۳۹۹)، «مدیریت چالش‌های امنیتی در جنوب غرب آسیا (مطالعه موردی افراط‌گرایی مذهبی)»، فصلنامه امنیت ملی، سال دهم، شماره ۳۵: ۴۳۳-۴۶۴.
- لطفی، حیدر، نامی، محمد حسن، حسن پور، جعفر و بحیرایی، حمید (۱۳۹۰)، «امنیت زیست محیطی و سیاستگذاری امنیت ملی»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره ۴.
- مشهدی، علی، سالم، بهنام و نیایی، امید (۱۳۹۸)، «تروریسم زیست محیطی: تحلیل ساختارشناختی انواع و مرتکبان آن»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال ۲۷، شماره ۱۰۶: ۱۱۳-۱۴۱.
- منزوی بزرگی، جواد، احمدی، صادق و علیی، محمدولی (۱۳۹۷)، «آینده پژوهی امنیت گذار و سیاست‌های جمعیتی ج.ا.ا و ارائه سناریوهای محتمل»، فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره ۳۰۰.
- مینائی، حسین، حاجیان، ابراهیم، دهقان، حسین و جعفرزاده، فروزنده (۱۳۹۵)، «تعیین پیشران‌های اصلی دیپلماسی دفاعی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی»، مجله آینده پژوهی دفاعی، سال اول، شماره ۱.
- وقوفی، امید، حاجیان، ابراهیم، قاسمی، علی اصغر (۱۳۹۶)، «تبیین عوامل و پیشران‌های کلیدی آینده یمن تا سال ۱۴۰۶»، مجله آینده پژوهی دفاعی، سال دوم، شماره ۴.
- یوسفی، اشکان، کشاورز ترک، عین الله و نهادی، هادی (۱۳۹۸)، «بررسی تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی دفاع مقدس بر آینده امنیت ملی ج.ا.ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ۱۷، شماره ۶۶: ۶۹-۹۶.
- Albekov, A.U. Parkhomenko, T.V. Polubotko, A.A. (2017). Green Logistics in Russia: The Phenomenon of Progress, Economic and Environmental Security, European Research Studies, Volume XX, Issue I: 13-21.
- Georghiou, L., Cassingena, J., Keenen, M., Miles, I. & Popper, R. (2012). Manual de prospectiva tecnológica. Conceptos y práctica [Technological Prospective Manual. Concepts and Practice]. Flacso México. Retrieved from:
- <http://www.flacso.edu.mx/publicaciones/novedades/Manual-de-prospectiva-tecnologica>.
- Godet, M. (1999). De la anticipación a la acción: Manual de prospectiva y estrategia [From anticipation to action: Prospective and Strategy Manual], México: Alfaomega.
- Jiménez, M. (2009). Herramientas para el análisis prospectivo estratégico. Aplicaciones MICMAC [Tools for strategic prospective analysis. Applications MICMAC]. Estado de México: Hersa Ediciones.
- Lanicci, John M. Ramsay, James D. Hope Murray, Elisabeth. (2017). Re-

conceptualizing Environmental Security as Resilience: Strategic Planning for Human and National Security, *Journal of Human Security and Human Resilience*, Volume 1, No. 1: 1-32.

- Mojica, F. (2005). La construcción del futuro. Concepto y modelo de prospectiva estratégica, territorial y tecnológica [Future construction. Concept and model of strategic, territorial and technology foresight]. Santafé de Bogotá: Universidad Externado de Colombia.
- Schilling, Janpeter. Louise Nash, Sarah. Ide, Tobias. Scheffran, Jürgen. (2017). Resilience and environmental security: towards joint application in peace building, *Global Change, Peace & Security*, Volume 29, Issue 2: 1-

Key Factors Affecting Iran's Environmental Security in 1408 Horizon: An Explanation

Yashar Zaki¹

Sajjad Najafi²

Abstract

Security and its sustainably fulfillment for the citizens in every society is one of the most basic and primary duties and responsibilities of any government which requires all essential mechanisms to be met. One of the multifaceted dimensions of security is the environmental security, which may be taken for granted by governments specially in third world countries in comparison to other dimensions of the security, particularly the military one, while the threats arising from this dimension could inflict irreparable damage to the national interests and national security. Accordingly, this study seeks to identify the factors affecting the national environmental security that, in the first step, it counts 44 factors affecting the environmental security; in the second step, by forming an expert panel, it combines similar factors and identifies 20 factors. Then, using Friedman Model, it determines 10 important and effective factors and at the end, using Mikomak Futures Research Software and by means of Cross-matrix Analysis Method, it defines 3 key factors affecting the national environmental security in the 1408 horizon.

Key words: Security, National Security, Environmental Security, Threat, Futures studies.

¹Assistant Professor, Department of Political Geography, Faculty of Geography, University of Tehran: yzaki@ut.ac.ir
²Ph.D. candidate of Political Geography, University of Tehran (Corresponding Author): najafi.s@ut.ac.ir

Explaining the Relationship between Geography and National Identity in the Perspective of Geographical Narrative

Maryam Rahmani

Yadollah Karimipour

Ataollah Abdi

Morad Kaviani rad

Abstract

After the collapse of the former Soviet Union and the emergence of new phenomena of globalization and cyberspace, in some societies, ethnic and local identities gradually face each other which this challenges social security. This situation leads to a fundamental change in the concept of security and closely connects it with national identity. Therefore, it is necessary to recognize the factors affecting the stability and convergence of land that greatly contributes to national security, specially in societies full of biodiversity and varied cultures. Considering the importance of the issue as a research foundation in this field, which is a gap in the current works, it takes a high significance to be entered and studied. As human identity is crystallized in the context of geography, there exists an undeniable relationship between geography and identity. This relationship takes shape in the geographical context in which the phenomenon of national identity is framed, and its study requires methodological contexts based on understanding and awareness. Accordingly, in this study, using qualitative analysis methods, we investigated the relationship between geography and national identity. Geographical space, which is the arena of maneuver for the relationship between man and the environment, donates a unique meaning to human being in its own place, that “being in Heidegger’s world” is crystallized as spatial identity. Spatial identity in the territorial context, by creating a conceptual border, inspires the synthesis of different narratives within the territorial context, the one of which is the geographical narrative that takes place in the form of national identity.

Key words: Spatial identity, Territorial context, Geographical narrative, National identity.

Impact of Pakistan's Geopolitical Factors on Iran's Defense Policies (Military Factors: A Case Study)

Mahdi Mahdavizadeh

Aliasghar Esmaeelpoorrowshan

Abstract

The term geopolitics, having seen many ups and downs, is used by politicians in international literature and discourse for a little over a century to reflect views in the field of international relations. In Iran, after the rise of Islamic Revolution, the slogan “neither East nor West” signified the adoption of an independent defense policy by the founder of the Revolution (RA) which was rooted in the divine goals of Islamic school; therefore, thinkers of military strategies were inspired to more deeply consider geopolitics and its sub-disciplines in order to develop the national defense policies. In the same vein, the purpose of this study is to delve into “the impact of geopolitical factors in Pakistan on Iran's defense policies (a case study of military factors) in the type of an applied research and a descriptive-analytical one in terms of method. The population of this study is 60 people and the outcome indicates that “defense policies, security and development of military capabilities; military power and quantitative and qualitative capability of the armed forces; military facilities and industries and contracts and defense agreements forged by Pakistan” have affected Iran's defense policies.

Key words: Geopolitics, Defense Policies, Pakistan, Military Factors.

Revolutionary Drivers of Justice Based on the Declaration of the Second Step of the Revolution: Role in Crisis Management

Ehsan Roham¹

Abstract

The statement of the second step of the Revolution could be considered a comprehensive and complete program in line with the ideals and goals of the Islamic Revolution on the eve of the 5th decade of the revolution by the supreme leader (PH). Following, the main purpose of this study is to explain the role and position of revolutionary drivers based on the statement of the second step of the Revolution in order to achieve justice and prevent/manage crisis based on the statement of the mentioned step.

The type of this research is fundamental and applied in terms of subject matter that, given the exploratory nature of the research, the hypothesis is not proposed and the data collection tool includes the use of library studies (search for documents and articles). In the end, the research findings show that maintaining and promoting the principles of justice and its indices will progress the Iranian society, while its failure could gradually break the national solidarity mosaic, which could create a security crisis in the long run.

Key words: security, second step statement, driver, justice, crisis.

Impact of Economic Sanctions on Iran's National Security: A Study

Narjes sadat hoseyni

Abstract

Today, the use of harsh sanctions against Iran as the main strategy to threaten the national security has replaced and complemented the military option. Therefore, soft threats due to their low cost, impact on software part of the national authority, non-use of violent methods, etc. are more than before considered by the enemies of the Islamic Revolution. Research has shown that sanctions and trade bans have a significant impact on the national security. In fact, sanctions have harshly affected Iran's exports and imports in recent years. Therefore, in addition to preventing Iran from entering trade markets, sanctions have posed a threat to Iran's security in the current situation; however, it has led to self-reliance and resistive economy. As the greatest impact of the current "transformed economy" on "national security" includes the right to comment and accountability, political stability, control of corruption, the rule of law, the quality of bureaucracy and the effectiveness of government, this type of economy fundamentally changes the shape and dimensions of the national security which, if not taken into consideration, it bears loads of destructive impacts, including the intensification of class strife, the bipolarization of society and the threat to social security given the unplanned access to information and communication technologies and the threat to societal values and the allocation of capital out of regarding the popular needs. In sum, economic sanction has led to economic problems, but it has brought up non-dependence for Iran in some spheres.

Key words: Iran, economy, sanction, globalization, national security.

The United States and Construction of Threat out of Iran's Missile Defense Program

Reza Baqeri¹

Mohammad Qeisari²

Abstract

The missile defense program is the overriding part of the Islamic Republic of Iran (IRI)'s defense strategy to counter foreign threats. Despite the lack of an international legal ban on the development of Iran's missile defense program, the United States has consistently sought to securitize and portray it as a threat to international peace and security in order to restore the lost consensus on sanctions against Iran. In the Copenhagen School, securitization is equivalent to threatization, a phenomenon that is not necessarily a real danger, but the creation of a common belief that the phenomenon is a threat and it is needed to be countered. The securitization actor (US), representing an issue (Iran's missile defense program) as an existential threat, justifies immediate and exceptional measure for mitigation. Based on the research hypothesis, the US strategy to implement this approach is based on the two pillars of "range capability" and "warhead carrying" of Iranian missiles. In the same vein, the United States highlights the range of Iran's missiles to introduce it as a measure for expanding the range of the missiles for acquisition of intercontinental ballistic missiles (ICBM). On the other hand, it emphasizes the warhead capability to display the missiles as ballistic missiles carrying a nuclear warhead. The method used in this research is analytical-explanatory by means of library tools, documents, electronic resources and websites and statements of relevant authorities to collect data.

Key words: Iran's missile program, threat construction, Copenhagen school, missile range, warhead capability.

¹h.D. candidate in Regional Studies (majoring Europe)- Faculty of Law and Political Science, University of Tehran - Senior Researcher in European Affairs. (Corresponding Author: E-mail: bagheri68@ut.ac.ir)

²h.D. candidate in Political Science, Faculty of Humanities, Shahed University of Tehran, Tehran: Iran. Senior Researcher in Middle East Issues: E-mail: mosari83@gmail.com

The United States and Construction of Threat out of Iran's Missile Defense Program

Reza Baqeri, Mohammad Qeisari.....5

Impact of Economic Sanctions on Iran's National Security: A Study

Narjes sadat hoseyni.....33

Revolutionary Drivers of Justice Based on the Declaration of the Second Step of the Revolution: Role in Crisis Management

Ehsan Roham..... 57

Impact of Pakistan's Geopolitical Factors on Iran's Defense Policies (Military Factors: A Case Study)

Mahdi Mahdavizadeh, Aliasghar Esmaelpoorrowshan.....75

Explaining the Relationship between Geography and National Identity in the Perspective of Geographical Narrative

Maryam Rahmani, Yadollah Karimipour, Ataollah Abdi, Morad Kaviani rad.....105

Key Factors Affecting Iran's Environmental Security in 1408 Horizon: An Explanation

Yashar Zaki, Sajjad Najafi.....121

In the Name of GOD the all Merciful, the all Compassionate



Farabi S&T College

Quarterly of Passive Defense & Security

Vol.9, No.33, Winter 2020

ISSN: 360-2322X

Copyright Holder: Farabi Science and Technology College

Managing Director: Dr. Mostafa SaveDoroudi

Editor in chief: Dr. Mohammad Bagher Khorramshad

Executive Manager: Mohammad Hossien Panahi

Editor Literary: Arash Alavifar

Layout: Ali RoodgarSaffari

English Abstract: Mahdi Rasouli

Price: 100000 R

Editorial Board Members:

Dr. Mohammad Baqer Khoramshad

Professor of Political sciences of Allameh Tabatabaei University political sciences Faculty

Dr. Habibollah Sayyari

Professor of Strategic Management of Higher National Defense University

Dr. Farhad Javidrad

Professor of aerospace engineering of Shahid Sattari aerial Technics Sciences University

Dr. Mostafa Shahrezaee

Professor of Military Medicine AJA University of Medical Sciences

Dr. Alireza Estelaaji

Professor of Geography Faculty of Literature and Human Sciences, Islamic Azad University

Dr. Fatollah Rashidzadeh

Associate Professor of National Security Science and Technology Department of the Farabi

Dr. Habibollah Abolhassan Shirazi

Associate Professor of political Geography of Tehran University Geography Faculty

Address: Farabi Science and Technology College, Minicity Crossroad, Artesh Boulevard, Tehran.

Academic Advisors:

Mahdi Esmaeeli, Danial Heydari, Kaviani Rad, Mohsen Moradian, Abbas Maleki,
Afshin Mottaghi, Hamid Reza Nami, Pajhan, Hosein Rabiee, Mostafa Saveh Doroudi,
Jamshid Sharifian, Rahbar Taleei Hour, Ehsan Yari.

Tel: 29942678 **Fax:** 29942678

P.O.Box: 1695835683

Email: Farabiun@yahoo.com

Padafandmag@yahoo.com

Website: www.fstc.ac.ir